

آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای پیش روی ایرانیان در زیارت اربعین

گزارش پژوهشی
شهریور ۱۴۰۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

قال مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) ثابروا علی صلاح المؤمنین و المتقین غرر الحکم

گزارش پژوهشی

آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای پیش روی ایرانیان در زیارت اربعین

شهریور ۱۴۰۲

تهیه شده توسط گروه بررسی‌های راهبردی میراث
(وابسته به انجمن میراث اسلامی)

مدیر گروه: امیرمهدی مناقبی، Managhebi@mssint.com

مدیر پژوهشی: علیرضا رحمانی، Rahmani@mssint.com

همکاران:

پژوهش: امیر هاشمی مقدم (عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران)

ویرایش: مهدی صالحی

صفحه‌آرایی: علی‌اکبر محمدخانی

اطلاعات تماس:

۰۲۱-۲۶۴۰۸۰۴۷

www.mssinst.com

Contact@mssint.com



گروه بررسی‌های راهبردی

برای دریافت گزارش‌ها و اطلاع از فعالیت‌های گروه می‌توانید
علاوه بر سایت در شبکه‌های اجتماعی ما را دنبال کنید:

[mssinst](https://www.instagram.com/mssinst) [mss.inst](https://www.facebook.com/mssinst) [mssinst](https://www.linkedin.com/company/mssinst) [mssinst](https://www.youtube.com/channel/UCmssinst) [mssinst](https://www.tiktok.com/@mssinst)

معرفی گروه

مأموریت گروه بررسی‌های راهبردی میراث، گفت‌وگو، تحلیل و پژوهش هدفمند پیرامون مسائل اجتماعی- فرهنگی شیعیان ایران و تدوین و ترویج راهکارهای جدید برای سیاست‌گذاران، نخبگان و مردم است. ما در این راستا در سایه بهره‌مندی از دانش خبرگان و تجربه کنشگران به ارائه پیشنهادات کاربردی در سطح سیاست‌گذاری و مسائل راهبردی خواهیم پرداخت؛ به عبارت دیگر از دل دانش و تجربه، پیشنهادهایی کاربردی برای مسائل راهبردی به دست خواهیم داد.

اهداف ما عبارت‌اند از:

۱. ارائه تصویری روشن از آینده، مسائل و راهکارها؛
۲. افزایش آگاهی عمومی به مسائل راهبردی؛
۳. رایزنی و تلاش در جهت تحقق راهکارهای مطرح‌شده.

بیانیه‌مسئولیت

گزارش پیش رو بر اساس روش‌های علمی تهیه شده است و ما مسئول کیفیت آن هستیم. شایان ذکر است که محتوای گزارش صرفاً بازتاب نظر جمعی از خبرگان است که الزاماً بیانگر دیدگاه‌های رسمی گروه نمی‌باشد.

تقدیر

از یکایک بزرگواران و یاورانی که ما را در تهیه این گزارش همراهی و هم‌پاری کردند، کمال تقدیر و تشکر را داریم؛ مصاحبه‌شوندگان گرانقدر، مشاوران حامی، واسطه‌های ارزشمند ارتباطی و حامیان مالی نیکوکار.

تقاضا

از جمله اهداف این گزارش، توسعه گفت‌وگو پیرامون چالش‌ها و راهکارهای پیش روی ایرانیان در زیارت اربعین است. از مخاطبان محترم صمیمانه خواستاریم نقدها و نظرات خود را پیرامون محتوای این پژوهش با ما و سایر علاقه‌مندان به صورت عمومی به اشتراک بگذارند. نقد این گزارش از بهترین بازخوردها برای ما خواهد بود.

فهرست

۱. بیان مساله

۸

۸

۱.۱. مقدمه

۱۰

۱.۲. پیشینه پژوهش

۱۲

۱.۳. روش انجام پژوهش

۱۸

۲. یافته‌ها

۱۸

۲.۱. آسیب‌های بیان‌شده در منابع موجود

۲۰

۲.۲. آسیب‌های شناسایی‌شده در این پژوهش

۲۱

۲.۲.۱. مسائل دولتی

۲۳

۲.۲.۱.۱. ضعف زیرساخت‌ها

۲۵

۲.۲.۱.۲. ناهماهنگی میان نهادهای متولی ایران

۲۵

۲.۲.۱.۳. ناهماهنگی میان نهادهای دولتی ایرانی و عراقی

۲۶

۲.۲.۱.۴. دولتی‌شدن اربعین

۲۸

۲.۲.۲. رقابت میان نهادها

۲۸

۲.۲.۳. ایجاد انتظار بیش از حد در زائران

۲۹

۲.۲.۴. چالش‌های امنیتی

۳۰

۲.۲.۵. نبود نظارت و مدیریت مناسب

۳۲

۲.۳. مسائل فرهنگی اجتماعی

۳۲

۲.۳.۱. تفاوت‌های فرهنگی

۳۳

۲.۳.۱.۱. بحث بهداشت

۳۵	۲.۳.۱.۲. بحث خوراک
۳۵	۲.۳.۱.۳. بحث رفتارهای دینی
۳۵	۲.۳.۱.۴. بحث آداب و رسوم
۳۷	۲.۳.۲. تنش‌های فرهنگی
۴۱	۲.۳.۳. مشکلات بانوان
۴۲	۲.۳.۴. شایعات
۴۴	۲.۳.۵. انتظارات نابجا از میزبانان
۴۶	۲.۳.۶. انتظارات متقابل عراقی‌ها
۴۷	۲.۳.۷. ایرانی کردن اربعین
۴۹	۲.۳.۸. نگاه برتری‌جویانه
۵۰	۲.۳.۹. رقابت میان ایرانی‌ها و عراقی‌ها
۵۲	۲.۳.۱۰. رفتارهای هنجارشکنانه
۵۲	۲.۳.۱۱. رفتارهای کج‌روانه
۵۳	۲.۳.۱۲. الگوهای رفتاری نادرست
۵۵	۲.۳.۱۳. احساس تبعیض
۵۵	۲.۴. مسائل محیط‌زیستی
۵۶	۲.۵. مسائل دینی
۵۶	۲.۵.۱. تقابل شیعه و سنی
۵۷	۲.۵.۱.۱. تجمیع و تقویت هویت شیعی
۵۷	۲.۵.۱.۲. آفرینش بدیل برای مراسم حج
۵۹	۲.۵.۱.۳. گسترش احساس نارضایتی در اهل سنت ایران
۶۱	۲.۵.۲. مجادلات میان شیعیان در مسیر
۶۲	۲.۵.۳. به‌حاشیه‌رفتن بنیان‌های دینی
۶۴	۲.۵.۴. مخدوش شدن چارچوب مطلوب زیارت اربعین از منظر درون‌دینی
۶۴	۲.۵.۴.۱. نفی لذت‌جویی
۶۴	۲.۵.۴.۲. توصیه به آرامش و سکوت
۶۴	۲.۵.۴.۳. افتادگی و فروتنی
۶۴	۲.۵.۴.۴. توجه و دستگیری از همراهان
۶۵	۲.۵.۴.۵. توجه مداوم به خدا
۶۵	۲.۵.۴.۶. مداومت بر اعمال عبادی
۶۵	۲.۵.۴.۷. ظلم‌ستیزی

۶۵	۲.۵.۴.۸. مسائل سیاسی و بین‌المللی
۶۷	۲.۵.۴.۸.۱. اثرگذاری بر روابط منطقه‌ای ایران
۶۸	۲.۵.۵. تبلیغات منفی رسانه‌های مخالف علیه اربعین
۶۹	۲.۶. مسائل اقتصادی
۶۹	۲.۶.۱. از نگاه منتقدان
۷۲	۲.۶.۲. از نگاه زائران
۷۴	۲.۷. مسائل گردشگری

۲۸. ۳. راهکارها و پیشنهادهای

۸۱	۳.۱. پیشنهادهای حوزه دولتی
۸۱	۳.۱.۱. کم‌رنگ‌تر کردن نقش دولت
۸۳	۳.۱.۲. تمرکز دولت بر تأمین امنیت و زیرساخت‌های مراسم
۸۳	۳.۲. پیشنهادهای حوزه فرهنگی اجتماعی
۸۳	۳.۲.۱. آشنا کردن زائران ایرانی با فرهنگ عراق
۸۴	۳.۲.۲. آشنا کردن میزبانان عراقی با فرهنگ زائران ایرانی
۸۴	۳.۲.۳. یاری جستن از میانجی‌های فرهنگی
۸۴	۳.۲.۴. همکاری میان ایرانیان و عراقیان در برپایی موكب مشترك
۸۵	۳.۲.۵. تدوین دستورالعمل برای نهادها و افراد مرتبط با زائران ترانزیتی کشورهای دیگر
۸۵	۳.۲.۶. تمرکز ایرانی‌ها بر مسیر اصلی نجف تا کربلا
۸۵	۳.۳. پیشنهادهای حوزه محیط‌زیست
۸۵	۳.۳.۱. تمرکز بخشی از فعالیت‌های ایرانی‌ها بر حوزه محیط‌زیست اربعین
۸۶	۳.۳.۲. استفاده از ظروف یک‌بار مصرف تجزیه‌پذیر
۸۶	۳.۳.۳. استفاده از دستگاه‌های پلاستیک‌خردک
۸۶	۳.۳.۴. نذورات محیط‌زیستی
۸۶	۳.۳.۵. آینده‌نگری برای مسائل محیط‌زیستی
۸۶	۳.۴. پیشنهادهای حوزه دینی
۸۶	۳.۴.۱. رفع احساس تقابل اربعین با حج
۸۶	۳.۴.۲. رفع احساس تقابل با اهل سنت
۸۷	۳.۴.۳. توجه به حساسیت‌های اهل سنت ایران
۸۷	۳.۴.۴. تمرکز بر اصل و هدف مراسم اربعین

۸۷	۳.۵. پیشنهادهای حوزه سیاسی
۸۷	۳.۵.۱. کاستن از بار سیاسی مراسم
۸۷	۳.۵.۲. استفاده از توان رسانه‌های غیردولتی
۸۷	۳.۵.۳. آموزش زائران
۸۸	۳.۶. پیشنهادهای حوزه اقتصادی
۸۸	۳.۶.۱. شفافیت نهادها در بیان هزینه‌های اربعین
۸۸	۳.۶.۲. کاهش استفاده از اموال عمومی در اربعین
۸۸	۳.۶.۳. ارائه مشوق‌های اقتصادی به اهل سنت
۸۸	۳.۶.۴. توجیه زائران درباره هزینه‌های سفر
۸۸	۳.۷. پیشنهادهای حوزه گردشگری
۸۸	۳.۷.۱. ارائه خدمات مشابه به دیگر ایرانیان
۸۹	۳.۷.۲. تلاش در جذب غیرمذهبی‌ها

۸۹ ۴. جمع‌بندی پیشنهادها و راهکارها

۸۹	۴.۱. محور ۱، پیشنهادهای ناظر به نقش دولت
۸۹	۴.۱.۱. حفظ کرامت زائران و حفظ ارزش مردمی اربعین
۸۹	۴.۱.۲. مدیریت جمعیت
۹۰	۴.۱.۳. مدیریت و بهبود زیرساخت حمل‌ونقل در ایران و عراق
۹۰	۴.۱.۴. ارائه تصویر درست و راهنمای زائر
۹۰	۴.۲. محور ۲، پیشنهادهای ناظر به نقش جامعه و فرهنگ
۹۰	۴.۲.۱. ارائه محتوا به روحانیون و چهره‌های مذهبی اثرگذار
۹۰	۴.۲.۲. تهیه محتوای چندرسانه‌ای در بستر رسانه‌های مذهبی
۹۰	۴.۲.۳. پیشنهاد الگوی مطلوب خدمات‌رسانی به موکب‌داران ایرانی
۹۱	۴.۲.۴. تقبیح سویه‌های کارناوالی در پیاده‌روی اربعین

۹۱ ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۹۲ کتابنامه

۹۵ پیوست‌ها

۱. بیان مسأله

۱.۱. مقدمه

سفرهایی که با انگیزه‌های معنوی و مذهبی انجام می‌شود، برخلاف تصورات ابتدایی، به‌جای آنکه روند کاهش داشته باشد، در جهان روند افزایشی را نشان می‌دهد (تیموتی و السن، ۱۳۹۲: ۱۳). تجربیات جهانی نیز این مدعا را تأیید می‌کند. برای نمونه می‌توان به پیاده‌روی معروف کامیونوا^۱ در اسپانیا اشاره کرد که میلیون‌ها زائر مسیحی را در دوران معاصر به خود جذب کرده است (فری، ۱۹۹۸). رویداد پیاده‌روی اربعین را نیز می‌توان در همین چارچوب بررسی کرد. پیشینه تاریخی این مراسم به واقعه جان‌سوز کربلا باز می‌گردد؛ اما به‌مثابه آیین و مناسکی جمعی و همگانی، تاریخی طولانی ندارد. نشانه‌هایی در دست است که از دو سده پیش، برخی علمای شیعه برای روز اربعین از نجف یا دیگر شهرهای عراق، با پای پیاده به کربلا می‌رفتند. در دوره حاکمیت حزب بعث، این آیین رنگ‌وبوی سیاسی به خود گرفت و با مواجهه خشن و کشتار دستگاه حکومت عراق روبه‌رو شد. با سرنگونی دولت صدام در سال ۱۳۸۲، شیعیانی که سال‌ها مشتاق زیارت آزادانه آرامگاه امامان در کربلا و دیگر شهرهای عراق بودند، به آرزوی خود رسیدند (شرافت، ۱۳۹۷: ۱۴). در واقع هم‌نشینی تحولاتی که در تاریخ اجتماعی شیعیان رخ داده با دسترسی‌های فزاینده بین‌المللی

۱. Camino. معروف به راه سنت جیمز یا جاده سانتیاگو، راه‌هایی است که از اسپانیا به‌طرف مدفن سنت جیمز یا یعقوب حواری در شبه‌جزیره ایبریا می‌رسد. بنابراین، بسته به اینکه از کجا این پیاده‌روی آغاز شده، مسیر متفاوت خواهد بود. به‌طور سنتی، پیاده‌روی از خانه آغاز می‌شود و تا آرامگاه سنت جیمز ادامه دارد. اصلی‌ترین راه از شهر خاکا (Jaca) در نزدیکی مرز فرانسه آغاز می‌شود و پس از ۸۰۰ کیلومتر به سانتیاگو می‌رسد؛ چراکه به‌طور تاریخی، از فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی نیز در این مراسم پیاده‌روی شرکت می‌کنند. برخی پیاده‌روی‌ها بیش از یک ماه به درازا می‌کشد تا افراد به زیارتگاه برسند.

به امکان‌های سفر در دهه‌های اخیر، آیین پیاده‌روی اربعین را به نوعی توسعه مضاعف و همچنین به یکی از پدیده‌های مذهبی کلان در مقیاس جهانی در سال‌های اخیر تبدیل کرده است.

از اواخر دهه ۸۰ حضور ایرانیان نیز در رویداد پیاده‌روی اربعین آغاز شد و در سال‌های آغازین دهه ۹۰ حالتی بسیار شتابان به خود گرفت، تاجایی که در آخرین آیین پیاده‌روی اربعین در سال ۱۴۰۱ حدود ۳ میلیون زائر ایرانی حضور یافتند.^۲ این شمار زیاد زائران مشکلاتی را در مرز در پی داشت که در سال‌های پیش، در این گستره رخ نداده بود.

این حجم گسترده از حضور ایرانیان در چنین آیینی کارکردهای مهمی دارد؛ مانند انسجام تشیع، کاهش کدورت و کینه با مردم کشوری که هشت سال با یکدیگر جنگیده بودند، تجربه مواجهه و ارتباط با مردمانی از سایر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان و... البته به‌طبع، این مراسم از پیامدهای منفی و آسیب‌زا نیز نمی‌تواند در امان باشد. «مناسک زیارتی با این حجم جمعیت از کشورها و فرهنگ‌های مختلف قطعاً با آسیب‌ها و انحرافات روبه‌رو می‌شود و ممکن است سبب دشواری‌ها و ازهم‌پاشیدگی وحدت مسلمانان و شیعیان شود» (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۱۶). از سوی دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، افزایش شمار افرادی که در جهان مدرن به سفرهای مذهبی و معنوی می‌روند، در حال افزایش است و همین افزایش بر پیچیدگی ماجرا می‌افزاید. بنابراین در بحث پیاده‌روی اربعین، باید به این نکته نیز توجه کرد و صرف افزایش کمی شمار زائران را نباید به‌سادگی و در قالب کلیشه‌های رایج برای موفقیت سیاست‌گذاری‌های دینی یا بازگشت قدرت دین نهادی طبقه‌بندی و تحلیل کرد. این نوع نگاه ممکن است با خود، موضوعاتی نه‌تنها از جنس زیرساخت‌ها، بلکه از جنس معرفت‌شناسی نیز به همراه داشته باشد.

وجود پیامدهای منفی در چنین محیطی و با این شمار عظیم از زائران ایرانی کاملاً طبیعی است و حتی باید مدعی شد بسیار کمتر از حد انتظار است. شاید آنچه موجب می‌شود این آسیب‌ها اندک باشد، فضای معنوی حاکم بر این آیین است که قطعاً از رخ‌دادن بسیاری از مسائل پیشگیری می‌کند. به‌هرحال، نباید و

نمی‌توان تلقی صرفاً مثبت از پدیده‌های بزرگ داشت؛ زیرا بزرگی هر پدیده اجتماعی به معنای آن است که پیامدهای خواسته و ناخواسته متنوعی در دل آن وجود دارد و چه بسا ممکن است حتی شناخت دقیقی از آن‌ها وجود نداشته باشد. در این میان، پیش‌بینی‌پذیر است که آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی متنوعی هم حسب معیارهای دستگاه‌های سیاست‌گذار یا نظام‌های ارزشی مختلف شناسایی شود. وجود همین آسیب‌های اندک نیز گاهی خود را به‌شکلی بسیار برجسته و مهم نشان می‌دهد. به‌ویژه، باتوجه به حساسیت برخی کشورهای منطقه و رسانه‌های بین‌المللی به نزدیکی دو کشور ایران و عراق و هم‌بستگی میان شیعیان، برجسته‌کردن بیش‌ازحد برخی از این آسیب‌ها از سوی رسانه‌های وابسته به آن‌ها طبیعی است. ضمن آنکه، باتوجه به افزایش سال‌به‌سال حضور زائران ایرانی و غیرایرانی در این مراسم، احتمال پررنگ‌ترشدن این آسیب‌ها نیز وجود دارد که لازم است تدابیری در این زمینه اندیشید. برای نمونه، در اربعین ۱۴۰۱ شمار زائران ایرانی که در هنگام پیاده‌روی از دنیا رفتند، زیاد بود. برپایه آمار رسمی سازمان حج و زیارت، تا روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، دست‌کم ۹۳ نفر فوت کردند. این سازمان اعلام کرد که آمار یادشده فقط شمار کسانی است که در سامانه سماح ثبت‌نام و خود را بیمه کرده‌اند. بنابراین از شمار هویت ایرانیانی که در این سامانه ثبت‌نام نکرده‌اند و در اربعین از دنیا رفته‌اند، اطلاع و جزئیاتی در دست نداریم.^۲ دقت کنیم که ۲۵ شهریور، یک روز مانده به اربعین است و به احتمال زیاد این آمار افزایش پیدا کرده است. بخش زیادی از این افراد به سبب تصادف یا آتش‌سوزی یا انفجار ناوگان عمومی حمل‌ونقل و همچنین گرم‌زدگی در مرز یا در طول راه از دنیا رفته‌اند. کافی است به برخی رسانه‌ها که حوادث ایام اربعین را پوشش می‌دادند، نگاهی بیندازیم.^۳ بسیاری از این حوادث منجر به مرگ را می‌شود با آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی به‌موقع کاهش داد یا از میان برداشت. باین‌همه به نظر می‌رسد که هنوز از آنچه در بستر

واقعیت زیارت و پیاده‌روی اربعین رخ می‌دهد، شناخت عمیق و دقیق نداریم. به همین سبب، به مجموعه متنوعی از پژوهش‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نیاز است تا بتوانیم ابعاد مختلف این پدیده را در نسبت با جامعه ایرانی و عراقی و اوضاع میان‌فرهنگی آن بازشناسی کنیم. تاکنون این آسیب‌ها یا به‌شکل انتقادات شفاهی (رحمانی، ۱۳۹۷: ۳۹۵) یا به‌شکل پراکنده در دل‌نوشته‌های مرتبط با اربعین مطرح شده است. در این پژوهش که به‌هیچ‌وجه ادعای کامل‌بودن و پوشش همه ضعف‌ها و کاستی‌های پژوهش‌های پیشین را ندارد، برآنیم تا نخست آسیب‌های عمده رویداد پیاده‌روی اربعین را شناسایی و دسته‌بندی کرده، آنگاه ضمن توصیف و تشریح آن‌ها، راهکارهایی برای کاهش یا برطرف‌کردنشان پیشنهاد دهیم. در این راه قطعاً تمرکز ما بر آسیب‌هایی است که یا ایرانیان، چه بخش دولتی و چه زائران، عامل ایجاد آن هستند یا نتایج آن‌ها متوجه ایرانیان می‌شود. در این پژوهش، منظور ما از آسیب، آن دسته از رفتارها یا پیامد رفتارهای مرتبطان به رویداد پیاده‌روی اربعین است که به زیان زائران، میزبانان، متولیان، حامیان یا تشیع و خود رویداد است.

همچنین، باتوجه به اهمیت جامعه مدنی و بخش غیردولتی برای گروهِ بررسی‌های راهبردی میراث، راهکارهای بیان‌شده در این گزارش نیز بیشتر به همین بخش‌ها معطوف است؛ اگرچه باتوجه به حضور پررنگ بخش دولتی در این مراسم، بسیاری از پیشنهادها و راهکارها به بخش دولتی هم مربوط خواهد بود. درباره کارکردهای مثبت اربعین، هم نهادهای دولتی و رسانه‌های رسمی و هم نویسندگان، مطالب فراوانی بیان کرده‌اند. با هدف کاربردی‌بودن پژوهش حاضر، از بیان دوباره کارکردهای مثبت اربعین در این نوشتار پرهیز کرده‌ایم و فقط بر جنبه‌های انتقادی و آسیب‌های این رویداد که بهتر است برطرف یا کم‌رنگ شود، تأکید و تمرکز کرده‌ایم. بی‌گمان تأکید این پژوهش بر آسیب‌های رویداد به‌هیچ‌وجه به معنای نادیده‌گرفتن ابعاد مثبت آن نیست. چه اینکه «سلامت این منسک [پیاده‌روی اربعین] و مصون‌ماندن آن از انحراف، سهم مهمی در بقای مقتدرانه تشیع و حفظ هویت شیعی داشته و دارد» (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

۳. <https://www.isna.ir/news/00062051189>

۴. <https://tejaratnews.com> / آمار-جانباختگان-اربعین-۱۴۰۱-

❖ ۱.۲. پیشینه پژوهش ❖

حضور میلیونی زائران ایرانی در رویداد پیاده‌روی اربعین، قطعاً از نگاه پژوهشگران، نویسندگان، رسانه‌ها و به‌طور کلی، اهل قلم و فرهنگ به‌دور نمانده و هر ساله محصولات نوشتاری یا دیداری بسیاری در این زمینه تولید می‌شود.

کافی است بدانیم در تاریخ ۶ آبان ۱۴۰۱، با جست‌وجوی کلیدواژه «پیاده‌روی اربعین» در جست‌وجوگر گوگل، بیش از ۱۱ میلیون نتیجه نمایش داده شد. بیشترین آثار جدی تولیدشده درباره اربعین، سفرنامه‌ها هستند. بسیاری از این سفرنامه‌ها به‌شکل انفرادی منتشر شده است: دل به عشقت مبتلا شد (۱۳۹۹) نوشته محمد آقاسی؛ عمود ۱۴۰۰ (۱۳۹۶) نوشته علی‌اکبر ولایی؛ بلد راه؛ خاطرات خادمین ستاد مردمی راهنمای زائر اربعین (۱۴۰۰) نوشته عقیل منصوری؛ طیب مسیر (۱۳۹۹) نوشته الهام بن عباس؛ از این ستون به آن ستون (۱۳۹۸) نوشته محمدرضا وحیدزاده؛ به خدای درختان انجیر (۱۴۰۰) نوشته محسن حسن‌زاده؛ لبیک‌های زلال (۱۳۹۷) نوشته سیدمحمد مهدی رضوی‌پور؛ گلوله‌های داغ (۱۳۹۸) نوشته رضا کشمیری؛ پیاده تا بهشت (۱۳۹۷) نوشته جواد محمدزمانی؛ کاروان کلمات (۱۳۹۹) نوشته زهرا نیکبخت؛ خس بی‌سروپا (۱۳۹۸) نوشته حمید حسام؛ مسیل (۱۳۹۹) نوشته زهره عیسی‌خانی؛ مادرلند (۱۴۰۰) نوشته فاطمه تقی‌زاده؛ ازدحام بوسه (۱۳۹۸) نوشته نرگس مقصودی؛ درنگی در نجف (۱۳۹۵) نوشته جواد کلاته عربی و ده‌ها سفرنامه دیگر.

اما در کنار این سفرنامه‌های انفرادی، شماری هم سفرنامه جمعی منتشر شده که یا مجموعه سفرنامه‌هایی گردآوری شده به قلم افراد مختلف در یک کتاب است یا آنکه داستان‌هایی است از زبان زائران که نویسنده در طول سفر اربعین جمع‌آوری کرده است. برای نمونه، روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناختی از پیاده‌روی اربعین زیر نظر محمدرضا جوادی‌یگانه و محمد روزخوش (۱۳۹۷)، مجموعه ۲۰ سفرنامه پژوهشی مرتبط با پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۶ است که با دیدگاهی انسان‌شناختی یا جامعه‌شناختی درباره این رویداد نوشته شده است. همچنین پادشاهان پیاده (۱۳۹۶) کتابی است که

بهزاد دانشگر، به‌همراه محمدعلی جعفری در آن، روایت‌های زائران اربعین از کشورهای ایران و عراق و دیگر کشورها را گردآوری کرده‌اند. بهزاد دانشگر بعدها و در ادامه همین اثر، کتاب موکب آمستردام (۱۳۹۷) را منتشر کرد که خرده‌روایت‌هایی است از پیاده‌روی اربعین زائرانی که از اروپا به این رویداد آمده‌اند و نویسندگان در طول راه با آن‌ها گفت‌وگو کرده است.

شمار کتاب‌های ایرانیان درباره اربعین آن قدر است که تعدادی رمان و داستان نیز در میان آن‌ها جای دارد. در واقع، در این نوع آثار، نویسندگان سفر اربعین خود یا دیگری را دست‌مایه نگارش رمان یا داستان کوتاه کرده است. اربعین عاشقی (۱۴۰۰) نوشته نجمه جوادی، اربعین طوبی (۱۳۹۵) نوشته سیدمحسن امامیان، چای عراقی (۱۳۹۹) نوشته محمدرضا شرفی، این است، آن نیست؛ روایت‌های داستانی از دنیای اربعین (۱۳۹۷) نوشته تقی شجاعی و دیگران، سید من حسینی (۱۳۹۶) نوشته تقی شجاعی برخی آثار این حوزه است.

نکته جالب آنکه بعضی از این داستان‌های اربعین رنگ‌وبوی طنز به خود گرفته است و امکان دارد با گذر زمان، بخش بیشتری از سفرنامه‌ها به این سمت برود. او یافت مرا (۱۴۰۰) نوشته رضا عیوضی و همچنین جوادی کجایی؟ پیاده‌روی اربعین به روایت یک طنزچی (۱۳۹۸) نوشته فاطمه تقی‌زاده دو نمونه از این دسته است.

آثار ادبی مرتبط با اربعین فقط دربرگیرنده سفرنامه، رمان، داستان و طنز نیست. اشعار سفر اربعین نیز در حال یافتن موقعیت خویش‌اند. در پی بهار؛ سروده‌های زائر اربعین (۱۳۹۹) سروده مصطفی آژینی مهم‌ترین اثر در این زمینه است. حتی کتاب‌های راهنمای زبان عربی ویژه زائران اربعین نیز چاپ و منتشر شده است؛ مانند کتاب طب‌الحب؛ جملات و اصطلاحات کاربردی ویژه اربعین (۱۴۰۱) به همت زهرا کثیری.

همه این آثار و حجم و گستردگی آن‌ها که سال‌به‌سال بر آن افزوده می‌شود، از توجه ویژه ایرانیان یا دست‌کم بخش شایان توجهی از آنان به رویداد و تولید محتوا و متن درباره آن نشان دارد. اما خارج از حوزه ادبیات اربعین، حوزه اجتماعی بیشترین آثار را به خود اختصاص داده است. کتاب روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و

جامعه‌شناختی از پیاده‌روی اربعین که پیش‌تر به آن اشاره شد، یکی از این کتاب‌هاست که در مقالات سفرنامه‌ای آن برخی رفتارها و پدیده‌ها و آسیب‌های اجتماعی، بیان و بررسی شده است.

پیاده‌روی اربعین؛ تأملات جامعه‌شناسی (۱۳۹۷) اثر مهم دیگری در این حوزه است. در این کتاب، شماری از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نسل جوان ایرانی، زیر نظر محسن حسام مظاهری، این پدیده را از زوایای گوناگون اجتماعی بررسی کرده‌اند. آخرین مقاله این کتاب، نوشته خود محسن حسام مظاهری است و بیش از دیگر مقالات کتاب یادشده با موضوع پژوهش حاضر مرتبط است. مظاهری در مقاله‌ای با نام «اربعین ایرانی؛ رشد تصاعدی آمار ایرانی‌ها در پیاده‌روی اربعین، دلایل و پیامدها» شش پیامد عمدتاً منفی را از پیامدهای حضور گسترده و روزافزون ایرانیان در این رویداد می‌داند: تغییر در الگوهای فرهنگ مذهبی، تغییر در سازمان و ساختار دینی، حساسیت‌زایی سیاسی، تنازع گفت‌مانی شیعه، تعمیق شکاف شیعه و سنی، ایرانی‌کردن اربعین؛ حافظ نجفی در فصل سوم کتاب پیاده‌روی اربعین؛ فرصت‌ها، آسیب‌ها و توصیه‌ها (۱۳۹۸)، برخی آسیب‌ها و کاستی‌های این آیین را برمی‌شمارد و سپس تلاش می‌کند راهکارهایی برای آن‌ها ارائه دهد. از نگاه نویسنده این کتاب، بی‌نظمی، کم‌حوصلگی و کم‌ظرفیتی، مزاحمت و آزار دیگران، انحصارطلبی و خودخواهی، دوری از اهداف معنوی، تبلیغ بیش‌از‌حد برای راهپیمایی اربعین، آلودگی محیط‌زیست و نداشتن وسایل سفر بعضی از آسیب‌های جدی این رویداد است.

دست‌کم سه مقاله دیگر نیز می‌توان در نشریات تخصصی درباره آسیب‌های رویداد یافت. نخست مقاله‌ای با نام «آسیب‌شناسی میدانی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی از زاویه فرهنگ زیارت در اسلام» که محمدسعید نجاتی در فصلنامه زیارت (۱۳۹۶) منتشر کرده و در آن آسیب‌ها و کاستی‌ها را چنین بر می‌شمارد:

بی‌توجهی به تفاوت‌های فرهنگی میان ملت ایران و عراق، کم‌توجهی به آداب زیارت و وجود زمینه‌ها و خطر اختلاف و نزاع میان عزاداران، ضعف سیستم آموزش زبان عربی و تمرکز بر مسیر کربلا و نجف،

ترویج روحیه عجب و رجای بیش از حد، کمبود نغمه‌های مناسب و دوزبانه و وجود برخی نغمه‌های نامناسب، وجود عوامل غفلت‌زا، کمبود برنامه و نیرو برای تبلیغ کودکان، عزاداری‌های خرافی و عوامانه، نیاز به جهت‌دهی نذرها و خیرات موکب‌ها، وجود جریان‌های انحرافی، وجود برخی غذاهای تجملاتی و غذاهای فوری مضر، ضرورت تمرکززدایی از روز اربعین و ساماندهی کاروان‌های بانوان، اسراف، انباشت زباله و آلودگی محیط‌زیست.

او این نکات را در سه حوزه مدیریت راهبردی و محتوایی فرهنگی و مدیریت اجرایی فرهنگی و فرهنگ عمومی و معاشرتی دسته‌بندی کرده است.

مقاله مرتبط دیگر «آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی؛ بررسی جامعه‌شناختی» نام دارد که غلامرضا تاجبخش در دوفصلنامه شیعه‌پژوهی (۱۴۰۱) منتشر کرده است. برپایه یافته‌های او:

آسیب‌هایی که پیاده‌روی اربعین را تهدید می‌کند، عبارت است از: تفاوت‌ها و تعارضات فرهنگی، رقابت موکب‌های ایرانی و تخریب الگوی سنتی اربعین عراقی، آسیب‌های اجتماعی، عرفی‌شدن، اسراف و تبذیر، پس‌ماندها و آلودگی محیط‌زیست، کم‌توجهی به واجبات دین، وجود فرقه‌های انحرافی، شکاف سنی‌شیعی و دولتی‌شدن اربعین (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۱۴).

مرتضی غرسبان نیز در مقاله‌ای با نام «راهپیمایی اربعین؛ ظرفیت‌ها و آسیب‌ها» (۱۳۹۶) که در نشریه مبلغان منتشر کرده، دیدگاهش را درباره آسیب‌های این رویداد این‌گونه بیان کرده است: «دخالت دولت ایران در سامان‌دهی اربعین و دخالت دولت عراق در تدبیر امور زائران به‌جای تأمین زیرساخت‌ها، ازجمله موارد آسیب‌زاست» (غرسبان، ۱۳۹۶: ۱۰).

در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالاتی که ابعاد دیگر اربعین را بررسی کرده‌اند نیز می‌توان آسیب‌شناسی‌هایی دید. برای نمونه، علی غلامی در بحث پایانی مقاله «مراسم آیینی اربعین حسینی؛ تلاش برای بازخوانی» که در مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین (۱۳۹۴) که مسعود معینی‌پور گردآوری کرده، آسیب‌شناسی نسبتاً مفصلی درباره این رویداد انجام داده و ۲۷ آسیب این رویداد را از دیدگاه خود نشان داده

شکلی که اکنون در جریان است، در بر می‌گیرد. سر دیگر آن، مخالفان صددرصدی برگزاری پیاده‌روی اربعین هستند: چه آن گروهی که این شیوه برگزاری اربعین، مثلاً حضور پررنگ نهادهای دولتی بهانه مخالفتشان بود و چه آن‌ها که به دلایل دینی یا ضددینی با این رویداد مخالفانند.

همان‌گونه که در بخش یافته‌ها نشان داده خواهد شد، تقریباً موافق صددرصدی درباره شیوه کنونی برگزاری رویداد وجود ندارد؛ بدین معنی که حتی موافق‌ترین افراد و نهادهایی همچون ستاد برگزاری اربعین هم به بخش‌هایی از برگزاری این آیین انتقاد دارند و معتقدند در صورت برطرف‌شدن آن‌ها، این رویداد بسیار بهتر برگزار خواهد شد. اما در سوی دیگر طیف، شماری منتقد و درواقع مخالف صددرصدی می‌توان یافت که علل مخالفت این گروه با برگزاری آیین پیاده‌روی اربعین در بخش یافته‌ها بررسی خواهد شد. گروه اخیر کسانی هستند که تاکنون صدایشان رسماً شنیده نشده است. به دلیل غلبه رسمی نگاه موافقان، تقریباً کسی تمایل ندارد انتقاد یا مخالفتش با این رویداد را آشکارا بیان کند. حتی بعضی مصاحبه‌شوندگان این گروه نگرانی خود را از محفوظ‌ماندن اطلاعاتشان نزد پژوهشگر، چندین بار یادآوری کردند.

خبرگان نیز کسانی بودند که پیش‌ازاین درباره رویداد آثار نوشتاری یا سخنرانی داشتند. برپایه مطالعات اکتشافی و اسنادی اولیه مشخص شد، بخش شایان توجهی از آسیب‌ها به روابط میان دو کشور ایران و عراق باز می‌گردد؛ چه در بخش دولتی و چه در بخش مردمی و زائران. بنابراین با سه کارشناس و خبره عراقی نیز در این زمینه مصاحبه شد. گفتنی است که هر سه مصاحبه‌شونده زمانی طولانی در دوره صدام در ایران پناهنده و با زبان فارسی و مسائل ایران و فرهنگ زائران ایرانی به‌خوبی آشنا بودند.

در شیوه انجام مصاحبه نیمه‌ساختارمند یا همان مصاحبه عمیق، حد نصاب انجام مصاحبه تا آنجاست که به اشباع نظری^۵ برسیم. بر همین اساس، برپایه

است. هرچند بعضی از مطالب یادشده در این مقاله، بیش از آنکه آسیب باشد، راهکار برای بهترشدن این مراسم است. در بعضی سفرنامه‌های پیش‌تر معرفی شده نیز می‌توان آسیب‌ها و نقاط ضعف را عموماً با زبان توصیفی زائر برداشت کرد.

ایسپا، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، از سال ۱۳۹۵ نظرسنجی‌هایی را از زائران ایرانی اربعین هنگام بازگشت و ورود به خاک ایران انجام داده است. در بخشی از آن‌ها که میزان رضایت زائران سنجیده می‌شود، می‌توان به ضعف‌های این رویداد از نگاه زائران ایرانی پی برد.

شمار پژوهش‌هایی که درباره اربعین انجام شده، بسیار بیشتر از این فهرست است؛ اما نگارنده تلاش کرده به مهم‌ترین تحقیقات اشاره کند. تلاش ما بر آن است تا در این اثر، آسیب‌ها را برپایه منابع علمی موجود و گفت‌وگو با صاحب‌نظران و بررسی‌های میدانی پایش کنیم تا از یک سو بتوانیم تصویر دقیق و متوازن از مسائل این آیین به دست آوریم و از سوی دیگر، در وجه کاربردی بتوانیم طرح‌ها و پیشنهادهایی اجرایی و عملیاتی برای کاهش این مسائل مطرح کنیم.

❖ ۱.۳ روش انجام پژوهش ❖

برای گردآوری داده‌های این پژوهش از هر دو گروه روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش‌های میدانی استفاده شده است. با توجه به حجم بسیار منابع تولیدشده درباره پیاده‌روی اربعین که در بخش پیش به آن‌ها اشاره شد، داده‌ها به میزان زیادی وجود داشت و بنابراین در این پژوهش، داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای حجم زیادی را در بر می‌گیرد. این داده‌ها همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، کتب و مقالات علمی، سفرنامه‌ها، نتایج نظرسنجی‌ها و گزارش‌های رسانه‌ای را شامل می‌شد.

بخش میدانی پژوهش دربرگیرنده مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با سه گروه است: کارشناسان و خبرگان مرتبط و مطلع درباره رویداد پیاده‌روی اربعین، موافقان برگزاری آیین اربعین، منتقدان آن. درواقع، دو گروه اخیر را می‌توان در یک طیف تصور کرد که یک سر آن موافقان صددرصدی برگزاری رویداد را به همین

۵. زمانی که در مصاحبه‌ها دیگر به یافته تازه‌ای دست نیابیم و یافته‌های

تجربیات پژوهشگر به نظر آمد حدود ۱۵ مصاحبه ما را به اشباع نظری می‌رساند. باین‌حال، در برخی موضوعات ممکن است به تعداد بیشتری مصاحبه برای رسیدن به این اشباع نظری نیاز باشد. در خور یادآوری است که بخش شایان توجهی از یافته‌های این پژوهش، اسنادی است و بسیاری از سفرنامه‌نویسان یا پژوهشگران حوزه اربعین، پیش‌ازاین به برخی مطالبی که در مصاحبه‌ها بیان می‌شود، اشاره کرده‌اند. بنابراین همین میزان مصاحبه در این پژوهش نیز کافی به نظر می‌رسد؛ هرچند پژوهشگر برای رسیدن به اطمینان، عدد ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند را برای هر گروه از مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفت که مجموعاً حدود ۶۰ مصاحبه، بخش میدانی این پژوهش را در بر می‌گیرد. پس ۲۰ مصاحبه با نخبگان انجام شد که به‌دلیل پاسخ‌های کوتاه و سطحی یکی از ایشان، عملاً ۱۹ مصاحبه در این گروه به کار آمد. حدود ۲۰ مصاحبه با موافقان و حدود ۲۰ مصاحبه هم با مخالفان و منتقدان جدی این رویداد انجام شد.^۶ شیوه انجام مصاحبه‌ها این‌گونه صورت گرفت: یک مصاحبه حضوری؛ یک مصاحبه پیام صوتی در واتس‌آپ؛ یک مصاحبه ایمیلی؛ یک مصاحبه پیام صوتی در مسنجر فیس‌بوک؛ ده مصاحبه تلفنی؛ دوازده مصاحبه متنی و صوتی در بستر تلگرام و باقی مصاحبه‌ها هم به‌صورت پرسش‌وپاسخ در بستر پیام‌های اینستاگرام. امروزه بخش زیادی از زمان افراد در اینترنت می‌گذرد؛ بنابراین پژوهشگران نیز روش‌های پژوهشی خود را به فضای مجازی نیز کشانده‌اند (انگروزینو، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

جدول ۱. شیوه اجرای مصاحبه‌ها

تعداد	شیوه انجام مصاحبه	تعداد	شیوه انجام مصاحبه
۱۲	تلگرام	۳۴	اینستاگرام
۱	حضوری	۱۰	تلفنی
۱	ایمیل	۱	واتس‌آپ
۶۰	جمع کل	۱	فیس‌بوک مسنجر

جدول ۲. فهرست مشخصات خبرگان و کارشناسان مصاحبه‌شونده

ردیف	نام و نام خانوادگی	شغل / تخصص	شیوه انجام مصاحبه
۱	س. ک.	استاد گردشگری دانشگاه	تلفنی
۲	ع. ن.	پژوهشگر گردشگری دینی	تلگرامی
۳	م. ک.	ماموستا (روحانی کرد سنی)	واتس‌آپی

بیان‌شده در مصاحبه‌های پیشین تکرار می‌شود.

۶. کاربرد واژه «حدود» برای تعداد مصاحبه‌ها، با توجه به مرزی بودن بعضی مصاحبه‌شوندگان است که در مرز بین مخالف و موافق قرار داشتند. در واقع، این گروه در یک طیف قرار نمی‌گرفتند و مشخص نبود که جزو موافقان هستند یا مخالفان. بعضی انتقادات تند و تیزی به رویداد داشتند؛ اما بیشتر به این شیوه برگزاری بود تا به اصل مراسم.

تلگرامی	موکب‌دار اربعین	ع. ط.	۴
تلگرامی	دین پژوه	پ. ا.	۵
تلفنی	جامعه‌شناس	ح. ح.	۶
تلگرامی	جامعه‌شناس عراقی	ع. ط. ا.	۷
تلگرامی	کارشناس عراقی	ی. ع.	۸
فیس‌بوکی	نویسنده عراقی	غ. ح.	۹
تلگرامی	دین پژوه	ج. ر.	۱۰
تلگرامی	پژوهشگر	س. ج.	۱۱
تلفنی	جامعه‌شناس دین	ف. ز.	۱۲
تلگرامی	جامعه‌شناس	م. م.	۱۳
تلفنی و ایمیلی	دین پژوه	م. م.	۱۴
تلگرامی	کارشناس مسائل عراق	ع. م.	۱۵
تلگرامی	پژوهشگر گردشگری دینی	ن. ر.	۱۶
تلگرامی	کارشناس حوزه عراق	م. ش.	۱۷
تلگرامی	دین پژوه	م. ح. م.	۱۸
تلفنی	کارشناس حوزه عراق	ا. ش.	۱۹

جدول ۳. فهرست مشخصات مصاحبه‌شوندگان عادی

ردیف	نام و نام خانوادگی	شغل / تخصص	سن	حضور در اربعین	شیوه انجام مصاحبه
۱	ه. ک. (مرد)	مغازه‌دار مریوانی	۴۰	نه	تلفنی
۲	ب. پ. (مرد)	استاد دانشگاه	۴۸	نه	حضور
۳	آقای ر. (مرد)	بازاری	۶۵	بله	تلفنی
۴	خانم ق. (زن)	دبیر بازنشسته	۵۶	بله	تلفنی
۵	خانم ذ. (زن)	خانه‌دار	۳۶	بله	تلفنی

تلفنی	بله	۴۲	کارمند دانشگاه	آقای م. (مرد)	۶
تلفنی	نه	-	کارمند	خانم ه. (زن)	۷
اینستاگرامی	نه	۴۸	کارمند	م. ر. س. (زن)	۸
اینستاگرامی	نه	۳۸	نویسنده و پژوهشگر	ز. خ. (زن)	۹
اینستاگرامی		۳۲	ویراستار	ا. ر. (مرد)	۱۰
تلگرامی	نه	۲۶	برنامه‌نویس وب	پ. ا. (زن)	۱۱
اینستاگرامی		۳۲	برنامه‌نویس وب	م. ق. (مرد)	۱۲
اینستاگرامی	نه	۳۲	گلخانه‌دار	پ. ب. (مرد)	۱۳
اینستاگرامی	نه	۳۰	تعمیرکار ابزار صنعتی	ن. ف. (مرد)	۱۴
اینستاگرامی		-	دبیر بازنشسته	م. ع. (مرد)	۱۵
اینستاگرامی	بله	-	-	ح. ف. (مرد)	۱۶
اینستاگرامی		۴۶	هیئت‌علمی دانشگاه	ش. ض. (زن)	۱۷
اینستاگرامی	بله	۳۴	شغل آزاد	س. ب. (مرد)	۱۸
اینستاگرامی		-	متخصص بیهوشی	م. ر. آ. (مرد)	۱۹
اینستاگرامی	بله	-	-	م. د. (مرد)	۲۰
اینستاگرامی	-	-	برق‌کار	ع. ز. (مرد)	۲۱
اینستاگرامی	-	۲۶	دانشجو	م. م. (مرد)	۲۲
اینستاگرامی	بله	۲۴	مدرس زبان و روزنامه‌نگار	ن. ک. (زن)	۲۳
اینستاگرامی	نه	۳۹	طراح شهری	م. ب. (۱) (زن)	۲۴

اینستاگرامی	-	۳۶	معلم	میثم ^۲ (مرد)	۲۵
اینستاگرامی	بله	۲۸	بازرس فنی (موکبدار در عراق)	عماد (مرد)	۲۶
اینستاگرامی	-	-	-	پارسا (مرد)	۲۷
اینستاگرامی	-	۴۵	معلم	فاطمه (زن)	۲۸
اینستاگرامی	-	۲۶	معمار	زهرا (زن)	۲۹
اینستاگرامی	-	۳۵	-	فرشته (زن)	۳۰
اینستاگرامی	بله	۴۴	موکبدار، صاحب فروشگاه مجازی در اینستا	ناهد (۱) (زن)	۳۱
اینستاگرامی	-	-	-	ناهد (۲) (زن)	۳۲
اینستاگرامی	-	۳۷	تولیدکننده تجهیزات صنعتی	ا.ک (نام تجهیزات صنعتی) (مرد)	۳۳
اینستاگرامی	-	۴۱	دبیر زبان	ا.ل. (نام مؤسسه زبان) (زن)	۳۴
اینستاگرامی	-	۳۷	دانشجوی پست دکترا	ب.د. (نام مستعار) (زن)	۳۵
اینستاگرامی	بله	۳۵	مهندس الکترونیک	راضیه (زن)	۳۶
اینستاگرامی	نه	-	دانشجو	ا.ک. (مرد)	۳۷
اینستاگرامی	-	-	-	ع.خ. (مرد)	۳۸
اینستاگرامی	بله	۳۴	مرغداری	ص.پ. (مرد)	۳۹
اینستاگرامی	-	۴۱	کارشناس ارشد بانکداری	سپهر (مرد)	۴۰
اینستاگرامی	نه	۲۲	دکتری عمومی	ص.م. (مرد)	۴۱
اینستاگرامی	-	-	-	س.ر.م. (مرد)	۴۲

۷. نام‌های حساب اینستاگرامی که فقط یک واژه بود، ذکر شده است. اما حتی نام‌های مستعار چندکلمه‌ای یا نام مؤسسات و... به دلیل امکان یافته‌شدن در اثر جست‌وجو، همچون نام‌های واقعی فقط به شکل مخفف آمده است.

۴۳	س. ر. (مرد)	کوتاه و بدون استفاده ^۸	-	-	اینستاگرامی
۴۴	ا. ن. (نام مستعار) (زن)	کوتاه و بدون استفاده	-	-	اینستاگرامی
۴۵	ح. ش. (مرد)	کوتاه و بدون استفاده	-	-	اینستاگرامی
۴۶	م. ب. (۲) (مرد)	کوتاه و بدون استفاده	-	-	اینستاگرامی

آنکه ترسی از شناخته شدن داشته باشند.^۹ سپس متن همه مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری درآمد تا استخراج مقولات و دسته‌بندی‌ها آسان‌تر انجام شود.

البته دو جلسه نشست هم با برخی مسئولان ستاد مرکزی اربعین برگزار و با آنان نیز در این زمینه رایزی شد. این نشست‌ها پس از نگارش نسخه اولیه گزارش و ارائه آن به بعضی مسئولان این ستاد انجام پذیرفت و باعث شد اعضای یادشده، برخی دیدگاه‌هایشان را درباره این گزارش بیان کنند. از این دیدگاه‌ها در نسخه نهایی این گزارش استفاده شده است.

در کنار مصاحبه‌ها، حضور پژوهشگر در آیین پیاده‌روی سال ۱۳۹۷ و مشاهده اجرای آیین و مشکلاتی که زائران با آن‌ها روبه‌رو بودند و برخی آسیب‌ها در طول راه، به کمک بخش میدانی یافته‌ها آمد.

یافته‌هایی که از طریق مصاحبه‌ها و مطالعات اسنادی و مشاهدات میدانی به دست آمده بود، ابتدا در مقولات و مفاهیمی جداگانه دسته‌بندی شد. این مقولات بر پایه عنوان و هدف این پژوهش، عمدتاً بر آسیب‌ها و ضعف‌ها تمرکز داشت؛ مقولاتی همچون دولتی‌شدن مراسم، تفاوت‌های فرهنگی، چیره‌شدن فرم بر محتوا و... چنانچه این مفاهیم در پژوهش‌ها و آثار مرتبط پیشین وجود داشت، از همان‌ها استفاده و در برخی نمونه‌ها، اندکی ویرایش شد. برای مفاهیم و مقولاتی که از پیش وجود نداشت نیز مقوله ساخته شد. سپس مقولات نزدیک به یکدیگر، چنانچه موجب ازدست‌رفتن جزئیات مهم نمی‌شد، در یکدیگر ترکیب شد تا از

مصاحبه‌های اینستاگرامی پس از فراخوان پژوهشگر و دعوت به مصاحبه در صفحه شخصی و سپس به‌اشتراک‌گذاری این دعوت‌نامه از سوی برخی افراد دیگر در اینستاگرام صورت گرفت. در پی این فراخوان، نزدیک به ۴۰ نفر در این شبکه اجتماعی اعلام آمادگی کردند. پرسش‌ها برای آنان فرستاده و درخواست شد به صورت فایل صوتی به این پرسش‌ها پاسخ دهند. پس از دریافت پاسخ‌ها، اگر پرسش تازه‌ای برای پژوهشگر مطرح یا ابهامی ایجاد می‌شد، با مصاحبه‌شونده مطرح و دوباره یک یا چند فایل صوتی دیگر دریافت می‌کرد. این کار تا آنجا ادامه یافت که پژوهشگر به پاسخ همه پرسش‌ها دست می‌یافت و ابهام دیگری باقی نمی‌ماند.

از ضعف‌های مصاحبه‌های اینستاگرامی، کوتاه‌بودن فایل‌های صوتی، حدود یک دقیقه، به دلیل محدودیت‌های این شبکه اجتماعی است که باعث می‌شد گاهی تا چهل فایل صوتی یک دقیقه‌ای فرستاده شود. باین‌همه، مزیت این روش، دسترسی ساده‌تر به مصاحبه‌شونده از سویی و ناشناختگی برخی مصاحبه‌شوندگان از سوی دیگر بود. چراکه تقریباً فقط در همین مصاحبه‌های اینستاگرامی و فضای ناشناختگی بود که چند مصاحبه‌شونده دیدگاه انتقادی تند خود را درخصوص برگزاری آیین اربعین بیان کردند، بدون

۸. پاسخ‌های کوتاه و بدون استفاده بیشتر درباره کسانی است که در حد یک پیام نوشته‌اند: «با این مراسم کاملاً مخالفم» و هنگامی که دلیل این مخالفت پرسیده شد، دیگر پاسخ ندادند.

۹. این معضل در پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی در همه جهان و به‌ویژه در ایران شناخته شده است.

۲. یافته‌ها

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، پژوهشگران، آسیب‌های اربعین را به دو صورت بیان کرده‌اند: گروهی که این آسیب‌ها را در دسته‌بندی‌های مشخص ارائه کرده‌اند و گروهی که آن‌ها را به صورت انفرادی و بدون دسته‌بندی نشان داده‌اند. در اینجا ابتدا مروری می‌کنیم بر این آسیب‌ها در منابع مکتوب و موجود و سپس با ترکیب آن‌ها با یکدیگر و گنجاندن آسیب‌هایی که در نوشته‌های دیگران به شکل انفرادی آمده و همچنین آسیب‌هایی که از خلال مصاحبه‌ها به دست آمد، تلاش می‌شود دسته‌بندی تازه و فراگیرتری ترسیم شود. در واقع ما در این زمینه آسیب‌ها را به صورت یک کل مرتبط با یکدیگر می‌بینیم تا آسیب‌های اربعین را در چارچوب یک پدیده اجتماعی تام^۱ و تقریباً همه‌جانبه بررسی کنیم. از نگاه مارسل موس به عنوان مبدع این اصطلاح، «پدیده یا واقعیت اجتماعی را نمی‌توان تنها در یک بُعد مورد مطالعه قرار داد، بلکه باید از تمام ابعاد آن را بررسی کرد» (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۳). ما نیز تا حد ممکن تلاش می‌کنیم به این دیدگاه کل‌گرا و تام اجتماعی نزدیک شویم.

۲.۱. آسیب‌های بیان شده در منابع موجود

محسن حسام مظاهری در مقاله‌اش (۱۳۹۷) شش پیامد و آسیب عمدتاً منفی را برای حضور گسترده ایرانیان در رویداد پیاده‌روی اربعین برشمرده است:

۱. تغییر در الگوهای فرهنگ مذهبی
۲. تغییر در سازمان و ساختار دینی
۳. حساسیت‌زایی سیاسی
۴. تنازع گفتمانی میان گروه‌های مختلف شیعه
۵. تعمیق شکاف شیعه و سنی
۶. ایرانی کردن اربعین

گسترده‌گی و تشدید بیش از حد دوری شود. پس از آن مقولات و مفاهیم مرتبط با یکدیگر در دسته‌بندی‌های بزرگ‌تر جاسازی شد.

در مرحله بعدی، این مقولات و دسته‌بندی‌ها در اختیار خبرگان موضوع قرار گرفت و دیدگاهشان در این باره پرسیده شد. به جز یک نفر که دیگر به تداوم همکاری تمایلی نداشت و پاسخی نداد، تقریباً همگی، دسته‌بندی و مقولات آن را تأیید کردند.

پس از این مرحله و برای اطمینان بیشتر، خبرگان موضوع به یک بحث گروهی متمرکز^۲ و مجازی دعوت شدند تا موضوع را در حضور یکدیگر بررسی دوباره کنیم. بحث گروهی متمرکز نوعی مصاحبه گروهی است که افراد مرتبط با یک موضوع، در زمان مقرر، دور هم گرد می‌آیند و با مدیریت یک نفر، دیدگاهشان درباره آن موضوع را بیان می‌کنند. در این نوع مصاحبه، افراد می‌توانند دیدگاه‌های دیگران را نقد یا تأیید یا در برابر نقد دیگران، از دیدگاه خود دفاع کنند. مدیر این نوع مصاحبه که «تسهیلگر» هم خوانده می‌شود، نقش مهمی در دخیل کردن همه افراد مصاحبه‌شونده با بحث، جلوگیری از متکلم‌وحده شدن برخی مصاحبه‌شوندگان خوش‌صفت و همچنین پیشگیری از ایجاد تنش در میان مصاحبه‌شوندگان دارد (هاشمی مقدم، ۱۳۸۹). با توجه به امکان پذیر نبودن هماهنگی میان همه خبرگان، در نهایت، پنج نفر از آن‌ها توانستند در این نشست مجازی شرکت کنند. پس از اجماع در دسته‌بندی، این دسته‌ها و مفاهیم درون آن‌ها را تحلیل کردیم.

در کنار این بخش، بر روند پژوهی هم تمرکز کردیم. در این قسمت بر پایه داده‌های نظرسنجی‌های پنج‌ساله ایسپا از زائران ایرانی اربعین، تلاش شد نشان داده شود طی پنج سال، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱، چه تغییراتی در امکانات و مشکلات و مسائل سفر اربعین از نگاه این زائران رخ داده است. داده‌های این نظرسنجی‌ها با نرم‌افزار آماری اسپس اس‌اس (SPSS) واکاوی شد.

مظاهری شاید مهم‌ترین نویسنده‌ای باشد که انتقاداتش بر شیوه کنونی اربعین را به‌جز در مقاله یادشده، به‌شکل منسجم، در رسانه‌ها، به‌ویژه کانال تلگرامی‌اش^{۱۲} منتشر می‌کند.

نجاتی حسینی (۱۳۹۶) آسیب‌های رویداد را در سه حوزه دسته‌بندی کرده است:

۱. مدیریت راهبردی و محتوایی فرهنگی
۲. مدیریت اجرایی فرهنگی
۳. فرهنگ عمومی و معاشرتی.

وی در دسته مدیریت راهبردی و محتوایی این گزینه‌ها را جای داده است: به‌کارگیری روش‌های ناقص و غیرعلمی آموزش زبان عربی، کمبود شعر و نغمه متناسب و دوزبانه و وجود برخی نغمه‌های نامناسب، وجود عوامل غفلت‌زا، وجود جریان‌های منحرف، تلاش برای کاستن از جایگاه مرجعیت راستین شیعه و کم‌توجهی به آثار سیاسی و اجتماعی و تمدنی رویداد اربعین.

در دسته مدیریت اجرایی فرهنگی، این گزینه‌ها را محل توجه قرار داده است: تمرکز بیش از حد بر مسیر اصلی نجف‌کربلا و غفلت از مسیرهای دیگر، کم‌توجهی به تبلیغ برای کودکان، پرهیز از اسراف و تولید و انباشت زباله و آلودگی محیط‌زیست، ضرورت تمرکززدایی در زیارت اربعین و ضرورت ساماندهی کاروان‌های بانوان.

در دسته فرهنگ عمومی و معاشرتی این موضوعات عنوان شده است: ناآشنایی با تفاوت‌های فرهنگی میان ملت‌های ایران و عراق، کم‌توجهی به آداب زیارت و مهمان‌شدن، زیاده‌روی در امیدبخشی، خطر اختلاف‌افکنی با روحیه منت‌نهادن در قبال خدمات و نیازمندی به هدفمندکردن نذورات و خیرات موکب‌ها و سامان‌دادن آن.

تاجبخش (۱۴۰۱) در مقاله خود آسیب‌ها را در پنج مقوله محوری اصلی دسته‌بندی کرده است:

۱. زیست‌محیطی
۲. فرهنگی
۳. دولتی
۴. دینی
۵. اجتماعی

سپس در هریک از این مقولات، مقولات محوری را مشخص کرده است. درواقع او یک‌بار از مفهوم «مقوله اصلی محوری» استفاده کرده که همان دسته‌بندی‌هاست؛ سپس مفهوم «مقوله محوری» را به‌مثابه زیرشاخه مقوله اصلی محوری به کار برده است. شباهت عنوان این شاخه و زیرشاخه ممکن است کمی گیج‌کننده باشد و شاید استفاده از این اصطلاحات شبیه به هم ضرورتی نداشت. در مرحله بعد، برای هر مقوله محوری، شماری مفهوم یا کد باز معرفی می‌کند.

برای نمونه، در دسته «مقوله محوری اصلی آسیب زیست‌محیطی»، مقوله محوری پس‌ماندها و آلودگی محیط‌زیست است و خود این مقوله، مفاهیم «رهاکردن زباله و پسماند مواد غذایی و نوشیدنی، به‌ویژه بطری‌های پلاستیکی و ظروف یک‌بارمصرف در طول مسیر» را در بر گرفته است.

در «مقوله محوری اصلی آسیب فرهنگی»، تفاوت‌ها و تعارض‌های فرهنگی، اسراف و تبذیر مقوله‌های محوری است و مفاهیم یا کدهای باز، این مسائل را در بر می‌گیرد: «توزیع سیگار و قلیان صلواتی، نیم‌خور کردن غذا و دورریختن آن و حرمت‌فائل‌نشدن زائر برای آن، پوشش زنان، مصرف دخانیات در میان زنان، نژادپرستی.» در «مقوله محوری اصلی آسیب مدیریت اجرایی»، مقوله محوری «دولتی‌شدن اربعین، رقابت موکب‌های ایرانی و تخریب الگوی سنتی اربعین عراقی» بیان شده که کدهای باز آن دربرگیرنده این مسائل است: «بی‌نظمی‌های مدیریتی، دولتی‌شدن کار فرهنگی، برپایی موکب‌های شیک ایرانی با منظم‌ترین خدمات و بهترین منوی غذایی و تحقیر موکب‌های ساده عراقی، تعارض و رقابت بین موکب‌داران.»

در «مقوله محوری اصلی آسیب دینی»، مقوله‌های محوری «شکاف سنی شیعه، کم‌توجهی به واجبات دین، وجود فرقه‌های انحرافی، عرفی‌شدن» مطرح شده که کدهای باز آن «عقاید متضاد مراجع، وجود جریان‌های انحرافی همچون دجال بصره، ترک نماز یا بی‌توجهی به نماز در طول مسیر پیاده‌روی» است.

درنهایت، در «مقوله محوری اصلی آسیب اجتماعی»، مقوله محوری «انحرافات اجتماعی» جای دارد که «تکدی‌گری تعدادی از زائران، سرقت وسایل از زائران ایرانی و میزبانان

❖ ۲.۲. آسیب‌های شناسایی شده

❖ در این پژوهش

در اینجا ما نوعی دسته‌بندی ارائه می‌دهیم که تا حدودی به دسته‌بندی تاجبخش (۱۴۰۱) شبیه است؛ یعنی آسیب‌های رویداد پیاده‌روی اربعین را در چند دسته‌بندی کلی ارائه و درنهایت، مقولات و نمودهای هر دسته را معرفی می‌کنیم. تفاوت عمده دسته‌بندی این پژوهش با دسته‌بندی تاجبخش این است که در اینجا مقولات فرهنگی و اجتماعی در یکدیگر ادغام و در یک دسته بررسی می‌شود. از سوی دیگر، به‌جز موضوعاتی که تاجبخش مطرح کرده، دسته‌ها یا به تعبیر ایشان مقولات اصلی محوری اقتصاد و سیاست نیز افزوده شده است. مقوله اقتصاد را به‌ویژه منتقدان برگزاری اربعین زیاد مطرح کرده‌اند و به این واسطه مخالفت عده‌ای را برانگیخته‌اند و به توجه جدی نیازمند است. ضمن آنکه از نگاه شمار زیادی از زائران، اربعین همچنان سفر پرهزینه‌ای است و آن‌گونه که نظرسنجی‌های ایسپا نشان می‌دهد، گاهی اوقات مهم‌ترین مسئله برای زائران است (برای نمونه: ایسپا، ۱۳۹۷). آسیب‌های سیاسی و روابط بین‌المللی نیز موضوعی است که گسترده‌اش از روابط میان دو کشور ایران و عراق تا روابط میان ایران و دیگر کشورهای منطقه، یا ایران و عراق در یک سو و برخی قدرت‌های منطقه‌ای از سوی دیگر را در بر می‌گیرد. همچنین مفاهیمی را که تاجبخش در زیر هر مقوله مطرح کرده است، به‌شکلی گسترده‌تر مطرح خواهیم کرد. درواقع، بسیاری از مفاهیم در مقولات ایشان مطرح نشده است که در این پژوهش آن‌ها را یا از دل دیگر آثار نوشته‌شده در زمینه آسیب‌شناسی اربعین یا از مصاحبه‌های میدانی بیرون می‌کشیم و می‌افزاییم و تا حد ممکن تلاش می‌کنیم به نگاه کل‌گرا و تام اجتماعی نزدیک شویم. درنهایت، همان‌گونه که اشاره شد، نگاه غیرزائران ایرانی را درباره اربعین که تاکنون محل توجه هیچ‌یک از پژوهشگران این حوزه نبوده است، بررسی می‌کنیم.

در نگاهی کلی می‌توان از هفت دسته مسائل و آسیب‌ها در پیاده‌روی اربعین یاد کرد:

عراقی، فساد اخلاقی، نظم‌گریزی» زیرمجموعه آن است. هر یک از دسته‌بندی‌های یادشده، بخشی از آسیب‌ها را مقوله‌بندی کرده است؛ اما همچنان ضعف‌هایی در این گروه‌بندی هست. برای نمونه، نگاه مظاهری عموماً به آسیب‌های دینی این رویداد است و از شش پیامد عمده منفی که برشمرده، چهار گزینه مستقیماً آسیب دینی است و دو گزینه دیگر هم به‌نوعی در همین راستا قرار دارد. نجاتی حسینی در دسته‌بندی‌اش کاملاً نگاه نخبه‌گرایانه داشته و جایی برای دیدگاه‌های مردم درباره رویداد در نظر نگرفته است. درنهایت، تاجبخش با توجه به اینکه پژوهش میدانی در این زمینه انجام داده، موفق شده است دیدگاه زائران و موکب‌داران را تا حدودی نشان دهد؛ اما این آسیب‌ها را از نگاه ایرانیانی که به اربعین نرفته‌اند، بررسی نکرده است. گفتنی است که منابع یادشده در زمینه همه‌گیربودن دسته‌بندی خود ادعایی نکرده‌اند؛ اما در این میان، نمی‌توان از دیدگاه مردمی چشم‌پوشی کرد که به اربعین نمی‌روند و از خدماتی که در این زمینه ارائه می‌شود، استفاده نمی‌کنند. در پژوهش حاضر، مصاحبه با این افراد نشان داد که انتقادات جدی به کلیت این رویداد دارند و بی‌توجهی به آن‌ها دودستگی و احساس تبعیض در جامعه ایران را بسیار افزایش می‌دهد. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، منابع دیگر نیز جسته‌وگریخته این آسیب‌ها را مدنظر قرار داده‌اند؛ اما دسته‌بندی خاصی در آن‌ها ذکر نشده است. آنچه در اینجا بیان شد، منابعی بودند که منسجم‌ترین و مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها را درباره آسیب‌شناسی رویداد مطرح کرده بودند. در اینجا تلاش می‌شود ضمن استفاده از دسته‌بندی‌های پیش‌گفته، دسته‌بندی و مقوله‌بندی تازه‌ای ارائه داد که دست‌کم دیدگاه سه گروه را پوشش دهد:

- دیدگاه نخبگان و کارشناسان حوزه اربعین؛
- دیدگاه زائران اربعین و عموماً موافقان برگزاری اربعین؛
- دیدگاه غیرزائران و عموماً منتقدان و گاه مخالفان برگزاری این مراسم. البته این کار به معنای دسته‌بندی آسیب‌های اربعین برپایه دیدگاه این افراد نیست.

۱. مسائل دولتی

۲. مسائل فرهنگی اجتماعی

۳. مسائل محیط‌زیستی

۴. مسائل دینی

۵. مسائل سیاسی و بین‌المللی

۶. مسائل اقتصادی

۷. مسائل گردشگری

اصلی‌ترین نهاد دولتی متولی در این زمینه، «ستاد مرکزی اربعین» است. این ستاد در ابتدا زیرمجموعه سازمان حج و زیارت بود، اما براساس گفته برخی مسئولان ستاد اربعین در نشست مشترک با مدیران «گروه بررسی‌های راهبردی میراث»، باتوجه‌به پیشنهاد معاون اول دولت روحانی و تأیید رهبری، این ستاد به وزارت کشور منتقل شد؛ چراکه به باور آقای جهانگیری، حجم کار این ستاد فراتر از توان سازمان حج و زیارت بود. هم‌اکنون معاون سیاسی وزارت کشور مسئول این ستاد است. در کشور عراق نیز کارهای مرتبط با بخش ایرانی این رویداد بر دوش سفارت ایران در بغداد است. ضمن اینکه امور فرهنگی این مراسم نیز با بعثه رهبری^{۱۲} است.

متقاضیان حضور در راهپیمایی اربعین باید ابتدا در سامانه سماح^{۱۵} ثبت‌نام و مبلغ نسبتاً اندکی واریز کنند که در اربعین ۱۴۰۱، حدود ۲۵ هزار تومان بود. این مبلغ برای بیمه زائر هزینه می‌شود. سپس از فهرست دفاتر خدمات زیارتی مجاز، یک دفتر را انتخاب می‌کنند. پس از نهایی‌شدن فرایند ثبت‌نام، به دفتر برگزیده می‌روند و گذرنامه و عکس خود را تحویل می‌دهند. این دفاتر هر روز گذرنامه‌ها و مدارک جمع‌شده را به سفارت عراق تحویل می‌دهند. البته تا چند سال پیش، خود زائران مستقیماً به سفارت مراجعه می‌کردند. اما با افزایش چندبرابری متقاضیان، سفارت عراق دیگر توان و امکان پاسخ‌گویی مستقیم به این حجم از متقاضی را نداشت. بنابراین مسئولیت این کار به دفاتر زیارتی واگذار شد که واسطه انجام این کار شوند. در سال‌های نخست، هزینه روادید هم

۲.۲.۱. مسائل دولتی

نخستین دسته از مسائلی که در برگزاری رویداد پیاده‌روی اربعین به چشم می‌آید، مسائل دولتی است. رویداد اربعین به شیوه‌ای که اکنون برگزار می‌شود، ناچار است مداخله حکومت‌ها را بپذیرد؛ به‌ویژه مداخله دو حکومت عراق و ایران را. حکومت عراق به این علت که وظیفه برقراری امنیت میلیون‌ها زائر اربعین را دارد و حکومت ایران هم به دلایل زیر در این رویداد مداخله می‌کند:

نخست اینکه بیشترین زائر غیرعراقی اربعین ایرانیان هستند و برپایه آماری که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، سالانه حدود ۳ میلیون نفر است. دوم اینکه ایران محل ترانزیت زائران برخی کشورها همچون افغانستان، پاکستان، جمهوری آذربایجان و بخشی از ترکیه است. تا اینجا به نظر می‌آید حکومت و دولت‌های ایران ناچار به ورود به این موضوع هستند. در ادامه، به شیوه ورودشان اشاره‌ای خواهیم کرد. در همین‌جا یادآوری این نکته لازم است که در این گزارش و البته با تسامح، نهادهای حکومتی و نهادهای دولتی در کنار یکدیگر و یکسان فرض شده‌اند؛ چراکه اولاً بیشتر مردم تفکیکی میان این دو نمی‌بینند و نمی‌دانند و ثانیاً، نتیجه هر دو تقریباً یکی است و هیچ‌یک از کسانی که به مسائل و آسیب‌های این بخش اشاره کرده‌اند، این دو را تفکیک نکرده و گاه در یک جمله از هر دو واژه برای اشاره به یک موجودیت استفاده کرده‌اند.^{۱۳}

موقت‌اند، برخلاف حکومت که دائمی است. برای نمونه در ایران ما حکومت جمهوری اسلامی داریم که دربرگیرنده دولت‌های اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، اعتدالی و... می‌شود.

۱۴. نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

۱۵. البته تا مدتی پیش، ثبت‌نام از طریق وبگاه اربعین انجام می‌شد. اما وبگاه اربعین اکنون بر آموزش آداب و بایسته‌های حضور در پیاده‌روی اربعین متمرکز و ثبت‌نام به سامانه سماح واگذار شده است. هر دوی این وبگاه‌ها زیر نظر ستاد اربعین فعالیت می‌کنند.

۱۳. به‌طور چکیده می‌توان حکومت (Government) را اعم از دولت (State) دانست. یعنی دولت بازوی اجرایی حکومت است. دولت‌ها

دریافت می‌شد. برای نمونه، در سال ۱۳۹۷، هزینه ثبت‌نام در سامانه اربعین که بعداً سامانه سماح جایگزینش شد، حدود ۲۷۰ هزار تومان بود که هزینه روادید و بیمه را در بر می‌گرفت. اما با رایزنی‌های مسئولان دو کشور، هزینه روادید زائران حذف شد. به هر ترتیب، پس از دو تا سه روز کاری، روادید زیارتی صادر می‌شود و متقاضی دوباره به دفتر خدمات زیارتی رفته و گذرنامه و روادید خود را دریافت می‌کند. البته از سال ۱۴۰۲، برای کسانی که گذرنامه ندارند، گذرنامه زیارتی با یک‌هشتم هزینه گذرنامه رایج صادر می‌شود که فقط ویژه زیارت عتبات در محرم و صفر است.^{۱۶} سپس زائران با اتوبوس یا خودروی شخصی به یکی از مرزهای تعیین‌شده می‌روند. مهم‌ترین مرز برای زائران، مرز مهران در استان ایلام است که بیشتر افراد از این مرز وارد خاک عراق می‌شوند. اما مرزهای شلمچه، چذابه، خسروی، باشماق در مریوان و ترمچین در آذربایجان غربی نیز دست‌کم در سال ۱۴۰۱ فعال بودند. پس از ورود به خاک عراق، زائران عمدتاً خود را با خودروها به شهر نجف می‌رسانند. شمار اندکی اتوبوس یا تریلی از نهادهای دولتی و حکومتی ایران، همچون شهرداری‌ها، به‌رایگان یا با بهای اندک زائران را تا نجف می‌رسانند؛ اما باتوجه به حجم بسیار زیاد زائران، فقط درصد بسیار اندکی از آنان به استفاده از این خدمات موفق می‌شوند. برخی خودروهای عمومی نیز مسیرهای کوتاهی از راه نجف را خدمت‌رسانی می‌کنند. برای نمونه، نگارنده در سال ۱۳۹۷، از مرز مهران با اتوبوس متعلق به شهرداری تهران تا شهر کوت رفت و مبلغ ۱۰ هزار تومان پرداخت. در آنجا با تریلی تا شهر شوملی رفت و پس از تقریباً یک ساعت معطلی، با تریلی دیگری به خود را نجف رساند. البته فرایند سوارشدن بر هر یک از این اتوبوس یا تریلی‌ها بسیار سخت و با معطلی زیاد و فشار و هل‌دادن دیگر زائران همراه بود که عملاً بانوان و خانواده‌ها را از دریافت این خدمات رایگان یا ارزان‌بها محروم می‌کند. به هر ترتیب، هنگامی که زائران به شهر نجف می‌رسند، عموماً شیعیان نجف آن‌ها را از میدانی که

در ورودی شهر پیاده می‌شوند، به خانه‌های خود برده و با شام و میوه و شیرینی از آن‌ها پذیرایی می‌کنند و اسباب استراحت شبانه آن‌ها را فراهم می‌کنند. امکان استفاده از حمام در این خانه‌های عموماً کوچک و فقیرانه هم فراهم است. روز بعد، پس از زیارت حرم حضرت علی (ع) و احياناً مسجد کوفه، پیاده‌روی حدوداً ۷۵ کیلومتری از نجف تا کربلا آغاز می‌شود.

مسیر پیاده‌روی در یک طرف بلوار بین این دو شهر، به‌علاوه پیاده‌رو آن قرار دارد. در دو طرف مسیر پیاده‌روی موکب‌های بسیاری برپا می‌شود که انواع خوردنی، نوشیدنی و خدمات بهداشتی و درمانی را به‌رایگان به زائران می‌دهند. حتی برخی موکب‌ها خیاطی، تعمیر کالسکه کودک یا چرخ‌دستی و... هم انجام می‌دهند. بعضی از این موکب‌ها شخصی است؛ مثلاً به قبیله شیعه عراقی یا هیئت عزاداری ایرانی متعلق است و بعضی دولتی و حکومتی است. بیشتر موکب‌های گروه دوم به نهادهای ایرانی تعلق دارد و شهرداری بسیاری از شهرها و نیز وزارتخانه‌ها و دیگر نهادها موکب‌های بزرگ و بعضاً مجلل دارند؛ برای نمونه، موکب آستان قدس رضوی تقریباً همه امکانات را در خود دارد و بزرگ‌ترین موکب این مسیر است. معمولاً زائران سه‌شنبه‌روزه به کربلا می‌رسند. در کربلا هم موکب‌ها و خانه‌های بسیاری میزبان رایگان زائران هستند. هرچند بسیاری افراد ترجیح می‌دهند در هتل‌های اطراف حرم که بعضی باکیفیت و برخی بی‌کیفیت‌اند، ساکن شوند. زائران ایرانی پس از یک یا چند شب اقامت در کربلا، به سمت کاظمین و سامرا می‌روند تا حرم شریف امامان مدفون در آن شهرها را نیز زیارت کنند. معمولاً کاظمین آخرین مقصد است. گاهی زائران در موکب‌های کاظمین هم یک یا چند شب می‌مانند و سپس با خودروهای دولتی که شمارشان متناسب با جمعیت نیست، یا با مینی‌بوس‌ها و ون‌های عراقی به مرزهای ایران بازگشته و به کشور بازمی‌گردند.

همان‌گونه که دیده شد، بخش زیادی از سامان‌دهی این رویداد برعهده دولت‌های ایران و عراق است. بخشی از این فعالیت‌ها گریزناپذیر است؛ همچون صدور روادید، تسهیل در عبور و مرور از مرزها و جاده‌ها، تأمین امنیت مسیر و... اما بخشی دیگر خواسته بعضی نهادهای حکومتی و دولتی است که شاید برپایی

۱۶. <https://www.tasvirezendegi.com> ثبت‌نام-گذرنامه-زیارتی /

موکب‌ها مهم‌ترین نمونه در این زمینه باشد. عموماً همین بخش هم نگاه‌های انتقادی را به خود جلب می‌کند. از سوی دیگر، همین مسائل دولتی ریشه ایجاد برخی از مسائل دیگر است. بنابراین لازم است در ابتدا درباره همین دسته بحث کنیم.

منظور ما از مسائل دولتی در اینجا آن دسته از مسائلی است که به‌واسطه مدیریت نامناسب و ناهماهنگی میان نهادهای دولتی مرتبط و درگیر با رویداد پیش می‌آید. برای نمونه، آنچه در اربعین ۱۴۰۱، بیش از دیگر مسائل به چشم آمد و باعث انتقادات گسترده در این زمینه شد و البته نقشی مهم در توجیه ضرورت انجام این پژوهش داشت، ناهماهنگی میان دستگاه‌های مختلف و بی‌نظمی‌های گسترده در پایانه‌های مرزی ایران و عراق، به‌ویژه در مرز مهران بود. بی‌نظمی تا آنجا بود که در روز ۱۸ شهریور و درحالی‌که هزاران زائر پشت مرز و در هوای ۴۵ درجه سانتی‌گرادی مهران معطل بودند، همه مرزهای ایران به عراق بسته شد. در رسانه‌ها درباره این رویداد می‌خوانیم:

● فرمانده قرارگاه اربعین فراجا هم گفته است: «به‌علت مخاطراتی که برای امنیت و سلامت زائرین به وجود آمد، همه مرزهای منتهی به معابر خروجی زائرین به عراق، تا اطلاع ثانوی مسدود شد و از امروز گذرنامه ویژه اربعین صادر نخواهد شد.» باتوجه‌به اینکه مهران یکی از گرم‌ترین شهرهای کشور است، خدمات‌رسانی به مردم برای پیشگیری از بیماری و گرم‌زدگی ضروری به نظر می‌رسد. در حال حاضر مسیرهای منتهی به مهران نیز بسته شده، حجم زیادی از خودروهای زائران در جاده‌ها هستند که باتوجه‌به گرمای هوا، خدمات‌دهی به این زائران نیز باید افزایش یابد. همچنین شاهد برخی تصادف‌ها در محورهای این استان نیز هستیم (خبرگزاری مهر، ۱۸ شهریور ۱۴۰۱).^{۱۷}

به باور ع.م. کارشناس مسائل عراق که سال‌ها تجربه

حضور در پیاده‌روی اربعین را هم دارد، جمهوری اسلامی تمرکزش را بر اعزام زائران ایرانی در مسیر نجف به کربلا گذاشته است. بنابراین پنج نقطه ایستگاهی در این مسیر داریم: از شهرهای ایران به مرز، به‌ویژه مهران؛ از مرزهای ایران تا نجف؛ حضور در نجف؛ از نجف تا کربلا و بالاخره حضور در کربلا. او تأکید می‌کند که ما در همه این پنج ایستگاه مشکل مدیریت دولتی داریم. وی بیشتر به کمبود زیرساخت‌ها و تداخل وظایف و مسئولیت‌ها در این پنج ایستگاه اشاره می‌کند که در صفحات پیش رو بیشتر بررسی خواهد شد.

باتوجه‌به این مقدمه‌ای که بر مسائل دولتی اربعین آمد و برپایه مطالعات پیشین و همچنین مصاحبه‌ها، به نظر می‌آید خود این مسائل ریشه در چند عامل داشته باشد که در زیر بررسی می‌شود.

❖ ۲.۲.۱.۱. ضعف زیرساخت‌ها ❖

این ضعف‌ها هم به ایران و هم عراق ربط دارد. در روزهای منتهی به اربعین، استان‌های غربی ایران و در رأس آن‌ها، استان ایلام حجم سنگینی از اتوبوس‌ها و خودروهای شخصی و زواری را شاهد است که به هر روشی تلاش می‌کنند خود را به مرز مهران برسانند. مرز مهران مهم‌ترین پایانه مرزی با عراق برای شرکت در مراسم اربعین است؛ چراکه این مرز نزدیک‌ترین مرز ایران به نجف، شهر شروع پیاده‌روی اربعین است. به گفته مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ایلام و برپایه ثبت دوربین‌های نظارتی راهداری، از ۷ تا ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ که روزهای نزدیک اربعین بود، بیش از ۲ میلیون تردد خودرو در محورهای مواصلاتی این استان ثبت شده است. این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۱۰۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد (خبرگزاری مهر، ۱۸ شهریور ۱۴۰۱).^{۱۸}

اما استان ایلام که یکی از استان‌های محروم کشور است، قطعاً چنین توان و گنجایشی ندارد و به همین دلیل تقریباً هر سال، در این زمینه با مشکل روبه‌رو

می‌شویم. ا.ل. بانوی چهل‌ساله ساکن شهر مهران در این باره می‌گوید:

● مهران تا پیش از هجوم زائران، شهری بسیار آرام با خیابان‌هایی خلوت بود. اما پس از آن ترافیک شدید، شهر بسیار کثیف شد. همه‌جا آشغال ریخته بود و واقعاً نیروهای شهرداری اصلاً نمی‌توانستند این حجم از مسافر و زباله را سامان‌دهی کند. حجم زباله و فاضلاب در حدی بود که شهر جای زندگی نبود. بسیار کثیف. از دوست و آشنا خیلی می‌شنیدم که بسیار ناراضی بودند و می‌گفتند که ای کاش زائر نیامده بود. برای خیلی‌ها فقط دردسر شده بود.

البته این مشکلات فقط به اهالی مهران محدود نبود؛ بلکه به‌جز پایانه‌های مرزی، در خود شهر مهران زائران مشکل داشتند. همان مصاحبه‌شونده‌ی اهل مهران درباره‌ی سال‌های نخست که اربعین رایج شده بود، می‌گوید: «خیلی از زائرانی که می‌آمدند، برمی‌گشتند و شب‌ها در کوچه‌ها می‌خوابیدند؛ چون جایی نبود که بخوابند.»

این مسائل باعث نارضایتی زوار می‌شود. آقای ر. در این باره می‌گوید:

● این‌ها می‌خواهند تبلیغات کنند و بگویند شیعه پرشمار است. تبلیغات خوب است؛ اما در جایی که طرف این‌قدر صدمه نبیند. ما از خداپیمان است که برویم. تا بگویند راه باز شده، ما می‌رویم. پارکینگ مرز جا ندارد. اتوبوسی که گذاشته‌اند، از پارکینگ تا مرز خیلی شلوغ می‌شود و مردم حمله می‌کنند و فشار و داد و فریاد.

پایانه‌های مرزی هم گنجایش این حجم از مردم را در بازه‌ی زمانی کوتاه ندارد. برپایه‌ی مشاهده‌های پژوهشگر در اربعین ۱۳۹۷، با آنکه نزدیک ۳۰ گیت در مرز مهران برای خروج زائران در نظر گرفته شده بود، باز هم فشار و ازدحام بسیار زیاد بود و برخی افراد به‌دلیل فشار جمعیت بیهوش می‌شدند.

ممکن است همین بی‌نظمی‌ها از دلایلی باشد که

بسیاری تصویری غیرواقعی از جمعیت زائران ایرانی پیدا کنند. برای نمونه، نیکجو، رضوی‌زاده و گیوینه (۲۰۲۰): (۶۱۹) می‌نویسند که در سال ۱۳۹۲، آمار رسمی نشان می‌داد که تعداد زائران ایرانی بین ۱ تا ۲ میلیون نفر بوده است؛ اما بسیاری از شرکت‌کنندگان آمار را در حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون ایرانی و بیش از حد برآورد کرده بودند.

گذر زمان البته باعث افزایش خدمات شده است؛ اما به نظر می‌رسید هم‌زمان با افزایش خدمات، شمار زائران نیز افزایش پیدا می‌کند و به همین دلیل، هر سال مشکلات همچنان به قوت خود باقی است. دولت‌های مختلف نیز در این زمینه، با وجود خواست و تلاششان، نتوانسته‌اند مشکلات را برطرف کنند. ح.ف. با گلایه می‌گوید:

● دولت اصلاً موظف است امکاناتی را برای این سفرشان فراهم کند. اما همان را هم نمی‌تواند. امسال که اصلاً ضعیف‌تر بود. برخلاف آنکه در سال ۱۳۹۸ می‌گفتند که دولت آقای روحانی رغبتی به دادن امکاناتی ندارد، اما امسال [۱۴۰۱] که دولت انقلابی خودمان بود هم چندان امکاناتی نبود. یعنی حتی گذر از گیت‌ها را هم که یک کار ساده بود، نتوانستند درست انجام دهند.

اشاره‌ی این فرد به بسته‌شدن چندروزه همه‌ی مرزهای ایران و عراق به‌دلیل ازدحام بیش از حد جمعیت و نبود امکانات بود. این نبود زیرساخت‌ها در کشور عراق خودش را بیشتر هم نشان می‌دهد. به قول م.ر.ا.: «زیرساخت‌های کشور عراق اصلاً آماده و مهیا نیست. کشوری است که در نیم‌قرن گذشته، بیشتر، جنگ کرده است.»

برای نمونه، عراق جاده‌های مناسب چندانی ندارد و همین وضع تصادف‌های بعضاً مرگ‌باری را در ایام اربعین رقم می‌زند. ضمن آنکه کمبود سرویس‌های بهداشتی در طول راه، کمبود وسایل نقلیه عمومی برای جابه‌جایی از مرزها تا نجف^{۱۹} و برخی

۱۹. به‌گونه‌ای که برخی سال‌ها زائران ایرانی مهم‌ترین مشکل سفرشان را حمل‌ونقل نامناسب در عراق عنوان کرده‌اند (ایسپا، ۱۳۹۵).

موارد دیگر که در صفحات پیش رو بیشتر توضیح داده می‌شود، در این راستا باید ارزیابی شود. این ضعف‌ها در مقایسه با ایران بسیار بیشتر است و خود را از همان نقطه صفر مرزی به رخ می‌کشد. به محض ورود به خاک عراق، تفاوت آن کشور با ایران را درک می‌شود؛ از همان پایانه‌های مرزی گرفته تا پایانه‌های مسافری و جاده‌ها و... این نبود بستر سخت‌افزاری، در بخش نرم‌افزاری هم خود را نشان می‌دهد. شرافت (۱۳۹۷: ۱۹ تا ۲۲) توضیح می‌دهد که برخلاف خوش‌رویی مأموران مرزی ایران، پلیس‌های مرزی عراق عبوس و خسته و بی‌حوصله‌اند و دلیل آن را نبود امکانات در طرف عراق، حتی برای مأموران مرزی خودشان می‌بیند:

● وقتی وضعیت کیوسک‌ها [ای مرزی عراق] را می‌دیدم، به مأموران حق دادم که آن قدر ناراحت و اخمو باشند. رایانه‌های بسیار قدیمی که هر لحظه هنگ می‌کردند و افراد زیادی را در صف مَه‌ر ورود به عراق نگه می‌داشتند. نه خبری از سیستم سرمایشی و گرمایشی بود و نه از تجهیزات حداقلی برای مأموران مرزی عراق. سرویس‌های بهداشتی طرف ایران بسیار تمیز و مجهز بودند و در کنار آن‌ها نیز چندین دستشویی سیار تعبیه شده بود؛ ولی وضعیت دستشویی‌های طرف عراقی در بدترین حالت ممکن قرار داشت.

با این همه، دولت ایران همچنان خواهان افزایش شمار زائرانش در پیاده‌روی اربعین است و این خواسته را به طرف عراقی هم اعلام می‌کند؛ آن‌چنان‌که وقتی عراق در پی محدودیت‌های کرونایی، سهمیه برای زائران کشورهای مختلف تعیین کرده بود، محمد مخبر، معاون اول حجت‌الاسلام رئیسی، درخواست ایران را برای افزایش سهمیه زائران ایرانی به مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق ارائه داد.^{۲۰}

این در حالی است که رسانه‌های رسمی ایران و صداوسیما در تبلیغاتی که برای این رویداد انجام می‌دهند و مردم را به حضور در آن ترغیب می‌کنند، «عراق‌آمیز و هدایت‌شده» درباره برگزاری عالی این مراسم، بدون اشاره‌ای به محدودیت‌ها

و آسیب‌های این رویداد سخن می‌گویند (امین، ۱۳۹۷: ۱۴۰). اینان هر سال، به زیرساخت‌های اندک و نامتناسب برگزاری این رویداد بار جدیدی می‌افزایند. البته هنوز دیدگاه‌هایی هم درباره لزوم حضور بیشتر ایرانیان در این رویداد دیده و شنیده می‌شود. م.م. کارشناس مذهبی در این زمینه می‌گوید: «حضور ایرانیان، با وجود تبلیغات، نسبت به کل جمعیت حاضر کم‌رنگ است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ایران یگانه حکومت شیعه در کل جهان است، باید بیشتر به برگزاری باشکوه رویداد اهتمام داشته باشد و همه امکانات خود را بسیج کند.»

چنین دیدگاه‌هایی فقط در میان کسانی دیده می‌شود که به وجهه دینی و سیاسی اربعین توجه می‌کنند و به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... آن چندان توجهی ندارند.

❖ ۲.۲.۱.۲. ناهماهنگی میان نهادهای متولی ایران ❖

نهادهای مختلفی در ایران مسئول هماهنگی و اعزام زائران به اربعین هستند؛ مانند ستاد اربعین، ستاد بازسازی عتبات، سازمان حج و زیارت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرزبانی، سازمان پایانه‌های مرزی، وزارت امور خارجه، رایزنی فرهنگی، راهداری، پلیس راهور، صداوسیما و... اما به‌وضوح ناهماهنگی میان این نهادها خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، در سال ۱۴۰۱ صداوسیما مردم را به حضور در اربعین تشویق می‌کرد و مسئولان مرتبط مکرر در برنامه‌های صداوسیما از آمادگی کامل برای اعزام زوار ایرانی خبر می‌دادند. اما پایانه‌های مرزی امکان‌پذیری از این حجم از جمعیت زائران را نداشت؛ بنابراین خیل متقاضیان پشت مرزها گیر افتادند. مرزها بسته شد و از همین رو، به یک‌باره از روز ۱۷ شهریور کشتی‌بان را سیاستی دیگر آمد و مسئولان این‌بار به صداوسیما می‌آمدند تا به مردم بگویند که مرزها ظرفیت ندارد و نروند و حتی اگر در راه هستند، برگردند.

❖ ۲.۲.۱.۳. ناهماهنگی میان نهادهای دولتی ایرانی و عراقی ❖

در ناهماهنگی‌های اربعین ۱۴۰۱، به نظر می‌آید نه تنها میان نهادهای ایرانی، بلکه بین نهادهای ایرانی و عراقی هم ناهماهنگی‌هایی وجود دارد.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/06/21/2570520>.۲۰

❖ ۲.۲.۱.۴. دولتی شدن اربعین ❖

شاید در هیچ مسئله و آسیبی به اندازه دولتی یا به تعبیری «حکومتی شدن» رویداد پیاده‌روی اربعین، میان سه گروه کارشناسان و زائران و مخالفان این رویداد اجماع وجود نداشته باشد. تقریباً هر سه گروه بر آسیب‌زا بودن این شیوه ورود حکومت ایران به بحث اربعین اتفاق نظر داشتند. اصلی‌ترین دلیل مخالفت برخی منتقدان با برگزاری این رویداد یا شرکت در آن، همین دولتی یا به قول خودشان، «حکومتی بودن» آن است. تقریباً همگی با این استدلال که حکومت ایران با تبلیغات گسترده و دعوت مردم به حضور هرچه بیشتر در اربعین، می‌خواهد از آن برای اهداف خودش استفاده ابزاری کند، مخالفت خود را با برگزاری آن به‌طور کلی یا به‌شکل کنونی ابراز می‌کنند. دولت ایران زیارت اربعین را از طریق تلویزیون و روزنامه‌ها پخش و تبلیغاتی، مانند مرخصی استحقاقی برای کارمندان و غیبت مجاز برای دانشجویان ارائه می‌کند (نیکجو، رضوی‌زاده و گیویننه، ۲۰۲۰: ۶۲۳). این‌ها از دید منتقدان دور نمی‌ماند. برای نمونه، م.س. می‌گوید:

● اینکه اگر این رویداد به‌صورت کارناوالی فرهنگی مذهبی مردمی و خودجوش باقی می‌ماند و هرکسی که از مردم تمایل داشت، بنا بر سلیقه شخصی خود و با هدف گذراندن وقت یا هر هدف دیگری که هدف شخصی است، شرکت می‌کرد و حکومت هیچ دخالتی در این موضوع نمی‌کرد، از نظر من اشکال و ایرادی نداشت. ولی اینکه به‌مثابه مراسمی حکومتی، حدود یک ماه، تلویزیون جمهوری اسلامی آن را دائم تبلیغ کند و فضیلت‌های عجیب و غریب برایش بتراشند و هزینه‌هایی از بیت‌المال بکنند، به هیچ وجه پذیرفته نیست.

برخی پاسخ‌گویان این استفاده ابزاری را «سوءاستفاده» تعبیر کرده‌اند. برای نمونه، خانم زخ. می‌گوید:

● «در جایگاه کسی که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده، با کلیت این طرح

● سیدمجید میراحمدی، رئیس ستاد مرکزی اربعین گفته است: بعد از اینکه پایانه‌های مرزی ما تخلیه شد، اوضاع داخلی عراق و چگونگی انجام تفاهماتی را که با مقامات عراقی برای ایجاد سهولت و بسترهای لازم داشتیم و سایر شرایط را بررسی و تصمیم‌گیری خواهیم کرد که چگونه مرزها باز شود و در آینده درمورد آن اطلاع‌رسانی خواهیم کرد (خبرگزاری مهر، ۱۸ شهریور ۱۴۰۱).^{۲۱}

پ.ا. کارشناس این حوزه می‌گوید که مسئولان عراقی گویا به ایرانی‌ها گفته‌اند که توانشان همین اندازه است و خواستار محدود شدن شمار زائران ایرانی شده‌اند؛ اما مسئولان ایرانی زیر بار نرفته‌اند. سخنانی که کارشناسان عراقی در مصاحبه‌ها بیان می‌کردند نیز تلویحاً این بحث را نشان می‌داد که مسئولان ایرانی دست‌کم در برخی موضوعات، همچون شمار زائران اعزامی، هماهنگی‌های لازم را با طرف عراقی ندارند. البته یکی از پیشنهادها در دست بررسی از سوی ستاد اربعین به‌منظور مدیریت بهینه جمعیت، مطرح‌شدن موضوع سهمیه‌بندی برای زوار ایرانی با دولت عراق است. گفته‌های برخی مسئولان ستاد از این حاکی است که دولت عراق به ایجاد این محدودیت تمایلی ندارد و از ورود به این موضوع خودداری می‌کند.

به نظر می‌آید هر دو طرف با محدود کردن شمار زائران، دست‌کم در ظاهر موافق باشند؛ اما هریک می‌خواهد مسئولیت این کار را بر دوش دیگری بگذارد. طرف عراقی به مسئولان ایرانی می‌گوید که شما خودتان برای ثبت‌نام و اعزام به عراق سقف بگذارید؛ چراکه ما در جایگاه کشور میزبان نمی‌توانیم به زائران امام‌حسین علیه السلام بگوییم که نیایید. اما از سوی دیگر، طرف ایرانی می‌گوید که شما برای ما سهمیه اعلام کنید تا ما با استناد به آن، ثبت‌نام‌هایمان را محدود کنیم. به نظر می‌آید این مسئله را با برنامه‌ریزی و توافقی جدی بتوان به‌سادگی برطرف کرد؛ اگر اراده‌ای جدی برای برطرف کردنش باشد. البته روایت‌هایی که مثلاً در صفحات پیشین درباره درخواست معاون اول دولت از طرف عراقی برای افزایش سهمیه ایران در دوران کرونا بیان شد، به ابهامات در این باره که چه کسی خواهان تعیین محدودیت است، می‌افزاید.

پیاده‌روی اربعین موافقم؛ اما نقدهایی هم به آن دارم. اول اینکه احساس می‌کنم اگر در این بین از اعتقادات مذهبی من سوءاستفاده شود، دوست ندارم شرکت کنم.»

این بی‌میلی حتی بخشی از قشر مذهبی جامعه به حضور در این رویداد را می‌شد در گفته‌های بعضی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نیز دید. برای نمونه فاطمه می‌گوید:

اینکه تمام امکانات دولتی در ایام پیاده‌روی برای این برنامه بسیج می‌شود، موجب شده است که کل این برنامه نابود شود. من که علاقه داشتم در این برنامه شرکت کنم، وقتی فهمیدم بانک‌ها و همان ارگان‌های دولتی که کمترین دستگیری در وقت نیاز را از مردم خودمان دریغ می‌کنند، در کربلا موکب می‌زنند و خدمات رایگان می‌دهند، کل ماجرا از نظرم شک‌برانگیز شد. قطعاً پشت این ماجرا موضوعاتی مشکوک است. شاید برای همین باشد که س.ج. که خود پژوهشگر است، در پاسخ به پرسش‌های پژوهشگر درباره «مراسم اربعین» می‌گوید با کاربرد واژه «مراسم» برای این آیین موافق نیست؛ چراکه دولتی بودن آن را به ذهن می‌رساند. بنابراین بهتر است از اصطلاحاتی همچون «زیارت» یا «پیاده‌روی اربعین» استفاده کرد. بیشتر کارشناسان هم نقدشان به حکومتی و دولتی شدن این مراسم، خالی کردن آن از ظرفیت‌های مردمی‌اش بود. ج.ر. دین‌پژوه می‌گوید:

● اگر می‌خواهیم برای این آیین تبلیغ کنیم، نباید یادمان برود که این مراسمی مردم‌بنیاد است. بنابراین دولت در نهایت باید تسهیلگر باشد و نباید عریان و مستقیم وارد شود. در آیین اربعین نهادهای دولتی عریان وارد شدند و به جایی برای خودنمایی این نهادها تبدیل شد. این سیاست غلطی است. ایرادی ندارد که نهادهای دولتی در اربعین ورود کنند؛ اما به شکل مستقیم نباشد، بلکه زمینه‌سازی کنند.

غلامی (۱۳۹۴: ۱۳۲) هم انتقاد می‌کند که با دولتی کردن بیش از حد، از ظرفیت مردمی آن نگاهیم.

ع.ط. موکب‌دار ایرانی می‌گوید: «نکته مهم این است که هر زمانی تلاش کردیم فضا را از سمت مردمی به سمت حکومتی حرکت دهیم، باعث مشکل شد و ایراد ایجاد می‌کرد. وقتی کار مردمی بود، برحسب نیاز خودشان رفتار می‌کردند.» عماد، دیگر موکب‌دار ایرانی در همین باره می‌گوید:

● قشنگی حرکت اربعین به مردمی بودن آن است و اینکه از دل مردم بیرون آمده است. خرج با مردم است، اداره‌اش با مردم است، موکب‌ها مردمی است. موضوعی که باعث روبه‌جلورفتن حرکت شده، این است که مردم کار را جلو می‌برند. کمتر می‌بینیم موکبی به فلان وزارتخانه متعلق باشد. البته بعضاً می‌بینیم. به‌نظرم نیاز نیست دولت این‌طور آشکارا وارد شود. اینکه خودشان مستقیم وارد شوند، واقعاً قشنگی حرکت را از بین می‌برد.

به‌طور کلی، بسیاری از پژوهشگران حوزه زیارت و گردشگری دینی در جهان نیز پیشنهاد می‌کنند نهادهای دینی در سفرهای زیارتی نقش چندانی نداشته باشند. برای نمونه، تیموتی و السن (۱۳۹۲: ۱۶) اشاره می‌کنند که ویژگی جهان جدید و به تعبیر آن‌ها پست‌مدرن، این است و رواج اشکال دین شخصی مردم را به سفر به آن دسته زیارتگاه‌هایی ترغیب می‌کند که کمتر به ساختارها و نهادهای دینی و مذهبی وابسته است. بنابراین، احتمالاً با کم‌رنگ‌شدن رنگ‌وبوی دولتی این مراسم، از نظر کمی و بلکه کیفی نیز این آیین برجسته‌تر شود.

البته این مسئله دولتی بودن اربعین، نه تنها طرف ایرانی، بلکه عراقی‌ها را هم به انتقاد وا داشته است. برای نمونه، ع.ط.ح، استاد دانشگاه عراقی معتقد است که این مراسم پیش از اینکه دولت‌ها در آن دخالت کنند، به‌صورت خودجوش و به شیوه‌ای شگفت‌انگیز برگزار می‌شد و به مداخله دولت‌ها نیاز ندارد:

● سال ۲۰۰۳ که دولت عراق سقوط کرد، عجیب بود؛ به این دلیل که یک ماه پس از سقوط دولت صدام، ایام اربعین بود و

از دلایل این رقابت‌ها، بیشتر دیده‌شدن برای کسب مشروعیت به‌منظور بالارفتن از پلکان قدرت توسط برخی مدیران است؛ «بالاخص برخی مدیران ایرانی که نهادهایشان را مجبور می‌کنند از بودجه بیت‌المال، در عراق موکب بزنند» (رحمانی، ۱۳۹۷: ۴۲).

❖ ۲.۲.۳. ایجاد انتظار بیش از حد در زائران ❖

با ورود همه‌جانبه حکومت و دستگاه‌های دولتی در رویداد و در دسترس قراردادن امکانات فراوان برای حضور زائران ایرانی در این مراسم، انتظارات زیادی در زائران شکل گرفته است و دست کم بخش زیادی از آنها احساس می‌کنند سفرشان به عراق باید بسیار ارزان‌قیمت و در بیشتر بخش‌ها رایگان باشد (شرافت، ۱۳۹۷: ۱۹). این مسئله خود چند مسئله دیگر در پی دارد. نخست اینکه بسیاری از زائران ایرانی در موضع طلبکارانه قرار می‌گیرند. ناهمی^{۲۲} که در موکبی در عراق سابقه خادمی دارد، می‌گوید:

● امسال برای اولین بار در جایگاه خادم رفته بودم و چیزی که به‌مثابه بُعد منفی دیدم، این است که متأسفانه خیلی از ایرانی‌ها و نه اغلب، خیلی طلبکارانه رفتار و حتی ابراز می‌کردند کسانی که در موکب‌ها هستند، موظفانند به ما در مقام زائر امام حسین علیه السلام خدمت کنند. آن‌جوری که ما می‌گوییم باید خدمت کنید. حس خود من این بود که به‌علت تبلیغات صداوسیما چنین انتظاراتی شکل گرفته است.

این حالت طلبکارانه همان‌گونه که در صفحات بعدی خواهیم دید، در برابر میزبان‌های عراقی هم شکل گرفته است و شمار زیادی از زائران ایرانی درخواست‌های غیرمنطقی از میزبانان عراقی، برای نمونه، دریافت اتاق

جمعیت میلیونی شیعیان عراق برای اربعین به‌طرف کربلا به راه افتادند؛ درحالی‌که هیچ دولت منظمی روی کار نبود؛ اما این جمعیت میلیونی به کربلا رفت، زیارت کرد و به شهر خودش بازگشت. این برای بسیاری از خبرگزاری‌های غربی شگفت‌انگیز بود که چگونه می‌شود عده‌ای خودجوش این کار بزرگ را انجام دهند.

این دخالت حکومت‌ها در اربعین که تلاش می‌کنند از هویت‌های چهل‌تکه زائران اربعین روایتی یک‌پارچه به دست دهند، عموماً رابطه زائران را از هم‌زیستی به‌سوی تعارض سوق داده است (رحمانی، ۱۳۹۷: ۴۲۲). مظاهری (۱۳۹۷: ۲۳۴) نیز تأیید می‌کند که این شیوه مداخله دولت ایران و نهادهای حکومتی در برگزاری اربعین به‌جای آنکه از فرصت تاریخی نزدیکی دو کشور ایران و عراق بهره‌برد، باعث می‌شود کدورت‌های تازه‌ای ایجاد می‌شود.

❖ ۲.۲.۲. رقابت میان نهادها ❖

در ادامه بحث دولتی‌شدن اربعین، به نظر می‌آید رقابتی پنهان و زیرپوستی میان نهادهای دولتی ایران شکل گرفته است که برای عقب‌نیفتادن از یکدیگر، همه این نهادها باید در اربعین مشارکت کنند و حتماً موکب داشته باشند. در این راه، گاه با پرداخت‌های نقدی به صاحبان عراقی زمین یا ساختمان موکب، چشم‌داشت‌های مادی را در آنها شکل می‌دهد (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۸۰). م.ش. کارشناس مسائل عراق از اینکه بسیاری از نهادهای دولتی واقعاً بی‌ربط به این قضایا، موکب راه‌اندازی کرده‌اند، انتقاد می‌کند. آن‌چنان‌که مظاهری (۱۳۹۷: ۲۳۴) می‌نویسد: «کیفیت حضور این سازمان‌های ایرانی در اربعین به‌گونه‌ای است که نشان از نوعی چشم و هم‌چشمی و رقابت در تبلیغ خود با ارائه خدمات بیشتر و متنوع‌تر به زائران دارد.» م.ر. مو جامعه‌شناس هم در این زمینه می‌گوید: «طبق رویه کارهای دولتی در ایران، در برپایی موکب هم سازمان‌ها در کسب عنوان بزرگ‌ترین و... رقابت دارند.» یکی

۲۲. چون با دو نفر به نام ناهید در اینستاگرام مصاحبه شد و هر دو فقط همین نام یک‌کلمه‌ای را برای حساب کاربری خود انتخاب کرده بودند، برای تفکیک و تمایزشان از یکدیگر شماره ۱ و ۲ به نام آن‌ها افزوده شد.

رایگان در هتل یا سرویس رایگان از تاکسی‌ها دارند که گاهی باعث ایجاد کدورت می‌شود.

از سوی دیگر، همین ارزان بودن یکی از دلایل اصلی سفر بسیاری به عراق شده است. آقای ر. که سال‌هاست به پیاده‌روی اربعین می‌رود، چندین بار در مصاحبه‌اش تأکید می‌کند که خیلی‌ها به اربعین می‌روند، چون ارزان است. همچنین خانم ن. ک. که به کل کوچ‌سرفینگی^{۲۳} این سفر را رفته است، می‌گوید: «وقتی با آن‌ها [دیگر زائران] همراه شدم، دیدم واقعاً پوچ بود. هیچ چیزی نداشت. مثلاً طرف آمده که هرجا که هست، بخوابد و هر چیزی که هست، بخورد و مثلاً یک ریال پول خرج نکند.»

چنین مسائلی باعث شده است اربعین هم از اهداف دینی‌اش تا حدودی دور شود و هم حضور همه‌نوع شرکت‌کننده در آن، پیامدهای فرهنگی اجتماعی در پی داشته باشد که در صفحات پیش رو این دو موضوع را بیشتر بررسی خواهیم کرد.

❖ ۲.۲.۴ چالش‌های امنیتی ❖

پیش از هر چیز باید اشاره کرد که امنیت این رویداد عظیم تاکنون حقیقتاً و به اعتراف دوست و دشمن به بهترین شکل ممکن برقرار شده است. رویدادی با بیش از ۲۰ میلیون شرکت‌کننده که در برهه‌ای در اوج قدرت‌نمایی داعش، این گروه تروریستی حتی مستقیماً به کشتار شیعیان شرکت‌کننده در این رویداد تهدید کرد؛ اما باز هم کمترین مشکلی در این زمینه پیش نیامد. به گفته برخی مسئولان ستاد اربعین، طرف عراقی، برخلاف طرف ایرانی که جنبه‌های فرهنگی، تدارکاتی و... این رویداد را نیز در نظر دارد، بیشتر تمرکزش بر بحث امنیت این رویداد است. اشراف

نیروهای امنیتی و نظامی و شبه‌نظامی عراق و ایران بر مدیریت امنیت این رویداد در حدی بود که در همان سال تهدید داعش، ۱۳۹۲، بین ۱ تا ۲ میلیون نفر فقط از ایران در این مراسم شرکت کردند. نیکجو، رضوی‌زاده و جیووینی (۲۰۲۰) تلویحاً همین اعتماد به نیروهای امنیتی را یکی از دلایل حضور گسترده ایرانیان در آن سال بیان کردند. باین‌همه، تهدید در این زمینه همیشه جدی است. مثلاً در همان سال، عراق عملاً مرزهایش را روی زوار ایرانی به‌طور کامل باز کرد و در بسیاری مواقع، افراد بدون حتی نشان‌دادن گذرنامه از مرز عبور می‌کردند. م.د. که تقریباً هر سال در این رویداد شرکت می‌کند، تجربه آن سال را این‌گونه بیان کرده است:

● اولین باری که رفتم، سال ۹۳، دانشجوی بودم. مراجعه کردم به مرز. ویزا هم نداشتیم. تقریباً بعدازظهر که به مهران رسیدیم، حدود ساعت ۷ شب بود که به پایانه مرزی رسیدیم. می‌ترسیدیم راهمان ندهند. چون ویزا نداشتیم، سر مرز به ما گفتند که سریع بروید و وارد خاک عراق شوید. من آنجا خواهش کردم پاسپورتم را مهر کنید. چون من خدمت نرفته‌ام و برگردم نظام‌وظیفه ما را مؤاخذه خواهد کرد که چرا بدون مجوز رفتید. فقط یک مهر زد و حتی چهره ما را هم تطبیق نداد.

اما ی.ع. تحلیلگر عراقی در این باره نگران است و احتمال آسیب‌دیدن از این نظارت‌نداشتن‌ها را بیان می‌کند و می‌گوید:

● این البته می‌تواند آسیب باشد و به‌نظر مهم‌ترین اشکالی که می‌تواند وجود داشته باشد، همین است که باید در این زمینه مدیریت و تنظیم شود. نه فقط دولت عراق، بلکه دولت ایران هم باید [به این نکته] توجه کند. از این نظر که حضور ۳ تا ۴ میلیون نفر به عراق و اتراق‌کردنشان در یک جغرافیا و اقلیم محدود، بدون شک، اشکالات و مشکلاتی ایجاد خواهد کرد.

۲۳. Couchsurfing: وبگاهی است که افراد از سراسر جهان می‌توانند عضو آن شده و به‌دنبال میزبان رایگان در کشورها و شهرهای مختلف بگردند. قطعاً، نخستین شرط عضویت در این سایت و استفاده از خدماتش این است که خود فرد هم شرایط میزبانی از دیگر گردشگرانی را که نمی‌شناسد، داشته باشد. به‌واسطه حذف هزینه اقامت، این نوع سفرها ارزان‌تر بوده و در میان جوانان طرفداران پرشماری دارد.

● یکی از دانشجویانم که مدیرکل یکی از ادارات است و امسال [به پیاده‌روی اربعین] رفته بود، به چشم خودش دیده بود که در بازگشت به ایران، به دلیل ازدحام، هویت افراد بررسی و پاسپورت مهر نمی‌شد و ملت از مرز رد می‌شدند. بحث کشتار شاهچراغ که پیش آمد، گفت که داعش به همین شکل توانست وارد ایران شود.

۲.۲.۵. نبود نظارت و مدیریت مناسب ❖

بخش زیادی از آنچه در قسمت چالش‌های امنیتی دربارهٔ نبود گاه‌وبی‌گاه نظارت کافی بر ورود و خروج در مرز عراق وجود دارد، به‌نوعی به مدیریت نامناسب باز می‌گردد. این نظارتی که گاه کافی نیست، خود مایهٔ آسیب دیگری شود که در بخش «ایجاد انتظار بیش از حد در زائران» به آن اشاره شد. برخی زائران اربعین انتظاراتشان آن‌چنان است که گاه حتی تحمل دوسه ساعت ایستادن پشت مرز را ندارند و همین جاست که گاه صحنه‌های نامناسبی ایجاد می‌شود: کسانی که به مأموران مرزی حمله کرده، گاه با سنگ و چوب آن‌ها را می‌زنند، حصارها را خراب کرده و وارد کشور عراق می‌شوند. در چندین سفرنامه به این نکته و خاطرات تلخی که آفریده، اشاره شده است:

● [راننده] شروع کرد از تعریف کردن خاطره از پس‌رדایی‌اش که زبروز رنگ بوده و پارسال دویست نفر را جمع کرده و با شکستن دری که مرز را نگهداری می‌کرده به سمت کربلا رفتند از مهران. وقتی می‌گفت فریم‌فریم خاطره بود در برابر چشمانم از دو سال پیش که چنین شرایطی داشتیم در مرز با رفقا (آقاسی، ۱۳۹۹).

آقاسی پس از بیان این خاطره از زبان رانندهٔ تپسی که او را سوار کرده بود تا به فرودگاه برساند، یاد خاطرهٔ دو سال پیش خودش می‌افتد که رفتاری شبیه همین را در مرز مهران داشته است و یاد التماس‌های مأمور نیروی انتظامی می‌افتد که با بلندگو می‌گفته

بنابراین، اولین مسئله‌ای که مردم و کسانی که در اربعین نقش دارند، درخواست دارند این است که حتماً باید این تعداد افرادی که از خارج از کشور وارد می‌شوند، مدیریت شوند. امسال شاهد بودیم کارت‌های هویت و مدارک خاصی به زوار ایرانی می‌دادند. زمانی که حجم زوار زیاد می‌شد، مدیریت مختل می‌شد و بنده شخصاً در مرز شلمچه دیدم که هزاران نفر از جمهوری اسلامی ایران بدون پاسپورت و بدون مشکل وارد کشور عراق شدند. این قطعاً شاید بحثی امنیتی هم باشد. شما باید بدانید چه کسانی از کشورتان خارج می‌شوند و چه کسانی وارد کشورتان می‌شوند. بنابراین، چنین بحثی نه‌تنها امنیت عراق را مختل می‌کند، برای جمهوری اسلامی ایران هم مشکل‌ساز است.

ا.ل. ساکن شهر مهران می‌گوید که در ایام اربعین مردم این شهر احساس امنیت نداشتند. وقتی در این باره از ایشان درخواست می‌شود که توضیح بیشتری بدهد، می‌گوید:

● معمولاً همهٔ کسانی که می‌خواستند از مرز خارج شوند، قصدشان زیارت نبود. خیلی‌ها می‌خواستند خارج شوند و دیگر برنگردند. خیلی‌ها بدهکار بودند یا می‌خواستند چیزی قاچاق کنند. غیرقانونی می‌خواستند رد شوند. چون آن موقع زیاد هنوز سازمان‌دهی نشده بود. روزهایی که مناسبی بود، اربعین، تولد، مرزبانان می‌گفتند که صلواتی رد شوید.

نگارنده شواهدی در این زمینه نیافت؛ اما حتی به‌شکل شایعه نیز این‌گونه دیدگاه‌ها دربارهٔ اربعین آسیب‌زاست. هر حرکت تروریستی، مثل اتفاق امسال در شاه‌چراغ شیراز یا هر حرکت مخمل امنیت دیگری که پیش بیاید، ذهنیت برخی از افراد جامعه را ممکن است به‌سوی مسئلهٔ عبور بدون کنترل از مرزها بکشد. برای نمونه، خانم ش.ض. که استاد دانشگاه است در همین باره می‌گوید:

است: «شما زائرید. این رفتارها از شما بعید است.» انتقاد آقاسی این است که با میله می‌توانستند چند ستون درست کنند که زائران در آن‌ها به‌صاف و در نوبت بایستند؛ چراکه از نگاه او چنان محیطی نه کرامت انسانی زائران را در نظر گرفته بود و نه غریزه آدمی که ممکن است یا به‌واسطه جوانی شیطنت کند یا به‌واسطه خستگی و کلافه‌بودن قید نظم و ترتیب را بزند (آقاسی، ۱۳۹۹). این «غریزه آدمی» که آقاسی به آن اشاره می‌کند، در بحث رفتارهای هنجارشکنانه و رفتارهای کج‌روانه که در صفحات پیش رو محل بحث قرار می‌گیرد، اهمیت دارد.

همچنین شرافت (۱۳۹۷: ۳۹) در بخشی از مسیر پیاده‌روی اربعین با چهار جوان ارتشی عراق که برای حضور در این مراسم مرخصی گرفته بودند، همراه می‌شود. آن‌ها فیلمی از سال پیش نشان می‌دهند که زائران ایرانی پس از شکستن حصار و رد شدن غیرقانونی از مرز مهران، «باحسین‌گویان و الله‌اکبرگویان، به مأموران عراقی سنگ پرتاب می‌کردند و یکی از ماشین‌های عراقی را آتش زدند». آن‌ها این رفتارها را در راه زیارت امام حسین (ع) درک نمی‌کردند.

م.ش. کارشناس عراق از خاطرات تلخ اربعین سال ۱۳۹۵ یاد می‌کند که مدیریت نامناسب در مرز باعث درگیری میان زائران و نیروهای مرزی شد؛ به‌گونه‌ای که یگان ویژه برخی از زائران را بسیار کتک زد تا توانست اوضاع را مهار کند. در همین سال بود که زائران به‌علت بسته‌شدن جاده، به تریلی مواد غذایی که قرار بود به عراق برود، حمله کردند.

باید گفت که دولت ایران در حال دولتی‌کردن این رویداد است و آسیب‌های پیش‌گفته را ایجاد کرده است؛ اما به موضوعاتی که به نظر می‌رسد وظایف او در این زمینه باشد، توجه کافی ندارد. برای نمونه در میان مصاحبه‌شوندگان، فردی بود که در اربعین ۱۴۰۱ یکی از خویشاوندانشان را در تصادف در مسیر برگشت از دست داده بود و یکی دیگر صدمه زیادی دیده بود. اما روند تحویل جنازه از بیمارستان در عراق، انتقال جنازه و شخص مصدوم به ایران، دیه و هزینه‌های درمانی‌شان با

گذشت چهار ماه و در هنگام مصاحبه، هنوز تمام نشده بود.

ع.خ. این را به «استفاده بد» حکومت از زائران اربعین تعبیر کرده است؛ بدین معنی که به حضور آنان برای نمایش قدرت خود در راهپیمایی نیازمند است؛ اما اسباب لازم برای این حضور را فراهم نمی‌کند و فقط مهم است که رویداد با حداکثر جمعیت برگزار شود.

ج.ر. در این زمینه معتقد است که دلیل رخ دادن چنین مسئله‌ای به ناهم‌خوانی سه حوزه باز می‌گردد: انتظارات مسئولان که بدون توجه به امکانات و زیرساخت‌ها خواهان حضور حداکثری زائران ایرانی‌اند؛ انتظارات زائران که خواهان برخورداری از بیشترین امکانات با کمترین هزینه یا حتی رایگان، باز هم بدون توجه به سطح امکانات و زیرساخت‌ها هستند؛ میزان امکانات و زیرساخت‌ها که توان خدمات‌دهی مناسب به این حجم از جمعیت را ندارد.

اگر این سه حوزه بتوانند به هم‌خوانی برسند، تا حد زیادی این مشکل برطرف می‌شود. یعنی ابتدا مشخص شود که زیرساخت‌های ایران و عراق گنجایش چه تعداد زائر را دارد؛ سپس مسئولان برای جلب زائر کمتر یا افزایش سطح امکانات برنامه‌ریزی کنند و دست آخر، ضمن ثبت‌نام و پذیرش میزان متناسب زائران، از امکانات موجود تصویری واقعی ارائه دهند تا زائران انتظارات بیش از حد پیدا نکنند.

در پایان این قسمت لازم است اشاره کنیم که برخی مسئولان ستاد مرکزی اربعین در نشستی مرتبط با این پژوهش، به این نکته اشاره کردند که برخلاف تصور عمومی، میزان دخالت حکومت و نهادهای دولتی ایران در رویداد چندان زیاد نیست. یکی از دلایل این موضوع، ناهماهنگی میان نهادهای حکومتی است. برای نمونه، صداوسیما جزو نهادهایی است که تصویر درستی از اربعین مخابره نمی‌کند و بیشتر بر جنبه‌های دولتی و ارزان‌بودن این رویداد تأکید دارد.

از سوی دیگر، این ستاد تأیید می‌کند که در برخی زمینه‌ها دولت و نهادهای دولتی مجبورند ورود کنند. برای نمونه، کمتر موبکی حاضر است

خواهان مقابله با این پدیده نوظهور باشند، مسئله اجتماعی پیدا شده است. همچنین اگر افرادی وارد سرزمین دیگری شوند که فرهنگشان متفاوت است و باعث می‌شود حساسیت‌هایی در میان جامعه میزبان یا حتی مهمان ایجاد شود و بخش زیادی از یکی یا هر دو گروه خواهان برطرف‌شدن آن باشند، باز هم ما با مسئله‌ای اجتماعی روبه‌رو شده‌ایم که در فرهنگ این گروه‌ها ریشه دارد. در اینجا بیشتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی‌ای اشاره می‌کنیم که از تفاوت‌های فرهنگی میان دو جامعه ایرانی و عراقی ناشی شده است. نتیجه عمده و اصلی مسائل فرهنگی اجتماعی، فاصله‌افتادن میان دو ملت و کشور ایران و عراق و ازدست‌رفتن این فرصت تاریخی برای نزدیکی دو کشور، آن‌هم پس از جنگی هشت‌ساله است. این مسائل فرهنگی اجتماعی را می‌توان در چند محور عمده دسته‌بندی کرد.

❖ ۲.۳.۱. تفاوت‌های فرهنگی ❖

تفاوت‌های فرهنگی نه‌تنها میان دو کشور، بلکه حتی در میان اقوام مختلف درون یک کشور یا حتی اهالی یک استان و شهر هم یافت می‌شود. از همین روست که دانشجویان رشته‌های مرتبط با گردشگری چندین واحد درسی درباره فرهنگ اقوام و کشورهای مختلف و همچنین روابط بین فرهنگی و... می‌گذرانند. اگر از تفاوت‌های فرهنگی درون این کشورها چشم‌پوشی کنیم، قطعاً ایرانی‌ها و عراقی‌ها، در عین داشتن اشتراکات دینی و مذهبی فراوان، تفاوت‌های فرهنگی بسیاری دارند که در بسیاری مواقع ممکن است سوءتفاهم‌هایی جدی ایجاد کند. ع.ط.ح. جامعه‌شناس عراقی می‌گوید:

● اختلافات فرهنگی وجود دارد؛ مثلاً دختران ایرانی آرایش می‌کنند، درحالی‌که دختران عراقی آرایش نمی‌کنند. برخی ایرانی‌ها سلاقی غذایی‌شان متفاوت است و برای همین غذایی را که از عراقی‌ها دریافت می‌کنند، نمی‌پسندند. لقمه‌ای می‌خورند و

در مرزهای شرقی و برای استقبال از زائران پاکستانی و افغانستانی فعالیت کند. بنابراین دولت خودش در این منطقه موکب برپا می‌کند. همچنین برخی نهادها مبلغانی را به‌صورت ناشناس به این رویداد می‌فرستند تا با حضور در میان زائران و گفت‌وگو با آن‌ها، از خوش‌گذرانی در این رویداد جلوگیری شود.

نکته مهمی که برخی مسئولان این ستاد به آن اشاره کردند، گلایه از برخی مسئولان کشور، مثلاً بعضی نمایندگان مجلس است که در ایام اربعین و بدون هماهنگی قبلی تصمیم می‌گیرند در این رویداد شرکت کنند. بنابراین در میان آن‌همه فعالیت، بخشی از توان و نیروی برگزارکنندگان باید برای تأمین امنیت این افراد و هماهنگی برای حضورشان در مسیر یا بقاع متبرکه صرف شود که نظم جاری را به هم زده و برای زائران نیز دردسر درست می‌کند.

اما هرچه باشد، ستاد مرکزی اربعین می‌پذیرد که باید جنبه مردمی این مراسم قوی‌تر شود. البته در کنار آن، لازم است تصویر نادرستی که بخش دولتی را بیش از حد فربه نشان می‌دهد، اصلاح شود.

❖ ۲.۳. مسائل فرهنگی اجتماعی ❖

بخش زیادی از مسائل دولتی که در بخش پیش بیان شد، به مسائل داخلی خود ایران مربوط است؛ برای نمونه، رقابت میان نهادها در خود ایران نیز مسئله‌آفرین است؛ همچون بی‌نظمی پشت مرزها. اما مسائل فرهنگی اجتماعی عموماً و نه لزوماً همه، در عراق رخ می‌دهد. مسائل فرهنگی مسئله‌هایی است که در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر گروه یا ملت ریشه دارد. برای نمونه، تعریف و محدوده پوشش اسلامی و حجاب، باتوجه‌به فرهنگ کشورهای اسلامی با یکدیگر متفاوت است. حتی درون یک کشور نیز مناطق و خرده‌فرهنگ‌ها، ممکن است تعاریف متفاوتی از پوشش اسلامی داشته باشند. اما چنانچه بخشی از جامعه پوششی آن‌چنان متفاوت با هنجارهای رایج جامعه داشته باشد که حساسیت بخش زیادی از جامعه را برانگیزد و این بخش

بقیه را دور می‌اندازند و این برای عراقی‌ها خوشایند نیست. در فرهنگ عراقی اگر فردی عراقی به مهمانانش غذا یا چای یا هر چیزی بدهد، باید آن را کامل بخورد و اگر نخورد، نوعی بی‌احترامی است؛ در حالی که من می‌دانم در ایران چنین سنتی نیست. این ناآشنایی دو کشور با فرهنگ‌های یکدیگر را ج.ر.، دین‌پژوه، از فرصت‌های ازدست‌رفته اربعین می‌داند:

● منطق اصلی سیاست‌گذاری‌های راهبردی ما به اربعین منطقی بسیار بسته و حداقلی است. ما با عراق پیوندهای دیرینه بسیاری داریم و بخش زیادی از خاطرات قومی ایرانیان در سرزمین عراق کنونی رخ می‌دهد؛ اما برای توسعه ذهنیت و پیوندهای ایرانیان با عراقی‌ها از این فرصت استفاده نکرده‌ایم. کسانی که به مراسم اربعین می‌روند، هیچ شناختی درباره مردم عراق، حتی شیعیانش و سپس سنی‌ها و غیرمسلمانان این کشور پیدا نمی‌کنند. از گروه‌های قومی ایرانی همچون کردها و لرهای فیلی در آنجا بی‌خبریم. کسانی که می‌توانستیم با شناسایی‌شان، برای توسعه شناختمان به‌منظور بسط قلمروی فرهنگی‌مان تلاش کنیم و سمینار بگذاریم و... در این مدت هرچه سمینار میان دو کشور گذاشته شده، فقط درباره اربعین است. هیچ تشکل، سمینار، گروه و... نداریم که به شناسایی میراث فرهنگی ایران در عراق منجر شود.

مهم‌ترین تفاوت‌های فرهنگی دو کشور که خود را به‌ویژه در ایام اربعین نشان می‌دهد، می‌توان در چهار زیرشاخه نشان داد.

❖ ۲.۳.۱.۱. بحث بهداشت ❖

این شاید مهم‌ترین تفاوت فرهنگی دو کشور باشد. برخی نظرسنجی‌ها هم همین نکته را نشان می‌دهد. برای نمونه، مهم‌ترین مشکل زائران اربعین ۱۳۹۶ در

سفر، مسائل بهداشتی داخل کشور عراق بوده است که ۵۸ درصد به این موضوع اشاره کرده‌اند (ایسپا، ۱۳۹۶). در اربعین ۱۳۹۷ هم «مسائل بهداشتی در کشور عراق» برای ۳۴/۷ درصد زائران مهم‌ترین مسئله بوده است (ایسپا، ۱۳۹۷). سفرنامه‌ها نیز این نکته را تأیید می‌کنند (نک: عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۷۵؛ جواهری، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ مظفری، ۱۳۹۷: ۹۳۷). ب.پ. می‌گوید که خانواده‌اش به عراق رفتند و پس از بازگشت، همه‌شان بیمار شدند. در قسمت «شایعات» به این نکته اشاره می‌کنیم که سرایت بیماری از عراق به زائران ایرانی و سپس ورود همان زائران به ایران، یکی از نکاتی است که خیلی از منتقدان به آن اشاره کرده‌اند.

همین است که خیلی از زائران ایرانی ترجیح می‌دهند از خدمات موکب‌های عراقی استفاده نکنند. برای نمونه، خانم ذ. اشاره می‌کند که موکب‌های عراقی تمیز نیستند. اما موکب‌های ایرانی امام‌رضاء^ع و حضرت معصومه^ع خیلی خوب بودند. این موضوع برای موکب‌داران عراقی ناراحت‌کننده است. حتی برخی عراقی‌ها استفاده ایرانیان از وسایل شخصی، همچون لیوان و ظروف شخصی را بر توهین آمیز بودن این رفتار حمل می‌کنند و مثلاً با ذکر جملاتی همچون: «یعنی ما نجس هستیم؟» (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۲۷) ناراضیتی‌شان از این رفتار را نشان می‌دهند.

ع.ط. موکب‌دار ایرانی که خودش از اعراب خوزستان است و تا حدودی با فرهنگ عراقی‌ها آشناست، می‌گوید:

● اشاره به کثیف‌بودن عراقی‌ها [از سوی ایرانیان] خیلی مردم آن کشور را اذیت می‌کند. [مثلاً] عراقی‌ها از قدیم از صابون جامد [که ایرانی‌ها کمتر به کاربرد آن مایل هستند] استفاده می‌کردند، نه مایع. به ابریق یا همان آفتابه بیشتر توجه دارند و فکر می‌کنند شیلنگ نمی‌تواند خوب تمیز کند. این تفاوت فرهنگی خیلی جدی است. بحث حمام در مسیر هم چالشی بود که برای زوار مشکل ایجاد می‌کرد.

البته برخی پژوهشگران همچون رحمانی (۱۳۹۷: ۴۳۱) معتقدند بسیاری از زائران ایرانی با توجه به ارزان بودن سفر و رایگان بودن بسیاری از خدمات، با این وضعیت بهداشتی در عراق کنار آمده و گلایه چندانی ندارند. نکته دیگری که در میان برخی مصاحبه‌ها اشاره شده بود، افزودن برخی از ایرانیان بر حجم آلودگی‌های محیطی مسیر اربعین است. راضیه چندین بار در مصاحبه‌اش به توجیهی اشاره می‌کند که این دسته از زائران ایرانی برای این کارشان داشتند: «خیلی [ها] می‌گفتند که این‌ها خودشان همین هستند. خودشان این [زندگی غیربهداشتی] را می‌خواهند.» همین توجیه بهانه‌ای می‌شد برای ریختن زباله در راه و... خانم ذ. هم اشاره می‌کند که در دستشویی‌های بین راه، زنان ایرانی نوارهای بهداشتی‌شان را کف دستشویی‌ها می‌انداختند که هم کاری غیربهداشتی است و هم در فرهنگ عراقی چنین وسایلی نباید در دید عموم، حتی زنان باشد.

نمونه‌های دیگری هم هست که می‌تواند این موضوع را در بر بگیرد. برای نمونه، به اعتقاد عراقی‌ها، زائر امام حسین علیه السلام باید با همان گردوخاکی که بر بدن و لباسش نشسته و با حال زار به زیارت امام حسین علیه السلام برود.^{۲۴} همچنین، از نگاه آن‌ها، همه آلودگی‌های ظاهری در طول راه، «پر از برکت و تقدس به حساب» می‌آید (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۶۱). ضمن آنکه براساس تأکید آیت‌الله سیستانی، برای اقامت کوتاه در اربعین برای اینکه جا برای دیگر زائران باز شود، بیشتر عراقی‌ها بدون فوت وقت و با همان لباس‌های گردوخاکی راه به زیارت می‌روند و برمی‌گردند (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۸۸). اما زائر ایرانی دیدگاه کاملاً متفاوتی دارد؛ تا آنجاکه این شیوه حضور عراقی‌ها را نوعی غیربهداشتی بودن به شمار می‌آورد. در این زمینه البته مبنای درون‌دینی

۲۴. البته گاهی برخی زائران ایرانی هم از زاویه‌های دیگر به این مسئله نگاه می‌کنند. برای نمونه فاطمه می‌گوید: «این جاده پر از خاک و زباله، مردم را پاک می‌کند... ممکن است [زائران] احساس خستگی کنند از نظر فیزیکی تا حدودی، اما روحیه آن‌ها را تازه می‌کند (نیکجو، رضوی‌زاده و گیویونه، ۲۰۲۰: ۶۱۹).

داریم. برخلاف بقیه زیارت‌ها که در آن‌ها بر غسل کردن و لباس تمیز پوشیدن پیش از زیارت توصیه و تأکید شده، درباره زیارت امام حسین علیه السلام در برخی منابع شیعی تأکید بر این است که با همان وضعیت غبارآلود به زیارت بروند. برای نمونه در مفاتیح‌الجنان آمده است:

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، زیارت کن آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده‌مو و غبارآلوده و گرسنه و تشنه که آن حضرت با این احوال شهید شده است و حاجات خود را طلب نما و برگرد و آن را وطن خود قرار مده (قمی، ۱۳۸۶: ۵۶۷).

تقریباً همه آنچه را در این حدیث شریف آمده، زائران ایرانی نادیده می‌گیرند؛ چه در بحث اهمیت‌نداشتن غبارآلوده‌بودن و چه در بحث توقف‌نکردن در کربلا و چه در بحث خوراک و نوشیدنی که در ادامه می‌آید.

❖ ۲.۳.۱.۲ بحث خوراک ❖

شاید نخستین تفاوت فرهنگ خوراک دو کشور را بشود از چای‌هایی که موکب‌های فراوان عراقی به زائران تقدیم می‌کنند، فهمید. برخلاف ما که در ایران چای را در آب‌جوش ریخته و نزدیک آتش نگه می‌داریم تا دم بکشد، عراقی‌ها چای خشک را همراه با آب در کتری ریخته و روی آتش می‌گذارند تا بجوشد. بنابراین رنگ بسیار تیره‌ای پیدا کرده و تلخ می‌شود. سپس به‌اندازه یک‌سوم استکان یا لیوان را شکر می‌ریزند و چای را به آن اضافه می‌کنند. بسیاری از ایرانی‌ها به‌هیچ‌وجه طعم چای عراقی را با ترکیبی از تلخی بیش از حد ناشی از جوشیدن چای با شیرینی بیش از حد ناشی از شکر زیاد، نمی‌پسندند. در سال‌های اول که عراقی‌ها این مسئله را نمی‌دانستند، از واکنش منفی زوار ایرانی به طعم چایشان دل‌خور می‌شدند. اما کم‌کم برای حرمت زائران ایرانی، آن‌ها هم درست کردن چای به روش ایرانی‌ها را یاد گرفتند و اکنون در بیشتر موکب‌های عراقی می‌توان هم چای عراقی دید و هم چای ایرانی. هرچند به نظر

می‌آید اندک‌اندک برای شماری از ایرانیان، چای عراقی به یکی از نمادهای مسیر اربعین تبدیل شده است و دوست دارند خوردن آن را تجربه کنند. همچنین طعم متفاوت غذاهای عراقی باعث می‌شود که برخی زوار ایرانی، پس از دریافت غذای نذری عراقی و خوردن یک قاشق، آن را دور بیندازند که ناراحتی شدید عراقی‌ها را در پی دارد. ع.ط. موكب‌دار ایرانی این فضا را چنین توصیف می‌کند:

● ذائقه غذای ایرانی با عراقی‌ها یکی نیست. مثلاً عراقی‌ها از ادویه و گل ختمی در غذاهایشان استفاده می‌کنند. نمودش در چای ایرانی و چای عراقی در اوایل بود که خیلی به چشم عراقی‌ها می‌آمد و آن قدر برایشان حیاتی بود که چای ایرانی هم درست کردند و الان می‌پرسند که شما چای ایرانی می‌خواهید یا عراقی. این از مهمان نوازی عراقی‌هاست.

کافی است زوار به جای پافشاری بر چای ایرانی، بگویند چای عراقی می‌خواهند تا همین درخواست ساده و کوچک، مایه خوش‌حالی میزبان عراقی شود (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۴۹). نکته دیگر این است که از نگاه برخی، ایرانیان غذاهای نذری را جمع می‌کنند، بیش از آنکه نیاز داشته باشند و گاه در کوله‌پشتی خود می‌گذارند و همراه خود می‌برند. این برای عراقی‌ها عجیب است (شرافت، ۱۳۹۷: ۴۳).

❖ ۲.۳.۱.۳. بحث رفتارهای دینی ❖

رفتار برخی زائران ایرانی گاه مایه شگفتی عراقی‌ها می‌شود؛ تا آنجا که از ایرانی‌ها می‌پرسند: «مگر شما مسلمان نیستید؟» (شرافت، ۱۳۹۷: ۶۷). برای نمونه، برخی موكب‌داران عراقی از اینکه برخی ایرانیان برای نماز صبح بلند نمی‌شدند، تعجب می‌کردند. اگر این رفتارهای ایرانیان که از نگاه عراقی‌ها سهل‌انگاری در ادای فرایض دینی تعبیر می‌شود، برجسته شود، ممکن است اختلافات و تنش‌ها را میان این دو گروه بیشتر کند.

همچنین خواب پس از نماز صبح که در فرهنگ

ایرانی رایج است، در میان موكب‌داران و میزبانان عراقی عجیب است (نجاتی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). از سوی دیگر، آرایش بانوان ایرانی در مسیر پیاده‌روی، برای بسیاری از عراقی‌ها پذیرفتنی نیست و به راحتی در این زمینه تذکر می‌دهند (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۶۵). ع.ط. موكب‌دار ایرانی می‌گوید:

● عراقی‌ها روی آرایش خانم‌ها خیلی حساس‌اند. این هم به حساسیتشان روی در پستو نگه داشتن زن‌ها برمی‌گردد. تا آنجا که ما در خصوص کرم ضدآفتاب‌زدن خانم‌ها دغدغه داشتیم؛ چراکه عراقی‌ها می‌آمدند و می‌گفتند که خوب نیست بانوان شما این کارها را انجام می‌دهند. این کار زشت است. کلاً در ایام اربعین آرایش خیلی بد است. یک نمونه داشتیم که خانم رژلب و لاک ناخن زده بود. خیلی عصبی شدند. امسال هم روی پهن کردن لباس زیر مسئله داشتیم که می‌گفتند چه خانم، چه آقا، نباید لباس زیرش را جایی پهن کند که دیگران ببینند.

آیت‌الله سیستانی هم البته در خصوص پوشش زنان در مراسم توصیه‌های جدی به رعایت حجاب کرده‌اند.^{۲۵}

❖ ۲.۳.۱.۴. بحث آداب و رسوم ❖

● بعضی از رفتارها و اعمال از منظر زائران ایرانی مهمان و فرهنگ ایرانی عمل انحرافی به حساب می‌آید و بعضی از رفتارها و اعمال از دید عراقی‌های میزبان و فرهنگ عراق عمل انحرافی محسوب می‌شود. اعمالی مانند سیگار کشیدن یا قلیان کشیدن خانم‌ها از دید ایرانی‌ها در آن مکان و برهه زمانی پذیرفتنی نیست. همچنین، اعمالی مانند طرز پوشش و آرایش خانم‌های ایرانی از دید عراقی‌ها پذیرفته نیست (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۲۵).

۲۵. <https://www.sistani.org/persian/qa/02395>

جناب ی.ع. استاد دانشگاه بصره نکاتی را درباره حساسیت جامعه عراق در خصوص برخی رفتارهایی که در فرهنگ ایران عادی است، بیان می‌کند:

● قطعاً عرب به‌عنوان شخصی قبیله‌ای از آداب و رسوم تبعیت می‌کند که نزدش بسیار مهم است. باید آداب و رسوم عراقی‌ها را که افتخار خدمت‌رسانی به زوار را دارند، مطرح و معرفی کرد. شناساندن اینکه چه چیزی برای عراقی‌ها مهم است و چه چیزهایی نیست، ضروری است. برای نمونه و مثال، نشستن خانم در حالی که پا روی پا انداخته، بسیار ناهنجار است. حتی در موکب اگر مردی بنشیند و پا روی پا بیندازد، به‌شکلی که پایش زاویه نود درجه دارد، بسیار بد و ناهنجار است. این‌ها باعث می‌شود گاهی تنش‌هایی رخ دهد. به‌نظرم مهم است به کسی که می‌خواهد در اربعین شرکت کند، توضیحاتی در این زمینه داده شود. یا در مسیر اگر کسی شما را دعوت کند و شما جواب نه بدهید، خیلی بد است. گاهی می‌بینیم با چوب راه را می‌بندند تا شما مجبور شوید به خانه‌شان بروید. این برای نمایش و بازی نیست، واقعاً فرهنگشان این‌گونه است.

همچنین فرهنگ چانه‌زنی برای گرفتن تخفیف که در ایران موضوعی تقریباً همگانی و رایج است، در عراق رایج نیست و بنابراین، گاهی چانه‌زنی مشتریان ایرانی باعث ناراحتی فروشندگان یا رانندگان عراقی می‌شود. حتی آن‌گونه که شرافت (۱۳۹۷: ۲۵) می‌نویسد، این فرهنگ چانه‌زنی برای عراقی‌ها، به‌ویژه در سال‌های نخست حضور ایرانیان در اربعین، شگفت‌انگیز بود. البته نکته دیگری که او اضافه می‌کند، این است که گاهی محاسبه هزینه‌های خدمات میان این دو گروه دردسرساز می‌شود؛ تا آنجا که می‌نویسد: «چند مرتبه مشاهده کردم که سر این موضوع دعوای تنش‌های شدیدی درگرفت و بعضی وقت‌ها به درگیری‌های فیزیکی نیز منجر شد.» باز در جایی دیگر (۱۳۹۷: ۴۷) اشاره می‌کند در راه بازگشت به مرز، راننده مینی‌بوس

چندبار از مسافران ایرانی خواست کرایه‌شان را بدهند و ایرانی‌ها اصرار داشتند وقتی به مرز رسیدند، پرداخت می‌کنند. درنهایت، راننده در میانه راه ایستاد و با فحاشی که به‌جز «ایرانی مجوسی»، دیگر فحش‌هایش را مسافران متوجه نشدند، کرایه را جمع کرد. در برخی کشورها همچون عراق و ترکیه، کرایه را هنگام سوارشدن از مسافر می‌گیرند و در برخی کشورها همچون ایران، پس از رسیدن به مقصد. همین تفاوت کوچک مایه دردسر و تنش می‌شود.

دیگر نمونه مهم و اثرگذار در بحث تفاوت آداب و رسوم، اقامت طولانی‌تر ایرانیان است. این مشکل و مسئله جدی، تفاوتی مهم میان رفتار زائران ایرانی با زائران عراقی است. «شیعیان از اقامت طولانی‌مدت در کربلا، همچون مکه منع شده‌اند؛ همچنین در احادیثی بیان شده است کربلا باید مکانی موقت و جاری در فضای زیارت باشد» (نصراوی، ۱۳۹۹: ۱۳۶). اما همان‌گونه که اشاره شد، ایرانیان رفتاری متفاوت دارند که مشکلاتی را پدید آورده است. نخست اینکه میزبانان عراقی از این رفتار ناراحت‌اند. موکب‌داران عراقی نیز از اقامت چندروزه ایرانیان در موکبشان ناراضی‌اند (نجاتی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). میزبانان عراقی که زائران را به خانه‌هایشان می‌برند هم از این وضعیت ناراضی‌اند. شرافت (۱۳۹۷: ۴۸) از کودک میزبان در این باره می‌پرسد و او برخلاف بزرگ‌ترها که حجب و حیا اجازه گلایه نمی‌دهد، آشکارا نقد می‌کند که زائران ایرانی چندین روز در خانه اتراق می‌کنند و هرچه به آن‌ها می‌گوییم خانه را باید خالی کنیم برای زائران دیگر، گوش نمی‌دهند. آخر سر هم پس از چند روز استفاده از همه امکانات خانه، با ناراحتی و گله و شکایت خارج می‌شوند. ع.ط.ح. جامعه‌شناس عراقی هم می‌گوید: «تاریخ برگزاری این آیین مشخص است. اما شمار زیادی از زائرین ایرانی پیش‌از این آیین به عراق می‌آیند و چند روز پس از پایان این مراسم به ایران باز می‌گردند.» عماد، موکب‌دار ایرانی هم در تأیید این نارضایتی عراقی‌ها می‌گوید:

● با خیلی از عراقی‌ها که صحبت می‌کنم، می‌گویند که چون کربلا ظرفیت خیلی

عراقی‌ها هم از آن استقبال می‌کنند؛ اما مشکل اصلی در طرف ایرانی است.

❖ ۲.۳.۲. تنش‌های فرهنگی ❖

ایرانیان نزدیکی‌های فرهنگی بسیاری با عراقی‌ها دارند. نکته جالب این است که اربعین در سال‌های اخیر به یکی از اشتراکات فرهنگی اصلی دو کشور تبدیل شده است، آن‌گونه که م.ر.ا. می‌گوید: «باوجود اینکه مذهب نزد روشن‌فکران و نواندیشان جایگاه گذشته خود را ندارد، کارکردی پیدا کرده که توانسته بین دو ملتی که خون بسیاری از یکدیگر را ریخته‌اند، وحدت نظر فکری یا حداقل فراموشی گذشته را رقم بزند.»
ع.ن. که فقط برای انجام کار پژوهشی و بدون اعتقاد و باور قلبی به این رویداد رفته بود، چندین بار در مصاحبه بر این بی‌اعتقادبودنش تأکید می‌کند؛ بعد هم تصریح می‌کند:

● به این دلیل تأکید می‌کنم هیچ اعتقادی ندارم که حس آنجا مرا گرفت. چون وقتی رفتم، هم‌دلی میان ایرانی و عراقی، برایم تأثیرگذار بود. حس مدینه فاضله داشت. به‌نظرم مدینه فاضله تشیع در پیاده‌روی اربعین است. آن سالی که من رفتم، همه چیز خوب بود. الان را نمی‌دانم در چه وضعیتی است. درواقع، عراقی‌ها با ایرانیان بسیار خوب بودند. الان هم فکر می‌کنم، هستند؛ اما کمی موضع‌گیری در میان برخی‌شان شکل گرفته است.

با وجود همه تشابه‌ها و نزدیکی‌های فرهنگی و مذهبی، همچنان ایرانیان و عراقی‌ها کدورت‌هایی از یکدیگر دارند که به‌سادگی ممکن است به تنش تبدیل شود. هاشمی‌مقدم (۲۰۲۱) نفرت تاریخی ایرانیان از عرب‌ها و تا حدودی بالعکس، یکسان و یکدست‌دیدن همه عرب‌ها، خاطرات جنگ هشت‌ساله میان دو کشور، نگاه کلیشه‌ای درباره مسائل جنسی مردان عرب و پاره‌ای موضوعات دیگر را از موانع اصلی فرهنگی توسعه گردشگری میان دو کشور می‌داند. بسیاری از این مسائل به‌سادگی بستر لازم و کافی برای ایجاد تنش‌های فرهنگی را فراهم می‌کند. کافی است بدانیم با وجود خدمات بسیار زیاد

زیادی برای جمعیت روز اربعین ندارد، خود عراقی‌ها اکثراً وقتی که می‌رسند، زیارت که کردند، آن‌هم نه به این شکل که حتماً وارد حرم شوند، بلکه زیر همان پلی که روبه‌روی حرم امام حسین علیه السلام است، سلام می‌کنند و به شهرشان برمی‌گردند. این رسم است. این تفاوتی است بین ایرانی‌ها و عراقی‌ها. ایرانی‌ها اکثراً این‌گونه نیستند. ایرانی‌ها خیلی می‌مانند. چندین روز فضا را اشغال می‌کنند. بعضی عراقی‌ها هم شاکی شده‌اند. نه اینکه بدشان بیاید؛ بلکه می‌گویند که زائر وقتی زیارتش را کرد، باید برگردد. اما برخی ایرانی‌ها می‌روند ده‌پانزده روز داخل موب‌ها می‌مانند و نمی‌گذارند افراد دیگر هم بیایند و از آن امکانات استفاده کنند.

این حضور ایرانیان در خود روز اربعین در کربلا که بسیار شلوغ است و اقامت چندروزه‌شان در این شهر، از آسیب‌هایی است که باید برای برطرف‌شدنش تلاش کرد (نجاتی، ۱۳۹۶: ۱۸۲). به باور غلامی: «اگر این سنت اربعین با حضور عراقی‌ها با جمعیتی چندین برابر جمعیت فعلی هم برگزار می‌شد، تا این حد شاهد مشکل نبودیم؛ زیرا آنان پس از اتمام راهپیمایی و زیارت، شهر را ترک می‌کنند و وقوف کوتاه‌مدتی دارند. این در حالی است که برخی ایرانیان یک هفته و بیش از آن در این شهر می‌مانند و از امکانات رایگان پذیرایی بهره‌مند می‌شوند» (۱۳۹۴: ۱۲۸ و ۱۲۷).

آیت‌الله سیستانی برای پیشگیری از شلوغی توصیه کرده‌اند که زیارت اربعین حتماً نیازی نیست در خود روز اربعین اجرا شود و مردم می‌توانند روز پیش یا پس از آن هم این زیارت را به جای آورند (شرافت، ۱۳۹۷: ۴۰).^{۲۶} ایشان این توصیه را برای پیشگیری از شلوغی بیش از حد در روز اربعین صادر کرده‌اند و خود

۲۶. پژوهشگر نتوانست در وبگاه آیت‌الله سیستانی چنین توصیه‌ای پیدا کند. اما در برخی جاها به نقل از گفته‌های مردم چنین توصیه‌ای به ایشان منسوب است. برای نمونه در وبسایت اربعین به آدرس: <http://arbaien.ir/post/436>

و خالصانه‌ای که میزبان‌های عراقی به زائران ایرانی می‌دهند،^{۲۷} همچنان بخش زیادی از زائران ایرانی که به عراق رفته و این حجم از خدمات عراقی‌ها را از نزدیک دیده‌اند، از عراقی‌ها بدشان می‌آید. برای نمونه، در اربعین ۱۳۹۷، ۹۷/۴ درصد زائران ایرانی همچنان احساس بد و خیلی بدی به مردم عراق داشتند (ایسپا، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر و برپایه گفته بعضی زوار ایرانی، برخی از ایرانیان از روی تعصب فقط از خدمات موبک‌های عراقی استفاده می‌کنند و مثلاً می‌گویند که حتی یک ریال خرید نمی‌کنیم تا سودش به جیب عراقی‌ها نرود (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۷۴). این گروه باور دارند خدمت عراقی‌ها به ایرانیان فقط تا زمانی است که به کمک‌های ایران نیاز داشته باشند (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۲۷). البته عراقی‌ها عموماً تلاش می‌کنند موضع تنش‌زایی نداشته باشند؛ چراکه به اعتقاد درست عماد، موبک‌دار ایرانی: «زوار نزد عراقی‌ها قریبی دارند که وصف‌ناپذیر است و تا کسی نرفته باشد، نمی‌تواند آن را بفهمد.» اما به هر روی، عراقی‌ها هم مانند ایرانیان ممکن است خاطرات و کدورت‌های تاریخی به دل داشته باشند یا آنکه از رفتارهای نادرست برخی زوار ایرانی که در ادامه بیشتر شرح می‌دهیم، آزرده‌خاطر شوند و واکنش منفی نشان دهند. حتی برخی زوار که چندین سال به اربعین رفته‌اند، باور دارند رفتار مردم عراق در برابر ایرانی‌ها هر بار سردتر می‌شود. برای نمونه، ح.ف. می‌گوید:

● به نظر من، مردم عراق، البته نمی‌توانیم همه مردم عراق را بگوییم، برخلاف سال‌های گذشته، به مردم ایران نگاه خوبی ندارند. این را براساس گفته‌های کسانی می‌گویم که در نخستین سال‌های پس از سقوط صدام رفته بودند [که آن موقع بیشتر احترام می‌گذاشتند به ایرانی‌ها].

دست‌کم این احساسی است که در بین بخشی از جامعه ایران شایع شده. برای نمونه ناهید ۲ می‌گوید:

● می‌گفتند که عراقی‌ها سال‌های اول، مسافران را به خانه‌های خودشان می‌بردند. اما در سال‌های اخیر، فیلم‌هایی در شبکه‌های اجتماعی پخش

می‌شود که نشان می‌دهد عراقی‌ها دیگر حاضر نیستند ایرانی‌ها را به خانه‌هایشان راه بدهند یا حتی آب به دستشان بدهند یا ته‌مانده چایی را برمی‌گردانند توی قوری و دوباره به ایرانیان می‌دهند.

بخشی از این تنش با عراقی‌ها، نفرت تاریخی است. این نفرت را می‌توان در دو بعد ایرانی‌گری و شیعی‌گری دید. در بعد ایرانی‌گری، این نفرت را می‌توان در چارچوب تضاد ایرانی‌عرب دید و فهمید. نفرتی که عرب را مایه سرنگونی شاهنشاهی ساسانیان و سپس تجاوز به ایران و ایرانیان می‌بیند. این تجاوز یک‌بار دیگر در دوره صدام تکرار می‌شود و چندصد هزار نفر از هر دو طرف کشته می‌شوند.

● ایرانی‌ها عکس‌های شهدای جنگ را به کرات به کار برده‌اند و عکس سرداران جنگ ایران و عراق، شهید همت، باکری و حتی سردار سلیمانی و... را بر موبک زده‌اند؛ ولی عراقی‌ها، عمدتاً عکس‌های مربوط به شهدای حشدالشعبی را در جنگ‌های داخلی اخیر با گروه داعش نصب کرده‌اند. عراقی‌ها عکس‌های شهدای جنگ ایران عراق را به کار نمی‌برند؛ گویی آن‌ها تلاش کرده‌اند خاطره تلخ آن دوران را فراموش کنند (رحمانی، ۱۳۹۷: ۴۲۶).

این ویژگی حتی در رفتار و گفتار و اندیشه برخی زائران ایرانی هم خود را نشان می‌دهد. شرافت (۱۳۹۷: ۴۸) می‌گوید که زائری ایرانی را به‌طور اتفاقی در درمانگاهی نزدیک کربلا می‌بیند و متوجه می‌شود فرد همراه او، میزبان عراقی‌اش است و فرد ایرانی یک هفته در خانه آن‌ها اتراق کرده است. وقتی نویسنده به او یادآوری می‌کند که شاید این زمان طولانی اقامت و این همه خدمت دریافت کردن از میزبان عراقی دور از انصاف باشد، او پاسخ می‌دهد: «به‌رحال باید روزهای جنگ را که این همه سختی به ما دادند، الان جبران کنند.» مظفری (۱۳۹۷: ۹۲۸) هم از هم‌سفرش که او نیز خانم است و از حس انزجار وی به عراقی‌ها به‌دلیل تحمیل جنگ به ایران، می‌نویسد و می‌گوید که تلاش کرده است این حس را مدیریت کند؛ اما به محض مواجهه با اولین عراقی در مرز، این حس دوباره به سراغش می‌آید.

۲۷. نگارنده توصیفی از آن‌ها را در سفرنامه خود با نام سفرنامه شیعه باستان‌دوست به دست داده است.

این نگاه حتی در میان پژوهشگران نیز هست. عبدی خجسته (۱۳۹۷: ۲۵) توضیح می‌دهد با آنکه هیچ‌یک از نزدیکانش در جنگ میان دو کشور کشته نشده است، از اینکه دارد پا به خاک عراق می‌گذارد، از خودش تعجب می‌کند. یا هنگامی که وارد خاک عراق می‌شود، می‌نویسد: «مدام صدای عربی توی گوشم می‌پیچید و با هر صدای عربی، یکی از لحظات جنگ در خاطرم می‌پیچید. می‌خواستم هر چه زودتر آنجا را ترک کنم» (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۳۲). هرچند بر این حس خود چیره می‌شود و از مهمان عراقی‌ها شدن احساس رضایت می‌کند. اما حتی اگر حس نفرتی هم در میان نباشد، آثار روانی جنگ هنوز حس بی‌اعتمادی را در ما زنده نگه داشته است. پویافر (۱۳۹۷: ۲۶۲) هم هنگامی که دو نوجوان عرب آن‌ها را با اصرار به خانه‌شان دعوت می‌کنند، برای استراحت شبانه، دچار تردید می‌شود و می‌ترسد: «حس ترس ناشی از ناشناختگی در یک موقعیت بیگانه، به خصوص که آن موقعیت بیگانه، خاک کشوری باشد که هشت سال با آن در جنگ بوده‌ایم.» این حس البته فقط نتیجه جنگ میان دو کشور نیست. هاشمی‌مقدم (۲۰۲۱) نشان داده این احساس نفرت در میان بخشی از ایرانیان دلیل دیگری نیز دارد و آن خاطره صدر اسلام و فروپاشی شاهنشاهی ساسانی به دست اعرابی بود که پایگاهشان در عراق امروز جای داشت.

در نقطه مقابل، به نظر می‌آید طرف عراقی کمتر در این زمینه موضع‌گیری داشته یا حتی کمتر طرف ایرانی را مقصر می‌داند. شرافت (۱۳۹۷: ۴۶) از میزبان عراقی‌اش می‌گوید که با آنکه در جنگ میان دو کشور، دو تا از برادرانش را از دست داده بود، هیچ کدورتی در قبال ایرانیان نداشت و حتی صدام و حزب بعث را مقصر می‌دانست. ع.ن. نیز اشاره می‌کند در اربعین ۱۳۹۲ که رفته بود، حس شرمندگی در میان عراقی‌ها بود که تأکید داشتند ثابت کنند آن‌ها نبودند یا به واسطه فشار حزب بعث مجبور بودند و برای همین «هی برادر، برادر می‌کردند [...] دوست داشتند این مسائل حل شود». این نکته را رحمانی (۱۳۹۷: ۴۲۸) «یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های گفتمانی ایرانی‌ها و عراقی‌ها و سایر گروه‌های زائر، در مسئله جنگ و شهادت در دوره معاصر» می‌داند. البته قطعاً در هر دو گروه دیدگاه‌های متفاوت هم دیده می‌شود. برای نمونه، غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۴) یک‌بار شاهد بوده که عراقی متعصبی به دلیل خاطرات جنگ هشت‌ساله، شماری زائر ایرانی را از موبک بیرون کرده است که باتوجه به روحیه مهمان‌نواز عراقی‌ها و پرهیزشان از هرگونه تنش در ایام اربعین که برایشان بسیار مقدس است، این رفتار نشان می‌دهد هیچ ضمانتی برای سکوت دائمی عراقی‌ها در این زمینه وجود ندارد. در نظرسنجی‌های ایسپا از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، میزان رضایت زائران ایرانی از مهمان‌نوازی عراقی‌ها نیز سنجیده شده است.^{۲۸} همان‌گونه که در جدول ۴ و نمودار ۱ می‌بینید، در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، به‌طور متوسط رفته‌رفته از کسانی که از خدمت عراقی‌ها به زوار ایرانی در حد زیادی رضایت دارند تا حدودی کاسته و بر کسانی که از آن ابراز نارضایتی کرده‌اند، افزوده شده است.

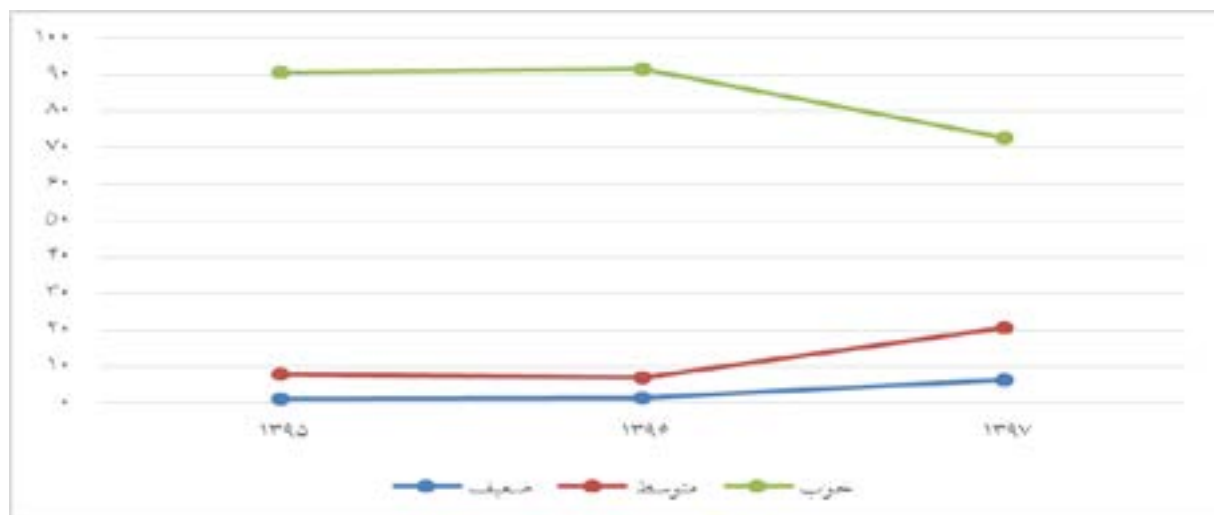
جدول ۴. پذیرایی مردم عراق از زائران

میانگین وزنی ۲۹	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	
۹۰,۷	۶۴,۲	۲۶,۶	۸,۱	۰,۷	۰,۵	۱۳۹۵
۸۹	۵۵,۲	۳۶,۳	۷,۱	۱,۱	۰,۳	۱۳۹۶
۷۸,۶	۲۸,۹	۴۳,۹	۲۰,۷	۴,۱	۲,۴	۱۳۹۷

۲۸. به‌دلایل نامعلومی این پرسش در نظرسنجی‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ حذف شده است.

۲۹. یکی از عملیات‌های آماری انجام‌شده روی یافته‌های برآمده از این پژوهش‌ها، استفاده از میانگین وزنی یا موزون (Weighted mean) است. میانگین وزنی نوعی سنجش گرایش به مرکز است و عبارت است از میانگین حسابی مجموعه داده‌هایی نابرابر و ناموزون. در محاسبه میانگین وزنی مجموعه‌عامل‌های نابرابر، برای هریک از عامل‌ها، وزن یا ارزش معینی در نظر گرفته و سپس آن عامل در وزن معین ضرب می‌شود. آنگاه جمع این ارقام به‌دست‌آمده بر مجموع وزن‌ها تقسیم می‌شود.

میانگین پنج سال	۱,۱	۲	۱۲	۶,۳۵	۲,۴۹	۸۶,۱
(B) شیب خط	۲,۶۵	۶,۳	-۹	-۶,۰۵		



نمودار ۱. پذیرایی مردم عراق از زائران

تنها گذاشتند. شعار «ما اهل کوفه نیستیم» که گاه از دهان قشر مذهبی ایران شنیده می‌شود، در این راستا محل ارزیابی است. هنوز هم برخی زائران ایرانی که به عراق می‌روند و مهمان‌نوازی عراقی‌ها را هم حتی در انتها درجه می‌بینند، باز هم چنین دیدگاهی دارند و از بیان آن پرهیز ندارند. ع.ن. می‌گوید که در طول پژوهش میدانی‌اش در اربعین با چنین نمونه‌هایی روبه‌رو شده است:

● من وقتی با [بعضی] ایرانی‌ها صحبت می‌کردم، خجالت‌زده می‌شدم. مثلاً می‌گفتند که این عراقی‌ها طردشده خدا و امامان هستند. خیلی تفکر غالبی است. من خیلی از طیف مذهبی این‌ها را می‌شنیدم که می‌گفتند برای همین است که عراق هیچ‌وقت عراق نمی‌شود. اینها از همان زمان که این کارها را با امام حسین علیه السلام کردند، این سرزمین تا

این احساس کاهش میزان میزبانی اگرچه اندک، اما محسوس است و در سال‌های آینده ممکن است کاهش بیشتری داشته باشد و شیب تندتری پیدا کند. این احساس ممکن است دو دلیل داشته باشد: نخست اینکه برپایه توصیف‌های کسانی که در سال‌های پیش به اربعین رفته و میزبانی خوب عراقی‌ها را تجربه کرده بودند، تصویری اغراق‌آمیز از میزان میزبانی عراقی‌ها در ذهنیت دیگر ایرانیان شکل گرفته بود که وقتی با واقعیت روبه‌رو می‌شوند، این تصور فرومی‌باشد. به‌ویژه کسانی که بار نخست به اربعین می‌روند، احساس می‌کنند خدمات میزبانی عراقی‌ها کاهش یافته است. دوم اینکه ممکن است به‌واسطه افزایش شمار زائران در سال‌های اخیر، میزان امکانات و توان میزبانی عراقی‌ها هم‌گام با این افزایش جمعیت زائر توسعه پیدا نکرده باشد.

اما «دل‌خوری شیعی» پدیده‌ای است که در آن عراقی‌ها و مثلاً شهروندان کوفه را همچنان در امتداد کوفیان سال ۶۱ هجری می‌بینند که امام حسین علیه السلام را

کشورهای مسلمان، منظور کشورهایی است که اسلام در زندگی روزمره‌شان رایج است، کمتر چنین فرصت‌هایی به دست بیاورند. از همین روست که گاهی دختران مجرد یا زنان متأهل به صورت گروه‌های زنانه یا به تنهایی در این راهپیمایی حضور می‌یابند. باین همه، همان پشتوانه قوی سنتی در چنین جوامعی باعث شده است که زنان در این راهپیمایی مسائل و مشکلات خاص خود را داشته باشند. البته دسترسی و دانستن این مشکلات به دلایل زیر تا حدودی دشوار است:

● نخست اینکه بیشتر پژوهشگران حوزه دین مرد بوده‌اند و بنابراین، با وجود حجم گسترده‌ای از ادبیات تولید شده درباره پیاده‌روی اربعین، زنان نقش بسیار کم‌رنگی در این زمینه دارند. هرچند عرصه کاملاً خالی هم نیست. دوم اینکه برخی از مسائل و مشکلات زنان در این راهپیمایی، می‌تواند مرتبط با بدنشان باشد که بیان آن‌ها تابو به شمار می‌آید و درباره‌اش کسی سخن نمی‌گوید. برای نمونه، عادت ماهانه که باعث می‌شود زنان از زیارت محروم شوند و با وجود پیاده‌روی طولانی و به‌جان‌خریدن سختی‌های سفر، نمی‌توانند وارد حرمین شوند (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

اما برپایه نشانه‌های موجود در گزارش‌ها و مقالات نوشته شده در این زمینه و همچنین مشاهدات پژوهشگر در سفر اربعین، می‌توان به صورت گذرا به چند نمونه در این زمینه اشاره کرد:

۱. بیشتر امکانات با نگاه مردانه و برای مردان فراهم شده است. بیان چند نمونه در این زمینه بهتر به فهم مسئله یاری می‌رساند. اول اینکه بیشتر صف‌ها تفکیک نشده است و مرد و زن مختلط می‌ایستند. بنابراین زنان یا باید قید برخی امکانات را، همچون خوراکی‌هایی که صف طولانی برایش تشکیل می‌شود، بزنند یا آنکه به ناچار کنار مردان بایستند؛ مثلاً هنگام ورود به مرز، صف‌ها فشرده است و بسیاری از زنان اذیت می‌شوند. همین موضوع باعث شده است برخی زنان زائر شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین، در خصوص

قیام قیامت سرنوشتشان همین است. چون با امام حسین (ع) همین کار را کردند. برخی هم گلایه‌شان به عراقی‌ها را در این زمینه نرم‌تر بیان می‌کنند. برای نمونه، زن میان‌سالی که از خوبی عراقی‌ها تعریف می‌کند، در ادامه با تعجب می‌پرسد این‌ها که این قدر خوب هستند، چه می‌شد زمان امام حسین (ع) هم به ایشان و خانواده‌اش آب می‌دادند. یعنی تلویحاً عراقی‌ها را در تداوم لشکریان یزید می‌بیند. و سپس می‌گوید: «اینا باید این قدر آب بدن، این قدر باید به مردم التماس کنن، تا امام حسین (ع) اونا رو ببخشه» (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

همین است که گاهی سخنانی بر زبان می‌آورند که برای عراقی‌ها توهین‌آمیز است. برای نمونه، آقاسی (۱۳۹۹) پس از آنکه شرح می‌دهد بی‌نظمی عراقی‌ها در اربعین، خود نظمی دارد که ما ایرانی‌ها متوجهش نمی‌شویم، اشاره می‌کند:

● از دیگر سو، ایرانی‌جماعت، این میدان بی‌نظمی از نگاه ما و منظم درواقع را سخت می‌تواند هضم کند. معتقدند که شخصی چون صدام بهترین آدم برای عراقی‌هاست که باید آن‌ها را تأدیب کند و الان یله و رها هستند. این موارد را می‌گویند و می‌گویند و می‌گویند (آقاسی، ۱۳۹۹).

البته این‌ها به معنای این نیست که همه زائران ایرانی چنین دیدگاهی دارند. اتفاقاً با اطمینان می‌توان گفت درصد اندکی از زائران ایرانی نگاهشان به عراقی‌ها این‌گونه است. اما بروز نتایج این نگاه، حتی در سطحی اندک نیز بازتاب گسترده و نتایج منفی زیادی در پی خواهد داشت. شرافت (۱۳۹۷: ۲۳) بیشتر این مشکلات میان زائران و میزبانان را از سوء تفاهم و نفهمیدن زبان یکدیگر ناشی می‌داند.

❖ ۲.۳.۳. مشکلات بانوان ❖

پیاده‌روی اربعین مراسمی است که دست‌کم برای زنان نیز فرصت حضور را فراهم کرده است. شاید زنان

زنان چادری در طول راه چادرشان را برداشته و درون کوله‌شان بگذارند و با مانتو و مقنعه راهشان را ادامه دهند. اما همان‌گونه که در بخش تفاوت‌های فرهنگی اشاره شد، عراقی‌ها درخصوص حضور زنان بدون چادر، حتی اگر حجابشان کامل باشد، حساس‌اند و تذکر می‌دهند.

البته مشکلات و مسائل خاص زنان در پیاده‌روی اربعین قطعاً بیش از این‌هاست؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، یافتن و مطرح کردن این مسائل به گسترش پژوهش‌های زنانه در حوزه اربعین نیاز دارد.

❖ ۲.۳.۴. شایعات ❖

درباره اربعین در کنار ضعف‌ها و آسیب‌هایی که واقعاً وجود دارد، بازار شایعات هم داغ است. برخی از این شایعات اثبات‌ناپذیر است و برخی دیگر یا اصلاً وجود خارجی ندارد یا اگر باشد هم در حد بسیار استثنایی رخ می‌دهد؛ اما همان نمونه‌های استثنایی را برخی رسانه‌ها یا جریان‌های مخالف اربعین و مخالفان نزدیکی دو کشور ایران و عراق، برجسته کرده و به‌مثابه رفتار غالب به مخاطب تلقین می‌کنند. امین در مقاله‌ای (۱۳۹۷) مفهوم «حاد واقعیت» بودریار^{۳۱} را برای تحلیل شایعات رایج درباره پیاده‌روی اربعین به کار می‌برد. بودریار به نقش برجسته رسانه‌ها در تولید هرآنچه دوست دارند مخاطب در جهان فراواقعی بداند یا باور کند، اشاره می‌کند. امین با توجه به فراگیری شبکه‌های اجتماعی، همچون تلگرام و واتس‌آپ در ایران، به‌ویژه پیش از فیلترشدنشان که بسیاری از اخبار و شایعات با استفاده از آن‌ها بازنشر می‌شد، آن‌ها را نیز در زمره رسانه‌هایی برشمرده که به شایعات درباره اربعین دامن می‌زنند. او در دسته‌بندی خود از پنج بخش «جمعیت»، «حوادث»، «چهره‌های شرکت‌کننده»، «امور اجرایی و نقل قول‌ها» و «بالاخره «بازنمایی رسانه‌ای» یاد کرده و هریک را با نمونه‌هایی توضیح می‌دهد. البته شایعات را، هم در راستای دفاع و برجسته کردن رویداد می‌داند و هم در راستای منفی‌نشان دادن اربعین. برای شایعه

درستی یا نادرستی حضورشان، شک و شبهه داشته باشند؛ چراکه در این ازدحام جمعیت، احتمال تماس با نامحرم زیاد است (حسینی هاشم‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۶۳). همچنین بعضی دستشویی‌ها در طول راه یا در نزدیکی موب‌ها مشترک است و زن و مرد باید در صف بایستند تا نوبتشان شود. نگارنده شاهد بود در شهر کربلا چگونه زنان معذب بودند که هنگام رفتن به دستشویی کوچک و نامناسبی، مردها پشت در دستشویی منتظر ایستاده بودند. دوم، برخی امکانات برای زنان مناسب نیست یا اصلاً برایشان تدارک دیده نشده است. برای نمونه، مظفری (۱۳۹۷: ۹۴۹) اشاره می‌کند که برپایه تجربیات سال‌های پیش، دیگر در اربعین ۱۳۹۶ به‌دنبال یافتن مکان برگزاری نماز جماعت برای زنان در طول راه نبود؛ چراکه بیشتر نمازجماعت‌ها مردانه است. در همین زمینه می‌توان به مکان استراحت در طول راه یا در مقصد هم اشاره کرد. مردها می‌توانند روی موکت‌های جلوی موب یا حسینیه‌ها بخوابند. یا با یک پتو یا حتی بدون آن، کنار کوچه و خیابان استراحت کوتاهی کنند و اصطلاحاً چرت بزنند. اما خوابیدن یا استراحت کردن در این اوضاع برای زن مسلمان، آن‌هم هنگام زیارت ناممکن است.

۲. برخی مردان همچنان مخالف حضور زنان در پیاده‌روی اربعین هستند، مثلاً به این دلیل که این سفر سخت است و برای زنان مناسب نیست یا اینکه مناسب زنان بچه‌دار نیست (حسینی هاشم‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۶۲). این انتقادات باعث شد تا مظفری در جایگاه بانویی که علاقه‌مند به حضور در این مراسم است، در نوشته‌ای وبلاگی، مفصل به این انتقادات پاسخ داده و از حضور زنان در اربعین دفاع کند.^{۳۲}

۳. پوشش کامل زنان بدون چادر همچنان محل انتقاد است. نگارنده در اربعین ۱۳۹۷ شاهد بود که زنان چادری ایرانی در آغاز راه بسیار بیشتر از زنان چادری ایرانی در پایان راه بودند. همان‌گونه که در سفرنامه شیعه باستان‌دوست شرح داده‌ام، این به‌دلیل راحتی پیاده‌روی بدون چادر بود که باعث می‌شود برخی

است. برای نمونه، برخی منتقدان عراقی حضور ایرانیان در رویداد، به صیغه کردن زنان عراقی توسط زائران ایرانی اشاره می‌کنند^{۳۲} که چنین شایعه‌ای به نگاه منفی عراقی‌ها به زائران ایرانی منجر می‌شود.

۲. رفتار بد با زائران ایرانی: گاهی شایعاتی درباره رفتار نامناسب و توهین‌آمیز عراقی‌ها با ایرانیان مطرح می‌شود یا یک رفتار توهین‌آمیز یک عراقی با زائران ایرانی، به شکل گسترده‌ای پخش و به همه عراقی‌ها تعمیم داده می‌شود. برای نمونه، سال گذشته فیلمی در فضای مجازی پخش شد که جوانی عراقی را نشان می‌داد که لیوان آبی برای دادن به زائران در دست گرفته بود و اگر زائری ایرانی از او تقاضای آب می‌کرد، آب را روی زمین می‌ریخت و می‌گفت که به ایرانی نمی‌دهم. از این حرکت استثنایی در برابر تکریم افراطی ایرانیان از سوی عراقی‌ها می‌توان چشم‌پوشی کرد؛ اما این فیلم به شکلی وسیع و مشکوک در شبکه‌های اجتماعی پخش و شیوه رایج رفتار عراقی‌ها با زوار ایرانی معرفی شد؛ تا آنجا که یکی از مصاحبه‌شوندگان به نام پ.ب. نیز به این رفتار به مثابه رفتار غالب عراقی‌ها با ایرانیان در اربعین اشاره کرد.

۳. انتقال بیماری از عراق به ایران: شایعه دیگری که بیشتر و گسترده‌تر در میان ایرانیان رایج است، به بیماری‌هایی بازمی‌گردد که به واسطه نبود بهداشت در عراق، زائران ایرانی به آن‌ها مبتلا می‌شوند و با خود به ایران می‌آورند. این شایعه گاه مایه نگرانی جدی بخشی از جامعه ایرانی می‌شود. تاکنون هیچ گزارشی علمی و رسمی در این باره بیان نشده و آمار زائران مبتلا شده به بیماری در عراق، در هیچ یک از سال‌ها مشخص نیست. بلکه عموماً طرفین در حال پخش شایعه و پاسخ‌گویی و تکذیب هستند. برای نمونه، ن.ف.

مثبت، مثال می‌آورد از کسی که کمربند انتحاری به خود بسته بود تا میان زوار منفجر کند و عقربی او را نیش می‌زند و کشته می‌شود. اما در مقابل می‌توان به شایعاتی منفی، همچون توزیع غذای سمی میان زائران اشاره کرد. ما در اینجا بیشتر به همین گونه شایعات منفی که در نوشته‌های مرتبط با اربعین و همچنین گفته‌های مصاحبه‌شوندگان بود، اشاره می‌کنیم؛ هرچند گاه آسیب‌هایی که شایعات مثبت‌نما به اربعین می‌زند، از شایعات منفی، اثر زیان‌بارتری دارد. چندین شایعه منفی برجسته و به نسبت پررونق درباره رویداد وجود دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. دزدیدن زنان و دختران ایرانی در عراق:

چندین نفر به این شایعه اشاره کردند. البته این افراد به موثق بودن منبعشان اشاره کرده و به نوعی این شایعه را باور کرده بودند. برای نمونه، خانم زخ. می‌گوید:

● همان سال‌های اول که راه باز شده بود، خانم یکی از دوستانمان که از اعراب اهواز بود، در یکی از موکب‌ها گم شد. گفته بود که می‌روم دستشویی و می‌آیم و رفت و گم شد. شوهرش وقتی برگشت به ایران خودکشی کرد و این خیلی تأثیر بدی داشت. همسرم درباره سفرمان چه با هواپیما و چه پیاده، بسیار مخالفت کرد. خودم هم احساس ناامنی می‌کردم.

خانم ا.ل. ساکن شهر مهران نیز روایت مشابهی در این باره بیان می‌کند: «یکی از دوستانم که عمویش زائر می‌برد و می‌آورد، گفت زن و شوهری که تازه ازدواج کرده بودند، برای ماه‌عسل به اربعین می‌روند. در راه برگشت، راهزن‌ان زنش را از او گرفته بودند و مرد تنها به ایران برگشته بود و می‌گفت که من الان چه کنم.»

حتی اگر این روایت درست باشد، نسبت آن در جمعیت میلیونی زائر ایرانی بسیار ناچیز و بلکه استثنایی است؛ اما شایعه درباره این رویداد واقعی یا خیالی، ایجاد احساس ناامنی در برخی علاقه‌مندان را در پی دارد. البته در مقابل هم چنین شایعاتی مطرح

۳۲. این موضوع به نظر می‌آید در مقابل شایعه صیغه کردن زنان ایرانی در مشهد توسط زائران عراقی باشد. حتی یک‌بار روزنامه پرتیراژ الشرق الاوسط هم به بحث اخیر، یعنی صیغه شدن زنان عراقی توسط زائران ایرانی اشاره کرد. هاشمی مقدم (۲۰۲۱) شرح نسبتاً مفصلي درباره این شایعه آورده است.

ایران می‌آوردند. اما نهادهای درباره آن سکوت کردند که همین موضوع فضا را برای شایعه‌سازی و اغراق در این زمینه هموار کرد.

ص.م. که خود را دانشجوی پزشکی معرفی می‌کند، در مصاحبه‌اش می‌گوید که کمبود سرم در سال ۱۴۰۱ به دلیل ارسال سرم‌ها به عراق برای مراسم اربعین بوده است. چه در زمینه خدمات و تجهیزات پزشکی و چه در زمینه‌های دیگر می‌توان شایعات فراوان دیگری یافت که مدعی است کمبودها در ایران به دلیل ارسال همان تجهیزات به اربعین عراق بوده است؛ ادعاهایی که نمی‌توان به‌سادگی میزان درستی یا نادرستی‌شان را اثبات کرد.

البته دسته دیگری از شایعات مرتبط با اربعین هست که با موضوع این گزارش در پیوند نیست و فقط به آن‌ها اشاره می‌کنیم. این‌ها جزو همان شایعات ظاهراً مثبت است که در ابتدای این بخش به آن اشاره شد. برخی سخنانی اغراق‌آمیز درباره اثرگذاری هر آنچه مرتبط با اربعین باشد، بیان می‌کنند و بحث‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی دامن می‌زنند. برای نمونه، رائفی‌پور در یکی از سخنرانی‌هایش مدعی شده بود که عراقی‌ها از نمک پساب شست‌وشوی جوراب زائران اربعین در غذایشان استفاده می‌کنند.^{۳۳} پس از انتقادات فراوان به وی در این زمینه، صحبت‌هایش را تعدیل کرد و مدعی شد که گفته بوده فقط یک نفر در عراق چنین کاری کرده است.^{۳۴} به هر رو، از این دست شایعات و سخنان اغراق‌آمیز درباره اربعین زیاد است که با بحث این گزارش ارتباط مستقیمی ندارد.

❖ ۲.۳.۵. انتظارات نابجا از میزبانان ❖

همان‌گونه که در بخش مسائل دولتی اشاره شد، یکی از آسیب‌های شیوه مدیریت کنونی، ایجاد انتظارات نابجا در میان بخش زیادی از زائران ایرانی است. راضیه یکی از دلایل این انتظارات را نگرش برخی زائران ایرانی می‌داند که می‌گویند چون ما داریم کار خوب و صوابی

در این باره می‌گوید: «حرف اربعین که می‌شود، اولین موضوعی که به ذهن من می‌رسد، مریضی‌هایی است که این‌ها با خود می‌آورند. خود من قبل از اینکه کرونا بیاید، آنفولانزا گرفتم. یک‌بار در دوران دانشجویی و یک‌بار در دوران سربازی کسالت پیدا کردم. گفتند این مریضی مسافره‌های اربعین است.»
ا.ل. هم درباره اهالی مهران می‌گوید:

● یکی از نگرانی‌های مردم هم شیوع بیماری‌ها بود. چون قبلاً کسانی که می‌رفتند، واکسن می‌زدند. باوجوداین، پس از بازگشت، دوره‌های بیماری داشتند؛ حالا یا به‌علت آب‌وهوای بد عراق و گردوخاک فراوان بود یا امکانات افتضاح. جامعه هم مانند امروز دوقطبی نشده بود که علیه کسانی که به زیارت می‌روند، موضع گرفته شود و دید منفی وجود داشته باشد. ولی الان در شهرهای اطراف، همچون کرمانشاه هم دید خوبی وجود ندارد. چون می‌گویند همین که زائران برگردند، با خودشان مریضی می‌آورند و به آن‌ها با اکراه نگاه می‌کنند و معتقدند، به‌ویژه در فصل گرم سال، حتماً زائران مریض می‌شوند و ما را هم مریض می‌کنند و معمولاً هم یک موج بیماری راه می‌افتد.

حتی در این زمینه، برخی مصاحبه‌شوندگان حوزه بهداشت هم چنین اعتقادی دارند. برای نمونه، ناهید ۲ که شغل خود را مرتبط با حوزه بهداشت معرفی می‌کند، می‌گوید: «اگر از نظر بهداشتی هم بخواهیم نگاه کنیم، چون خود من در این زمینه کار و پژوهش می‌کنم، هرساله بعد از اینکه این زوار برمی‌گردند، شاهد همه‌گیری‌های مختلفی در زمینه انواع بیماری‌های هستیم که برخی به‌صورت آنفولانزا و برخی به‌صورت بیماری‌های گوارشی خودش را نشان می‌دهد.»

ج.ر.، دین‌پژوه، بعضی از این شایعات را قبول دارد و می‌گوید که در سال‌های نخست که ایرانیان به اربعین می‌رفتند، به دلیل محیط آلوده و بی‌توجهی بسیاری از زائران، بیمار می‌شدند و این بیماری را با خودشان به

۳۳. <https://www.aparat.com/v/tXNS9>

۳۴. <https://www.aparat.com/v/upPxs>

انجام می‌دهیم، همه امکانات باید برایمان فراهم باشد و انتظارات زیادی دارند. انتظاراتی که نه تنها از دولت و مسئولان ایرانی، بلکه از میزبانان عراقی هم دارند. به‌ویژه نوع مهمان‌نوازی عراقی‌ها ایجاد روحیه طلبکارانه در میان برخی زوار ایرانی را موجب شده است؛ تاجایی که به برخی موکبداران حتی اجازه بستن و جمع کردن موکب‌ها را هم نمی‌دهند (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). «گاهی این تصور پدید می‌آید که موکبداران یا کسانی که برای پذیرایی از زائران روز و شب نمی‌شناسند، بدهکار و محتاج زائران هستند و طبق وظیفه‌ای که بر عهده دارند، باید خدمت‌رسانی کنند» (نجاتی، ۱۳۹۶: ۱۷۱).
 ناهید ۱ هم از شنیده عجیب خودش می‌گوید:

● این را من شنیدم، خودم ندیدم. اینکه یک عده در هتل‌های نجف و کربلا انتظار داشتند اتاق مجانی داشته باشند. خودمان هم هنگام برگشت دیدیم کسانی دارند شکایت می‌کنند. رفتم جلو و متوجه شدم برخی کسانی که از مرز برمی‌گشتند، شاکی بودند که چرا باید برای گرفتن آب‌معدنی پول پرداخت کنند [در خاک ایران]. یعنی انتظار داشتند سفری مجانی از خانه تا خانه برایشان تدارک دیده شود.

م.د. که چندین سال سابقه حضور در مراسم اربعین را دارد، می‌گوید:

● نکته‌ای درباره ما ایرانی‌ها وجود دارد که نمی‌دانم در سایر ملت‌ها وجود دارد یا نه. ما را خیلی تکریم می‌کنند. اما نگاهی در ما به وجود آمده است که همه وظیفه دارند به ما خدمات رایگان بدهند. مثلاً کرایه ماشین می‌شود ۵ هزار دینار. می‌گوید من زائر هستم. بعضی از هم‌وطنان ما می‌گویند که این‌ها عجب آدمی‌هایی هستند! کرایه را از من گرفت.

ع.ط. موکبدار عرب ایرانی هم از ناراحتی عراقی‌ها از این انتظارات بیش از حد ایرانیان می‌گوید:

● ما همیشه منتظریم همه‌چیز برایمان رایگان باشد. قبلاً این‌گونه نبود. اگر انتظارات بخواهد از حدی بیشتر بشود، ناراحتی در پی دارد. من به‌واسطه هم‌زبانی این‌ها را از نگاه عراقی‌ها هم می‌توانم بخوانم. مثلاً بسیاری جاها به زوار آب‌معدنی رایگان می‌دهند. اما برخی جاها هم فروشی است. اما زائر ایرانی انتظار دارد همه‌جا رایگان باشد. یا در بحث حمل‌ونقل، از سال ۱۳۹۲ تاکنون کرایه در عراق ثابت است. اما ارزش پول ما پایین آمده است. ایام اربعین هم همان اندازه است. اما ایرانی‌ها انتظار دارند کمتر بگیرند.

ناهید ۱، موکبدار ایرانی، تجربه‌اش از میزبانی زوار ایرانی را این‌گونه شرح می‌دهد و معتقد است که دو انتقاد کلی به برخی زوار که البته شمارشان کم هم نیست، وارد است: نخست اینکه از موکبداران طلبکارند و گمان می‌کنند موکبدار موظف است همه خواسته‌های آن‌ها را برآورده کند. دوم اینکه «سعی می‌کردند هر قانونی را در هر جا دور بزنند. یعنی به کوچک‌ترین معترض بودند و سعی می‌کردند دورش بزنند. مثلاً در موکب ما قانونی بود که روی جای خواب نمی‌شود خوردنی برد. اما این‌ها هر کاری می‌کردند که خوردنی‌ها را آنجا ببرند.»

م.ر.م.، جامعه‌شناس، پس از نقد شیوه و زمان اقامت طولانی‌مدت زائران ایرانی در خانه میزبانان عراقی که باعث نارضایتی عراقی‌ها شده است، می‌گوید: «اخیراً شنیدم برخی افراد که هر سال مشرف می‌شوند، با صاحب‌خانه هم ارتباط می‌گیرند و از قبل رزرو می‌کنند که خانه را آماده کن که در راهیم.»

به نظر می‌آید تجربیات و انتظارات زائران عراقی با این وضعیت متفاوت باشد. برای نمونه، اگر از هر دو گروه زائران ایرانی و عراقی درباره مشکلات و کمبودهای رویداد پرسیده شود، درحالی‌که زائران ایرانی ممکن است موضوعات زیادی را بیان کنند (نک: نظرسنجی‌های ایسپا درباره اربعین)، زائران عراقی عموماً «با قاطعیت خاصی تأکید می‌کنند که هیچ کمبودی وجود ندارد» (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۶۰).

۲.۳.۶. انتظارات متقابل عراقی‌ها

عراقی‌ها در برابر خدمت‌رسانی به زائران ایرانی، ناخودآگاه انتظاراتی هم از طرف مقابل دارند که گاه برآورده نمی‌شود: دریافت خدمات پزشکی، سهولت در سفر به ایران و زیارت حرم امام‌رضا (ع)، ازدواج با دختران ایرانی و به‌ویژه تکریم هنگام حضور در ایران. در حالی که عمدتاً از اینکه در شهرهای مذهبی همچون مشهد و قم از آن‌ها سوءاستفاده مالی می‌شود، گلایه‌مندند (شرافت، ۱۳۹۷: ۶۹).

این گلایه‌ها را گاه عراقی‌ها به ایرانیان منتقل می‌کنند؛ اینکه در حالی که به زائران ایرانی همه‌گونه خدمات را تا حد امکان رایگان ارائه می‌دهند، ایرانیان رفتار مناسبی با زائران عراقی ندارند و همین مایه دل‌خوری آن‌هاست. برای نمونه، ف.ز. که برای پژوهش به مراسم رفته بود، می‌گوید:

● برخی افراد این را تصریح کردند، راننده‌ها و موکب‌دارها و... به واسطه اینکه ما مترجم هم داشتیم و ارتباط برقرار می‌کردیم، چون می‌دانستند ما از مشهد آمده بودیم، گلایه می‌کردند و لابه‌لای حرف‌هایشان این بود که درست نیست وقتی ما می‌آییم مشهد، شما پول همه‌چیز را از ما می‌گیرید و گاهی چندبرابر هم می‌گیرید؛ ولی وقتی شما می‌آید اینجا، همه‌چیز رایگان است. این حرف هم البته درباره پذیرایی خودشان نبود. هنگام پذیرایی کمی هم مأخوذ به حیا می‌شدند.

در منابع نوشتاری هم گاهی می‌بینیم که به این گلایه‌ها اشاره می‌شود:

● هرروزه تعداد زیادی از شیعیان عراقی برای زیارت به ایران می‌آیند. ولی چهره‌ای که از شیعیان ایرانی در ذهن خود به یادگار می‌برند، نوعاً برآمده از مواجهه با راننده تاکسی‌ها و مدیران مهمان‌پذیرها و بعضاً گران‌فروشی و تقلب از سوی برخی صنوف کمتر متدین ایرانی است (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

البته شمار زیادی از زائران ایرانی در این زمینه

به عراقی‌ها حق می‌دهند و بارها ابراز ناخرسندی و شرم کرده‌اند از این رفتارها با زائران عراقی در ایران (نک: عبیدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۷۰). در این میان، نمونه‌هایی هم پیدا می‌شود که تلاش کند هم‌زمان هم میهمان عراقی‌ها باشد و هم میزبانان: «یک سال کربلا رفتم خونه یک عرب. با هم دوست شدیم [...] بنده خدا پاش درد می‌کنه. پارسال اومده بود ایران. من بردمش دکتر» (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

انتظار دیگری هم در میان برخی عراقی‌ها در حال شکل‌گیری است. نهادهای دولتی و همچنین خیرین ایرانی برای برپا کردن موکب‌های خود که در رقابت با دیگر موکب‌ها می‌خواهند بهتر باشد، با عراقی‌ها وارد نوعی معامله می‌شوند و به آن‌ها در ازای در اختیار گرفتن زمین یا ساختمانشان، پول نقد پرداخت می‌کنند. این شیوه رفتاری «موجب شکل‌گیری چشم‌داشت‌های مادی در عراقی‌ها برای همکاری با ایرانی‌ها در برپایی موکب در زمین‌هایشان شده است» (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۸۰).

۲.۳.۷. ایرانی‌کردن اربعین

انتقاد به ایرانی‌کردن اربعین را می‌توان پس از انتقاد به حکومتی‌شدن آن، دومین مسئله‌ای دانست که اجماع زیادی روی آن دیده می‌شود. با این تفاوت که در بحث حکومتی‌شدن اربعین منتقدان و مخالفان هم حضور داشتند؛ اما انتقاد به ایرانی‌شدن اربعین تقریباً فقط از سوی کارشناسان این حوزه است؛ چه ایرانی و چه عراقی. این مسئله در واقع از سوی کارشناسان ایرانی به‌مثابه انتقاد و از سوی کارشناسان عراقی به‌مثابه گلایه جدی مطرح می‌شود. م.ش.، کارشناس مسائل عراق اشاره می‌کند که پس از دخالت گسترده ایران در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، تقریباً همه نهادهای دولتی و حکومتی ایران موکب داشتند. این موضوع اعتراضات گسترده موکب‌داران عراقی و حتی بخش غیردولتی ایرانی را در پی داشت و در همین راستا دو مفهوم ایجاد شد: اربعین عراقی و اربعین ایرانی؛ این در حالی است که اربعین سنتی، عراقی است. حتی مهمان‌نوازی و پذیرایی در ایام اربعین را در سال ۲۰۱۹ یونسکو نیز به‌مثابه میراث معنوی عراق ثبت کرده است و عراقی‌ها در خصوص آن بسیار حساس‌اند.

ع.ط.ح.، جامعه‌شناس عراقی می‌گوید:

● اربعین سنتی عراقی است. این واژه عراقی مهم است؛ چراکه برخی می‌خواهند آن را به ایران منتسب کنند. این سنت غذادادن به زائران و مهمانان جزو سنت‌های عشایر و قبایل عراقی است که به کرم‌داشتن و گذارسانی و نذری‌دادن به زائرانی که به زیارت کربلا می‌رفتند، مشهور بودند.

ی.ع.، تحلیلگر عراقی هم در همین باره می‌گوید:

● در عراق اتفاقی دیگر نیز افتاده است. بحث اربعین نه فقط یک عنوان یا یک نماد دینی، بلکه به‌مرور زمان تبدیل شد به نمادی ملی. بنابراین، شما می‌بینید آماری را که دولت عراق به‌صورت رسمی ارائه می‌دهد، از حضور جمعیت ۱۴ تا ۲۰ یا ۲۱ میلیونی حکایت دارد. این آمار لزوماً به‌مثابه شاخصی برای میزان متدین‌بودن مردم در جامعه نیست؛ بلکه [...] این رویداد شاخصی است برای اندازه‌گیری شاخص‌های هویت ملی عراق. این رویداد رویدادی مردمی و ملی با خصیصه دینی است.

اما هم او در ادامه، تلویحاً از ایران گلایه می‌کند:

● بعضی اوقات در رسانه‌های برخی کشورهای که زوار می‌فرستند، می‌بینیم جوری اربعین را برای مردمشان نشان می‌دهند که گویی حضور آن‌ها باعث شده است این رویداد پا بگیرد. این موضوع باعث می‌شود آن زوار که وارد عراق می‌شود، با عراقی‌ها که دید دیگری دارند و معتقدند این رویداد عراقی است، دچار تنش شود. من شخصاً چندین بار دیدم که حتی در موبک‌ها میان این دو گروه تنش ایجاد شد.

این پدیده را ج.ر.، دین‌پژوه، «جعل رسانه‌ای» می‌نامد که در رسانه‌ها و زبان برخی مسئولان ایرانی مطرح

شده است و اربعین را مراسمی ایرانی یا وابسته به ایران معرفی می‌کنند. این در حالی است که به‌زعم این دین‌پژوه، «این فرایند ایرانیزه‌شدن اربعین، در ذهن و فکر ایرانیان رخ داده [نه در واقعیت] و بیشتر مانوری سیاسی و ایدئولوژیک است تا واقعیتی عینی و مبتنی بر داده‌های مستند».

شاید به همین علت است که زائران ایرانی به‌ترتیب دولت ایران، مردم ایران، مردم عراق، دولت عراق و روحانیون را نیروهای اصلی ساماندهی اربعین شناسایی کردند (ایسپا، ۱۳۹۷). حسینی هاشم‌زاده (۱۳۹۷: ۳۶۶) در پژوهش خویش دریافت که «اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقدند سپاه امنیت شهرهای مقدس عراق را تأمین کرده است. "شهردار اینجا قالیباف است و امنیت هم سردار سلیمانی"». رحمانی هم این دیدگاه که کلیت رویداد را مدیون و وام‌دار ایرانیان می‌کند، بر ساخت رسانه‌های ایرانی می‌داند و می‌نویسد:

● آغاز داستان، از نوعی مای خودشیفته ایرانی است. حسب تبلیغات رسانه‌های رسمی و منبرها، پیاده‌روی اربعین محصول عملکرد و مدیریت ایرانی‌ها و نمایش قدرت آن‌ها در برابر داعش و استکبار جهانی است. در این تصویر امنیت آنجا، حاصل مدیریت ماست و مدیریت آنجا کار ما ایرانی‌هاست (رحمانی، ۱۳۹۷: ۴۳۴).

اما عماد، موبک‌دار ایرانی درباره این ادعا که حضور ایرانیان باعث پاگرفتن اربعین شده است، می‌گوید:

● در ایام کرونا، ایرانی‌ها دو سال، مثل هر سال به رویداد نرفتند؛ اما دیدیم که الحمدلله سفر اربعین و آن ایام زیارت بسیار شلوغ بود و هیچ کم‌وکسری دیده نشد. پیش از آن ایرانی‌ها می‌گفتند که بله، اگر ایرانی‌ها نروند، عراقی‌ها نمی‌توانند خودشان برنامه را برگزار کنند. پیش از حضور ایرانیان در این مراسم هم این مراسم برگزار می‌شد. بنابراین اینکه بگوییم اگر ایرانی‌ها نباشند، این حرکت تعطیل می‌شود، نادرست است. البته نه اینکه حضور ایرانی‌ها مهم نباشد. در زمان حکومت صدام هم این سفر بود کمابیش. البته با سختی‌های بیشتر.

به باور ج.ر.، پژوهشگر دینی:

● مسئله نه تنها حضور مستقیم نهادهاست، بلکه آرم و نشان نهادها به شکل برجسته‌ای نشان و نمایش داده می‌شود. حتی اگر حضور مستقیم دارند هم نباید این‌گونه باشند. حتی اگر می‌خواهند اربعین را تبلیغ کنند، باید در جایگاه نهادی شیعی تبلیغ شود و نه نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی.

ع.م. در این باره به پوستر چسبانی گسترده ایرانی‌ها در سال‌های نخست اشاره می‌کند که حتی سروصدای عراقی‌ها را در آورده بود و منتقد بودند که چرا همه‌جای شهر و راه این‌قدر پوستر چسبانیده و جای خالی نگذاشته‌اید. البته ع.ط.، موکب‌دار ایرانی که خود از منتقدان اصلی رواج نشانه‌های سیاسی ایرانی در اربعین است، معتقد است در سال‌های اخیر کمی از حجم این نمادها کاسته شده است: «تکیه ما در آن اوایل، بر عکس آقای خامنه‌ای به‌مثابه تقابل با جریان شیرازی خیلی تأکید داشت. اما به‌مرور بهتر شد و تبدیل شد به عکس آقای سیستانی که هم ایرانی‌ها و هم عراقی‌ها قبول داشتند.» به نظر می‌آید گستردگی استفاده از تصاویر و پوسترهای رهبر انقلاب در این رویداد آن‌چنان زیاد شد که خود ایشان شخصاً به موضوع ورود کردند. برخی مسئولان ستاد مرکزی اربعین مطرح می‌کنند که رهبر معظم به‌صورت مستقیم خواسته‌اند تا نهادهای ایرانی از نصب تصویر ایشان در طول مسیر پیاده‌روی خودداری کنند و در نتیجه، این موضوع وضع مطلوب‌تری پیدا کرده است. از سوی دیگر، حمایت‌های زیاد حکومت ایران از برگزاری رویداد و برپایی چادرهای مجهز در عراق در مقایسه با دخالت‌نکردن دولت عراق در تجهیزات و امکانات این مراسم، باعث شده است تفاوت ظاهری چادرهای متعلق به دو کشور مشخص شود و در درازمدت، آثاری پیش‌بینی نشده بگذارد (شرافت، ۱۳۹۷: ۶۹). پویافر (۱۳۹۷: ۲۷۱) موکب بسیار بزرگ و مجهز آستان قدس رضوی را نمونه‌ای از موکب‌های ایرانی می‌داند که حضور خود را به موکب‌های اطراف تحمیل می‌کند. بخشی از این وضع به نظر می‌آید

به باور مظاهری (۱۳۹۷: ۲۳۳) «به نظر می‌رسد وجود نوعی نگاه از موضع بالا و خودبرتربینی به ملت عراق، سبب شده است زائران ایرانی ماهیت عراقی آیین اربعین و جایگاه خود به‌عنوان مهمان ملت عراق را فراموش کرده، در نقش میزبان و تدارک‌کننده آیین برآیند».

اربعین برای مردم عراق بسیار مهم و حیثیتی است، به‌گونه‌ای که در دوره صدام حسین که برگزاری این آیین با محدودیت‌های شدید روبه‌رو بود، بسیاری از عراقی‌ها خطر را به جان می‌خریدند و پنهانی خود را از راه‌های دور و نزدیک به کربلا می‌رساندند. خیلی اوقات هم نیروهای بعثی آن‌ها را دستگیر، بازداشت، شکنجه و حتی می‌کشتند که به «شهیدای اربعین» مشهورند. شیعیان عراق، کل سال را در هوای اربعین به سر می‌برند و یک سال پس‌انداز می‌کنند تا در روزهای نزدیک به اربعین، همه آن را در خدمت‌رسانی زائران اربعین خرج کنند (شرافت، ۱۳۹۷). غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۳) پس از توضیح درباره اینکه اربعین بخشی از هویت عراقی‌ها شده است، توضیح می‌دهد که این رویداد را باید «عراقی فهم» کرد و به زمینه فرهنگی و اجتماعی آن در عراق احترام گذاشت. شرافت (۱۳۹۷: ۴۶) نیز اشاره می‌کند که اصطلاح «ایرانی‌سازی» و تهدیدات آن را چندبار از زبان دانشگاهیان عراقی شنیده است؛ هرچند آن‌ها این را فضا‌سازی جریان‌های پان‌عرب فعال در عراق می‌دانستند.

البته این به‌معنای نادیده‌گرفتن نقش ایرانی‌ها در این مراسم نیست. از قضا، ایرانیان به بخش جدایی‌ناپذیر از این رویداد تبدیل شده‌اند. ع.م. که تقریباً همه‌ساله در این رویداد شرکت می‌کند، یادآور می‌شود که در اربعین ۱۳۹۹ که به‌علت محدودیت‌های کرونایی شمار بسیار اندکی اجازه پیدا کردند به عراق بروند، بین خود عراقی‌ها هم این احساس وجود داشت و گاهی بیان می‌شد که به‌واسطه حضور نداشتن ایرانیان، خلأ نه به‌معنای دولتی، بلکه به‌واسطه نبود زائران ایرانی در طول راه شکل گرفته بود.

اما ایران دارد به دو شیوه این رویداد را ایرانی می‌کند: نخست با نمادهای سیاسی جمهوری اسلامی و دوم با موکب‌های فراوانی که خدماتی گسترده‌تر از موکب‌های عراقی می‌دهند و عملاً آن‌ها را از صحنه حذف می‌کنند.

برپایه خواست ایرانیان و متناسب با فرهنگشان بوده باشد. ف.ز. که درباره بهداشت اربعین پژوهشی انجام داده است، می‌گوید:

● زائران ایرانی به واسطه تعریف متفاوتی که از بهداشت دارند و نوع متفاوتی که از بهداشت زندگی روزمره‌شان تجربه می‌کنند، با آن وضعیت بهداشت [در اربعین] خیلی راحت کنار نمی‌آیند و معتقدند در حیث‌المجموع، آنجا جای چندان تمیزی برای ماندن نیست. بنابراین کاری که انجام می‌دهند این است که تلاش می‌کنند اولاً به‌عنوان زائر جایی را پیدا کنند که از نظر خودشان تمیزتر و راحت‌تر است و بهتر می‌توانند اقامت کنند و به‌عنوان کسی که متولی کار خیر است، موب‌دار، سرمایه‌دار و... تلاش می‌کنند فضاهای ایرانی‌تری را فراهم کنند. این در عمل کار بدی نیست. ولی وقتی در کنار تلاش‌های شیعیان عراقی برای پذیرایی و تدارکات قرار می‌گیرد، موجب می‌شود کمی تلاش آن‌ها را به محاق رود و تحت‌الشعاع قرار گیرد؛ بنابراین دل‌خوری پیش می‌آید.

بنابراین طبیعی است که بخش شایان توجهی از ایرانیان به‌جای استفاده از موب‌های عراقی، که خود زمینه ارتباط بیشتر با عراقی‌ها و آشنایی با فرهنگ ایشان را فراهم می‌کند و کمتر شدن سوءتفاهم‌های فرهنگی را در پی دارد، به موب‌های ایرانی روی آوردند. سال ۱۳۹۷، در مجموع، ۶۳/۸ درصد پاسخ‌گویان بیشتر از موب‌های ایرانی و فقط ۳۴/۳ درصد از زائران ایرانی از موب‌های عراقی استفاده کرده‌اند (ایسپا، ۱۳۹۷). با نقل قولی طولانی از عماد، موب‌دار ایرانی، این قسمت را پایان می‌دهیم:

● چندین سال است که ایرانی‌ها موب‌های بیشتری دارند. قبلاً موب‌های عراقی بیشتر بود؛ اما این سال‌ها موب‌های ایرانی بیشتر است. زوار ایرانی زیاد شده‌اند. ایرادی ندارد که ایرانی‌ها هم کنار عراقی‌ها باشند و موب مشترکی درست کنند و با هم خدمت بدهند. اما اینکه یک موب عراقی باشد، یک موب ایرانی باشد، شاید زیاد جالب نیست. هدفی که در این مراسم

داریم و آن وحدت امت اسلامی و وحدت اسلامی است، شاید با این روش شکل نگیرد. بارها دیده‌ایم که دوستان ایرانی می‌گویند که ما غذای ایرانی، نوشیدنی ایرانی، جای خواب ایرانی می‌خواهیم. این به نظرم رفتار درستی نیست. ما به‌رحال مهمان عراقی‌ها هستیم. ده روز یا یک هفته مهمان باشیم و هی بگوییم همه‌چیز ایرانی باشد، به نظرم یکی از آسیب‌های این حرکت است. حس خوبی به عراقی‌ها نمی‌دهد که ایرانی‌ها این‌همه تأکید می‌کنند غذای ایرانی، جای خواب ایرانی و... بارها دیده‌ام که خود عراقی‌ها ناراحت می‌شوند. اصلاً درست نیست ایرانی و عراقی کنیم. در بین خود عراقی‌ها دیده‌ام که زوار را با یک چشم نگاه می‌کنند و ایرانی یا عراقی برایشان فرقی ندارد. چه بهتر که همه ایرانی‌ها و همه زوار و خادمان هم این‌جور رفتار کنند. نه اینکه برویم آنجا و این حرکت را ایرانیزه کنیم. ما مهمان عراقی‌ها هستیم.

❖ ۲.۳۸. نگاه برتری‌جویانه ❖

شوربختانه به نظر می‌آید شماری از ایرانیان احساس برتری و نوعی خودبزرگ‌بینی در ارتباط با شهروندان کشورهای همسایه، به‌ویژه همسایگانی همچون افغانستان و پاکستان و عراق دارند. این نگاه خود را در ادبیاتی که گاه در برابر این افراد به کار می‌برند، نشان می‌دهد، آن‌چنان‌که گاه حتی کاربرد واژه «افغانی» به‌مثابه نوعی دشنام و تحقیر به کار می‌رود. شماری از کسانی که سفرنامه و خاطراتشان از اربعین را نوشته‌اند، به این نکته اشاره کرده‌اند (نک: جوادی‌یگانه و روزخوش، ۱۳۹۷). م.ش.، کارشناس مسائل عراق می‌گوید که با توجه به بی‌برنامگی در زمینه ورود زوار افغانستانی و پاکستانی به کشور، هر ساله احساس نفرت برخی از این افراد از ایران و ایرانی‌ها را شاهد هستیم؛ چراکه در مرزها گاهی رفتارهای زشت و توهین‌آمیز با آن‌ها می‌شود.

۲.۳.۹. رقابت میان ایرانی‌ها و عراقی‌ها ❖

به نظر می‌آید نوعی رقابت و چشم‌وهم‌چشمی میان ایرانیان و عراقی‌ها در برخی زمینه‌های اربعین، همچون بیشترشدن شمار زائران هر کشور یا تعداد موکب‌های هر کشور یا نوع خدمات موکب‌های هر یک یا حتی به‌کارگیری پرچم و نمادها در راهپیمایی در حال شکل‌گیری است. برای نمونه، غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۴) اشاره می‌کند که حضور پررنگ پرچم‌های عراق در مسیر و موکب‌های اربعین ۱۳۹۳ از حضور گسترده پرچم‌های ایرانی و تصاویر سردار سلیمانی ناشی بوده است؛ وگرنه پیش از آن، عراقی‌ها بیشتر از پرچم‌هایی با مضمون دینی و نمادین استفاده می‌کردند. ع.ط.ح. جامعه‌شناس عراقی درباره رقابت در زمینه شمار زائران هر کشور می‌گوید:

● دوسه سال اخیر تعداد زائران ایرانی مراسم بسیار زیاد شده است و مردم عراق از میزبانی شیعیان بسیار خوش‌حال هستند. اما قطعاً این تعداد زائر مسائلی را با خودش به همراه دارد. یکی از آن‌ها نوعی رقابت میان ایرانی‌ها و عراقی‌هاست که تعداد زائرین کدام گروه بیشتر باشد.

مظاهری (۱۳۹۷: ۲۳۴) این رقابت را در میان موکب‌های دو کشور می‌بیند: «موکب‌های عراقی نوعاً کوچک و ساده و بی‌تشریفات و مردمی‌اند، در مقابل موکب‌هایی که این چند سال توسط ایرانی‌ها تأسیس شده، بزرگ و پرتجمل و همراه با تبلیغات وسیع بوده‌اند.» م.ر.ا. که تجربه اقامت در هر دو گروه موکب‌های عراقی و ایرانی را داشته است، تجربیاتش را این‌گونه بیان می‌کند:

● موکب ایرانی قدر مسلم تمکن مالی‌اش بیشتر بود و امکان اینکه آنجا استحمام کنی و از آب بهره‌بهتری ببری، بیشتر بود. موکب ایرانی تمیزتر است و برنامه‌های مذهبی باشکوه‌تری داشت. مجری صداوسیما هم در آنجا مراسم برگزار کرد.

همان‌گونه که اشاره شد، مظاهری این حساس خودبرتربینی را یکی از دلایلی می‌داند که حتی ماهیت اربعین را هم به‌جای عراقی، ایرانی ببینند (۱۳۹۷: ۲۳۲).

نکته دیگر، نگاه استعلایی برخی ایرانیان به عراق است. به نمونه‌هایی از این نگاه در موضوعات قبلی، همچون ناتوانی عراق در برگزاری مراسم و نقش پررنگ ایران در این زمینه اشاره شد. آن‌گونه که ع.م. اشاره می‌کند، در سال‌های ابتدایی سفر زائران ایرانی به عراق، این سخن که عراق کشور اشغال‌شده امریکایی‌هاست و آن‌ها دارند کشور را مدیریت می‌کنند، گاهی بیان می‌شد. نگاهی که قطعاً عراقی‌ها با آن موافق نبودند و از شنیدنش خشنود نمی‌شدند.^{۳۵}

باتوجه‌به اینکه زائران دو کشور افغانستان و پاکستان هم برای همراهی با پیاده‌روی اربعین باید از ایران بگذرند، این نگاه بیشتر خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، عبدی خجسته (۱۳۹۷) بارها به رفتار تند و خشن راننده مینی‌بوس با زائران پاکستانی اشاره می‌کند که از فرودگاه امام تا مرز شلمچه می‌رفتند.^{۳۶} برپایه گفته‌های اعضای ستاد مرکزی اربعین، موانع و محدودیت‌های قانونی در ایران بر سر کاروان‌های زیارتی افغانستانی باعث می‌شود این زائران عموماً با دیرکرد و زمانی به نجف و کربلا برسند که موکب‌ها جمع‌آوری شده و اقامت این افراد و خدماتی که نیاز دارند با مشکل روبه‌رو می‌شود.

۳۵. این نگاه را ایرانیان به افغانستان دوره جمهوری‌ها هم داشتند که عموماً ناراحتی و موضع‌گیری مردم و مسئولان این کشور را در پی داشت. این نگاه میان برخی مسئولان ایرانی و طالبان مشترک بود. نگارنده در سفرنامه افغانستان (۱۳۹۷) به این مسئله اشاره کرده است.

۳۶. البته ع.ط.، موکب‌دار عرب ایرانی، نکته مهمی در این زمینه بیان می‌کند. با سقوط شدید ارزش پول ایران، نگاه بخش بازاری عراق هم به ایرانی‌ها در حال تغییر و به‌نوعی تحقیرآمیز است. او می‌گوید: «بحث سقوط ارزش پول ما هم مهم بوده و تغییر نگاه و رفتار عراقی‌ها در سال‌های اخیر را در پی داشته است. مثلاً قدیم، بازاری‌های عراقی خیلی به مشتریان ایرانی اهمیت می‌دادند. یک خمینی ارزش زیادی داشت. بنابراین با احترام زیادی با زائران رفتار می‌کردند. اما الان دیگر بازاری‌ها چنین رفتار نمی‌کنند. البته این موضوع به مسیر ارتباطی ندارد و فقط بازاری‌ها این‌گونه‌اند.»

این مسئله البته از چشم زائران عراقی هم پنهان نمانده است. زائری عراقی درباره برپایی موبک‌های ایرانی می‌گوید: «خدماتی که ما عراقی‌ها در موبک‌هایمان می‌دهیم، بسیار ساده است؛ اما ایرانی‌ها به‌منظور رقابت با ما خدمات خاصی می‌دهند. این نوع پذیرایی که در توان ما نیست، به‌نظرم نوعی رقابت منفی است و قطعاً تأثیر بدی بر جا خواهد گذاشت» (به‌نقل از: تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۲۶).

رقابت بر سر موبک‌ها به نظر می‌آید حتی به همکاری میان موبک‌های ایرانی و عراقی نیز کشیده شده است. عماد، موبک‌دار ایرانی نمونه‌ای از این مسئله را ذکر می‌کند:

● یک سال عراقی‌ها از ایرانی‌ها ناراحت شده بودند. فردی ایرانی آمده بود با موبکی عراقی همکاری می‌کرد. ایرانی‌ها آمده بودند بنر بسیار بزرگی را که مثلاً نوشته «موبک اهالی تهران»، بالای سر موبک زده بودند. درحالی‌که آن موبک اصلاً ساختمان مال عراقی‌ها بود. واقعاً عراقی‌ها جا خورده بودند از اینکه ایرانی‌ها بنر را بالای موبک زده بودند. گویا آن ساختمان مال ایرانی‌هاست و نه عراقی‌ها.

این رقابت‌ها درحالی‌که قرار است همکاری میان دو طرف باشد، در بسیاری مواقع رخ می‌دهد. مثلاً ساختمان موبک از آن عراقی‌هاست و بخشی از خدمات بر دوش ایرانیان و ممکن است هر دو طرف غذا بدهند؛ اما برای اینکه تداخل پیش نیاید، یکی‌شان پیش از نماز غذا می‌دهد و یکی دیگر پس از نماز (پوپافر، ۱۳۹۷: ۲۹۰). درحالی‌که می‌شد هر دو با یکدیگر همکاری کنند و غذایی مشترک بدهند.

به‌جز موبک‌ها، در عزاداری‌ها و برخی جنبه‌های دیگر هم ممکن است رقابت‌هایی آشکار و ناآشکار شکل بگیرد. برای نمونه، عبدی خجسته (۱۳۹۷: ۱۴۵) رقابت میان هیئت عزاداری ایرانی‌ها با عزاداران عراقی را در خانه حضرت علی (ع) این‌گونه به تصویر می‌کشد:

● یک‌دفعه چند ایرانی به قسمت ضریح مردانه آمدند و «یا زینب... یا زینب» گویان عزاداری کردند. در همین حین، چند عرب هم آمدند و با صدای بلند بر سر زدند، برای حضرت زینب (علیها السلام) شروع کردند به نوحه‌خوانی عربی. ایرانی‌ها صدایشان را بالاتر بردند. عرب‌ها هم در جواب صدایشان را بالاتر بردند. ایرانی‌ها صدایشان را بالاتر بردند و بر سرشان زدند. عرب‌ها هم صدایشان را بالا بردند و بر سرزدن‌هایشان بلندتر شد. این نشانه اعتراض عرب‌ها بود به ایرانی‌ها.

در برپایی آیین‌های عزاداری حتی در خود ایران هم چنین رقابت‌هایی گاه دیده می‌شود،^{۳۷} اما در اربعین عراق زمینه‌های چنین رقابت‌هایی بیشتر شکل گرفته است. به سخن دیگر و به باور پژوهشگر، رقابت میان ایرانیان و عراقی‌ها در عرصه‌های دیگر، همچون موبک‌داری در جاهای دیگر نیز به‌مثابه شتاب‌دهنده سایر عرصه‌های رقابت، عمل می‌کند. رهبر انقلاب هم در دیدار با اعضای ستاد اربعین به این نکته اشاره کرده‌اند که نباید اجازه داد حتی به حس میزبانی در عراقی‌ها خدشه وارد شود. برپایه گفته‌های اعضای این ستاد، ملاک ایران در برگزاری مراسم، حفظ استقلال حاکمیت دولت و مرجعیت در عراق است. اما به‌هرحال گاهی به این استقلال خدشه وارد می‌شود.

۳۷. نگارنده در دوران کودکی و نوجوانی بارها درگیری دسته‌های عزاداری در زرین‌شهر، ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی اصفهان را از نزدیک دیده است. به‌ویژه روز عاشورا دسته‌هایی که هم‌زمان به چهارراه مسجد اعظم می‌رسیدند، بر سر اینکه کدام دسته زودتر بگذرد و به سمت گلستان شهدا برود، درگیری‌های خونین پیش می‌آمد و حتی یک سال هم کشته برجای گذاشت. این پدیده به‌ویژه به‌دلیل ساختار قومی این شهر رخ می‌داد. فارس‌زبان‌ها، معروف به ریزی، ترک‌زبان‌ها و بختیاری‌ها سه گروه قومی عمده این شهر هستند که درگیری‌های قومی زیاد بینشان رخ می‌دهد؛ به‌ویژه عموماً اتحاد فارس‌زبان‌ها و ترک‌زبان‌ها در برابر بختیاری‌ها.

❖ ۲.۳.۱۰. رفتارهای هنجارشکنانه ❖

پویافر (۱۳۹۷: ۲۸۰) عینی‌ترین دستاورد اربعین را این دانسته که «این زائران حداقل به‌اندازه ده‌پانزده روز حضور در آیین پیاده‌روی اربعین، اخلاقی‌تر، مهربان‌تر و انسانی‌تر رفتار می‌کنند». این پدیده درباره بسیاری از زائران صدق می‌کند؛ اما درصدی از زائران نیز همان رفتارهای رایج در زندگی عادی‌شان را در طول پیاده‌روی اربعین انجام می‌دهند. برای نمونه، آنچه درباره حس طلب‌کارانه برخی ایرانیان در برابر خدمات موکب‌داران عراقی بیان شد، تنها نمونه‌ای از رفتارهای ناپسند برخی زائران ایرانی بود. هم در منابع مرتبط با اربعین و هم در مصاحبه با موکب‌داران به بعضی از این رفتارها اشاره شده است. برای نمونه، تاجبخش (۱۴۰۱: ۱۲۸) بی‌نظمی ایرانیان و نایستادن در صف دریافت غذا و نذری و همچنین دریافت بیشتر از سهمشان را از نمونه‌هایی دانسته که موکب‌داران عراقی به آن انتقاد دارند. همچنین نجفی (۱۳۹۸) بی‌نظمی، کم‌حوصلگی و کم‌ظرفیتی، مزاحمت و آزار دیگران، انحصارطلبی و خودخواهی را رفتارهای نادرست و ناپسند برخی از زائران ایرانی در هنگام پیاده‌روی اربعین مطرح کرده است. به این بی‌نظمی و نایستادن در صف در چندین سفرنامه دیگر نیز اشاره شده است. هاشمی مقدم در سفرنامه شیعه باستان‌دوست به تنش‌هایی که میان زائران و از جمله میان خودش و دیگر زائران ایرانی برای نایستادن در صف رخ داده بود، اشاره می‌کند. عبدی خجسته (۱۳۹۷: ۱۱۶) نیز ضمن انتقاد از این رفتار، گلایه و کنایه دیگر زائران ایرانی را مطرح می‌کند: «آقا، بیا عقب. مثلاً داری مری زیارت. خانم، برو پشت اون. این طوری می‌خوای بری زیارت.»

مظاهری (۱۳۹۷: ۲۳۴) «اسراف در مصرف نذورات» را یکی از رفتارهای نادرست زائران ایرانی معرفی کرده است. این اسراف که در چندین منبع به آن اشاره شده است، یک دلیلش به تفاوت ذائقه خوراکی ایرانی با ذائقه عراقی مربوط می‌شود که در قسمت «تفاوت‌های فرهنگی» به آن اشاره شد. اما دلیل دیگرش شوربختانه، به رفتارهای اسراف‌آمیز در میان برخی ایرانیان باز می‌گردد که برپایه مشاهدات میدانی پژوهشگر در اربعین ۱۳۹۷، حتی همین رفتار را با خوراکی‌های

نذری ایرانی داشتند و درحالی‌که سیر بودند، باز هم نذری‌های در طول مسیر را گرفته، چند لقمه از آن را می‌خوردند و بقیه را دور می‌انداختند.

همچنین غلامی (۱۳۹۴: ۱۳۲) به نمونه‌ای از این رفتارها اشاره می‌کند: اینکه برخی زائران پتوهای اضافه در موکب را برمی‌دارند تا برای تشک و بالش استفاده کنند و به نفرات تازه‌ای که از راه می‌رسند و پتو ندارند هم نمی‌دهند. این رفتار که با روحیه ایشار، به‌مثابه ویژگی مؤمن در تضاد است، تعجب موکب‌داران عراقی را موجب می‌شود. این دست رفتارها برای کسانی که در مسیری معنوی گام نهاده‌اند، پسندیده نیست.

همان‌گونه که در قسمت انتظارات بیش از حد از میزبان‌ها به‌نقل از یک موکب‌دار ایرانی اشاره شد، زائران ایرانی قوانین موکب‌ها را به زور یا با نیرنگ زیر پا می‌گذارند. این زیرپا گذاشتن قوانین را در جاهای دیگر نیز می‌توان دید؛ همچنان‌که در عبور از مرز با شکستن حصارها دیدیم یا با گرفتن عکس در مکان‌هایی که عکس‌برداری ممنوع است (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

نکته دیگر، تمسخر عراقی‌ها از سوی برخی زائران است که ظاهراً بدون قصد توهین است؛ اما هم کاری غیراخلاقی است که با فضای مراسم ناهمخوان است و هم بر مناسبات دو ملت اثر منفی می‌گذارد. آفاسی (۱۳۹۹) در سفرنامه‌اش چندین بار به این رفتار ناپسند برخی زائران ایرانی اشاره می‌کند: «ایرانی‌ها خیلی عراقی‌ها را مسخره می‌کنند و حواسشان نیست که بسیاری‌شان فارسی‌راه، هم به‌مدد این سال‌های پیاده‌روی اربعین و هم به‌مدد مراودات فی‌مابین متوجه می‌شوند.» او جایی دیگر در همان سفرنامه، مفصل‌تر در این زمینه می‌نویسد:

● ایرانی‌ها خیلی عراقی‌ها را مسخره می‌کنند، بی‌حد و حصر. حتی می‌بینم که زن‌های ایرانی هم سربه‌سر عراقی‌ها می‌گذارند و می‌خندند، از ماجرای چای گرفته تا نوع پوشش مردان و جوانان. مسئله عرب و عجم در میانه راهپیمایی جدی است. عراقی معتقد است «حب الحسین یجمعنا» و برای زائر از دل‌وجان

مراقب عمومی میان‌سال خوب می‌بود که از موکب‌ها وسیله‌ای بر ندارد. توجیه عمومی این بود که این‌ها نذری است برای زائران و ما هم زائریم. ع.ز. یکی از مصاحبه‌شوندگان هم مدعی بود که دوستانش در سفر به اربعین، خوراکی‌های حرام همراه خودشان برده بودند تا در طول راه استفاده کنند. او بی‌دقتی در مرز برای گشتن وسایل زائران را آسیبی می‌داند که برخی ممکن است با سوءاستفاده از آن، در ایام اربعین به جابه‌جایی مواد مخدر و... و فروش آن‌ها در کشور عراق اقدام کنند.

همچنین آن‌گونه که تاجبخش (۱۴۰۱) نقل می‌کند، یکی از موکب‌داران عراقی شماری از جوانان ایرانی را دیده بود که در حال بارزدن «سیگاری» بودند که همان ریختن حشیش در سیگار است و آنان را از موکب خود بیرون کرده بود.

❖ ۲.۳.۱۲. الگوهای رفتاری نادرست ❖

اربعین از سویی رفتارهای درست را میان زائران اشاعه می‌دهد و از سوی دیگر، ممکن است برخی رفتارهای نادرست را به الگوی دیگر زائران تبدیل کند. برای نمونه، خلوص نیتی که میزبانان عراقی در خدمات‌رسانی به زوار دارند، باید برای ایرانیان الگو شود؛ همچنان که میزبانان عراقی از توجه و دقت زیاد ایرانیان به مسائل بهداشتی نیز الگو گرفته و در سال‌های اخیر به این موضوع بیشتر توجه نشان داده‌اند.

اما این به‌معنای نادیده‌گرفتن اشاعه رفتارهای نادرست نیست. برای نمونه، غلامی (۱۳۹۴: ۱۳۰) اشاره می‌کند که برخی جوانان ایرانی به‌واسطه رواج فرهنگ مصرف سیگار و قلیان در عراق، به‌سمت استفاده از این مواد ترغیب می‌شوند و گاه بعضی نوجوانان نخستین تجربیات سیگارکشیدنشان را از اربعین آغاز می‌کنند. از سوی دیگر، حضور گسترده عده‌ای از جوانان ایرانی در قهوه‌خانه‌های عراقی برای مصرف قلیان هم به رونق این اماکن در ایام اربعین انجامیده است. به سخن دیگر، در اربعین ممکن است رفتارهای هنجارشکنانه یا کج‌روانه که پیش‌تر اشاره شد، برای برخی زائران سرمشق و الگوی منفی شود.

مایه می‌گذارد. اما ایرانی‌ها به‌دنبال جای و غذای ایرانی هستند و اگر پیدا نشود که برای تازه‌کارها و باراولی‌ها و سالمندها کمتر پیدا می‌شود، گاهی دعوا هم راه می‌اندازند، دل‌خوری می‌کنند و... بارها دیدم که پول‌شمردن راننده عراقی را هم دست گرفتند و می‌خندند و یا در مسیر بارها برای خندیدن دستش می‌اندازند که از فلان مبلغ توافقی کمتر پول می‌دهیم و راننده که عصبانی می‌شد، قاه‌قاه می‌خندیدند. این تأثیرات منفی را باید باز و باز در سفرهای بعدی ببینیم (آقاسی، ۱۳۹۹).

البته ج.ر.، دین‌پژوه، بعضی از این رفتارها را در تداوم نگاه خودتریبینی بعضی ایرانیان در ارتباط با عراقی‌ها می‌داند.

❖ ۲.۳.۱۱. رفتارهای کج‌روانه ❖

تقریباً یگانه منبعی که به رفتارهای کج‌روانه برخی زائران ایرانی در اربعین اشاره کرده، تاجبخش (۱۴۰۱) است. «آسیب‌هایی که در مسیر پیاده‌روی رخ می‌دهد، عبارت‌اند از: سرقت اموال زائران، تکدی‌گری، اعتیاد و مصرف مواد مخدر، فساد اخلاقی، نظم‌گریزی، خودتریبینی و نژادپرستی بعضی از زائران» (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۲۶). وی چند نمونه دزدی از سوی زائران ایرانی را که زوار عراقی و ایرانی بیان کرده‌اند، بازگو می‌کند. البته در برخی منابع دیگر نیز می‌توان اشاراتی گذرا در این زمینه یافت. برای نمونه، رحمانی به دزدی گوشی تلفن همراه در برخی موکب‌های ایرانی اشاره کرده است (رحمانی، ۱۳۹۷: ۴۳۶). همچنین شرافت به کلاهبرداری و دزدی برخی زائران ایرانی که بر نگاه عموماً مثبت عراقی‌ها به ایرانیان اثر می‌گذارد، اشاره می‌کند (۱۳۹۷: ۶۷).

همچنین یکی از مصاحبه‌شوندگان، خانم ه.، که خود تجربه رفتن به اربعین را نداشته است، از دوستش که به این سفر رفته، خاطره‌ای نقل می‌کرد. وی می‌گفت که آن دوستش در طول سفر باید مدام

❖ ۲.۳.۱۳. احساس تبعیض ❖

احساس تبعیضی که در اینجا به آن اشاره می‌شود، قیاسی است که عموماً مخالفان و منتقدان به آن توجه کرده‌اند. به‌طور خلاصه، این افراد معتقدند که حکومت ایران در حالی به زائران اربعین خدمات بسیار گسترده می‌دهد که فقط بخشی از جامعه، آن هم از طیف مذهبی، به زیارت اربعین علاقه‌مندند. اما در نمونه‌های مشابه، هیچ‌گونه خدماتی به دیگر اقلیت‌ها و گروه‌ها نمی‌دهد و گاه، در این زمینه مانع‌تراشی هم می‌کند.

گروهی از این افراد، اهل سنت ایران هستند که در بخش مسائل دینی اربعین به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. در اینجا به بیان همین نکته بسنده می‌کنیم که اهل سنت معتقدند گاهی در برگزاری رویدادهای دینی و مذهبی خود محدودیت دارند. در این حال، چرا برخی شهرهای سنی‌نشین، همچون میوان در استان کردستان، به‌واسطه اینکه از سال ۱۴۰۱ به یکی از پایانه‌های مرزی زائران اربعین تبدیل شده، به‌علت نصب شمار زیادی پرچم سیاه و همچنین برپایی موبک‌های زیاد، حال‌وهوای اربعینی یافته است؟! مصاحبه و گفت‌وگو با دو شهروند میوانی، ماموستا م، روحانی سنی و ه.ک.، بازاری میوانی نشان می‌دهد آن‌ها هم تبعیض در این زمینه را احساس و از استفاده امکانات شهری سنی‌نشین برای اجرای آیینی شیعی گلایه می‌کنند.

به‌جز اهل سنت، دست‌کم دو گروه دیگر هم در مصاحبه‌ها به تبعیض اشاره می‌کردند: گروه علاقه‌مندان سفر به دیگر کشورهای همسایه به‌جز عراق و گروه علاقه‌مندان به آیین‌های ملی غیرمذهبی. درباره تبعیض در سفر، م.ق. می‌گوید:

● همان‌طور که جمهوری اسلامی فقط برای این گروه از کاربران یک‌سری تسهیلات ارائه می‌دهد و کلاً روند را تسهیل می‌کند، برای بقیه افراد هم همین کار را نکند. نه اینکه ویزا کنسل شود و فقط با کارت ملی بتوانند بروند. دلاری بگیرند که دلار ارز دولتی باشد؛ نه تنها برای سفر اربعین، بلکه برای سفر به خانه خدا و مکه. این اختلاف به نظر

من اصلاً مناسب نیست و کسی که واقعاً به حق‌الناس اعتقاد دارد هم [زیارت اربعینش] مشکل دارد. چون این وضعیت به‌منظور مسافرت به کشورهای مجاور برای همه افرادی که در ایران زندگی می‌کنند، باید یکسان باشد. نباید این‌گونه باشد که همه اتوبوس‌ها، همه نیروهای امدادی و انتظامی برای آن سفر به خط شوند که این توریستی که می‌رود آنجا، چیزی کم‌وکسر نداشته باشد... انتقاد من به این اختلاف‌هاست.

یکی از انتقادات مرتبط با تبعیض در وضعیت سفر، به اوضاع سفرها در دوران کرونا مربوط می‌شود. در دوران اوج کرونا مسئولان کشور به‌درستی تدابیر سختی را برای کسانی که به کشور وارد می‌شدند، تعیین کرده بودند تا مبادا با ورود بیماران، کرونا در کشور گسترده‌تر شود. بیان یک نمونه تجربه شخصی در این زمینه بد نیست. نگارنده در تابستان ۱۴۰۰، برای برنامه‌ای علمی به ترکیه سفر کرد. هنگام بازگشت و در فرودگاه استانبول، مسئولان پرواز ایرانی برگه تست کرونای نگارنده را برپایه شیوه‌نامه‌های بهداشتی اعلام‌شده از سوی دولت ایران بی‌اعتبار اعلام کردند و همین باعث شد با عجله و استرس بسیار فراوان، ۴۰ دلار، معادل ۸۰۰ هزار تومان آن موقع پول ایران در فرودگاه پرداخت کند تا تست دوباره بگیرد و در واپسین لحظات، پیش از بسته‌شدن گیت، خود را به پرواز برساند. در همان لحظه، چندین مسافر ایرانی دیگر به همین دلیل از پرواز جا ماندند و بلیت‌های گران‌بهاشان سوخت. اما دقیقاً همان موقع چندین نفر از مسئولان کشور موضوعی گرفتند و سخنانی بر زبان راندند که انتقادات گسترده‌ای در پی داشت. برای نمونه، وزیر راه ایران، آقای رستم قاسمی در مصاحبه‌ای تلویزیونی که در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار بازپخش شد و انتقاداتی را در پی داشت، درباره نحوه بازگشت زائران اربعین به کشور اعلام کرد: «درمورد محدودیت‌های تست کرونا هم توافق شد که به‌صورت چشمی و بدون [تست] پی‌سی‌آر وارد ایران شوند.» این در حالی است که برخی زائران در سفر اربعین همان سال فیلم‌هایی از خودشان ضبط کرده بودند که رفتارهای خطرناک

کروناپی را نشان می‌داد. برای نمونه، در یک کلیپ، متولیان موبکی ایرانی ته‌مانده شربت در لیوان‌های زائران را دوباره به دیگ اصلی باز می‌گرداندند و با بقیه شربت قاطی می‌کردند و دوباره به زوار می‌دادند. زائر فیلم‌بردار هم‌زمان می‌گفت: «این هم یک طرح دیگر واکسیناسیون که اینجا می‌بینید. لیوان شیشه‌ای، شربت زعفرانی پرتقال». سپس از یکی از همان متولیان می‌خواهد که کارش را توضیح دهد. و او هم می‌گوید: «این اضافه‌ها داروی ضدکروناست که می‌ریزم در لیوان و می‌خوریم. پیغمبر خدا فرمود: «سُورَ الْمُؤْمِنِ شِفَاءٌ»؛ اضافه دهان مؤمن شفاست. البته خانم مینو محرز...». این همان بحثی است که بارها میان معتقدان افراطی به معجزات دینی از یک سو و پزشکان از سوی دیگر مطرح شده بود و بیشتر مردم و حتی مسئولان و مراجع نیز بر توجه به دستورهای پزشکان تأکید کرده بودند. بعضی افراد این‌گونه رفتارهای خطرناکشان را در اربعین، در بوق و کرنا کرده بودند و مسئولان هم با لغو شیوه‌نامه‌ها برای آنان، با ایشان همراهی می‌کردند. برخی شخصیت‌های برجسته هم کلاً طرفدار این دیدگاه بودند. یعنی می‌گفتند کسی که به اربعین برود، کرونا نمی‌گیرد. سخنان علیرضا پناهیان در شبکه افق نمونه‌ای گویا در این زمینه است. او با اشاره به اینکه زائران عراقی اربعین کرونا نگرفته‌اند، درخواست می‌کند گروهی پزشک متخصص در آنجا مستقر شوند و نسبت میان اربعین و کرونا را بسنجند. منظور ایشان این بود که هر کس به زیارت اربعین برود، کرونا نمی‌گیرد. سپس گلایه و انتقاد می‌کند که چرا تجمع اربعین را هم مانند تجمع مترو می‌بینند؛ در حالی که اربعین به علت معنویتی که دارد، باعث تقویت روح و جسم افراد می‌شود.^{۳۸} البته رهبری در این زمینه ورود کردند و با بیان اینکه: «بعضی‌ها ارزیابی مناسبی از کرونا ندارند؛ ما هر روزی ۱۴۰ تا ۱۵۰ نفر را از دست می‌دهیم، این چیز کمی است؟! [...] رفتن به اربعین فقط باید با نظر ستاد ملی کرونا باشد و تا الان هم گفتند نه، نباید برویم»^{۳۹} تا حد زیادی از فشارهای افراطیون برای بازگذاشتن راه اربعین در دوران کرونا کاستند.

این احساس تبعیض درباره اوضاع سهل و آسان سفر اربعین در مقایسه با دیگر سفرها تا آنجا بود که میان هر دو گروه موافقان و مخالفان، دوگانه سفر شمال و سفر اربعین شکل گرفت که طرفداران هریک از این سفرها، گروه مقابل را چنین متهم می‌کرد: که اگر سفر کردن به مقصد دل‌خواه ما بد و خطرناک است، چرا گروه مقابل خودش به مقصد دیگری می‌رود؟! در اینجا اربعین نیز به‌مثابه عاملی دیگر برای ایجاد یا در واقع نشان دادن دودستگی در میان ایرانیان مطرح شد.

درباره احساس تبعیض میان دوست‌داران آیین‌های ملی با دوست‌داران آیین‌های مذهبی، همچون پیاده‌روی اربعین، هم چندین مصاحبه‌شونده انتقاداتی جدی مطرح کردند که برای نمونه به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود. پ.ب. در این باره می‌گوید:

● اربعین در مقابل رویدادهای دیگر خوب پوشش خبری داده می‌شود. مثلاً می‌گویم، یک جشنواره ملی باستانی ایران را این‌همه بزرگ نمی‌کنند یا پوشش نمی‌دهند. در عوض، ماه محرم و صفر و راهپیمایی را زیاد پوشش می‌دهند. برای همین بیشتر مردم احساس می‌کنند که دارد به شعورشان توهین می‌شود. چون همه مذهبی نیستیم. یکی به شب یلدا علاقه دارد، یکی به نوروز، یکی به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، یکی هم به همین اربعین. اما از بین همه این‌ها، عزاداری‌های مذهبی و راهپیمایی اربعین بیشتر از بقیه پوشش داده می‌شود. به همین علت، مردم در مقابل این رویداد و این پوشش‌های رسانه‌ای جبهه می‌گیرند.

او در ادامه، همین تبعیض‌ها را یکی از عوامل مخالفت بخشی از ایرانیان با این آیین می‌داند.

۲.۴. مسائل محیط‌زیستی

شاید یکی از نخستین مسائلی که در مسیر پیاده‌روی اربعین به چشم می‌آید، وجود ظروف یک‌بارمصرف فراوان در کناره‌های راه و انواع زباله‌های دیگر است. استفاده از ظروف و لیوان‌های یک‌بارمصرف از نظر بهداشتی بهتر است و توصیه شده؛ اما به محیط‌زیست آسیب‌های بیشتری وارد می‌کند. موبک‌های عراقی هم در سال‌های نخست، مثلاً چای و شربت را در لیوان‌های شیشه‌ای و پلاستیکی به زائران می‌دادند؛ اما پس از پرهیز زائران ایرانی از خوردن آن‌ها، کم‌کم به استفاده از

۳۸. <http://panahian.ir/post/7020>

۳۹. <http://fdn.ir/46064>

ظروف یک‌بار مصرف روی آوردند. یکی از صحنه‌های بسیار بدی که هر زائر اربعین در طول راه می‌بیند و در بسیاری از مصاحبه‌ها و سفرنامه‌ها هم به آن اشاره شده، همین انباشت ظروف یک‌بار مصرف در کنار مسیر است که بخش زیادی از زباله‌هاست.

همچنین برخلاف ظروف و لیوان‌های ملامین و چینی و... که به محض خوردن غذا یا نوشیدنی، شسته و برای زائر یا وعده بعدی آماده می‌شود، ظروف یک‌بار مصرف همراه با پس‌مانده غذا دور انداخته می‌شود که به‌ویژه در ماه‌های گرم سال، هم سریع فاسد شده و بوی آن باعث آزار زائران می‌شود و هم با جذب مگس و حشرات دیگر، به شیوع بیماری‌ها دامن می‌زند. ا.ر. پیش‌بینی می‌کند در سال‌های پیش رو و باتوجه‌به قرارگرفتن اربعین در ماه‌های مرداد و تیر، این مسئله حادثر هم بشود:

● باتوجه‌به اینکه در سال‌های آینده اربعین در فصول گرم خواهد بود، احتمال کشته‌شدن در مسیر بیشتر است. کم‌اینکه امسال نزدیک به ۵۰ کشته گزارش شده است. گرمی هوا و تجمع زباله در اطراف اقامتگاه‌ها احتمال شیوع انواع بیماری‌ها را بیشتر می‌کند و با ازدیاد جمعیت، از مسئولان کاری ساخته نیست.

❖ ۲.۵. مسائل دینی ❖

اربعین رویداد و آیینی دینی است و به همین علت، بخش زیادی از مشکلات پیش روی این رویداد نیز به جنبه دینی ناظر است. در روایات شیعیان تأکید زیادی بر زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) شده و زمان‌های خاصی نیز به‌مثابه زمان‌های پرفضیلت برای زیارت مشخص شده است؛ مانند زیارت در عاشورا، نیمه شعبان، نیمه رجب و ... در خصوص زیارت اربعین نیز در روایات توصیه‌هایی شده است. در مصاحبه‌های انجام‌شده برای این گزارش و منابع بررسی‌شده این مطلب دیده می‌شود. برای نمونه، موضوعی که در برخی مصاحبه‌ها (برای نمونه: ی.ع.؛ م.م.) و همچنین در متون (مانند: میرزازاده، ۱۳۹۷: ۶۵؛ غرسان، ۱۳۹۶: ۵) به فراوانی اشاره شده است، روایتی است از امام حسن عسکری (علیه السلام) که زیارت

اربعین را یکی از پنج نشانه شیعه و مؤمن می‌داند. همچنین عبارت زیر از مصاحبه‌شونده‌ای نشان‌دهنده متداول‌ترین ثوابی است که شیعیان برای زیارت پیاده اربعین می‌شناسند: «از معصومین (علیهم السلام) [ائمه] روایاتی داریم که هر قدم در این مسیر از زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) برابر است با [به‌جا آوردن] یک حج» (به‌نقل از: نیکجو و دیگران، ۲۰۲۰: ۶). عمده‌ترین دغدغه‌های دینی که پیاده‌روی اربعین با آن‌ها روبه‌روست، می‌توان در چند محور دسته‌بندی کرد.

❖ ۲.۵.۱. تقابل شیعه و سنی ❖

غلامی پس از بیان گستردگی حضور تاریخی اهل سنت و بزرگان آن‌ها، همچون احمد بن حنبل و ابوحنیفه و امام شافعی در عزاداری اباعبدالله (علیه السلام) این موضوع را که اربعین صرفاً مراسمی شیعی معرفی شود، نهی می‌کند و به‌جای آن تأکید می‌کند بهتر است آن را «اجتماع بر محور محبت اهل بیت (علیهم السلام)» معرفی کنیم (۱۳۹۴: ۱۳۰). با این کار هم اربعین محدود به شیعیان نمی‌شود و هم از حساسیت اهل سنت در خصوص آن کاسته می‌شود. س.ج. پژوهشگر هم یکی از کارکردهای اربعین را «پیوند و اتصال شیعیان با غیرشیعیان ارادتمند [به اهل بیت]» می‌داند. همچنین گزارش‌هایی درباره حضور شمار اندکی از اهل سنت در این رویداد بیان شده است. شرافت (۱۳۹۷: ۳۳) به موضوعاتی اشاره می‌کند که اهل سنت در برپایی موكب‌ها با شیعیان همکاری می‌کنند و آنکه تعداد زیادی از کارکنان پلیس در بغداد و کاظمین که وظیفه تأمین امنیت رویداد را دارند، اهل سنت هستند و با این حال، رفتار دوستانه و صمیمانه با زائران دارند. رهبری هم در دیدار با موكب‌داران عراقی، صراحتاً بر همین نکته تأکید کردند و گفتند:

● امام حسین (علیه السلام) متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار می‌کنیم که پیرو امام حسین (علیه السلام) هستیم؛ اما امام حسین (علیه السلام) فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام حسین (علیه السلام) هستند. در این

راهپیمایی عظیم حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند، شرکت می‌کنند و این رشته‌ادامه خواهد داشت ان شاء الله.^{۴۰}

با همه این‌ها، به نظر می‌آید این رویداد در حال گسترش شکاف میان شیعیان با اهل سنت است. این تقابل اگر پررنگ شود، قطعاً به‌طور کل به زیان کل شیعیان و به‌طور خاص، به زیان شیعیان ایران است. سیاسی شدن مناسک عزاداری امام حسین علیه السلام، آن‌گونه که رحمانی (۱۳۹۵: ۸۹) نشان داده، از ابتدا از سوی حکومت‌های شیعه و برای تقابل با اهل سنت صورت گرفته است؛ چه در دوره آل بویه، چه در دوره فاطمیون مصر و چه در دوره صفوی. به نظر می‌آید این تقابل دست‌کم در سه موضع خود را نشان می‌دهد:

۱.۱.۲.۵. تجمیع و تقویت هویت شیعی

به نظر می‌آید مراسم اربعین، با وجود ظاهر دینی خود، هم به‌صورت ناخواسته از سوی زائران میلیونی‌اش و هم به‌صورت خودخواسته از سوی برخی شیعیان تندرو و همچنین برخی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی ایران، به عرصه‌ای برای نشان دادن قدرت و شمار فراوان شیعیان تبدیل شده است. شیعه اقلیتی مذهبی در جهان اسلام است که فقط در سه کشور ایران و عراق و جمهوری آذربایجان حضور جدی دارد. این اقلیت در برابر بیش از پنجاه کشور مسلمان که اکثریت جمعیت ساکنانشان شیعه نیستند، اکنون در پیاده‌روی اربعین احساس قدرت و نمایش هویتی خود را پیدا کرده است. هشجین و خانقاهی (۲۰۲۰) توضیح می‌دهند که چگونه رسانه‌های رسمی ایران از زیارت اربعین برای بهبود هم‌بستگی فراملی شیعیان بهره می‌برند. این نوع تقدیس رسمی را می‌توان به اجتماعات ایدئولوژیک و احراز هویت سرد اشاره کرد (به‌نقل از: نیکجو، رضوی‌زاده و گیوونیه، ۲۰۲۰: ۶۲۳).

این حرکت و تأکید بر هویت شیعه، خواه‌ناخواه به تقابل با اهل سنت منجر می‌شود؛ آن‌گونه که

میرزازاده (۱۳۹۷: ۷۱) ظاهراً با همان نگاه ایدئولوژیک خود بیان می‌کند: «پیاده‌روی اربعین با پیوندزدن عصاره مکتب تشیع، یعنی غدیر (ولایت)، عاشورا (شهادت) و ظهور (امامت) یادآوری تقابل ایدئولوژیک شیعه با اهل سنت است.» م.د. نمونه‌ای از رفتارهای توهین‌آمیز به اهل سنت را در پیاده‌روی بیان کرده که البته این رفتارها به این مراسم منحصر نیست و خوشبختانه در اربعین خیلی کم نمود آشکار می‌یابد و شیعیان افراطی در موقعیت‌های دیگر آن‌ها را ابراز می‌کنند؛ اما با توجه به حساسیت‌ها روی رویداد، نگرانی در این زمینه جدی‌تر است. م.د. که تقریباً همه‌ساله برای اربعین به عراق می‌رود، در این باره می‌گوید:

● یک نمونه که در حرم حضرت علی علیه السلام و مسجد کوفه دیدم و این حرکت را وقتی می‌دیدم، ناراحت می‌شدم، لعن علنی بر خلفای راشد سه‌گانه بود. بعضی همچون خود من اعتراض می‌کردند و می‌گفتند که شما به زیارت آمده‌اید. همچنین در بین ما اهل سنت هم بودند. می‌شنیدند و ناراحت می‌شدند. می‌گفتیم که لاقبل به حرمت این‌ها نگوئید. بلند نگوئید. به هر حال، ما با این‌ها قرابت داریم. اما بعضی‌ها گوش نمی‌دادند و بلند می‌گفتند و به ما هم می‌گفتند شما هم مثل آن‌ها یید و بعضاً چهارتا حرف هم به ما می‌زدند.

این همان رفتاری است که برخی جریان‌های فعال شیعی، چه در ایران و چه در عراق، دنبال کرده و شوربختانه بر آن پافشاری دارند.

۲.۵.۱.۲. آفرینش بدیل برای مراسم حج

«واقعیت این است که تشیع متهم به بدعت‌گذاری، اکنون به کم‌فروغ کردن حج ابراهیمی و فروکاست جایگاه آیینی آن از طریق ارائه بدیلی پرشکوه‌تر از آن به نام اربعین حسینی متهم است» (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). همان‌گونه که می‌بینیم، هم برخی منابع و هم برخی مصاحبه‌شوندگان در کارهای پژوهشی پیشین، به

۴۰. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43490>

این نکته اشاره کرده‌اند که پیاده‌روی اربعین بدیلی است در برابر مراسم حج که برگزاری آن برعهده دولت وهابی عربستان سعودی است.

● در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از واقعه مناء، این تراکم و تقویت احساسات درون‌مذهبی میان شیعیان با برجسته‌سازی ادبیات غیریت‌سازی همراه شده است که تقابل مناسک حج و آیین اربعین یکی از نمدهای آن است. محصول این فرایند، ابداع کلیدواژه‌هایی چون «حج شیعه» و «حج حسینی» در توصیف پیاده‌روی اربعین است. این تقابل‌سازی‌ها گرچه نوعاً خاستگاه و کاربست ادبی و احساسی دارند، اما پیامدهایشان تنها منحصر به این عرصه‌ها نخواهد ماند (مظاهری، ۱۳۹۷: ۲۳۱).

این بدیل‌شدگی اربعین گویا برای بخشی از زائران هم پذیرفته شده است. برای نمونه، نیکجو، رضوی‌زاده و گیوونیه (۲۰۲۰: ۶۲۰) به دو مصاحبه‌شونده که آشکارا چنین دیدگاهی داشتند، اشاره می‌کنند:

● فاطمه با هیجان درباره اهمیت هویت شیعه صحبت کرد: «من شیعه به دنیا آمدم و این هویت من است. تازه آمدم پیدایش کنم. مکه هویت من نیست. من می‌پذیرم که آن [مکه] هویت مسلمانی من است و شکی در آن نیست؛ اما هویت من اینجا است. بحث شیعه و سنی نیست، فرق شیعه با همه غیرشیعه است.» به‌طور مشابه، در زمانی که ما با یک گروه سه‌نفره مصاحبه کردیم، وقتی یکی از آن‌ها، احمد، م. ۵۰، شروع به استدلال کرد که «ما کربلا را بر مکه ترجیح می‌دهیم»، دوستانش مؤدبانانه حرف او را تصحیح کردند و تعبیر کردند: «کربلا برای ما در دسترس‌تر است». سپس احمد افزود: «بله، اینجا برای فقرا حج است.»

در این زمینه، در ادبیات شیعه به برخی روایات برمی‌خوریم که نشان از برتری زمین کربلا بر زمین کعبه دارد (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۷۹). چنین روایاتی نگاه تند و منفی برخی از اهل سنت، به‌ویژه وهابیون به شیعیان را موجب شده است. در مقابل، برخی نویسندگان شیعه تلاش می‌کنند نشان دهند این‌ها بدفهمی از مباحث شیعه است. برای نمونه، جعفری (۱۳۹۷: ۱۸) توضیح می‌دهد منظور از برتری زیارت کربلا بر حج، حج مستحب است و نه حج واجب و در این زمینه، برخی روایات از ائمه معصومین را به گواهی می‌آورد. با همه این توضیحات، بسیاری همچنان به این مقایسه انتقاد دارند. برخی از مصاحبه‌شوندگانی که مخالف یا منتقد مراسم اربعین هستند نیز به این تقابل اشاره می‌کنند. مثلاً ص.م. هم به ساخت بدیل برای حج انتقاد دارد و هم اینکه چرا اگر برای اربعین وام می‌دهند، برای حج رفتن وام نمی‌دهند. ا.ک. نیز می‌گوید: «احساس می‌کنم پس از حذف مکه، سازمان حج و زیارت به‌مثابه واحد گردشگری اسلامی حکومت، سعی کرد با جایگزینی اربعین، منابع مالی و درآمدی قبلی خود را جایگزین کند.» همان‌گونه که می‌بینیم، در اینجا بحث دیگری نیز مطرح می‌شود که باید در حوزه شایعات آن را بررسی کرد. یعنی اینکه حکومت ایران از این طریق درآمد کسب می‌کند یا برعکس، هزینه‌های بسیاری برای برگزاری آن متقبل می‌شود که اتفاقاً محل انتقاد گروهی دیگر از منتقدان است و در بخش مسائل اقتصادی بررسی می‌شود. همچنین م.ع. ضمن انتقاد از این بدیل‌سازی و هشدار درخصوص پیامدهای منفی‌اش برای شیعیان که جمعیت و بنابراین به‌نوعی قدرت کمتر دارند، طرف مقابل را هم در این زمینه مقصر می‌داند:

● کل جریان تشیع با همه فرق آن، حتی با اسماعیلیه، در جهان ۲۰۰ میلیون نفر هم نیست؛ در مقابل ۱ میلیارد و خرده‌ای. تأکید بر این آیین‌ها به‌نوعی زمینه‌ساز تفرقه است و مفاهیم مشترک را محل نزاع قرار می‌دهد که یکی همان فروع دین، حج است. البته آن طرف هم سوءاستفاده می‌کند. یعنی اعراب

۵۰ سال پیش که جمعیت راهپیمایی اربعین را به یک میلیون نفر تخمین زده، این مراسم را به اجتماع مسلمانان در مکه تشبیه نموده است (آقاسی، ۱۳۹۹).

❖ ۲.۵.۱.۳. گسترش احساس نارضایتی در اهل سنت ایران ❖

همان‌گونه که در بخش مسائل فرهنگی اجتماعی اربعین بیان شد، احساس تبعیضی که به توجه بیش از حد حکومت به مراسم اربعین در بخش‌هایی از جامعه شکل گرفته، اهل سنت ایران را هم درگیر کرده است. همچنین اشاره شد این احساس تبعیض، بسیج امکانات برای مراسمی شیعی و بی‌توجهی به مراسم اهل سنت، با برخی رویدادها تشدید می‌شود. مشخصاً در اینجا به استفاده از شهرها و پایانه‌های مرزی مناطق سنی‌نشین به‌مثابه عامل تشدیدکننده اشاره می‌شود.

اگرچه پیش‌فرض نویسنده این بود که دست کم بخشی از اهل سنت ایران به برگزاری این مراسم و بسیج منابع آن احساس خوبی ندارند و باتوجه‌به همان احساس تبعیض، نخستین بار در گفت‌وگو با یکی از استادان رشته مدیریت گردشگری در دانشگاه، درباره استفاده از پایانه مرزی شهر مریوان و نارضایتی مردم این شهر در این باره اطلاعاتی به دست آمد. به گفته این استاد دانشگاه:

● امسال از مرز مریوان هم این طرح شروع شده که بازخورد خوبی از سوی مردم محلی دریافت نکرده است. هم به‌علت تفاوت‌های فرهنگی و هم به‌علت بحث مالی. در زمینه فرهنگی مردم انتقاد دارند که این‌همه نشانه‌های شیعی

در تقابل با جمهوری اسلامی و سیادت و هژمونی ایران هستند.

اما به هر رو، آن‌گونه که تاجبخش (۱۴۰۱: ۱۳۱) اشاره کرده است، تقابل اربعین با مراسم حج و برتری دادن به اربعین از سوی برخی، از آسیب‌های این رویداد است. دیگر کارشناسان نیز درخصوص چنین تقابلی هشدار می‌دهند. برای نمونه، غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۳) به‌درستی به این نکته اشاره می‌کند که «اربعین محیطی برای تجمیع شبهات آنان پیرامون شفاعت و توسل و شرک و زیارت قبور و ندای میت و بنای بر قبور است». اکنون بحث تقابل اربعین با مناسک حج نیز به آن افزوده شده که پرنرنگ‌تر کردن مناسک اربعین راه تکفیر و اتهام شرک به شیعیان را برای جریان‌های سلفی هموارتر کند. در مقابل اما هنوز برخی با نگاه ایدئولوژیک در پی توجیه این تقابل برمی‌آیند:

● چنین قیاسی بین حج و اربعین شاید فی‌نفسه کار بسزایی به نظر نرسد، زیارت حج ابراهیمی از لحاظ شأن و شمولیت فراتر از اربعین است. اما زمانی که نیروها و حاکمان بسیج‌گر حج کسانی هستند که در طول تاریخ بر شیعیان و مراسم مذهبی‌شان سخت گرفته‌اند، قیاس از منظر بسیج منابع اهمیت خود را نشان می‌دهد. به‌خصوص که اگر نظم و نظام امنیت، امکانات رفاهی و بهداشتی آن دو با هم مقایسه گردد (میرزازاده، ۱۳۹۷: ۶۶).

یا همچون محمد آقاسی که نه‌تنها آشکارتر، از این قیاس دفاع می‌کند، بلکه تلویحاً انتقاد دارد بر «انتقادهای شبه‌روشن‌فکری امروز» درباره این قیاس:

● جالب اینجاست که برخلاف خیلی از انتقادهای شبه‌روشن‌فکری امروز که می‌هراسند از مقایسه حج با آیین پیاده‌روی اربعین که مبدا اختلافی افتد، در کتاب ادب‌الطف ایشان^{۴۱} برای حدود

می‌گردد که نویسنده در چند سطر قبیل درباره او نوشته است. اما این اشتباه است و عجیب است نویسنده چنین اشتباه فاحشی کرده باشد. نویسنده کتاب بسیار مشهور ادب‌الطف، جواد شبر است. از سوی دیگر، محدث نوری نیز بیش از صد سال پیش از دنیا رفته، درحالی‌که نویسنده خودش به‌درستی اشاره کرده که ادب‌الطف حدود پنجاه سال پیش نوشته شده است.

۴۱. ضمیر اشاره «ایشان» در این نقل‌قول، ظاهراً به محدث نوری باز

در محل زندگی ما به نمایش درآمده، چادرهای اسکان و خدمات برپا شده، آیا ما هم اگر مراسم مشابهی داشته باشیم، به این راحتی می‌توانیم برگزار کنیم.

او با اشاره به نظریه تبادل اجتماعی^{۴۲} اشاره می‌کند که موفقیت چنین طرح‌هایی در گرو دستاوردهایی است که برای مردم ایجاد می‌کند. سپس این پرسش را مطرح می‌کند که در برابر استفاده از فضای شهری و مرزی شهری سنی‌نشین، چه چیزی به آن‌ها اعطا شده است.

برای کسب اطلاعات بیشتر، پژوهشگر در این باره با چند شهروند اهل مریوان گفت‌وگو کرده است. ه.ک.، بازاری اهل مریوان، همان دو نقد را وارد می‌کند: یکی نقد از نگاه دینی و دیگر از نگاه اقتصادی. او در بحث دینی می‌گوید: «اهل سنت به پیاده‌روی اربعین اعتقاد ندارد. اصلاً خیلی اوقات به عزاداری عزیزان خودش هم اعتقادی ندارد. اما زائران اینجا آزادانه جلوی چشم ما با جدیت تمام و شور عزاداری می‌کنند. خوب، این برای ما جالب نیست.» سپس درباره این همه زائری که در اربعین ۱۴۰۱ از مریوان به کشور عراق رفتند، توضیح می‌دهد که این رفت‌وآمدها هیچ دستاورد مادی برای شهرشان نداشته است. این در واقع جای خالی همان نظریه تبادل اجتماعی است که استاد گردشگری اشاره کرده بود. به نظر می‌آید اگر این حرکت اعزام زائران از مریوان در بخش اقتصادی برای بازاریان و مردم کمی سود می‌داشت، مخالفت با آن کمتر می‌شد.

اما در بحث مخالفت اهل سنت با این برنامه در شهر مریوان، ماموستا م. مفصل‌تر توضیح می‌دهد. به برخی جملات کلیدی وی در زیر اشاره می‌کنیم:

● هر چهار شاخه اهل سنت می‌گویند که بیش از سه روز تعزیه برای مرده درست نیست. ما اهل سنت برای پیامبران هم تعزیه نمی‌گیریم. ماموستایان و امامان دین امسال در بیانیه‌ای و یک جمعه در خطبه‌ها اشاره کردند که ما چیزی به نام اربعین را قبول نداریم. در بیانیه گفتند که آن چند ماموستا که رفتند پیاده‌روی اربعین، خائن بودند به اهل سنت؛ چراکه اهل سنت اربعین

را قبول ندارند. ما اهل سنت هستیم و قانون به ما این حق را داده که مراسم مذهبی خودمان را بگیریم. اما آن‌ها در انجام مراسم مذهبی به خودمان گیر می‌دهند، در اعیاد به ما گیر می‌دهند؛ مثلاً نمی‌گذارند روحانیون منطقه فعالیت اجتماعی داشته باشند. در چنین وضعیتی، می‌خواهند سراسر شهر را پارچه‌های سیاه اباعبدالله بزنند و مردم نمی‌پذیرند. برخی جوانان می‌گویند که وقتی ورودی شهر این همه موکب و پرچم سیاه و... زده‌اند، ناراحت می‌شدیم که چرا مریوان ما شده کربلا. سیمای شهر سیمای عجیبی شده است. همه‌جای شهر سیاه است. واقعاً داریم زجر می‌کشیم. این‌ها را از زبان مردم می‌شنیدیم. البته این را بگوییم که ما خیلی به اهل بیت مثل حسن [ع] و حسین [ع] و حضرت زهرا [ع] که نور چشم ما هستند، احترام می‌گذاریم. [...] وقتی دولت در رادیو و تلویزیون و رسانه به ما توهین می‌کند و بعد خودش می‌آید و در شهر ما مراسم اربعین می‌گیرد، مردم به عقیده و مسلک و مذهب خودشان بیشتر متعهد می‌شوند و بیشتر از اهل تشیع تنفر پیدا می‌کنند.

احتمالاً همین مسئله در منطقه بلوچستان ایران که سنی‌نشین است و زائران پاکستانی از آنجا وارد ایران می‌شوند و در برخی موکب‌ها پذیرایی می‌شوند و به‌سوی مرزهای غربی کشور می‌روند هم دیده شود. گویا سالانه حدود ۵۰ هزار زائر پاکستانی به رویداد اربعین می‌روند که بیشترشان از مرز زمینی و خاک ایران خود را به آنجا می‌رسانند (عبدی خجسته، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

پ.ا. پژوهشگر دین اشاره می‌کند که تأکید بر اربعین باعث انشقاق بیشتر در جامعه میان شیعیان و سنی‌ها می‌شود. او مراسم مولودی پیامبر ﷺ را بررسی می‌کند که سنی‌های عراق در تقابل با اربعین شیعیان آن را برجسته کرده‌اند. بعید نیست که اهل سنت ایران نیز رفتار مشابهی در پیش بگیرند.

❖ ۲۵.۲. مجادلات میان شیعیان در مسیر ❖

به‌جز امکان افزایش تقابل میان شیعه و سنی، پیاده‌روی اربعین افزایش تقابل میان دیدگاه‌های درون شیعه را هم در پی دارد. «در زیارت اربعین شاهد دشمنی خونین میان گروه‌های مختلف شیعی هستیم؛ مثلاً جدال و دشمنی میان طرفداران اسلام سیاسی با هواداران اسلام سکولار» (نصراوی، ۱۳۹۹: ۱۴۱؛ به‌نقل از: امین، ۱۳۹۵).

در چند سال گذشته گزارش‌های زیادی از تقابل برخی جریان‌های شیعه و طرفداران مراجع تقلید با یکدیگر در جریان راهپیمایی اربعین بیان شده است. ع.ط. موکب‌دار ایرانی توضیح می‌دهد:

● طرفداران سیدصادق شیرازی تبلیغات زیادی در مسیر می‌کنند و موکب‌های زیادی دارند. خیلی اوقات زوار ایرانی می‌روند با این‌ها مشاجره می‌کنند یا پوستر سیستمی را می‌چسبانند روی پوستر شیرازی. آن‌ها هم البته متقابلاً چنین کارهایی می‌کنند و مثلاً پوستر شیرازی را روی پوستر آیت‌الله خامنه‌ای و سیستمی می‌چسبانند.^{۴۳}

این اختلافات گاه پای پلیس عراق را نیز به میان می‌کشد. برای نمونه:

● در کربلا، روی دیوار مدرسه‌ای تصویر آیت‌الله شیرازی نصب بود که عده‌ای جوان متعصب ایرانی آن را پاره و تصویر آیت‌الله خامنه‌ای را به‌جای آن نصب کردند. طرفداران آیت‌الله شیرازی هم از مدرسه بیرون آمده و تصویر آیت‌الله خامنه‌ای را پاره کردند. کار به زدوخورد و بازداشت جوانان ایرانی توسط پلیس عراق کشید (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

در اربعین ۱۴۰۱، دوگانه دیگری هم شکل گرفت؛ میان طرفداران جمهوری اسلامی از یک سو و جریان صدر از سوی دیگر. ع.م. بر این باور است که برخی نهادهای دولتی که در این برجسته‌کردن جریان صدر نقش داشتند، اشتباه محض کردند؛ چراکه صدر واقعاً «دیگری» نیست و نباید از آن چهره‌ای مخالف ترسیم می‌شد.

مجادلات دیگر بیشتر میان جریان رایج و رسمی شیعه با جریان‌های نوظهور است. برای نمونه، طرفداران احمد الحسن بصره‌ای که خود را سید یمانی می‌نامد، در ایام اربعین موکب‌هایی در مسیر راه‌اندازی و ایده‌های خود را تبلیغ می‌کند. ورود به این عرصه از مجادلات به این شیوه، از مسائل و آسیب‌های رویداد اربعین است. ج.ر.، دین‌پژوه در این باره می‌گوید:

● مثلاً حوزه‌های علمیه که به بحث اربعین ورود پیدا کرده‌اند، به عرصه‌ای برای مجادله‌های کلامی تبدیل شده‌اند. واقعاً چنین چیزی ضرورتی ندارد. باید حواسمان باشد آنجا جایی نیست برای جدل. درنهایت اینکه در آنجا خودمان را عرضه کنیم، نه اینکه پنبه دیگران را بزیم. در اوج لحظات آیین فرصتی برای مجادله نیست.

این آزادی برای برخی همچون آقاسی (۱۳۹۹) ارزشمند است و نباید از آن ترسید:

● چقدر رنگ‌وبوی اینجا آزاد است و آزادی فقط در شانزلیزه فرانسه نیست. همه هستند با عکس‌ها و اسم‌ها و رسم‌هایشان. بی‌هیچ سانسوری و بی‌هیچ ابایی و ترسی. هم عمار حکیم هست و هم مقتدی صدر، هم نوری مالکی و هم العبادی، هم حضرت آقای علی سیستمی و هم صادق حسینی شیرازی. همه هستند، حتی مراجع ایرانی از سیاسی تا دینی و چقدر زیباست این نسیم خوش آزادی. حتی منصور هاشمی خراسانی هم با نهضت بازگشت به اسلامش در مسیر تبلیغ کرده و البته کسی هم توجهی نمی‌کند و نمی‌دانم از چه چیز آزادی باید ترسید.

۴۳. القاب مراجع در نقل قول بالا، دقیقاً به همین شیوه بیان شد که برای حفظ امانت، همان‌گونه هم نقل شد.

البته سعه صدر داشتن کار هرکسی نیست و دعای مخصوص پیامبر ﷺ است که: «رب اشرح لی صدر»... .

هرچند در سوی دیگر عده‌ای هم باور دارند فضای باز و دموکراتیک عراق در این حوزه، زمینه تحریف تشیع را فراهم می‌کند و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

❖ ۲.۵.۳. به حاشیه رفتن بنیان‌های دینی ❖

● همان‌گونه که در قسمت تفاوت‌های فرهنگی بیان شد، برخی موکب‌داران عراقی از اینکه زائران ایرانی برای نماز صبح بیدار نمی‌شوند، متعجب و ناراحت می‌شوند. به‌جانی‌آوردن واجبات دینی، همچون خواندن نماز، در هنگام پیاده‌روی اربعین و در بین برخی زائران ایرانی به چشم می‌آید (تاجبخش، ۱۴۰۱: ۱۳۰). همچنین بعضی زائران اربعین افراد غیرمذهبی هستند که کمترین پایبندی را به رعایت شئون رسمی مذهبی، همچون خواندن نماز، حجاب، روابط با جنس مخالف، به‌کارنبردن الفاظ رکیک و... دارند (شرافت، ۱۳۹۷: ۱۶). «در این میان تأکید بر نیت و باطن پاک و کم‌رنگ‌شدن ضرورت و اهمیت رعایت احکام شرعی افزایش می‌یابد» (شرافت، ۱۳۹۷: ۲۰). راضیه که چندباری به این مراسم را رفته است، پس از انتقاد از اسراف زائران ایرانی که این پیاده‌روی را گونه‌ای کارناوال رایگان می‌بینند که تا حد امکان باید رایگان خورد و اسراف کرد، خودفریبی بخشی از این زائران را این‌گونه بیان می‌کند: «فقط اینکه چون من دارم این مسیر را طی می‌کنم، پس آدم خوبی هستم، شیعه خیلی مخلصی هستم. این برایشان بزرگ بود.» این در حالی است که روایات زیادی از ائمه معصومین و علمای بزرگ شیعه داریم که اشاره کرده‌اند

زائر امام حسین ﷺ نباید خوراکی‌های لذیذ در راه بخورد و باید به خوراک ساده اکتفا کند (نک: قمی، ۱۳۸۶: ۵۶۷ و ۵۶۸). جای شگفتی است که تقریباً هیچ‌یک از موکب‌داران، مسئولان دولتی و نهادهای مذهبی تاکنون توجهی به این روایات نداشته‌اند و همان‌گونه که تاکنون بارها در این گزارش اشاره شده است، برخی موکب‌داران برای عرضه خوراکی‌های لذیذتر با یکدیگر رقابت می‌کنند.

همچنین نجفی (۱۳۹۸) در میان آسیب‌های پیاده‌روی اربعین، دوری از اهداف معنوی و تبلیغ خارج از حد راهپیمایی اربعین را از آسیب‌های جدی این رویداد می‌داند. نجاتی (۱۳۹۶: ۱۷۷) نیز رواج مداحی‌های غلوآمیز و افراطی در طول مسیر را یکی از آسیب‌ها می‌داند. از نگاه تاجبخش (۱۴۰۱: ۱۳۳):

● آسیب‌های پیاده‌روی اربعین انسجام اجتماعی را دچار اختلال می‌کند و مناسک دینی را به‌طرف پریشانی و ناپایداری پیش می‌برد که در صورت اتخاذکردن تدابیر لازم ازطرف برنامه‌ریزان و نخبگان، خطر تحریف شکل سنتی و آیینی اربعین وجود دارد و با وجود برخی بدعت‌ها و انحرافات موجود، بیم آن می‌رود که کارکردهای ماندگار نهضت حسینی در آینده دستخوش مخاطراتی شود.

در این زمینه، برخی مصاحبه‌شوندگان و حتی کارشناسان اشاره کرده‌اند که اربعین در حال تبدیل‌شدن به رزومه برای برخی افراد است تا بتوانند با آن، برای خود پلکانی درست کنند و مدارج پیشرفت اداری را در نظام طی کنند. ج.ح، جامعه‌شناس، ذکر «توفیق حضور در راهپیمایی اربعین سال جاری»^{۳۳} در روزنامه ارائه‌شده به مجلس شورای اسلامی از سوی یوسف نوری، وزیر

پیشنهادی آموزش‌وپرورش را که رأی آورد و نزدیک دو سال وزیر هم بود، نمونه‌ای از استفاده ابزاری از پیاده‌روی اربعین می‌داند که آن را از اهداف اصلی‌اش دور کرده است و دو گروه در جامعه به جود آورده است: کسانی که اربعین رفته و بنابراین از امتیازش در آینده ممکن است استفاده کنند و کسانی که اربعین نرفته‌اند. در دیگر مصاحبه‌ها، همچون مصاحبه ص.م. نیز به این استفاده ابزاری از اربعین برای دو دسته‌سازی بین مردم و مزیت استخدامی حضور در اربعین اشاره شده بود. هیچ نشانه‌ای رسمی تاکنون از وجود مزیت استخدامی برای زائران اربعین یافت نشده است؛ اما برخی رفتارها، مانند رزومه‌سازی وزیر آموزش‌وپرورش، زمینه‌ساز چنین ادعاها و فرضیه‌هایی شده است.

یکی از آسیب‌های دیگر این مراسم، نسخه‌برداری از آن در دیگر مناطق، همچون مشهد، تهران، قم و بعضی شهرهای دیگر ایران است. برخی هم در استان خوزستان، برای اربعین تا مرز عراق رفته و باز می‌گردند؛ عده‌ای هم تا زیارتگاه‌های داخل استان خوزستان پیاده‌روی می‌کنند (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۵۹). غلامی معتقد است: «تکثر یک مؤلفه به کم‌رنگ‌سازی آن مؤلفه منجر می‌شود» (۱۳۹۴: ۱۲۹) و بر همین اساس، معتقد است چنانچه بدیل‌هایی برای اربعین عراق در شهرهایی همچون مشهد و تهران و... ایجاد کنیم، عملاً و ناخواسته از ارزش پیاده‌روی اربعین کاسته‌ایم.

یکی از دلایل به‌حاشیه‌رفتن کارکردهای اصلی زیارت اربعین به باور نصرآوی (۱۳۹۹: ۱۴۱) دولتی و حکومتی کردن این رویداد است. او می‌نویسد که مناسب را نمی‌توان «در سیاست، دین و اجتماع نهادینه کرد. زمانی که این نهادها به روند زیارت تجاوز می‌کنند، زیارت کاربرد اتوپیایی خود را از دست می‌دهد و آن‌گونه می‌شود که هویت یا مناسبی ثابت ایجاد می‌شوند».

ع.ط.ح. جامعه‌شناس عراقی هم کاربرد نمادها و پرچم‌های سیاسی را انحرافی در اصل اربعین می‌داند:

● برخی از تصاویر نمادها و شعارهایی

که ایرانی‌ها همراه خودشان به عراق می‌آورند، از نگاه بسیاری از عراقی‌ها انحراف از زیارت به شمار می‌رود. مثلاً تصاویر رهبران ایران یا شهدای ایرانی یا شخصیت‌های برجسته که همراه خودشان می‌آورند، به‌نظر بسیاری از عراقی‌ها ربطی به زیارت اربعین ندارد و انحراف در آن است. عراقی‌ها تلاش می‌کنند که به‌جز عکس‌ها و نمادهای مرتبط با امام حسین (ع) از نمادهای دیگری استفاده نکنند و حتی اگر گاهی عکس‌هایی از آیت‌الله سیستانی دیده می‌شود، خود آیت‌الله سیستانی به این کار راضی نیست.

م.ع. در مصاحبه‌اش چکیده‌ای از برخی آسیب‌های دینی مهم مراسم اربعین را این‌گونه بیان می‌کند:

● یکی از دلایل مخالفت من این است که کارکرد آیینی‌اش را از دست داده و حالت سیاسی و به‌نوعی هویتی ستیزه‌گر پیدا کرده است؛ یعنی شیعه‌ای که تعارض جدی با اهل سنت دارد. نوعی رقابت با حج است. کلیت اسلام را به‌مثابه دین تا حدودی در این سال‌ها به چالش می‌کشد و زمینه را برای رقابت فراهم کرده است. اما آن چیزی که در عراق و در میان عشایرش در قرن‌های گذشته برگزار می‌شده، کارکرد آیینی داشته است.

البته باید اشاره کرد که در سوی دیگر داستان و در میان علمای سنتی حتی غیرسیاسی، چنین راهپیمایی‌هایی به نیابت از راهپیمایی اربعین، طرفداران خاص خود را دارد. برای نمونه آیت‌الله سیدان از راهپیمایی «جاماندگان اربعین» نه‌تنها حمایت کرده، بلکه خواهان برگزاری هرچه باشکوه‌تر آن شده است.^{۴۵}

❖ ۲.۵.۴.۲. مخدوش شدن چارچوب مطلوب

❖ زیارت اربعین از منظر درون‌دینی

آنچه از بُعد درون‌دینی ناظر به پدیدهٔ اربعین مشخص است، در قالب مجموعه‌ای از روایات و توصیه‌ها، چارچوبی خاص از زیارت مطلوب را ارائه می‌کند. این موضوع تمایزی جدی میان وضعیت فعلی رویداد اربعین با تصویر مطلوب دین از این پدیده را مشخص می‌کند. این چارچوب‌های کارناوالی درون‌دینی دقیقاً در مقابل سویه‌های کارناوالی پیاده‌روی اربعین است. موضوع غلبهٔ سویه‌های کارناوالی در تصویر رویداد اربعین یکی از محورهای اصلی آسیب‌شناسی این پدیده در این گزارش است و ابعاد آن تشریح خواهند شد. از مجموعه منابع و مباحث درون‌دینی آنچه در خصوص آداب زیارت به‌صورت عمومی و زیارت اربعین به‌صورت خاص می‌توان برداشت کرد، در این محورهاست:

❖ ۲.۵.۴.۱. نفی لذت‌جویی

یکی از مضامین پرتکرار و تأکیدشده در توصیه‌های ناظر به موضوع زیارت و به‌طور جدی‌تر در موضوع زیارت امام حسین (ع) دوری از لذت‌جویی در تمامی مراحل زیارت است. در این محور، موضوع خوراک و غذا به‌صورت خاص محل توجه است و در خصوص مصرف غذاهای لذیذ و مفصل در مسیر زیارت نهی‌های جدی مطرح شده است. بخش مهمی از توصیه‌ها دربارهٔ آداب زیارت امام حسین (ع) بر مصرف ساده‌ترین غذاها و اکتفا به مصرف غذا در حد ضرورت تأکید می‌کند. در این محور، تضادی جدی میان چارچوب‌های پذیرفتهٔ دین و وضع فعلی برگزاری رویداد پیاده‌روی اربعین وجود دارد؛ به‌نحوی که موضوع تنوع و دسترسی زیاد و بدون محدودیت به انواع غذاها در طول مسیر پیاده‌روی اربعین به بخشی از تصویر آن تبدیل شده است. این بخش از تصویر مراسم اربعین مستعد است که زمینه‌ساز کارناوالی شدن این پدیده باشد.

❖ ۲.۵.۴.۲. توصیه به آرامش و سکوت

اجتناب از گفت‌وگوهای غیرضروری و دعوت به سکوت در مسیر و طول زیارت از دیگر توصیه‌های درون‌دینی ناظر به زیارت اربعین است. دوری از هیاهو و پایبندی به حالتی شبیه به مراقبهٔ معنوی در مسیر زیارت موضوعی است که از لحاظ درون‌دینی بر مطلوبیت آن تأکید شده است و به‌طور قطع با سویه‌های کارناوالی این پدیده جمع نمی‌شود.

❖ ۲.۵.۴.۳. افتادگی و فروتنی

به رفتارهای اجتماعی و رعایت موازین اخلاقی در تعامل با دیگران، در توصیه‌های دینی ناظر به آداب زیارت بسیار توجه شده است. در میان این ویژگی‌های اخلاقی، بر لزوم تواضع و فروتنی در ارتباط با دیگران، به‌طور جداگانه تأکید شده است. در واقع هر نوع رفتاری که خلاف این رویکرد باشد، از جمله استفاده از امکانات خاصی که موجب شود فرد در برابر بقیه تمایز یابد، در نگاه درون‌دینی ناظر به زیارت اربعین مذموم و مردود است. رفتارهای زائران نباید به‌هیچ‌وجه حسی از برتری‌جویی یا سبک‌شمردن دیگران را، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، در بر داشته باشد. بعضاً در مواجههٔ بعضی موکب‌های خاص ایرانی با موکب‌های بومی عراقی، رفتاری به وجود می‌آید که ناخواسته به تخفیف جایگاه آن‌ها منجر می‌شود.

❖ ۲.۵.۴.۴. توجه و دستگیری از همراهان

بر رعایت حال هم‌سفران و توجه به آن‌ها در طول مسیر زیارت اربعین تأکید شده است. در این محور، زائران فقط در برابر خود مسئول نیستند؛ بلکه موظفانند تا به دیگرانی که نیازمند کمک هستند، توجه کنند. شکل‌گیری روحیهٔ تعاون و دستگیری از دیگران از موضوعاتی است که باید در برگزاری پیاده‌روی اربعین به آن امیدوار بود؛ هرچند که در هر زمینه‌ای امکان پیشرفت و بهبود قطعاً متصور است.

❖ ۲.۵.۴.۵. توجه مداوم به خدا ❖

توجه به حضرت حق و در حال ذکر بودن در کلیت آداب زیارت شیعی و به تبع، در آداب زیارت اربعین از محورهای پرتکرار و مهم است. این موضوع را می‌توان در توصیه‌های ناظر به مداومت بر اذکار توحیدی و یاد خدا در همه مراحل زیارت مشاهده کرد. تأکید بر این جنبه نیز ظرفیت‌های معنابخش فراوانی برای زیارت اربعین به همراه دارد و غلبه بر سویه‌های کارناوالی در تصویر این پدیده را موجب خواهد شد.

❖ ۲.۵.۴.۶. مداومت بر اعمال عبادی ❖

اهتمام به نماز و ادعیه در توصیه‌های دینی بسیار پررنگ است. آنچه از این توصیه‌های درون‌دینی می‌توان استنباط کرد، میزان و اهمیت محوری نماز و اعمال عبادی در مراحل مختلف زیارت است. ناظر به وضعیت فعلی پیاده‌روی اربعین، باید اهتمام بیشتر به موضوع نماز را به‌مثابه حالت مطلوب در این زمینه در نظر گرفت.

❖ ۲.۵.۴.۷. ظلم‌ستیزی ❖

دعا برای مظلومان و علیه ظالمان در آداب زیارت امام حسین (ع) از موضوعاتی است که به‌دفعات بر آن تأکید شده است. توجه و تنبه به ظلم‌ستیزی و تبری‌جستن از ظالم، ظرفیت معنایی بسیار زیادی در خود دارد.

از مجموع توصیه‌های دینی ناظر به چارچوب زیارت اربعین می‌توان استنباط کرد که بخش مهمی از تصویر فعلی رویداد پیاده‌روی اربعین با وضع مطلوب زیارت از منظر درون‌دینی مطابق نیست. به‌طور خاص، سویه‌های کارناوالی موجود در تصویر بازنمایی شده از اربعین در تعارض جدی با چارچوب‌های درون‌دینی این پدیده است. در این زمینه، برخی صاحب‌نظران معتقدند که ایجاد حس «تجربه آزاد معنوی» گرچه با چارچوب‌های درون‌دینی هم‌خوانی ندارد، به‌دلیل اهمیت در جذب گروه‌های متنوع اجتماعی برای مشارکت در رویداد پیاده‌روی اربعین، نباید با تأکید

بیش از حد بر چارچوب‌های درون‌دینی، از میان برود. ناظر به این نقد، باید در نظر گرفت که هرچند فاصله‌گرفتن از چارچوب‌های درون‌دینی در بخش‌هایی در تعارض با حس تجربه آزاد معنوی است، درنهایت اصالت‌دادن به این چارچوب‌ها، از افتادن پدیده اربعین به ورطه کارناوالی‌شدن جلوگیری می‌کند. تأکید و محوریت‌دادن به چارچوب‌های درون‌دینی به‌معنای ممانعت از حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در این رویداد نیست؛ بلکه به‌مثابه نوعی شاخص برای تنظیم رفتارهای مشارکت‌کنندگان در این پدیده است و از رشد و غلبه جنبه‌های کارناوالی در پدیده زیارت اربعین ممانعت می‌کند.

ماهیت اصلی رویداد پیاده‌روی اربعین ماهیتی دینی و برخاسته از گفتمان مذهبی است؛ بنابراین به‌صورت بالقوه می‌توان برای چارچوب‌های تعیین‌شده در فضای درون‌دینی، این قابلیت را در نظر گرفت که منشأ تنظیم رفتار و کنش مشارکت‌کنندگان باشند. البته نحوه ورود به این مسئله و استراتژی‌های برجسته‌سازی این مفاهیم به‌نحوی که منشأ اثر در ساختارهای موجود باشند، محل تأمل است. قاعدتاً صرف وجود این چارچوب‌ها امکان ایجاد تغییر در رفتار را فراهم نمی‌آورد؛ بلکه نیاز است تا ناظر به موضوع اصلاح تصویر پیاده‌روی اربعین که در بخش راهکارها به آن اشاره خواهد شد، به این حوزه در قالب سیاست‌های طرح‌شده توجه شود.

❖ ۲.۵.۴.۸. مسائل سیاسی و بین‌المللی ❖

«امروزه پیاده‌روی اربعین تنها یک فرهنگ نیست؛ بلکه دارای بار و معنای سیاسی است» (میرزازاده، ۱۳۹۷: ۶۰). طبق این نقل‌قول، از نگاه برخی افراد، اربعین بعد سیاسی مهمی هم دارد. از نگاه میرزازاده، «بسیج امکانات برای مشروعیت و ترویج نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان مدلی مردمی از حاکمیت اسلامی»، «کسب و حفظ مشروعیت شیعی‌گری نظام جمهوری اسلامی» و «نشان‌دادن اقتدار آن» از کارکردهای سیاسی رویداد پیاده‌روی اربعین است (میرزازاده، ۱۳۹۷: ۷۰ و ۷۱). این موضع را مصاحبه‌شوندگان عادی هم حس کرده‌اند؛ ولی با دید منفی به آن توجه کرده‌اند. برای نمونه،

م.س. می‌گوید: «از نظر من اهداف حکومت از این تبلیغ و گسترش این موضوع، تماماً سیاسی است و با هدف استفاده ابزاری از مذهب و احساسات مذهبی برای تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی است.» م.ر.م.، جامعه‌شناس در این زمینه می‌گوید:

● یکی دیگر از آسیب‌های واردشده به پدیدهٔ اربعین، خصوصاً در چند سال اخیر، تبدیل کردن آن به رفتاری سیاسی از سوی حکومت ایران است. به عبارتی، نظام پدیدهٔ اربعین را به راهپیمایی قدس و موارد مشابه تقلیل می‌دهد و به رویدادی سیاسی که قرار است مشروعیت او را نشان دهد، تبدیل کرده است. اینکه چقدر موفق شده، بحث دیگری است. حتی اینکه چقدر خواسته و چقدر ناخواسته هم محل بحث است. ولی به هر حال، چنین نتیجه‌ای دارد. بر این اساس که در سال‌های اخیر راهپیمایی اربعین به مناسکی تبدیل شده که هواداران نظام به مثابهٔ کنشی سیاسی آن را برای خود واجب می‌دانند و منتقدان و مخالفان نظام هم کم‌کم از آن فاصله می‌گیرند. به عبارتی، شکاف‌های اجتماعی حول این موضوع هم فعال شده‌اند. البته نمی‌شود گفت که حکومت مقصر است. ولی به هر حال، راهپیمایی اربعین هم از شکاف‌های اجتماعی جامعهٔ ایران متأثر شده و خواهد شد.

بعضی مسئولان نیز آشکارا چنین دیدگاهی را به نمایش می‌گذارند. برای نمونه، احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم در همایش «امیرالمؤمنین (ع)؛ معیار زندگی، الگوی حکمرانی» می‌گوید: «عده‌ای می‌گویند دههٔ هشتادی‌ها از انقلاب جدا شده‌اند؛ کجا جدا شده‌اند؟! در مراسم اربعین جوانان زودتر، قوی‌تر و پیشگام‌تر از همه حضور دارند.» به نظر می‌آید چنین دیدگاهی کمابیش در میان بخشی از مسئولان دیگر هم وجود دارد که گاهی همچون وزیر کشور

آشکارا آن را بیان می‌کنند.^{۴۶} به سخن جوادی‌یگانه و روزخوش (۱۳۹۷: ۳): «سیاستمداران، گروه‌های سیاسی و جریان‌های فکری در چارچوب علایق و منافع خویش این رویداد را تفسیر می‌کنند.»

درواقع مسائل و چالش‌های سیاسی رویداد که در ادامه دربارهٔ آن توضیح خواهیم داد، تا حد زیادی نتیجهٔ همین نگاه بالا و دولتی‌حکومتی کردن اربعین است. به سخن دیگر، دولتی‌شدن اربعین و مسائل سیاسی این مراسم آن‌چنان به یکدیگر تنیده‌اند که گاه جداکردنشان از هم دشوار است. البته این سیاسی‌بودن یا سیاسی‌شدن اربعین فقط ویژگی جمهوری اسلامی نیست. تقریباً در همهٔ دوره‌هایی که حکومت شیعه در ایران روی کار بوده، «مناسک عزاداری و گفتمان کربلا یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت سیاسی برای این اهداف [استقلال سیاسی از جهان اهل سنت] بودند؛ بنابراین همیشه در گسترش و دستکاری سیاسی آن‌ها از سوی حکام تلاش گسترده‌ای می‌شد» (رحمانی، ۱۳۹۵: ۹۰). این در حالی است که گسترش صورت‌بندی‌های گوناگون عزاداری در فرهنگ جامعهٔ ایرانی، آن را به‌شکلی درآورد که حتی پس از قطع حمایت‌های حکومتی از عزاداری، از دورهٔ ناصرالدین‌شاه، ایرانیان خود این مناسک را با حمایت‌های مالی و معنوی مردم برپا می‌کردند (رحمانی، ۱۳۹۵: ۹۱ و ۹۲). بنابراین امروزه انواع گوناگون مناسک عزاداری امام حسین (ع) از جمله اربعین، از حکومت‌ها مستقل شده و مردم باورمند مدیریت و اجرای آن‌ها را برعهده دارند. پ.ا.، دین‌پژوه معتقد است تلاش برای سیاسی‌کردن اربعین راه به جایی نمی‌برد. او حج را در این زمینه مثال می‌زند که نتوانست این راه را بپیماید:

● فکر می‌کنم که تأکیدیاتی به این شکل یا باری روی دوش آن گذاشتن، معرفت اربعین را کاهش می‌دهد. مثلاً الان در روایت اربعین کسی رویش نمی‌شود از معنویت اربعین صحبت کند. همه به‌شکلی با کارکردهای اربعین، تأثیراتش و... صحبت می‌کنند. درحالی‌که این موضوعات دربارهٔ حج به بن‌بست رسیده است. این‌همه مسلمانان از

ی.ع. تحلیلگر عراقی درباره کاربرد گسترده نمادهای سیاسی برای مراسمی که نزد عراقی‌ها معنای مذهبی و وحدت‌بخش دارد، می‌گوید:

● هدف این مراسم، هدفی آسمانی است. مردم شیعه در واقع از همه‌جای دنیا نگاه و قبله‌شان سیدالشهدا (علیه السلام) است. اتفاقی که بعضاً در اینجا می‌افتد و رفتاری ناهنجار تعبیر می‌شود، سیاسی کردن این رویداد عظیم است. در عراق مردم سیاست‌زده هستند، احزاب و گروه‌های قومی مذهبی و جنبش‌های فراوانی وجود دارد. عراق همه‌چیزش سیاسی است. اما در اربعین کمتر به مسائل سیاسی و حتی نمادهای سیاسی توجه می‌شود. مردم در راهپیمایی‌ها کمتر شعار سیاسی می‌دهند. سعی می‌شود این تفکرات و نمادها و شعارهای سیاسی را در این رویداد عظیم مطرح نکنند. بعضی وقت‌ها در بین مردم این مباحث مطرح می‌شود که گروه‌هایی هستند که می‌خواهند از این رویداد بهره‌برداری سیاسی کنند. خیلی باید توجه کرد. اربعین باید رویدادی عظیم بماند. درست است که ما می‌گوییم دین ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دین ماست و این‌ها قابل تفکیک نیست؛ اما بالاخره من و شما ممکن است موضعمان با هم متفاوت باشد. اگر این نگاه‌های متضاد و متناقض در یک رویداد هم‌زمان مطرح شود، ممکن است تنش‌هایی روی دهد.

البته پ.ا.، دین‌پژوه معتقد است عراق اصلاً ظرفیت سیاسی کردن اربعین را ندارد و اربعینی فراتر از یک مراسم کاملاً مذهبی را نمی‌پذیرد. از همین رو، وی تلویحاً به شکست چنین فعالیت‌هایی قائل است:

● شما منطق اربعین را اگر در نظر نگیری یا منطقی غیرعراقی را بر اربعین حاکم کنی، شکست می‌خوری. یعنی

بین‌المللی شدن حج، براثت از مشرکین در حج، حج مقدمه فلان است، صحبت کردند. درحالی‌که حج آیین‌های بسیار پیچیده‌ای دارد که یگانه راه فهم و توجیهش این است که آن‌ها را مؤثر بر رفتار مؤمنان و تکوینی بدانیم.

البته برخی مسئولان ستاد مرکزی اربعین نیز یکی از آسیب‌های مهم در حوزه فرهنگی اربعین را تبدیل کردن این رویداد به کنش سیاسی می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها اربعین در نظر رهبری پدیده‌ای تمدنی است که در بردارنده سبک زندگی و عناصر هویت‌بخش است. اما گاهی دستگاه‌هایی تمایل دارند تا اربعین را به کنشی سیاسی تبدیل کنند و این رفتار، خطمشی کلی نظام نیست.

به‌رحال و فارغ از اینکه تبدیل اربعین به کنش سیاسی خواست چه کسان و گروه‌هایی است، نتایج سیاسی شدن آیین اربعین را می‌توان در دو زیرشاخه بررسی کرد:

❖ ۲.۵.۴۸.۱. اثرگذاری بر روابط منطقه‌ای ایران ❖

به نظر می‌رسد شیوه ورود و مداخله ایران در بحث اربعین، در سه سطح، نارضایتی طرف عراقی را در پی داشته است:

- شمار زائران ایرانی: پیش‌ازاین هم بیان شد که گویا دولت عراق اعلام کرده است توان و ظرفیت پذیرش این حجم از جمعیت را ندارد؛
- کم‌رنگ کردن بُعد دینی و به‌جای آن، پررنگ کردن بُعد سیاسی اربعین: در واقع، تلاش برای برداشت‌های سیاسی از این رویداد، با به‌کارگیری نمادهای فراوان سیاسی، همچون تصاویر رهبران سیاسی و نظامی ایران نارضایتی‌هایی را در پی داشته است؛
- دامن‌زدن به مجادلات درون‌مذهبی در ایام اربعین و مسیر پیاده‌روی: پیش‌ازاین توضیحات و مثال‌هایی در این‌باره بیان شد و در اینجا مثال‌هایی دیگر ارائه می‌شود.

رفتارهایی در درجهٔ نخست، بر روابط این کشورها با ایران به‌مثابهٔ حکومتی که اربعین را سیاسی کرده است اثرگذار است و در درجهٔ دوم بر روابطشان با عراق در جایگاه میزبان این رویداد عظیم.

۲.۵.۵. تبلیغات منفی رسانه‌های مخالف علیه اربعین

بسیاری از کانال‌ها و شبکه‌های خبری از چند روز پیش از آغاز پیاده‌روی اربعین تا چند روز پس از آن، تبلیغات منفی گسترده‌ای علیه آن شکل می‌دهند.^{۴۷} قطعاً بخشی از این کانال‌ها و شبکه‌ها به همان کشورهای منطقه وابسته‌اند است که مواضعشان با جمهوری اسلامی زاویه دارد. بخشی دیگر به اپوزیسیون وابسته است که از هر فرصتی برای نقد حکومت ایران و فعالیت‌هایش بهره می‌برد. بخشی هم ممکن است به ایرانیانی مربوط باشد که به‌دلایل فرهنگی، تاریخی، دینی و... علاقه‌ای به گسترش روابط با عراق ندارند. جمهوری اسلامی در زمینهٔ جنگ رسانه‌ای در بیشتر مواقع توفیق چندانی نداشته و در بهترین حالت در مقام دفاع برآمده است. بنابراین توانسته جز به بخشی از مردم داخل و نیروهای وفادار به خودش، پاسخ مناسبی در خصوص شبهاتی که دربارهٔ اربعین به وجود می‌آید، ارائه دهد. ضمن آنکه به نظر می‌آید گاهی حتی به پاسخ‌گویی هم نیازی نمی‌بیند. بخش زیادی از شایعات در حوزهٔ مسائل فرهنگی اجتماعی، عموماً از همین شبکه‌ها و کانال‌ها مطرح و سپس به فراوانی در شبکه‌های اجتماعی ایرانیان به آن‌ها استناد شده است.

عماد، موكب‌دار ایرانی در این باره می‌گوید:

● در سفر اربعین همه‌ساله شاهدیم که علیه این مراسم بسیار صحبت

اربعین عراقی یک چیز است، اربعین ایرانی یک چیز است. در عراق احساسی است؛ لذا آن‌ها که در ایران می‌گویند اربعین تداوم تمدن نوین اسلامی و از این حرف‌هاست، اصلاً منطق اربعین را در عراق نشناخته‌اند. در عراق این همه اینتلکتوال و روشن‌فکر فعالیت کردند، در نهایت دعا برای ظهور شده منطق اصلی این مراسم. دیگر عراقی بیشتر از این همراهی نمی‌کنند. ما چه کار می‌کنیم؟! مدام بر دوشش بار می‌گذاریم. مثلاً می‌گوییم اربعین مقدمه‌ای است بر اقتصاد اسلامی.

به گفتهٔ برخی اعضای ستاد مرکزی اربعین، بعضی از رفتارهای سیاسی طرف ایرانی نتیجهٔ عکس می‌دهد و دلیل آن نیز، ناآشنایی ایرانی‌ها با دیدگاه‌های سیاسی در عراق است. برای نمونه، در حالی که برخی ایرانیان اربعین را فرصتی برای دفاع از فلسطین می‌دانند، عراقی‌ها عموماً با این‌گونه فعالیت‌ها مخالف‌اند؛ چراکه فلسطینی‌ها جزو اصلی‌ترین حامیان صدام بودند. همچنین برخی از همین گروه‌های فلسطینی مسئول آموزش نظامی اعضای داعش بودند. چه حکومت صدام و چه گروه داعش به فعالیت‌های شیعه‌ستیزشان معروف‌اند و بنابراین طبیعی است که شیعیان عراقی دل خوشی از فلسطینی‌ها نداشته و از فعالیت ایرانی‌ها در دفاع از فلسطینی‌ها در رویداد ناخرسند باشند. ضمن آنکه عراقی‌ها به‌طور کلی اربعین را بیش از آنکه مراسمی سیاسی بدانند، مراسمی دینی می‌بینند.

به‌جز اثرگذاری بر روابط میان ایران و عراق که شرح داده شد، باید این نکته را هم افزود که ممکن است برخی کشورهای منطقه، ممکن است گردهمایی عظیم شیعیان در اربعین را هشدار برای خود تلقی کنند. طبعاً در این زمینه، کشورهای که با ایران کشمکش بیشتری دارند، همچون عربستان و اسرائیل، در بالای فهرست جای می‌گیرند. البته در این میان گاهی نقل‌قول‌هایی از برخی نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی مطرح می‌شود که برپایهٔ آن‌ها کشورهای دشمن را باتوجه‌به جمعیت میلیونی اربعین تهدید می‌کنند. به‌هرحال چنین

۴۷. برای نمونه شبکه‌های ماهواره‌ای ایران اینترنشنال و من و تو در پیام اربعین برنامه‌های زیادی در نقد این مراسم می‌سازند و آن را کاملاً حکومتی و وابسته به ایران می‌دانند.

می‌شود، چه در داخل ایران و چه در عراق. به واسطهٔ دوستانی که در عراق دارم، خیلی مسائل را می‌بینیم که شاید آن‌گونه درست نباشد. در خود ایران بارها قبل از اربعین برخی مسائل را باز می‌کنند؛ مثلاً عراقی‌ها می‌آیند ایران و فلان کار را می‌کنند. برای اینکه احساسات عراقی‌ها را جریحه‌دار کنند.

س.ج. نیز در این زمینه می‌گوید:

● باید طوری این رویداد برگزار شود که هدف و شور معنوی و آن محبت سنتی مردم به حضرت ثارالله علیه السلام حالات میلشایی و عریان سیاسی نگردد و موجب سوءاستفادهٔ دشمن نشود یا مثل مراسم برائت حج، دشمن آن را سوژهٔ سرکوب و تبلیغات و اهداف پلید خود نکند. با این کارها می‌خواهند احساسات ایرانیان را جریحه‌دار کنند که به عراق نروند.

در کنار موضوعات یادشده که هر دو به ابعاد خارجی و بین‌المللی معطوف است، این رویداد در عرصهٔ داخلی هم مسائل سیاسی ویژهٔ خود را دارد. شاید مهم‌ترین مسئله در این زمینه تقابل طرفداران دو دولت پیشین روحانی و دولت کنونی رئیسی باشد. منتقدان دولت روحانی عموماً او را به کم‌کاری در زمینهٔ فراهم‌آوردن زمینه‌های حضور ایرانیان در راهپیمایی اربعین متهم می‌کردند.^{۴۸} شاید یک دلیل برای تشویق گستردهٔ مردم برای حضور در اربعین ۱۴۰۱، همین تقابل بوده باشد تا به دولت‌مداران روحانی نشان دهند اربعین را چگونه برگزار می‌کنند. اگر این پیش‌فرض درست باشد، یعنی اربعین محل بروز نزاع میان گروه‌های سیاسی داخل ایران نیز هست. به سخن دیگر، اربعین به بستری برای شاخ‌وشانه‌کشیدن گروه‌های سیاسی مختلف داخل کشور تبدیل شده است که نتایج این کار، گاه برای زائران اربعین فاجعه‌بار می‌شود؛ همچون ناهماهنگی‌ها در مرز دو کشور که با مرگومیر شماری

۴۸. <https://fararu.com/fa/news/573896>

از ایرانیان پشت مرز به‌علت گرمزدگی همراه بود. چراکه تلاش برای جذب زائر بیشتر و به‌رخ‌کشیدن آن به مسئولان دولت پیشین، از آنجاکه با زیرساخت‌های دو کشور هم‌خوان نبود و هیچ‌یک از کشورهای ایران و عراق آمادگی و توان مدیریت این حجم از زائر را نداشتند، مشکلات فراوانی در این زمینه پدید آورد.

❖ ۲.۶. مسائل اقتصادی ❖

جمعیت چندمیلیونی زائران ایرانی که هر سال به اربعین می‌روند، قطعاً اقتصاد کشور را نیز به میزان زیادی درگیر می‌کند. از همین رو، همه‌ساله موعد اربعین که می‌رسد، مسائل اقتصادی گره‌خورده به اربعین هم دوباره مطرح و در رسانه‌های عموماً بیرون از ایران و نیز شبکه‌های اجتماعی داغ می‌شود. هیچ آمار مستندی هم در این زمینه در دسترس نیست و همین به بازار شایعات دامن می‌زند. ج.ر.، دین‌پژوه می‌گوید:

● به نظر می‌رسد حکومت تدبیری هم برای اقتصاد اربعین ندارد. ما نمی‌دانیم هر سال چقدر گردش مالی برای اربعین به جریان می‌افتد تا ما آن را عقلانی کنیم و مردم کمتر صدمه ببینند. از یک طرف مردم بدانند چقدر باید برای این آیین هزینه کنند و از سوی دیگر در دام هزینه‌های کاذب نیفتند. چون در این میان گاهی کلاهبرداری‌های مختصری هم می‌شود.

به طور کلی مسائل اقتصادی مرتبط با اربعین را می‌توان در دو دسته گنجانند:

❖ ۲.۶.۱. از نگاه منتقدان ❖

به‌جرت می‌توان گفت که انتقاد و دلیل اصلی مخالفان برگزاری اربعین همین هزینه‌های آن است. هنگامی که از منتقدان سخن می‌گوییم، باید طیف گسترده و متنوعی را در نظر گرفت. برای نمونه، افراد دین‌دار ممکن است از یک زاویه به این شیوهٔ برگزاری اربعین انتقاد داشته باشند، روشن‌فکران دینی، علمای

سنتی، کارگزاران دولت و حکومت، سکولارها که همه ایرانی و داخلی هستند و خارجی‌ها، هریک از منظر و بعدی دیگر.

شماری از منتقدان که عمدتاً می‌توان آنان را در دسته سکولارها که شمارشان اندک هم نیست، جای داد، در مصاحبه‌ها عنوان می‌کردند که اربعین دارد بودجه زیادی از کشور را مصرف می‌کند. به اعتقاد این افراد، اربعین، دست کم در شکل کنونی، هدررفت بودجه کشور را در پی دارد. در مقابل، این پرسش را مطرح می‌کردند که آورده و دستاورد ایران از این همه هزینه‌ای که می‌کند، چیست. حتی برخی پژوهشگران این حوزه نیز درباره این میزان هزینه‌کرد در اربعین ابهام دارند و باتوجه به حضور نهادها و ارگان‌های دولتی فراوان و غیرمرتبط ایرانی در اجرای این مراسم، می‌پرسند: «آیا باز هم می‌توان صرف هرچه بیشتر منابع مالی، لجستیکی و انسانی در عراق را براساس انگیزه خدمت به زائران توجیه کرد؟» (پویافر، ۱۳۹۷: ۲۸۳).

نقل قول‌ها در این زمینه فراوان است که چند نمونه از آن‌ها در اینجا بیان می‌شود تا با فضای ذهنی این گروه از منتقدان آشنایی بیشتری ایجاد شود. م.س. می‌گوید:

● هر انسان عاقلی که برای هر اقدامی هزینه می‌کند، فایده آن را نیز در نظر می‌گیرد. باتوجه به هزینه‌های بسیار زیادی که حکومت برای تشویق مردم برای حضور در این مراسم انجام می‌دهد و باتوجه به وقت و توان و امکانات کشور که در زمان طولانی حدود ۱۵ روز برای رتق و فتق امور پیاده‌روی اربعین صرف می‌شود، باید پرسید که فایده ملموس و محسوس این رویداد برای کشور در ابعاد مختلف چیست.

پ.ب. در این زمینه نظرش را این‌گونه توضیح می‌دهد:

● علت این سرمایه‌گذاری که برای اربعین در کشور ما صورت می‌گیرد، نامشخص است. یعنی شاید دلیلش را متخصص و کسی که مثل شما آگاه باشد، بداند؛ ولی در کف جامعه، من از دوستانم می‌پرسم، از آن‌هایی که خودشان می‌روند اربعین می‌پرسم که چه عوایدی دارد این،

فقط عواید مذهبی را اگر مذهبی باشند، در نظر می‌گیرند. ولی افراد دیگر نمی‌دانند که چرا این اتفاق می‌افتد. درباره عواید اربعین صحبت کرده بودم که چه عوایدی می‌تواند داشته باشد. فیلم‌هایی درآمده بود درباره محل اسکان زائرین و... . همچنین بعد از اربعین بیماری‌هایی به ایران وارد می‌شود. سرمایه‌گذاری دولت، موبک‌هایی که برپا می‌کند، نیروهای امنیتی و امنیت مرزها و خیلی هزینه‌های دیگر، چه نتایج و عایدی می‌تواند برای ما داشته باشد؟

زهرا هم نظرش این است:

● این کارناوال‌ها همیشه خوب بوده، به شرط اینکه هزینه‌های اضافی و گزافی برای آن انجام نشود و آبادانی کشور نادیده گرفته نشود. به شرط اینکه دستاوردهایش به نفع پیشرفت و آبادانی جامعه باشد. حالا می‌خواهد شادی باشد، می‌خواهد حس خوب باشد، می‌خواهد موضوعات دیگر باشد. حالا شاید من هدف اربعین را اشتباه فهمیدم؛ ولی خوب، در حال حاضر موافق نیستم.

م.م. این هزینه‌ها را هم از سوی زائران می‌داند و هم از سوی حکومت و به هر دو هم نقد دارد:

● موضوع بعدی هزینه‌هایی است که روی دست ما می‌گذارد. هر نفر اگر دوسه میلیون هم هزینه کند، باتوجه به تعداد خیلی زیاد و میلیونی افرادی که می‌روند، ضرر بزرگی برای اقتصاد ایران است. چراکه این همه پول از کشور خارج می‌شود. ضمن اینکه من شنیدم حاکمیت ایران هم در تأمین و ایجاد این موبک‌ها کمک می‌کند که اگر این‌گونه باشد، هزینه دوجندانی است.

برخی پاسخ‌گویان اشاره می‌کنند هزینه‌هایی که برای اربعین می‌شود، با اوضاع و احوال ایران و وجود

فقر گسترده و تورم و... هم‌خوان نیست و بهتر است در کشور خودمان خرج شود. برای نمونه، پ.ا. می‌گوید: «من اعتقاد دارم چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است.» فرشته هم نظر مشابهی دارد: «وقتی این‌قدر مشکل اقتصادی داریم و یک‌سوم ملت ایران زیر خط فقر است، چرا باید این‌قدر خرج اربعین یا خرج ساخت حرم در کشور دیگری بشود.» همچنین ا.م. بیان می‌کند: «مخارجی که برای برگزاری آن صرف می‌شود، با اوضاع داخلی و اقتصادی کشور تناقض دارد و هم‌خوانی ندارد و همین مسئله نوعی چنددستگی، حتی در طبقه مذهبی‌ها هم ایجاد کرده است و به‌مرور بازخورد منفی آن وسیع‌تر خواهد شد.»

البته برخی به‌دنبال یافتن ردپای گروه‌هایی هستند که با ترویج اربعین، به‌دنبال منافع اقتصادی خودشان هستند. م.ع. یکی از دلایل مخالفتش با مراسم اربعین را فعالیت همین گروه‌ها می‌داند:

● یکی دیگر از دلایل مخالفت من اقتصادی است. شما ببینید پشت این قضایا چه شرکت‌های عظیم مسافرتی خوابیده‌اند و با چه گروه‌هایی در ایران ارتباط دارند. یعنی از منظر اقتصاد سیاسی نگاه کنیم، چه گروه‌هایی دارند از این راه‌پیمایی بهره‌برداری اقتصادی می‌کنند. به نظر من این کار سود چندانی برای ایران از نظر منافع ملی ندارد و دولت و حکومت نباید اصلاً اینجا دخالت کنند.

نکته شایان توجه در نگاه‌های یادشده، دیدگاه غالب است که معتقدند هزینه برگزاری این رویداد را ایران متقبل شده است. رحمانی این را نتیجه تبلیغات رسانه‌های ایرانی در زمینه ادعای نادرست مدیریت این رویداد توسط دولت ایران می‌داند و می‌نویسد: «ادامه این مجموعه تصورات [درباره مدیریت رویداد توسط ایرانیان] این است که هزینه‌های آنجا و ساخت‌وسازها و مدیریت‌ها، برعهده ما ایرانی‌هاست؛ گویی عراقی‌ها مردمی فرودست، ناتوان و درمانده‌اند که به‌لطف سیاست ایرانی‌ها و

با پول ایرانی‌ها حالا نعمت امنیت و زیارت دارند» (۱۳۹۷: ۴۳۴).

حتی در میان زائران هم این نگاه برجسته است. برای نمونه، عبدی خجسته (۱۳۹۷: ۵۴) از زن زائری می‌گوید که در مقابل تعریف شوهرش از عرب‌ها که مردمان خوبی هستند، با طعنه می‌گوید: «آره. چه جوری خوبن؟ ایران بهشون پول می‌ده. اینام به ما ماست و گوشت و... می‌دن. این‌طوری خوبن.» عده‌ای هم به پیامدهای اقتصادی اربعین اشاره می‌کنند. برای نمونه، م.ق. به خلثی که از گسیل امکانات و افراد به عراق صورت می‌گیرد، انتقاد می‌کند:

● خیلی از آدم‌هایی که در اداره‌ها و بانک‌ها و جاهای دیگر کار می‌کنند، به این سفر می‌روند. در موعد سفرها، هیچ‌کسی در جای این آدم‌ها کارشان را انجام نمی‌دهد و آن سازمان‌ها نفر جایگزین ندارد. کلاً گویا آن زمان از سال تعطیل هستند. باز هم می‌رسیم به حق‌الناسی که عده‌ای تزییع می‌کنند. و باز هم می‌رسیم به روندی کاری که باید درست انجام شود؛ اما بابت حضورنداشتن آن افراد در ادارات و سازمان‌ها انجام نمی‌شود.

فاطمه هم در این باره می‌گوید: «اینکه تمام ناوگان حمل‌ونقل بین شهری در ایام اربعین در خدمت زائرین بود و ما ملت در بعضی شهرها زندانی شده بودیم، باعث شد این سفر از چشم بیفتد.» ا.ل. هم درخصوص جنبه‌ای دیگر از نتایج منفی اقتصادی گسترش اربعین گلایه دارد: «تا پیش از بازشدن راه کربلا، خانه‌ای که ما در مهران داشتیم، ماهی ۷هزار تومان اجاره کرده بودیم. اما بعدش خیلی گران شد.»

در این زمینه از نگاه بخشی از منتقدان، حکومت نه‌تنها خودش منابع عمومی را در راه اربعین هزینه می‌کند، گاه بر بخش خصوصی هم برای همراهی در تأمین این هزینه‌ها فشار می‌آورد. برای نمونه ا.ک. می‌گوید: «مواردی در فضای مجازی دیدم که

به شهر ما می‌رسد. اما بعد دیدیم با اتوبوس آمدند، جلوی رستوران پیاده شدند، غذایشان را خوردند و رفتند. ماندگار نبودند که در هتل بمانند و... این‌ها باعث شده است که مردم اینجا هیچ حس مثبتی به آن‌ها نداشته باشند. چرا روزانه پانصد اتوبوس باید از مرز رد شود؛ اما همان تاریخ من اگر بخواهم به کردستان عراق بروم، باید دوسه روز در مرز معطل شوم؟ اقتصاد مریوانی‌ها از مرز تأمین می‌شود و این در اقتصاد ما اختلال ایجاد می‌کند.

❖ ۲.۶.۲. از نگاه زائران ❖

همان‌گونه که در قسمت‌های مرتبط با «افزایش انتظارات» زائران ایرانی بیان شد، برای بخش مهمی از زائران، اربعین کم‌کم به سفری که باید رایگان بوده و هزینه‌ای نداشته باشد، تبدیل شده است. نظرسنجی‌ها به خوبی این نکته را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد شمار کسانی که هزینه‌های سفر را متوسط تا زیاد می‌دانند، بیش از سایر گروه‌هاست. میانگین سه سال مطالعه^{۴۹} نشان می‌دهد به‌طور متوسط کسانی که در سه سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ آن را خیلی زیاد دانسته‌اند، ۱۵/۶ درصد، زیاد ۳۳ درصد، متوسط ۳۵/۴ درصد، کم ۱۳ درصد و خیلی کم ۲/۶ درصد بوده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، به‌طور متوسط رفته‌رفته از کسانی که هزینه‌های سفر اربعین را کم یا متوسط می‌دانند، کاسته شده و بر کسانی که آن را زیاد می‌دانند، افزوده شده است.

به شرکت‌های بخش خصوصی فشار می‌آورند که بخشی از منابع مالی لازم را تأمین کنند و این در حالی است که فرض بر این است که این مراسم دلی و خودجوش است.»

او همچنین اسنادی را که در فضای مجازی دیده است، برای پژوهشگر فرستاده است (نک: پیوست‌ها). برخی هم بر پایه همان کدورت‌های تاریخی و فرهنگی، کلاً مخالف این هستند که ما با این کارها به رونق اقتصادی عراق کمک کنیم. برای نمونه، ناهید ۲ می‌گوید: «ما داریم توریسم را برای عراق تقویت می‌کنیم و پول زیادی را هر سال به جیب عراق واریز می‌کنیم، بدون اینکه خودمان بهره‌ای از آن ببریم. برخلاف این موضوع، افرادی که از عراق به‌عنوان توریست زیارتی وارد ایران می‌شوند، هزینه نمی‌کنند.»^{۵۰}

جنبه دیگر این انتقادات اقتصادی را می‌توان در میان کسانی دید که انتظار دارند حضور زائران اربعین در منطقه‌شان، دست‌کم سودی هم برای آن‌ها داشته باشد. در بحث مریوان با این موضوع مواجه شدیم. س.ک. استاد دانشگاه می‌گوید:

● مریوانی‌ها در بحث مالی انتقاد دارند که برخلاف ادعاها هیچ‌گونه آورده مالی برای ما ندارد. زائران به رستوران‌ها و جاهای از پیش تعیین شده‌ای می‌روند که به خودشان یا افراد خاصی متعلق است و شهروندان عادی مریوان هیچ سودی به جیبشان نمی‌رود.

ه.ک. بازاری اهل مریوان نیز همین‌ها را مفصل‌تر بیان می‌کند:

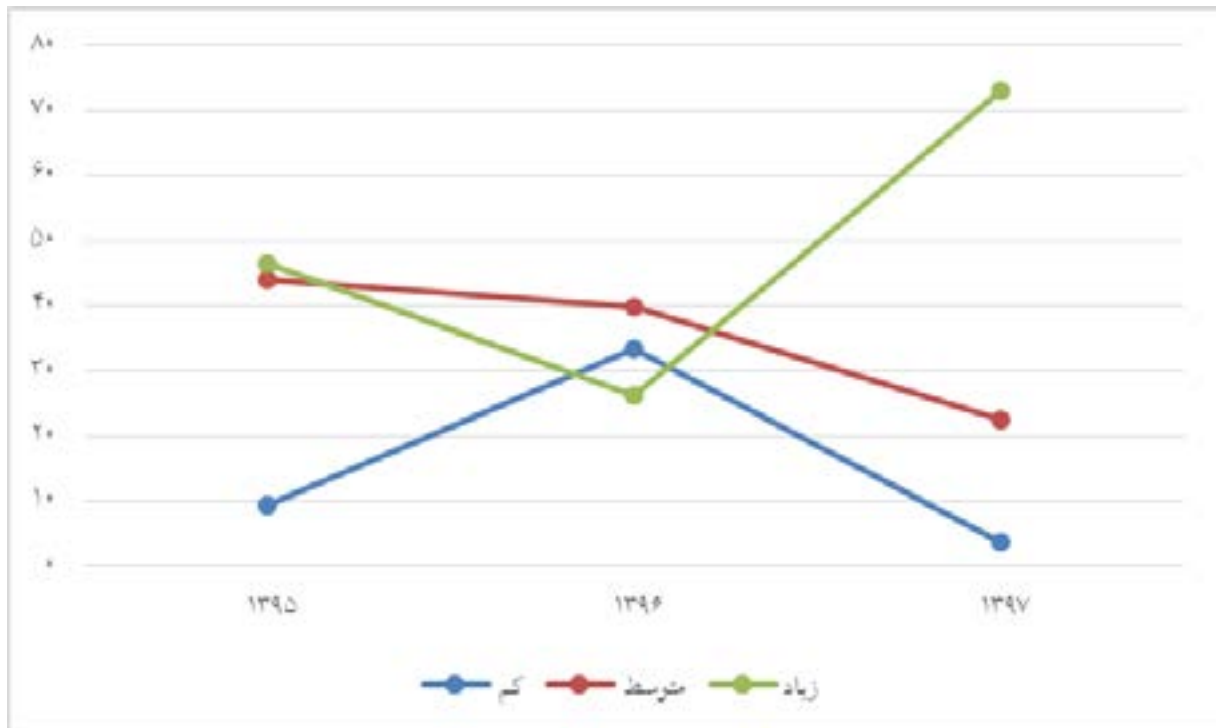
● اوایل خیلی خوش‌بین بودیم. گفتیم چند هزار زائر از اینجا می‌گذرد، در شهر می‌گردد و خرید می‌کند و سودی هم

۴۹. این ادعای مصاحبه‌شونده البته نادرست است و گردشگران و زائران عراقی که به ایران می‌آیند، بیش از زائران ایرانی که به عراق می‌روند، هزینه می‌کنند.

۵۰. این سنجه در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ پرسیده نشد.

جدول ۵. ارزیابی پاسخ‌گویان از میزان هزینه‌های سفر

میانگین وزنی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۶۹,۱	۱۰,۴	۳۶,۱	۴۴	۷,۴	۲,۱	۱۳۹۵
۵۹,۱	۹,۶	۱۶,۶	۳۹,۸	۲۸,۱	۵,۴	۱۳۹۶
۷۸,۸	۲۶,۸	۴۶,۳	۲۲,۵	۳,۴	۰,۴	۱۳۹۷
۶۹	۱۵,۶	۳۳	۳۵,۴	۱۳	۲,۶	میانگین پنج سال
۴,۸۵	۳۱۳,		۱۰,۷-	-۲,۸۵		(B) شیب‌خط



نمودار ۲. ارزیابی پاسخ‌گویان از میزان هزینه‌های سفر

این در حالی است که باتوجه‌به تقریباً رایگان‌بودن همه هزینه‌های سفر از مرز عراق تا نجف، کربلا و برگشت، دست‌کم در زمینه‌هایی همچون خوراک و جای خواب که به‌راحتی می‌توان در همه این چند روز در داخل عراق خدمات رایگان دریافت کرد، سفر اربعین از سفرهای بسیار ارزان برای ایرانیان به شمار می‌آید که حتی از نمونه‌های مشابه داخلی آن، همچون سفر به مشهد یا قم با همین تعداد روز اقامت، ارزان‌تر می‌شود. باین‌حال همچنان گروهی از زائران درباره آن انتقاد دارند.

البته در کنار این‌ها ممکن است نگاه‌های دیگری هم باشد. برای نمونه، ف.ز. پژوهشگر در این زمینه می‌گوید:

● از لحاظ اقتصادی هم به نظر می‌آید زمینه‌درستی برای برقراری ارتباط با عراق صورت نمی‌گیرد. مشکلی که در زمینه راهیان نور هم داریم. مثلاً کسانی که می‌روند خوزستان، غذایشان را هم حتی از آشپزخانه‌هایی در مشهد یا تهران و... می‌بریم. مواد غذایی را می‌بریم آنجا درست می‌کنیم. یعنی از نظر توسعه اقتصادی به آن‌ها کمکی نمی‌کنیم؛ فقط در دسر برایشان درست می‌کنیم. درباره اربعین هم همین‌طور است. به‌جای اینکه خریده‌های لازم از همان‌جا انجام شود و باعث رونق و توسعه‌شان شود، از ایران می‌برند. انبار و سردخانه و... را از ایران می‌برند.

این نگاه کاملاً در تضاد با نگاه منتقدان ایرانی قرار می‌گیرد که تا همین‌جا هم انتقاد دارند چرا ایران این‌همه در عراق هزینه می‌کند.

❖ ۲.۷. مسائل گردشگری ❖

بسیاری از متدینان و زائران با کاربرد واژه گردشگر برای خودشان و گردشگری برای زیارت‌هایی همچون پیاده‌روی اربعین مخالف‌اند. اما به چند دلیل از مطرح‌کردن این بحث و اشاره به مسائل گردشگری اربعین گریزی نیست:

۱. زیارت خود زیرشاخه‌ای از گردشگری است که عموماً گردشگری دینی نامیده می‌شود. برپایه تعریف سازمان جهانی گردشگری، گردشگری «به عمل فردی که به مسافرت می‌رود و در آن مکان که خارج از محل اقامت وی است، برای مدتی کمتر از یک سال برای تفریح، تجارت و دیگر هدف‌ها اقامت نماید، گفته می‌شود» (گی و فایوسولا، ۱۳۹۰: ۲). زائر نیز چنین ویژگی‌ای دارد، فارغ از اینکه قصد و هدفش چه باشد. زائر به گردشگری گفته می‌شود که مذهب، انگیزه وی است (تیموتی و السن، ۱۳۹۲: ۲۱؛ گونلو، ۱۳۹۱: ۲۳۲). اگرچه تفاوت‌هایی هم می‌توان میان این دو دید. البته برخی هم به تفاوت‌هایی میان این دو، یعنی بین گردشگر و زائر قائل هستند؛ اینکه عموماً گردشگر را در پی لذت تعریف می‌کنند و زائر را در پی معنویت. همان‌گونه که م.ر.م. جامعه‌شناس نیز به این نکته اشاره می‌کند. اما همان‌گونه که تیموتی و السن (۱۳۹۲: ۲۰) بیان می‌کنند، خیلی‌ها به این تقسیم‌بندی باور ندارند؛ چراکه همه گردشگران لزوماً در پی جست‌وجوی لذت نیستند و برپایه این توصیف می‌توان مدعی شد همه زائران هم در پی معنویت نمی‌روند. اما م.ر.م. جامعه‌شناس به این تمایز باور داشته و می‌گوید:

● گردشگر کسی است که به فکر پیشینه‌کردن لذت و کمینه‌کردن هزینه سفر است و با نگاهی لذت‌جویانه و تفریحی به سفر می‌رود. اما زائر نگاهی وظیفه‌محور به سفر دارد و در راستای وظیفه، ممکن است حاضر شود هزینه زیادی متحمل شود. به‌طور مشخص، ایرانی‌ها اغلب به تجربه سفر اربعین نگاهی گردشگرانه دارند و این تمایز در مقایسه ایرانی‌ها با زائران عراقی خیلی روشن است.

۲. برای بسیاری از ایرانیان سفر «خارج از کشور» صرفاً با بیرون‌رفتن از مرز کشور بروز می‌یابد و این سفر خارج از کشور فی‌نفسه مهم است (هاشمی مقدم، ۲۰۲۱). در زیارت و پیاده‌روی اربعین، ایرانی‌ها در جایگاه مردمان کشوری که اعتبار گذرنامه‌شان بسیار

مخدوش شده و اوضاع اقتصاد عمومی‌شان به‌گونه‌ای است که بیشترشان امکان سفر خارجی ندارند، اربعین عراق می‌تواند گزینه‌ای جذاب و بلکه یگانه‌گزینه ممکن باشد. بنابراین یکی از دلایل جذابیت پیاده‌روی اربعین، بعد سیاحتی آن است (مظاهری، ۱۳۹۷: ۲۰۶) که نمی‌توان نادیده گرفت یا کتمان کرد. در همین باره خانم ز.خ. می‌گوید:

نفس حرکتش که انسان می‌رود و چقدر تجربه‌های جدیدی کسب می‌کند، خوب است. بالاخره سفر است و بسیار سفر باید تا پخته شود خامی. جدا از وجهه‌ای مذهبی که دارد، خیلی برایم پررنگ است. باتوجه‌به گوناگونی‌ای که در این مسیر از کشورها و شهرهای مختلف می‌بینم، خیلی برایم هیجان‌انگیز است که حداقل یک‌بار تجربه‌اش کنم.

۳. وجود انواع خوراکی، نوشیدنی، خدمات بهداشتی و درمانی و اسکان رایگان در بیشتر مسیر این سفر، دغدغه مالی بسیاری از ایرانیان را برطرف می‌کند و خود به عاملی جذاب برای این سفر تبدیل شده است. م.ر.م. جامعه‌شناس در این زمینه می‌گوید:

برای مثال، در تجربه شخصی، با افراد زیادی ملاقات کردم که صرفاً به دلیل تبلیغات زیاد و از سر کنجکاوی یا هوس تجربه‌ای متفاوت به سفر اربعین آمده بودند. این افراد عموماً به جنبه‌های تفریحی سفر توجه داشتند. از جمله امتحان غذاهای متنوع، رقابت بر سر کسب غذای بهتر، میوه، فضای خواب و... در ابتدا عرض کردم یکی از ویژگی‌های خاص سفر اربعین، اجتماع مملو از تعامل گرم نابرابر است؛ مثل ایشار، از خودگذشتگی، بخشش و... آسیب مزبور می‌تواند بر این ویژگی تأثیر بگذارد.

بنابراین شاید م.ق. چندان هم بی‌راه نگفته که پیاده‌روی اربعین دست‌کم برای بخشی از زائران ایرانی، نوعی سفر هیجانهایی است^{۵۱}:

از نظر من پیاده‌روی اربعین هیچ فرقی با هیجانهایی که دیگران انجام می‌دهند، ندارد. هر آدمی می‌تواند هیجانهایی کند، سفر انجام دهد. یکی با کوه و دشت و جنگل و هتل لوکس آرامش می‌گیرد، یکی با جای مذهبی آرامش می‌گیرد. مهم این است که هر کس در سفر با آن مقصودی که دارد، آرامش می‌گیرد. نیاز دارد که استراحت کند، تفریح کند، نیاز دارد که آرامش بگیرد. پس این سفر کلاً از نظر من هیچ فرقی با هیجانهایی نمی‌کند و به نظر من همه آن‌ها که به پیاده‌روی اربعین می‌روند، هیجانهایی هستند که به سفر می‌روند.

جواهری (۱۳۹۷: ۳۰۷) یکی از انگیزه‌های برخی زائران اربعین را متمایز ساختن خودشان از دیگران به‌واسطه نوع سفرشان که شجاع‌ترند و از خطر نمی‌هراسند، می‌داند. ناهید ۲ هم به‌شکلی مبالغه‌آمیز درباره شمار این گروه از ایرانی‌ها، عنوان می‌کند:

من در میان آدم‌هایی که دوروبر خودم می‌دیدم یا در محیط‌های اجتماعی با آن‌ها مواجه می‌شدم، خیلی خیلی کم کسانی بودند که برای اعتقاد برای این سفر در خواست می‌دادند. بقیه به‌علت سفری مجانی و کاملاً رایگان که برای خودشان پا نمی‌دهد، از این سفر استقبال می‌کنند.

در همین چارچوب، اربعین برای گروهی ولو اندک از ایرانیان بیشتر سفری ماجراجویانه^{۵۲} تعریف شده است. در این راه، برخی افراد صرفاً برای تجربه‌ای که آن را نزدیک به کوچ‌سرفینگ^{۵۳} می‌دانند، این سفر را تجربه می‌کنند. ن.ک.، دختر جوان ایرانی در مصاحبه‌اش می‌گوید که با روشی شبیه کوچ‌سرفینگ به اربعین رفته بود.

در غرب و حتی کشورهایی همچون ترکیه، همه رانندگان با معنای این سفر آشنا هستند.

۵۲. Adventure tourism

۵۳. Couchsurfing: وب‌سایتی است که از سراسر جهان می‌توانند عضو آن شده و به‌دنبال میزبان رایگان در کشورها و شهرهای مختلف بگردند. قطعاً نخستین شرط عضویت در این سایت و استفاده از خدماتش این است که خود شما هم شرایط میزبانی از دیگر گردشگرانی را که نمی‌شناسید، داشته باشید. به‌واسطه حذف هزینه اقامت، این نوع سفرها ارزان‌تر بوده و در میان جوانان طرفداران زیادی دارد.

۵۱. Hitchhike که به سفر مجانی هم شناخته می‌شود، به مسافران اتو استیجی اشاره دارد که معمولاً در خروجی شهرها ایستاده و با بالاگرفتن انگشت شست خود به راننده‌های گذری، درخواست خود را برای سوار شدن رایگان اعلام می‌کنند. باتوجه به گسترش فرهنگ هیجانهایی

باز هم نباید از یاد برد که لزوماً همهٔ کسانی که به اربعین می‌روند، هدف معنوی ندارند. از سوی دیگر ممکن است برخی هدف معنوی داشته باشند؛ اما شخصیت مذهبی نداشته باشند. تیموتی و السن (۱۳۹۲: ۱۱) می‌نویسند: «میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با اهداف معنوی مسافرت می‌کنند و گاهی نیز این افراد هیچ علقهٔ مذهبی خاصی ندارند.» اتفاقاً گاهی شمار گردشگرانی که از سر کنجکاو و بدون انگیزهٔ معنوی و مذهبی به سفر زیارتی می‌روند، بیشتر از شمار زائران آن مکان است (تیموتی و السن، ۱۳۹۲: ۱۴). این افراد و به‌ویژه گروه نخست، یعنی کسانی که حتی هدف معنوی هم ندارند و با اهداف گوناگون به اربعین می‌روند، جز در چارچوب گردشگری درخور بررسی نیستند.

۴. انزوای بین‌المللی ایران در سال‌های اخیر ایرانیان را از ارتباط با مردمان کشورهای و فرهنگ‌های متفاوت محروم کرده است. اربعین فرصتی است برای دیدار با فرهنگ‌ها و شیعیان کشورهای دیگر (مظاهری، ۱۳۹۷: ۲۰۷). راضیه که سه‌بار تجربهٔ پیاده‌روی اربعین را دارد نیز می‌گوید که دلیل نخستین سفرش به پیاده‌روی اربعین «امکان مواجههٔ متفاوت با آدم‌هایی از یک فرهنگ دیگر» است. همین ارتباط با دیگران بهانه‌ای شد برای اینکه او از سال بعد کلاس برود تا مکالمهٔ زبان عربی را حرفه‌ای‌تر بیاموزد. اربعین البته شیعیان و حتی غیرشیعیان را از ده‌ها کشور جهان به کربلا می‌کشاند و بنابراین فقط ارتباط با عراقی‌ها جاذبهٔ ارتباطی نیست و شهروندان شرکت‌کننده از دیگر کشورها را هم در بر می‌گیرد.

۵. حضور ایرانیان در مراسم اربعین در عراق برپایهٔ فرهنگ سفر و گردشگری‌شان است. یعنی همان‌گونه که به سفر می‌روند، به زیارت هم می‌روند. برای نمونه، همان‌گونه که در بخش تفاوت‌های فرهنگی اشاره شد، وقتی به مقصد سفر می‌رسند، چند روز می‌مانند. در اربعین هم وقتی به کربلا می‌رسند، چند روز می‌مانند و این خود عامل یکی از مشکلات جدی‌تر است که همان شلوغی کربلا و نبود جاست. این پدیده را می‌توان «جدی‌ترین مسئلهٔ گردشگران اربعین» شناسایی کرد. م.ش. کارشناس مسائل عراق معتقد است از سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به بعد که اوج

حضور ایرانیان و نهادهای دولتی ایرانی در اربعین بود، ما با دو مفهوم «اربعین عراقی» و «اربعین ایرانی» روبه‌رو بودیم. اربعین عراقی تأکیدش بر برگزاری خالصانهٔ مناسک دینی بود؛ آن‌هم با پشتوانهٔ پس‌انداز یک‌سالهٔ بسیاری از عراقی‌های باورمند. اما «اربعین ایرانی»، اربعین گردشگری و توریستی است. اربعین ایرانی خصلتی جمعی دارد. نمی‌خواهم از کلمهٔ پیک‌نیک استفاده کنم؛ اما شبیه گردش یا اردو می‌ماند. او در ادامه نیز خصلت گردشگری ایرانیان در اربعین را ریشهٔ ایجاد بسیاری از مشکلات در «ساختار نظم و ترتیب شوارع و راه‌ها و هتل‌ها و بهداشتی عراق» می‌داند؛ چراکه ساختار اربعین عراقی برای حضور گذرای زائر است؛ اما زائر ایرانی برپایهٔ فرهنگ گردشگری‌اش گاهی تا ۲۰ روز در عراق می‌ماند و در هر مقصد دست‌کم سه‌چهار روز توقف دارد.

۶. همان‌گونه که در قسمت «احساس تبعیض» بیان شد، بخشی از منتقدان رویداد معتقدند حکومت امکانات این سفر را باید برای دیگر ایرانیانی که به‌جای عراق ترجیح می‌دهند به مقاصد دیگری بروند، فراهم کند. این انتقاد در ذهنیت بخش زیادی از ایرانیان شکل گرفته است و باید به‌شکل جدی در مقام پاسخ‌گویی به آنان و توجیه‌شان برآمد. برای نمونه، ب.پ. می‌گوید:

به‌رحال خواست بخشی از جامعه است و مثلاً پدر و مادر خودم کربلا را به‌جای مقاصد تفریحی، همچون دوبی ترجیح می‌دهند. پدرم بخشی از زمین‌هایش در شمال را فروخته بود تا بتواند سه‌بار به کربلا برود. اما در مقابل باید به همین اندازه که برای اربعین تبلیغ و پشتیبانی می‌شود، برای دیگر مقاصد تفریحی هم تبلیغ شود. مثلاً درصد بسیار اندکی از جوانان هفده‌هجده‌ساله به اربعین می‌روند. قطعاً مقاصد تفریحی برای این‌ها در اولویت است؛ اما خواسته‌شان نادیده گرفته می‌شود.

۷. احتمالاً هرچه جلوتر برویم، جنبه‌های گردشگرانه، مانند لذت‌جویی از سوی زائر و سودجویی از سوی میزبان، برجسته‌تر و از جنبه‌های معنوی آن کاسته شود.

ع.ن. در این زمینه معتقد است که سرنوشت اربعین نیز دیر یا زود شبیه مشهد می‌شود.^{۵۴} مثلاً اینکه در سال ۱۳۹۲ که رفته بود، بیشتر خودروهای عراقی زائران را به‌رایگان از کربلا به نجف باز می‌گرداندند؛ اما الان پولی شده است. به همین ترتیب معتقد است با افزایش شمار زائران، پولی‌شدن، سازمان‌دهی بهتر مراسم را در پی خواهد داشت. پولی‌تر شدن اربعین را با دیدگاه‌هایی همچون «چرخه گردشگری» که در بند بعدی توضیح داده می‌شود، می‌توان بهتر پیش‌بینی و درک کرد.

۸. با برخی دیدگاه‌های پرکاربرد در گردشگری می‌توان حضور زائران ایرانی را در اربعین عراق تبیین کرد. برای نمونه، رفتارهای زائران ایرانی در اربعین را می‌توان با نظریه «مناسک گذار»^{۵۵} تبیین کرد. ون ژنپ،^{۵۶} انسان‌شناس، اشاره می‌کند که رویدادهای مهم زندگی انسان‌ها، همچون بلوغ، ازدواج، زایمان و... سه مرحله جدایی و انزوا و پیوستن دارد (ون ژنپ، ۱۹۶۰). بعدها ویکتور ترنر،^{۵۷} دیگر انسان‌شناس همین نظریه را بسط داد و به نام «درام اجتماعی» برای تبیین پدیده زیارت به کار برد. برپایه این نظریه، از آنجاکه زائران در طول زیارت و سفر در وضعیت «آستانگی» قرار دارند، نوعی بی‌ساختاری را تجربه می‌کنند که پای‌بندی به قواعد زندگی روزمره ندارد (ترنر، ۱۹۷۸). این نظریه بعدها به‌شکل گسترده‌ای در مطالعات انسان‌شناسی گردشگری

۵۴. البته در این زمینه باید توجه داشت تشبیه اربعین به مشهد چندان درست نیست. اربعین یک مراسم است و مشهد یک مکان مقدس. در واقع می‌توان مشهد را با کربلا مقایسه کرد که اکنون در ایام غیر اربعین هم در کربلا برپایه همان قواعد گردشگری، یعنی دریافت هزینه برای اقامت در هتل‌ها و مهمانسراها و دریافت هزینه برای غذا در رستوران‌ها، عمل می‌شود. این مقایسه و شبیه‌سازی، زمانی درست است که برای نمونه در مشهد هم سنت و مراسمی شبیه اربعین برپا شود که به‌مرور زمان به‌سمت بازاری‌شدن کشیده شود. اما به‌رحال احتمال تغییر مناسبات و روابط میان میزبان و مهمان و اقتصادی‌تر شدن بیشتر رویداد و لزوم هزینه‌کرد بیشتر از سوی زائران جدی است.

The rites of passage. ۵۵

Van Gennep. ۵۶

Victor Turner. ۵۷

به کار گرفته شد. به نظر نگارنده این موضوع قابلیت دارد که برپایه آن، برخی رفتارهای ناپسند یا عجیب ایرانیان در اربعین بررسی شود. م.م.م. جامعه‌شناس در این زمینه می‌گوید:

اربعین برخی ویژگی‌های جذاب دارد که تقریباً با همه مراسم‌ها و کارناوال‌های جمعی مشترک است. یعنی تجربه یک هنجارشکنی عمومی و به‌هم‌ریختن نظم‌های رایج و روزمره و تجربه اقدام جمعی گسترده. عنصر جذابی که در همه راهپیمایی‌ها و کارناوال‌ها و رویدادها مشابه هم دیده می‌شود.

دیدگاه دیگر که به باور نویسنده لازم است به آن توجه شود، چرخه حیات محصول گردشگری است. به باور باتلر^{۵۸} (۱۹۸۰)، هر محصول یا مقصد گردشگری چرخه حیاتی دارد که شش مرحله را پشت سر می‌گذراند. البته ممکن است برخی مقاصد لزوماً همه این شش مرحله را پشت سر نگذرانند: اکتشاف، مشارکت، توسعه، تثبیت، رکود، نزول؛ که گاهی البته دوباره احیا می‌شود. به بیان وی، مردم محلی معمولاً در آغاز شکل‌گیری گردشگری در محلشان، با شور و اشتیاق از آن استقبال و با روی خوش از گردشگران پذیرایی می‌کنند. اما اندک‌اندک این پدیده و حضور برایشان عادی می‌شود. از زمانی به بعد، حضور گردشگران با مسائلی همچون ترافیک، آلودگی محیط و هوا، انباشت زباله، گرانی کالا و خدمات و... همراه می‌شود و انتقاد مردم بومی را در پی خواهد داشت. گاهی این انتقادات به اندازه‌ای است که ممکن است به تقابل میان بومیان و گردشگران منجر شود و درنهایت، به این دلیل و دلایل دیگر همچون مصرف نابودی منابع طبیعی و انسان‌ساخت مقصد، گردشگری در آن منطقه با رکود یا حتی نابودی روبه‌رو شود. برپایه این دیدگاه اگرچه به نظر نمی‌آید سفر به عتبات و زیارت بقاع متبرکه هرگز متوقف شود، شاید حضور انبوه جمعیت میلیونی زائران از ایران و دیگر کشورها کم‌کم برای میزبانان عراقی عادی شده و حتی پس از مدتی به همان دلایل اشاره‌شده، مثل آلودگی، انباشت زباله، ترافیک و... محل انتقاد عراقی‌ها قرار بگیرد؛ به‌ویژه

اگر این سفرهای زیارتی برایشان دستاورد چندانی نداشته باشد.

به‌هرحال، همه این موضوعات نشان می‌دهد که جنبه‌های گردشگرانه زیارت اربعین و آسیب‌ها و مسائل آن نباید با توجیهاتی همچون تقدس زیارت و مغایر بودنش با گردشگری، نفی و نادیده گرفته شود. ضمن آنکه حس آزادی معنوی برای زائران «قشر خاکستری» مهم است و نگاه صرفاً درون‌دینی به اربعین می‌تواند این قشر را از دایره شمول خود بیرون بگذارد.

در پایان این بخش بد نیست با یاری گرفتن از یکی از دیدگاه‌های مشهور در انسان‌شناسی گردشگری، پرتوی بیفکنیم بر آسیبی کلی که به آیین اربعین وارد شده و آن را از اصالت خود بیرون آورده است. تهی شدن آیین اربعین از برخی جنبه‌های درون‌دینی خود، موضوعی است که پیش‌ازین در مباحث انسان‌شناسی درباره پدیده‌ها و مراسم دیگر مطالعه شده است. برای نمونه، گرین‌وود^{۵۹} (۱۹۷۷) درباره مراسم آلارد در منطقه فئونترایبای اسپانیا چنین مسئله‌ای را نشان داده و آن را «کالایی شدن فرهنگ» نامیده است. وی توضیح می‌دهد که مردم آن منطقه اسپانیا برای آنکه گردشگر بیشتری جذب کنند، مراسم چندصدساله آلارد را به گونه‌ای دستکاری می‌کنند که بیشتر محل توجه گردشگران قرار بگیرد و از این طریق درآمد بیشتری از مراسمشان کسب کنند. بدین ترتیب، آن‌ها مراسم آلارد را که یکی از نمادهای مهم فرهنگی‌شان است، با دستکاری‌های بسیار به کالایی برای سود بیشتر اقتصادی تبدیل می‌کنند. اکنون به نظر می‌آید رویداد اربعین نیز دارد به شیوه‌ای دیگر، کالایی یا به سخن بهتر، ابزاری و در این راه از اصالت خود دور می‌شود. این «ابزاری شدن اربعین» ممکن است در خدمت نهادهای دولتی، گروه‌های سیاسی، گروه‌های مذهبی و... باشد. این در حالی است که هاشمی مقدم (۲۰۱۹) نشان داده است تقدس و جنبه معنوی هر مراسم از کالایی شدن آن پیشگیری می‌کند و حتی جامعه بومی با چشم‌پوشی از سود حاصل از گردشگری، از ورود گردشگران به مراسم آیینی خود جلوگیری می‌کنند تا به فرهنگشان خدشه وارد نشود و اصالت آن حفظ شود. برای نمونه، اهالی روستای اسک در مازندران، سال‌هاست مانع از حضور گردشگران در مراسم «برف‌چال» و «زن‌شاهی» خود در نیمه اردیبهشت می‌شوند؛ چراکه ردپای

اشخاص مذهبی همچون امام‌زاده‌ها نیز در پیشینه اساطیری این مراسم دیده می‌شود، درحالی‌که گردشگرانی که در این مراسم شرکت می‌کردند، حرمت آن را نگاه نمی‌داشتند. در رویداد اربعین و باتوجه به درجه تقدس زیاد آن نزد شیعیان، ابزاری شدن اربعین را اگرچه شخصیت‌های برجسته نظام نفی کرده‌اند، گروه‌های میانی ذی‌نفع در حال گسترش آن هستند. شاید مقایسه دو مراسم «برف‌چال» در روستای اسک و اربعین در عراق نشان دهد مردمی بودن یک رسم و مداخله حداقلی نهادهای دولتی توان حفظ اصالت و تعادل در آن مراسم را بهتر و بیشتر دارد.

۳. راهکارها و پیشنهادها

راهکارهای پیشنهادی را برای برطرف کردن یا کاهش دادن برخی آسیب‌های ذکرشده، باتوجه به مخاطبشان باید به در گروه دسته‌بندی کرد: گروه نخست که مخاطبش حکومت جمهوری اسلامی و دولت‌های آن است و گروه دوم که مخاطبش نهادهای مدنی و مذهبی و خیریه فعال در حوزه اربعین است؛ همچون موکب‌داران. با وجود توجه این پژوهش به بخش حکومتی و ارائه راهکار به نهادهای دولتی فعال در زمینه اربعین، همچنان تأکید اصلی بر مخاطبان دیگر، یعنی نهادهای مدنی و مذهبی غیردولتی عرصه اربعین است. چه آنکه به باور پ.ا، دین‌پژوه، باید پیشنهادهای مرتبط با اربعین کاربردی و کوچک و دقیق باشد تا بهتر اثر کند. اتفاقاً این جنس از پیشنهادها را بیشتر، نهادهای غیردولتی می‌پذیرند. باین‌همه باید توجه کرد از بیشتر پیشنهادها و راهکارها، هر دو گروه مخاطب می‌توانند استفاده کنند.

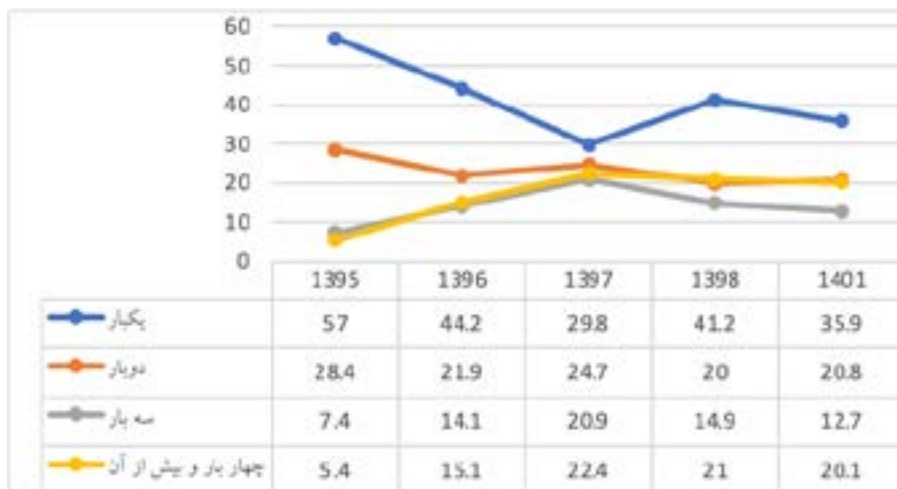
نکته مهم در این میان این است که بخشی از پیشنهادها بر رفتار زائران ناظر است که بخش دولتی یا بخش غیردولتی دخیل در رویداد باید به آن توجه کنند. برپایه یافته‌های نظرسنجی‌های ایسپا در سال‌های گوناگون، با گذر زمان و در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ از شمار افرادی که برای بار اول و دوم در این راهپیمایی‌ها شرکت کرده‌اند، کاسته شده و در مقابل، شمار کسانی که برای بار سوم و بیشتر شرکت کرده‌اند، در حال افزایش است. آنچه اهمیت این یافته‌ها و مقایسه سیر تعداد دفعات حضور

افراد در اربعین را برجسته می‌کند، امکان سرمایه‌گذاری برای آموزش این افراد است. به سخن دیگر، بخشی از جامعه هدف، برای آموزش‌های پیشنهادی به زائران ایرانی اربعین، هر سال یا در بسیاری از سال‌ها تکراری است. بنابراین نکته‌ای که به زائران اربعین امسال گفته می‌شود، نیاز است در سال دیگر به شمار کمتری تفهیم شود.

همان‌گونه که در نمودار زیر می‌بینیم، به‌مرور ترکیب جمعیت زائران به سمت کسانی تغییر کرده است که پیش‌تر نیز حضور در این رویداد را تجربه کرده‌اند. برای نمونه در سال ۱۳۹۵، کسانی که برای نخستین بار در این مراسم شرکت کردند، ۵۷ درصد زائران و در سال ۱۴۰۱، این افراد ۳۵/۹ درصد از مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌دادند. اما در مقابل، کسانی که چهاربار و بیشتر در این رویداد حضور داشتند، از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۵، به ۲۰/۱ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.

جدول ۶. دفعات شرکت در رویداد پیاده‌روی اربعین

میانگین وزنی	چهاربار و بیش از آن	سه بار	دو بار	یک بار	
۳۹,۴	۵,۴	۷,۴	۲۸,۴	۵۷	۱۳۹۵
۴۷,۷	۱۵,۱	۱۴,۱	۲۱,۹	۴۴,۲	۱۳۹۶
۵۷,۹	۲۲,۴	۲۰,۹	۲۴,۷	۲۹,۸	۱۳۹۷
۵۲,۵	۲۱	۱۴,۹	۲۰	۴۱,۲	۱۳۹۸
۴۹	۲۰,۱	۱۲,۷	۲۰,۸	۳۵,۹	۱۴۰۱
۴۹,۳	۱۶,۸	۱۴	۲۳,۲	۴۱,۶	میانگین پنج سال
۱,۱	۱,۹۸	۰,۴۱	-۱,۰۳	-۲,۶۷	(B) شیب خط



نمودار ۳. دفعات شرکت در رویداد پیاده‌روی اربعین

مجموع پیشنهادهای و راهکارها را می‌توان فهرستوار در جدول ۷ دید. در ادامه نیز هریک به‌صورت مفصل‌تر توضیح داده شده است.

جدول ۷. پیشنهادهای و راهکارها

پیشنهادها	حوزه
کم‌رنگ‌تر کردن نقش دولت در امور اجرایی تمرکز دولت بر تأمین امنیت و زیرساخت‌های مراسم تعیین سهمیه برای زائران در راستای مدیریت بهتر	دولتی
آشناکردن زائران ایرانی با فرهنگ عراق آشناکردن میزبانان عراقی با فرهنگ زائران ایرانی یاری‌جستن از میانجی‌های فرهنگی همچون اعراب ایرانی همکاری میان ایرانیان و عراقی‌ها در برپایی موبک مشترک تدوین دستورالعمل برای نهادها و افراد مرتبط با زائران ترانزیتی کشورهای دیگر تمرکز ایرانی‌ها بر مسیر اصلی نجف تا کربلا	فرهنگی اجتماعی
تمرکز بخشی از فعالیت‌های ایرانی‌ها بر حوزه محیط‌زیست اربعین استفاده از ظروف یک‌بارمصرف تجزیه‌پذیر استفاده از دستگاه‌های پلاستیک‌خردکن ندورات محیط‌زیستی	محیط‌زیستی
رفع احساس تقابل اربعین با حج رفع احساس تقابل با اهل سنت توجه به حساسیت‌های اهل سنت ایران تمرکز بر اصل و هدف رویداد	دینی
شفافیت نهادها در بیان هزینه‌های اربعین کاهش استفاده از اموال عمومی در اربعین ارائه مشوق‌های اقتصادی به اهل سنت مرزنشین ایران برای همکاری در برگزاری اربعین توجه زائران درباره هزینه‌های سفر اربعین	اقتصادی
کاستن از بار سیاسی رویداد استفاده از توان رسانه‌های غیردولتی	سیاسی و بین‌الملل
ارائه خدمات مشابه به ایرانیان غیرزائر تلاش در جذب غیرمذهبی‌ها	گردشگری

در ادامه، موضوعات جدول ۷ را مفصل‌تر توضیح خواهیم داد.

❖ ۳.۱ پیشنهادهای حوزه دولتی ❖

❖ ۳.۱.۱. کم‌رنگ‌تر کردن نقش دولت ❖

همان‌گونه که در بخش مسائل مدیریت دیدیم، عمده‌ترین انتقاداتی که کارشناسان و منتقدان به بحث اربعین وارد کرده بودند، دولتی یا حکومتی‌شدن آن بود. این دولتی‌بودن یا دولتی‌شدن رویداد پیاده‌روی اربعین را به چند دلیل می‌توان اصلی‌ترین آسیب این رویداد دانست: نخست اینکه بُعد دولتی این رویداد آن‌چنان پررنگ شده که روی دیگر ابعاد این رویداد هم سایه افکنده است. بنابراین اگر این مسئله برطرف نشود، هرچقدر که تلاش کنیم، بسیاری از مسائل دیگر نیز حل نشده باقی خواهد ماند. دوم اینکه این دولتی‌شدن باعث موضع‌گیری منفی بسیاری علیه کل این رویداد و آیین دینی شده است. رخدادهای اعتراضی که از شهریور ۱۴۰۱ در ایران شکل گرفت و بخش مهمی از مردم را به دو دسته طرفدار و مخالف حکومت تقسیم و این شکاف را تشدید کرد؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود در اربعین سال‌های بعد، انتقادات به این رویداد بسیار گسترده‌تر هم بشود. در واقع پس از شهریور ۱۴۰۱، منتقدان و مخالفان حکومت با هرآنچه رنگ‌وبوی حکومتی داشته باشد، زاویه پیدا کرده‌اند یا زاویه‌ای را که از پیش داشتند، نشان دادند. این شکاف میان حکومت با بخش منتقد و معترض جامعه که اندک‌شمار هم نیستند، ترمیم نشده و تاکنون نمودی هم در این زمینه دیده نشده است. باتوجه‌به تبلیغات گسترده و سنگین رسانه‌های حکومتی در روزهای نزدیک به اربعین برای تشویق و ترغیب مردم به حضور در این مراسم، احتمالاً معترضان و منتقدان هم هم‌زمان، در جهت مقابل فعال شده و به انتقاد و حتی به توهین به کسانی روی خواهند آورد که در این راهپیمایی شرکت می‌کنند. با این پیش‌فرض و باتوجه‌به رویدادهای اعتراضی سال ۱۴۰۱ اگر بخواهیم دیدگاه ایرانیان را درباره پیاده‌روی اربعین مشخص کنیم، با چند دسته روبه‌رو خواهیم بود:

۱. **منتقدان همیشگی:** کسانی که در سال‌های پیش هم منتقد این رویداد و شرکت در آن بوده و در سال‌های بعدی بر انتقاداتشان خواهند افزود.

۲. **منتقدان تازه:** کسانی که تاکنون نقدی به این رویداد نداشته یا اگر داشته‌اند هم ابراز نمی‌کرده‌اند؛ اما از این پس، به‌واسطه حکومتی‌دانستن این رویداد از آن انتقاد می‌کنند. هر دو گروه ۱ و ۲ از کسانی انتقاد شدید خواهند کرد که در این رویداد حضور یابند و آن‌ها را شریک فعالیت‌های جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند.

۳. **طرفداران ساکت‌شده:** کسانی که تاکنون از رویداد و حضور در آن دفاع می‌کردند و اکنون هم آن را حرکتی دفاع‌پذیر می‌دانند؛ اما به‌واسطه جو سنگین انتقادی، دیگر جرئت ندارند دیدگاه مثبتشان را درباره این رویداد را بیان کنند. این رفتار پس از اعتراضات بارها مشاهده شد. مثلاً در پی حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی موافقان این حضور عموماً جرئت بیان دیدگاه و اظهار خوش‌حالی نداشتند. البته بخشی از این افراد حتی ممکن است به طیف منتقدان بپیوندند.

۴. **منصرفان از مراسم:** کسانی که در سال‌های پیش در این رویداد شرکت می‌کردند یا برنامه داشتند که در سال‌های پیش رو شرکت کنند؛ اما به‌دلیل حمایت حکومت ایران از آن و برای اینکه به باور خودشان ابزار استفاده حکومت نشوند یا به‌دلیل ترس از انتقاد دیگران، از حضور در این رویداد چشم‌پوشی می‌کنند.

۵. **زائران توجیه‌گر:** کسانی که رویدادهای گذشته بر دیدگاهشان تأثیری نگذاشته است و در این پیاده‌روی شرکت خواهند کرد. این افراد ممکن است درعین حال از رفتار خود دفاع کنند و بحث زیارت و سیاست را جدا از هم بدانند.

۶. **مدافعان همیشگی:** کسانی که در این پیاده‌روی شرکت کرده و از آن دفاع می‌کنند، چه آن را حکومتی بدانند، چه غیرحکومتی. کسانی که در پیاده‌روی شرکت نمی‌کنند و همچنان در شبکه‌های

فرهنگی و اجتماعی و نمادین^{۶۰} نیز کشیده شده است. شایان ذکر است که مصرف سیاسی و حکومتی رویداد، در جایگاه نماد اقتدار و گستره طرفداران جمهوری اسلامی نیز در این راستا درخور ارزیابی است.^{۶۱}

۶۰. برپایه دست‌بندی چهارگانه پیر بردیو از سرمایه‌ها که دربرگیرنده

سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین می‌شود.

۶۱. نگارنده مصرف اعتبار شهید سلیمانی در مقام سرمایه‌ای نمادین برای ایرانیان را نیز در این زمینه ارزیابی می‌کند. شهادت ایشان میلیون‌ها ایرانی را از خانه‌ها بیرون کشید تا سوگوارانه در مراسم تشییع جنازه‌اش شرکت کنند؛ آن‌هم دقیقاً دو ماه پس از اعتراضات خونین آبان ۱۳۹۸. اما در طول سال‌های بعد به‌جای آنکه تلاش شود شهید سلیمانی را که سرمایه‌ای نمادین و محترم نزد بسیاری از ایرانیان است، حفظ کنند، در هر دعوای سیاسی یا برای بستن دهان مخالفان و منتقدان، آن‌چنان به‌شکل افراطی از نام و عکس ایشان بهره‌برداری سیاسی شد که حتی در بدنه طرفداران ایشان هم مخالفت‌ها نمود یافت. مثلاً در سومین سالگرد شهادت ایشان موج انتقادات و حتی توهین‌های بی‌سابقه به وی از کاهش شدید اعتبار سرمایه نمادین این چهره نشان داشت. البته قطعاً ایشان سال‌های پیش هم منتقدان و مخالفان جدی زیادی داشته‌اند؛ اما مسئله اینجاست که فضای جامعه که عموماً احترام فراوانی برای ایشان قائل بود، اجازه حضور مخالفان و هتاکان را در میدان نمی‌داد. اما به‌واسطه مصرف بیش از اندازه اعتبار این سرمایه نمادین از سوی جریان‌های خاص درون حکومت، بالاخره کم‌کم ایشان هم از سوی گروهی از مردم منتقد، در جایگاه عضوی از حکومتی که در بسیاری زمینه‌ها با بخشی از جامعه همراه نیست، شناخته شد و آن فضای احترام‌آمیز جامعه به ایشان کاهش یافت. برای درک بهتر مطلب، نمونه‌ای از مصرف نادرست اعتبار شهید سلیمانی در اینجا بیان می‌شود: در روزهای نگارش این گزارش، هفته پایانی دی که به‌علت کمبود گاز، ادارات و بانک‌های بیشتر استان‌های کشور تعطیل شده بود، جواد اوجی، وزیر نفت با شدیدترین انتقادات رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مواجه شد؛ به‌ویژه مصاحبه تلویزیونی ایشان در برنامه جهان‌آرا در مرداد که «زمستان سخت» را برای کشورهای اروپایی پیش‌بینی کرده بود (<https://www.rouydad24.ir/fa/news/326767>). اما دقیقاً در اوج همین انتقادات بود که وزیر نفت عنوان «مدیر تراز مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی» را به دست آورد (<https://dolat.ir/de-tail/403213>). به باور منتقدان، این گزینش در چنین موقعیتی فقط برای بستن دهان منتقدان بوده است. واقعاً چنین گزینشی نمادی است از

اجتماعی و گفت‌وگوها از آن دفاع می‌کنند نیز در کنار این گروه قرار دارند.

۷. مدافعان تازه: کسانی که حضور در این رویداد تاکنون برایشان اهمیتی نداشته است؛ اما اکنون به‌واسطه احساس خطر، در آن شرکت و دیگران را نیز به شرکت در آن دعوت می‌کنند. این احساس خطر ممکن است برای کاهش اقتدار جمهوری اسلامی باشد که همان انگیزه سیاسی است یا برای کم‌رنگ‌شدن اربعین باشد که همان انگیزه مذهبی است.

در این میان، بسیاری از نکات یادشده، به موضع‌گیری جمهوری اسلامی در برابر این رویداد در سال‌های پیش رو مشروط است. سه سناریو یا چشم‌انداز برای موضع جمهوری اسلامی در ارتباط با این رویداد در سال‌های آینده می‌توان ترسیم کرد:

- کاهش حضور خود و کاهش برجسته‌کردن این حضور؛
- تداوم شیوه کنونی حضور خود در اربعین؛
- تقابل با جریان منتقد این رویداد و بنابراین پررنگ‌ترکردن حضور خود و تلاش برای جذب زائران ایرانی بیشتر در این رویداد که می‌تواند با تبلیغات گسترده‌تر و امکانات فراوان‌تر، همچون افزایش وام زیارت، حذف نیاز به روادید و گذرنامه، خدمات رایگان بیشتر یا تخفیف ویژه برای هزینه‌ها، همچون اتوبوس از شهرها به مرز و از مرز تا نجف و... همراه شود. چنانچه گزینه سوم فعال شود، شکاف در جامعه بسیار گسترده‌تر و اربعین بسیار آسیب‌پذیرتر خواهد شد.

تأکید و پیشنهاد گزارش حاضر بر گزینه نخست است تا این آیین شیعی همچنان به‌عنوان سرمایه‌ای نمادین برای تشیع و شیعیان باقی بماند. شوربختانه تاکنون سیاست‌های رسمی کشور، نه تنها مصرف سرمایه‌های اقتصادی ایران، همچون منابع طبیعی، به بدترین و آسیب‌پذیرترین شکل ممکن بوده، بلکه دامنه این مصرف به سرمایه‌های

❖ ۳.۱.۲. تمرکز دولت بر تأمین امنیت و زیرساخت‌های مراسم ❖

تقریباً دیدگاه همه کارشناسان ایرانی و عراقی این بود که دولت‌ها به‌جز تأمین امنیت و زیرساخت‌ها، در دیگر حوزه‌ها دخالت نکنند و سررشته کارها را به مردم بسپارد. به زبان غرسبان (۱۳۹۶: ۱۰):

● دولت ایران تنها باید نقش تمهیدکننده، حامی و پشتیبان را در برگزاری راهپیمایی اربعین داشته باشد؛ چراکه در این مورد، وقتی کار به دست مردم سپرده شود، به‌دلیل جنس کار که به‌عنوان نذر و نذورات در نظر گرفته می‌شود، کارایی مردم بسیار به چشم می‌آید.

عماد، موكب‌دار ایرانی اشاره می‌کند که به‌جای حضور آشکار و مستقیم دولت ایران که «واقعاً قشنگی حرکت مردمی اربعین را از بین می‌برد»، بهتر است در مباحث زیرساختی همچون فراهم کردن آب و برق برای موكب‌ها یا سرویس‌های بهداشتی سیار در طول راه، به پیشبرد و برگزاری هرچه بهتر این مراسم یاری برسانند. این نکته به‌ویژه باتوجه‌به اینکه دست‌کم تا ۱۰ سال دیگر اربعین هرساله در فصل گرم برگزار می‌شود و برخی فضاهای خدماتی و استراحتی بین راه به کولرهای گازی و در نتیجه، به برق فشارقوی نیاز دارد، ضرورت ورود دولت به این حوزه که از توان بخش خصوصی و مردمی بیرون است، احساس می‌شود. ولی اکیداً به بخش دولتی توصیه می‌شود که حضور آشکار خود را اندک‌اندک کاهش دهد و کارهای اجرایی و اصلی را به بدنه مردمی واگذار کند، نه به نهادهای دولتی در پوشش مردمی.

مصرف و کم‌اعتبار کردن نام و یاد شهید سلیمانی.

❖ ۳.۱.۳. تعیین سهمیه برای زائران در راستای مدیریت بهتر ❖

در زمینه همکاری با دولت عراق و نیز کمبود برخی منابع زیرساختی برای این حجم میلیونی جمعیت، به نظر می‌آید بهتر است سهمیه‌ای مشخص برای شمار زائران ایرانی اربعین تعیین شود. حتی در تعامل با دولت‌های پاکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه و برای برنامه‌ریزی بهتر هنگام پذیرش و عبور زائران این کشورها از خاک ایران نیز سهمیه‌ای مشخص شود. آن‌چنان که ی.ع. تحلیلگر عراقی معتقد است:

● باید کمیته‌هایی مربوط به مدیریت این رخداد عظیم در راستای سهم‌بندی زوار تصمیم بگیرند. اگر امسال یا دو سال دیگر نشد و رودریاستی کرده و خجالت کشیدند، در سال‌های دیگر مجبورند به این سمت بروند. ایران می‌تواند سایتی طراحی کند و کسانی که می‌خواهند زیارت بروند، نام‌نویسی کنند و مشخص شود که امسال این تعداد زوار به اربعین خواهند رفت و دولت عراق هم بداند که مثلاً امسال ۳ میلیون نفر خواهند آمد.

تعیین سهمیه حتی می‌تواند به پایانه‌های مرزی هم تسری یابد و از قبل و با هماهنگی زوار متقاضی، مشخص شود هر زائر از کدام پایانه مرزی خواهد رفت تا در مرزها هم مشکلی پیش نیاید.

❖ ۳.۲. پیشنهاد‌های حوزه فرهنگی اجتماعی ❖

❖ ۳.۲.۱. آشناکردن زائران ایرانی با فرهنگ عراق ❖

نخستین و مهم‌ترین پیشنهاد در این زمینه، لزوم آشنایی زائران ایرانی با فرهنگ عراق و همچنین آداب پیاده‌روی اربعین است تا از بسیاری از سوءتفاهم‌ها و تنش‌های فرهنگی پیشگیری شود. در این زمینه، غلامی (۱۳۹۴) راه‌اندازی موكب‌هایی را پیشنهاد می‌کند

و رسانه‌ای و در همکاری با رسانه‌های عراقی، در این زمینه رفع سوء تفاهم کرد. به باور غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۸) چون فرهنگ عراقی‌ها بیش از نوشتاری، بصری است، چنانچه کار تبلیغاتی قرار است انجام دهیم، باید بر ساخت فیلم و نماهنگ و تصویر متمرکز باشد.

❖ ۳.۲.۳. یاری جستن از میانجی‌های فرهنگی ❖

نکته مهم این است که در این زمینه می‌توان از واسطه‌هایی یاری جست که با فرهنگ هر دو کشور به خوبی آشنا هستند. عرب‌های ایرانی خوزستان به واسطه ایرانی بودن، شناخت کاملی از فرهنگ ایران دارند و به واسطه زبان عربی و نزدیکی جغرافیایی به عراق، شناخت نسبتاً مناسبی از آن کشور دارند. همان گونه که در این پژوهش از گفته‌های دو موبدار عرب ایرانی نقل قول‌های زیادی شد که ظرایف تفاوت‌های فرهنگی دو کشور را نشان می‌داد. این ظرایف را با این ژرفا در گفته‌های دیگر مصاحبه‌شوندگان نمی‌شد دید. همچنین است معاونت‌های^{۶۲} که سال‌ها در ایران زیسته و دوباره به عراق برگشته‌اند. اینان هم به واسطه سال‌ها زندگی در ایران، با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا هستند و هم به واسطه عراقی بودن و زندگی در این کشور، با فرهنگ و زبان عربی آشنا هستند.

❖ ۳.۲.۴. همکاری میان ایرانیان و عراقیان در برپایی موب‌مشترک ❖

همچنین ایجاد زمینه همکاری میان ایرانیان و

که تمرکزشان بر فعالیت‌های فرهنگی با هدف آشنایی زائران با فرهنگ طرف عراقی یا بایسته‌های زیارت و پیاده‌روی اربعین است (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۳۴). این موب‌ها می‌تواند جایگاه‌هایی برای استراحت بین راه، موب‌های شست‌وشوی لباس‌های زائران، چادرهای درمانی، مثلاً برای درمان تاول کف پا و فضاهایی از این دست باشد که زائر دست کم چند دقیقه‌ای در آنجا توقف کند و فرصت دیدن فیلم کوتاه یا خواندن نوشته‌هایی را که از نمایشگرها پخش می‌شود و... داشته باشد.

همچنین اگر این آثار تصویری و ترجیحاً به شکل نماهنگ و عکس یا فایل صوتی، در روزهای نزدیک به اربعین تولید و در شبکه‌های اجتماعی پخش شود، بسیار سودمند است. برای نمونه، کسانی که می‌خواهند برای اربعین ثبت‌نام کنند، در وبگاه ثبت‌نام یا در کانال‌های مربوط به دفاتر صدور روایید یا سامانه‌ها، این کلیپ‌ها را ببینند. همچنین می‌توان در هنگام ثبت‌نام، آدرس شبکه‌های اجتماعی کاربران، ترجیحاً شبکه‌های پرکاربرد و نه شبکه‌های لزوماً بومی که برخی تمایل به عضویت در آن‌ها را ندارند، دریافت و فایل‌های این‌چنینی در حجم کم برایشان فرستاده شود. همچنین در نقطه مرزی که زائران ممکن است چند دقیقه تا چند ساعت برای گذر از مرز معطل شوند، می‌توان این کارهای تبلیغاتی را از طریق نمایشگرهای بزرگ انجام داد. در این راه بهتر است تا حد امکان از تولیدات کاغذی که خود به محیط زیست آسیب می‌زند، خودداری کرد.

❖ ۳.۲.۲. آشنا کردن میزبانان عراقی با فرهنگ زائران ایرانی ❖

همین کار تبلیغات بهتر است برای طرف عراقی هم صورت پذیرد. برخی دل‌خوری‌های عراقی‌ها از ایرانیان هم چندان توجیه‌پذیر نیست. مثلاً استفاده از لیوان شخصی که موضوعی لازم و بهداشتی است یا حضور دختران زائر تنها در پیاده‌روی برای عراقی‌ها چندان خوشایند نیست. می‌توان با تولیدات فرهنگی

۶۲. عراقی‌هایی که اصالت ایرانی دارند و در دوره قاجار برای خواندن درس طلبگی یا تجارت به عتبات رفته و همان‌جا ساکن شدند، در دوره حسن‌الیکر و به‌ویژه در دوره صدام حسین، به دلیل اصالت ایرانی‌شان، موفق به دریافت شناسنامه عراقی نشده و اخراج شدند. اینان در ایران نیز موفق به دریافت شناسنامه ایرانی نشده و تا زمان سرنگونی حکومت صدام در ایران بودند. در نهایت پس از برکناری صدام، به عراق بازگشته و شناسنامه عراقی دریافت کردند.

❖ ۳.۲.۶. تمرکز ایرانی‌ها بر مسیر اصلی نجف تا کربلا ❖

در نهایت، پیشنهاد می‌شود به برخی بخش‌های رویداد اجازه دهیم کنج خلوتی باشد برای خود عراقی‌ها. برای نمونه، برخی از مسیرهای اربعین بیشتر بومی است تا عمومی. مثلاً مسیر نجف به کربلا مسیر عمومی تری است. در این زمینه دیدگاه نویسنده برخلاف دیدگاه برخی کارشناسان (برای نمونه: نجاتی، ۱۳۹۶: ۱۸۰) و حتی ستاد مرکزی اربعین است که اعتقاد دارند بهتر است جمعیت زوار ایرانی به‌جای تمرکز در مسیر نجف تا کربلا، در مسیرهای مختلف پراکنده شوند. برپایه گفته‌های برخی مسئولان ستاد مرکزی اربعین، این ستاد تلاش دارد مسیرهای حله تا کربلا، طریق‌العلماء و... نیز احیا شود تا فشار از روی مسیر نجف تا کربلا برداشته شود و توزیع زائر در تمامی مسیرهای موجود انجام شود. این در حالی است که این راه‌ها عموماً ویژه خود عراقی‌هاست و به نظر می‌آید مجالی باشد برای برخی شهروندان شیعه عراقی که ترجیح می‌دهند دور از هیاهوی زواری با فرهنگ‌های متفاوت و گاه ناهم‌خوان با فرهنگ عراقی، مناسک پیاده‌روی اربعین را به جای آورند و نفوذ و ورود ایرانی‌ها به این راه‌ها به‌نوعی به افزایش نارضایتی آن‌ها خواهد انجامید.

❖ ۳.۳. پیشنهادهای حوزه محیط‌زیست ❖

مهم‌ترین آسیب محیط‌زیستی رویداد در حال حاضر، همان به‌جای‌گذاری انبوه زباله، به‌ویژه ظروف یک‌بارمصرف است. در این زمینه چند راهکار پیشنهاد می‌شود:

❖ ۳.۳.۱. تمرکز بخشی از فعالیت‌های ایرانی‌ها بر حوزه محیط‌زیست اربعین ❖

شاید بد نباشد ایران در برگزاری رویداد بیشتر بر حوزه‌هایی تمرکز کند که عراقی‌ها خدمات کمتری در آنجا می‌دهند؛ البته با ملاحظه به‌رسمیت‌شناختن فرهنگ عراق. برای مثال، بخشی از هزینه‌هایی که صرف برپایی موکب می‌کنند، روی ایجاد «اربعین پاک» متمرکز کنند و به موکب‌ها و زائران خدمات محیط‌زیستی بدهند. همین خدمات را در عرصه بهداشتی نیز می‌توان مطرح کرد. برای نمونه، می‌توانند بر ایجاد خدمات بهداشتی گسترده و بهینه‌تر در مسیر تمرکز کنند.

عراقی‌ها برای برپایی موکب، راهکاری است هم برای آشنایی طرفین با فرهنگ یکدیگر و رفع سوءتفاهم‌ها و هم ارائه خدمات بهتر. برای نمونه می‌توان با عراقی‌هایی که علاقه‌مند به خدمات‌دهی به زائران در خانه‌هایشان هستند، به تفاهم رسید که مکان از آن‌ها باشد و خدماتی همچون غذا، رختخواب و... با ایرانی‌ها. چنین همکاری‌هایی امکان حذف برخی از تنش‌ها را هم دارد؛ هرچند در صورت حل‌نشدن دیگر آسیب‌های فرهنگی اجتماعی، ممکن است همین هم‌نشینی زمینه تنش‌های تازه‌ای را فراهم کند. برای نمونه، در چنین موقعیت‌هایی میزبان ایرانی خیلی راحت‌تر می‌تواند به زائران ایرانی که قصد اقامت طولانی‌مدت در موکب یا خانه را دارند، یادآوری کند که فقط یک شب امکان اقامت هست. اگر هم مجادله و تنش لفظی در بگیرد، میان طرفین ایرانی خواهد بود.

❖ ۳.۲.۵. تدوین دستورالعمل برای نهادها و افراد مرتبط با زائران ترانزیتی کشورهای دیگر ❖

باتوجه‌به اینکه زائران برخی کشورهای همسایه که برای رسیدن به عراق، از ایران می‌گذرند، انتظار رفتار محترمانه‌تری دارند، باید در این زمینه نیز تدابیری اندیشید. عبدی خجسته (۱۳۹۷) اشاره می‌کند که رفتار پلیس در راه و موکب‌داران با زائران پاکستانی که از طریق ایران به عراق می‌رفتند، خوب و مناسب بود؛ در حالی که چندین بار از شیوه برخورد راننده مینی‌بوس ایرانی با پاکستانی‌ها انتقاد می‌کند. به نظر می‌رسد به افراد پلیس پیش از حضور زائران پاکستانی نکات لازم یادآوری شده بود. اگر این فرضیه درست باشد، نشان‌دهنده امکان اثرگذاری در چنین مواقعی از این راه‌هاست: آموزش نیروهای حاضر در میدان، اعم از پلیس، مرزبان، راننده و...، از طریق کلاس‌های حضوری یا بخشنامه و...، و حتی اثرگذاری بر مردم عادی و زائران از طریق رسانه‌هایی همچون صداوسیما یا توزیع بروشور در مرز یا قرارداد نمایندگان بزرگ در مرز که هنگام معطلی زائران برای انجام امور خروج از کشور، پیام‌هایی آگاهی‌بخش در این زمینه پخش می‌کند.

❖ ۳.۳.۲. استفاده از ظروف یک‌بارمصرف تجزیه‌پذیر ❖

نخستین راهکار در اینجا دعوت و الزام و حتی کمک به موکب‌ها برای استفاده از ظروف یک‌بارمصرف تجزیه‌پذیر است که به محیط‌زیست آسیب کمتری وارد کند. استفاده از این ظروف چندسالی است در ایران در حال گسترش است و می‌توان برای رویداد نیز از این ظروف بیش از ظروف پلاستیکی تجزیه‌ناپذیر استفاده کرد.

❖ ۳.۳.۳. استفاده از دستگاه‌های پلاستیک خردکن ❖

در این زمینه شاید بتوان با استفاده از تعدادی مناسب از ماشین‌های خردکننده پلاستیک و بسته‌بندی آن‌ها، که عموماً قیمت زیادی هم ندارد، از ایجاد تل‌های زباله در کنار مسیر پیاده‌روی جلوگیری کرد.

❖ ۳.۳.۴. نذورات محیط‌زیستی ❖

روحانیون و نهادهای فعال در این زمینه می‌توانند خیرین و مردم را به نذرهای غیررایج، اما لازم، همچون جمع کردن زباله ترغیب کنند.

❖ ۳.۳.۵. آینده‌نگری برای مسائل محیط‌زیستی ❖

باتوجه به کاهش بارندگی‌ها در سال‌های اخیر در منطقه و از جمله در کشور عراق و همچنین سدسازی‌های ترکیه بر سرچشمه‌های دجله و فرات، به نظر می‌آید در سال‌های آینده با دو مشکل محیط‌زیستی جدی در رویداد روبه‌رو شویم: نخست، احتمال کمبود آب، به‌ویژه برای مصارف شست‌وشو و دوم افزایش ریزگردها و ایجاد گردوغبار شدید در طول راهپیمایی اربعین. در زمینه کمبود آب باید توجه کرد که در سال‌های پیش، رویداد در زمستان و پاییز برگزار می‌شد و از سال ۱۴۰۱ وارد اربعین تابستانی شده‌ایم که دست‌کم تا ده سال آینده گرمای هوا در ایام اربعین،

افزایش مصرف آب را در پی خواهد داشت. البته به‌احتمال زیاد، مسئولان نهادهای دولتی و مدنی مرتبط، آب کافی را برای برگزاری این رویداد فراهم آورند؛ اما چنانچه این تأمین آب به بهای کاهش آب در دیگر مناطق باشد یا حتی به‌نوعی باعث ایجاد مقایسه میان وضعیت آب برای زائران اربعین و غیرزائران در ایران و عراق شود، انتقادات به این رویداد هم افزایش می‌یابد. بنابراین از اکنون نیاز است با برنامه‌هایی، همچون استفاده از سردوش‌های کم‌مصرف، آموزش زائران برای مصرف بهینه آب، آموزش موکب‌داران به استفاده نکردن از آب به‌جای جارو برای تمیز کردن زمین و... تمهیداتی در این زمینه اندیشید.

❖ ۳.۴. پیشنهاد‌های حوزه دینی ❖

چند نکته در این مبحث باید جدی گرفته شود.

❖ ۳.۴.۱. رفع احساس تقابل اربعین با حج ❖

لازم است بر تقابل‌ناداشتن مراسم اربعین با حج تأکید کرد و حتی «برای سالیان آتی باید بر بازتاب رسانه‌ای جایگاه حج نزد تشیع و ارائه تصاویر حضور حجاج شیعه در مراسم حج سرمایه‌گذاری بیشتری کرد» (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). نادیده گرفتن این پیشنهاد، اربعین را هدفی مشروع برای گروه‌های تکفیری و تندروی سنی می‌کند. البته ممکن است نگاه درون‌دینی برخی از شیعیان با این پیشنهاد همراه نباشد؛ اما چنین نگاهی قطعاً پیامدهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی علیه شیعیان و علیه رویداد اربعین به دنبال دارد که در اینجا هدف از نگارش این گزارش، یادآوری همین پیامدها و تلاش برای کاستن از آن‌هاست.

❖ ۳.۴.۲. رفع احساس تقابل با اهل سنت ❖

تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان، اربعین را نوعی قدرت‌نمایی در برابر اهل سنت ارزیابی کرده‌اند. برخی با این نوع قدرت‌نمایی موافق هم بودند. اما به نظر می‌آید این احساس به تحریک اهل سنت و مقابله آنان با این رویداد می‌انجامد. از اربعین حتی می‌توان برای تقویت روابط با

❖ ۳.۵. پیشنهادهای حوزه سیاسی ❖

❖ ۳.۵.۱. کاستن از بار سیاسی مراسم ❖

این کار هم بیش از آنکه از عهده نهادهای مدنی و مذهبی غیردولتی برآید، در دستان حکومت است. با کاستن از میزان حضور دولت و بار سیاسی این مراسم، به خودی خود بخش شایان توجهی از پیامدهای سیاسی منفی این رویداد کاهش می‌یابد یا برطرف می‌شود.

❖ ۳.۵.۲. استفاده از توان رسانه‌های غیردولتی ❖

این گزینه نیز به تصمیم نهاد حکومت وابسته است. به دلیل حکومتی بودن رسانه‌های قدرتمند در ایران و نبود بخش خصوصی مهم، عملیات رسانه‌ای در پاسخ به شایعات و اخبار منفی رسانه‌های بیرونی علیه این مراسم هم در دستان حکومت است. واقعیت این است که نهادهای غیردولتی و غیرحکومتی حتی اگر توان ورود به این حوزه را داشته باشند، با توجه به حساسیت نهادهای حکومتی در این زمینه، جرئت چنین کاری را ندارند.

❖ ۳.۵.۳. آموزش زائران ❖

بسیاری از زائران از شعارها و تصاویری روی لباس یا کوله‌های خود استفاده می‌کنند که شاید در نگاه خودشان بار سیاسی نداشته باشد؛ اما دیگران ممکن است نگاه متفاوتی داشته باشند. برای نمونه، بسیاری از زائران ایرانی تصویر شهیدی از جنگ تحمیلی را روی کوله‌شان نصب کرده و زیرش می‌نویسند: «به نیابت از شهید...». این رفتار ممکن است حساسیت طرف عراقی را که آن‌ها نیز در این جنگ ناخواسته وارد شده و کشته داده‌اند، برانگیزاند.

حتی کارشناسانی مانند غلامی (۱۳۹۴: ۱۲۴) که پیشنهادهایی همچون لزوم کنترل نامحسوس پرچم‌ها و تصاویر سیاسی همراه زائران ایرانی در مرز را ارائه می‌دهند، احتمالاً می‌پذیرند که بدون تغییر در سیاست‌های کلان حکومت ایران در این حوزه، امکان عملیاتی شدن چنین پیشنهادهایی وجود ندارد.

اهل سنت به جای تقابل هویت شیعی با هویت اهل سنت استفاده کرد. به باور نویسنده، چنانچه از همان خط سیر رایج در عراق که مراسم اربعین را بیشتر ملی می‌بیند تا مذهبی، پیروی کنیم، این رویداد می‌تواند با جذب بدنه اهل سنت عراق، به تقویت روابط این دو گروه بینجامد. هرچند در این زمینه احتمال رخ دادن مجادلات در این ایام، آن‌گونه که حتی درون گروه‌های شیعی نیز رخ می‌دهد، وجود دارد و باید برایشان جداگانه تدبیر اندیشید.

❖ ۳.۴.۳. توجه به حساسیت‌های اهل سنت ایران ❖

به این موضوع، به‌ویژه در مناطقی باید توجه کرد که محل حضور و گذر زائران اربعین است؛ همچون مریوان یا بلوچستان. تعامل و جلب رضایت آنان در استفاده از محل سکونتشان، همچون سیاه‌پوش کردن شهرهای سنی‌نشین، چه اخلاقاً و چه راهبردی لازم است. این گروه از اهل سنت در برابر برگزاری اربعین دو احساس منفی دارند: یکی استفاده از امکانات فوق‌العاده کشور برای برپایی این رویداد در مقابل محدودیت‌ها برای برخی مراسم اهل سنت و دوم، احساس استفاده اجباری و غیررضایتمندانه نهادهای و مسئولان برگزاری اربعین از امکانات شهر و منطقه آن‌ها. این احساسات منفی باید دست کم در زمینه‌هایی که امکان دارد، کاسته شود.

❖ ۳.۴.۴. تمرکز بر اصل و هدف مراسم اربعین ❖

در آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیمی که به زائران اربعین داده می‌شود، بر فلسفه برگزاری رویداد و ابعاد مذهبی آن تأکید شود تا حاشیه‌های آن از متن اصلی پررنگ‌تر نشود. برای نمونه، توصیه به حضور در موكب‌هایی که عزاداری یا سخنرانی مذهبی دارند، تأمل درباره فلسفه قیام امام حسین علیه السلام هم‌زمان با پیاده‌روی مسیر، برپاداشتن فریضی همچون نماز اول وقت و ترجیحاً به جماعت و... برخی از این پیشنهادهاست.

❖ ۳.۶. پیشنهادهای حوزه اقتصادی ❖

❖ ۳.۶.۱. شفافیت نهادها در

❖ بیان هزینه‌های اربعین ❖

بخش زیادی از شایعات مطرح‌شده درباره اربعین که منتقدان از آن‌ها استفاده و به آن‌ها استناد می‌کنند، درباره میزان هزینه‌هایی است که حکومت جمهوری اسلامی و نهادهای دولتی در اربعین خرج می‌کند. بیان دقیق و شفاف این هزینه‌ها تا حد زیادی از شکل‌گیری و گسترش شایعات در این زمینه جلوگیری می‌کند.

❖ ۳.۶.۲. کاهش استفاده از اموال

❖ عمومی در اربعین ❖

برخی ادارات و نهادهای دولتی حجم زیادی از اموال عمومی را برای برگزاری اربعین به کار می‌گیرند که عملاً هزینه‌کرد از اقتصاد کشور است. ضمن اینکه این نهادها با اعزام یا رفتن کارمندانشان به سفر اربعین موافقت می‌کنند، بدون آنکه شخص جایگزینی در این مدت یک هفته تا ده روز، مسئولیت کامل انجام کارهای آن‌ها را بر عهده بگیرد. طبیعی است ارباب‌رجوع که چندین روز معطل بازگشت این دسته از کارمندان می‌شود، به کل ساختار اربعین دیدگاه منفی پیدا کند. بنابراین نهادها لازم است در خصوص استفاده‌نکردن از منابع دولتی و نیروی کار ضروری خود در اربعین جدی‌تر عمل کنند.

❖ ۳.۶.۳. ارائه مشوق‌های اقتصادی

❖ به اهل سنت ❖

یکی از نخستین راهکارها برای همراه کردن اهل سنت یا دست‌کم برطرف کردن مخالفتشان با این مراسم، دسترسی آن‌ها به منافع اقتصادی حاصل از این رویداد است. آن‌چنان‌که در سخنان اهالی مریوان دیدیم که به پیامدهای اقتصادی مثبت این رویداد در شهرشان امیدوار بودند؛ اما نتیجه‌ای حاصل نشد. برنامه‌ریزی

اگر به‌گونه‌ای باشد که استفاده از خدمات و کالاهای موجود در این شهر، همچون رستوران‌ها و... در دستور کار قرار گیرد، احتمالاً همراهی بیشتر اهل سنت را در پی خواهد داشت.

❖ ۳.۶.۴. توجیه زائران

❖ درباره هزینه‌های سفر ❖

از انتقادات اقتصادی زائران هزینه‌های سنگین این سفر است. به نظر می‌رسد این احساس به‌واسطه رایگان‌پنداری سفر اربعین در میان بخشی از زائران ایرانی شکل گرفته باشد. بنابراین، لازم است به آن‌ها به‌شیوه‌های گوناگون یادآوری کرد که اربعین سفر رایگانی نیست و دولت موظف نیست همه امکانات سفر اربعین را به رایگان فراهم کند.

❖ ۳.۷. پیشنهادهای حوزه گردشگری ❖

عموماً مسئولان با توجیهاتی همچون قیاس‌ناپذیر بودن زیارت اربعین با سفرهای خارجی دیگر، بر انتقادات بخشی از افراد چشم‌پوشی می‌کنند. این در حالی است که در جهان شناختی این افراد، لزوماً ذهنیت مذهبی مسئولان و بخش متدین جامعه درک‌شدنی نیست و بنابراین تولید نارضایتی می‌کند. در این زمینه دو راهکار عملی پیشنهاد می‌شود:

❖ ۳.۷.۱. ارائه خدمات مشابه به

❖ دیگر ایرانیان ❖

همان‌گونه که اشاره شد، بخشی از ایرانیان به امکاناتی که در اربعین برای زائران فراهم می‌شود و در مقابل، نبود چنین امکاناتی برای کسانی که به گونه‌های دیگر از سفر علاقه‌مندند، انتقاد داشتند. به نظر می‌آید برای کاستن از این انتقاد، دست‌کم یکی از خدماتی که به زائران داده می‌شود، به شهروندان غیرزائر نیز داده شود. برای نمونه، چنانچه عوارض خروج از کشور از زائران دریافت نمی‌شود یا مبلغش اندک است، چنین

می‌شود که این تصویر مطلوب از آیین اربعین، از دو گروه بزرگ آسیب‌ها صدمه می‌بیند: آسیب‌های مربوط به نقش دولت در این رویداد و آسیب‌های مربوط به جامعه، به‌ویژه زائران و مشارکت‌کنندگان در برگزاری این مراسم. بنابراین می‌توان برای تک‌تک آسیب‌های برشمرده‌شده راهکار ارائه داد؛ اما به نظر می‌آید ارائه پیشنهادها و راهکارهای معطوف به این دو ابرگروه در جلوگیری از پراکندگی مبحث یاری‌رسان باشد.

❖ ۴.۱. محور ۱

❖ پیشنهادهای ناظر به نقش دولت

❖ ۴.۱.۱. حفظ کرامت زائران و

❖ حفظ ارزش مردمی اربعین

این موضوع در واقع پیشنهاد محوری برای حضور دولت در زیارت اربعین است. ضعف زیرساخت‌ها و مدیریت نابسامان در انتقال زائران، آزار و هتک حرمت ایشان را در پی داشته است. از طرف دیگر، با ورود دولت به عرصه «تشویق فراوان» به زیارت و رساندن خدماتی که در حیطه وظایف دولت نیست و باید مردمی باشد، از ارزش مردمی بودن زیارت اربعین کاسته شده است.

تمرکز حکمرانی بر وظایف اولیه و ذاتی خود و اجتناب از ورود به حیطه فعالیت‌های مردمی، باید از رویکردهای بسیار مهم در تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران باشد. دولت می‌تواند با تمرکز بر وظایف اولیه خود بیشترین خدمت را به زائران اربعین ارائه کند. پیشنهاد می‌شود دولت بر محورهای زیر تمرکز کند:

❖ ۴.۱.۲. مدیریت جمعیت

برای مدیریت جمعیت زائران ایرانی، بهتر است زائران در سامانه سازمان حج و زیارت ثبت‌نام کنند، مشابه روال ثبت‌نام حج و متناسب با ظرفیتی که دولت عراق اعلام می‌کند، تعداد زائران هر سال مشخص شود. برای این کار می‌توان مشابه حج برای زائرانی که سفر اولشان است و گروه‌های سنی خاص، اولویت مشخص کرد.

گزینه‌ای برای همه شهروندان یک‌بار در طول سال در نظر گرفته شود. بخشی که علاقه‌مند به زیارت است، در سفر اربعین یا دیگر سفرهای زیارتی از آن استفاده می‌کند و بخشی که علاقه‌مند به استفاده از آن در سفرهای خارجی دیگر است، در آنجا از این سهمیه سود خواهد برد. قطعاً درصد زیادی از شهروندان، باتوجه به وضعیت اقتصادی کشور، امکان سفر خارجی حتی به کشورهای همسایه را ندارند و حتی با برداشته شدن عوارض خروج از کشور این امکان فراهم نخواهد شد. اما نفس این کار، تا حدود زیادی از احساس تبعیض در میانشان خواهد کاست.

❖ ۳.۷.۲. تلاش در جذب غیر مذهبی‌ها

این کار با تأکید بر بُعد گردشگری غیرزیارتی عراق می‌تواند صورت گیرد. این تأکید در ایام اربعین یا حتی غیر اربعین در این زمینه برای بخشی از جامعه ایران جذاب خواهد بود. برای نمونه، می‌توان به وجود طاق کسری که برای دوست‌داران فرهنگ ایران باستان اثری ارزشمند است و در نزدیکی بغداد و کاظمین جای دارد، تأکید کرد. همچنین معرفی دیگر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی عراق، همچون شهر تاریخی بابل، یا اشاره به وجود صدها اثر تاریخی مربوط به دوره‌های اشکانی و ساسانی در موزه ملی عراق، می‌تواند باعث شود ایرانیان علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ باستان به این سفر جذب شوند.

❖ ۴. جمع‌بندی

❖ پیشنهادها و راهکارها

برپایه پیشنهادها و راهکارهای بیان‌شده، می‌توان دسته‌بندی کلی‌تر و کوتاه‌تری از پیشنهادها و راهکارها ارائه داد که ناظر به ترسیم تصویر مطلوب از زیارت اربعین باشد. با نگاهی به دسته‌بندی آسیب‌ها مشخص

❖ ۴.۱.۳. مدیریت و بهبود زیرساخت حمل‌ونقل در ایران و عراق ❖

حمل‌ونقل زائران، چه در ایران و چه در عراق، مشکلات جدی دارد. برای حل این مسئله دولت می‌تواند با تنظیم‌گری مناسب و ایجاد تسهیلات به بخش خصوصی فرصت حل این مسئله را بدهد. ایجاد پایانه‌های مسافربری و بازسازی و توسعه جاده‌ای و ریلی مسیرهای زائران در ایران و عراق از اقدامات مهم در ترابری بهتر زائران است. شایان ذکر است در صورتی که دولت بخواهد به صورت جدی وارد قیمت‌گذاری خدمات شود و تلاش کند هزینه سفر اربعین را به حداقل برساند، قطعاً امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش خواهد یافت.

همچنین به دولت ایران پیشنهاد می‌شود اجازه دهد دولت عراق عوارض خود را بگیرد و آن‌ها را تشویق کند از محل عوارض، زیرساخت‌های سفر ایرانیان به عراق را توسعه دهد.

❖ ۴.۱.۴. ارائه تصویر درست و راهنمای زائر ❖

رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران، در ساختن تصویر اربعین در ذهن ایرانیان تأثیر بسزایی گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد ایجاد تصویر «سفر ارزان» توسط رسانه‌ها یکی از آسیب‌های مهم این عرصه است. برای بهتر شدن تصویر زیارت اربعین، رسانه‌های دولتی می‌توانند بر مفاهیم زیر تمرکز کنند:

- ترویج معانی و آداب درون‌دینی زیارت اربعین؛
- تمرکز بر مفهوم «سفر ساده» به جای «سفر ارزان»؛
- آشناساختن زائران ایرانی با آداب و فرهنگ مردم عراق برای رفتار بهتر.

❖ ۴.۲. محورها پیشنهادی ناظر به نقش جامعه و فرهنگ ❖

❖ ۴.۲.۱. ارائه محتوا به روحانیون و چهره‌های مذهبی اثرگذار ❖

اشخاص و چهره‌های مذهبی، مانند مراجع، مداحان و وعاظ سرشناس و... امکان اثرگذاری عمیقی بر رفتارهای جامعه مذهبی دارند. جهت‌دهی به رویکرد این افراد در زمینه وضعیت مطلوب در زیارت اربعین تأثیر بسزایی در ترسیم و اشاعه تصویر مدنظر از این پدیده خواهد داشت. تهیه محتوای مناسب و ارائه الگوی مطلوب تصویر اربعین به این افراد در قالب جلسه با ایشان، اولین پیشنهاد برای اصلاح تصویر زیارت اربعین است.

❖ ۴.۲.۲. تهیه محتوای چندرسانه‌ای در بستر رسانه‌های مذهبی ❖

ظرفیت بالقوه رسانه‌های مذهبی بستر مناسبی است برای ارائه محتوا به جمع گسترده‌ای از جامعه مذهبی ایران. تهیه محتوای چندرسانه‌ای به منظور بازنشر در بستر رسانه‌های مذهبی یادشده، امکان ارائه تصویر مطلوب از اربعین را به جمع گسترده‌ای از مخاطبان فراهم می‌آورد.

❖ ۴.۲.۳. پیشنهاد الگوی مطلوب خدمات‌رسانی به موکب‌داران ایرانی ❖

از ویژگی‌های بسیار مهم در خدمت‌رسانی به زائران اربعین در میان میزبانان عراقی، سادگی و اخلاص است. موکب‌های ایرانی بعضاً به دلیل برخورداری بیشتر از امکانات مادی، عامل به‌حاشیه‌رانده شدن موکب‌های ساده عراقی هستند. تغییر این الگو با محوریت سادگی ناظر به معانی درون‌دینی زیارت اربعین می‌تواند الگوی جدیدی از خدمت‌رسانی به زوار را برای موکب‌های ایرانی بازنمایی کند. تکرار تجربه‌ای مانند «افطاری ساده» در مساجد کشور در ماه مبارک رمضان که با پشتوانه حمایت و تشویق چهره‌های اثرگذار شکل گرفت، برای پدیده زیارت اربعین و ناظر به عملکرد موکب‌های ایرانی نیز می‌تواند تکرار شود.

❖ ۴.۲.۴. تقبیح سویه‌های کارناوالی در پیاده‌روی اربعین ❖

یکی از راهکارهای جلوگیری از وقوع پدیده نامطلوب، روشن‌شدن نامطلوب‌بودن آن پدیده در اذهان عمومی است. رویکرد عمده‌ای که در تمامی فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغی در زمینه ارائه تصویر مطلوب از اربعین باید لحاظ شود، تقبیح سویه‌ها و جنبه‌هایی است که به فاصله‌گرفتن زیارت اربعین از جنبه درون‌دینی و کارناوالی‌شدن آن منجر می‌شود.

❖ ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ❖

رویداد پیاده‌روی اربعین که در دهه گذشته با رشد بسیار زائران ایرانی و غیرایرانی روبه‌رو شده، نگاه‌های تحسین‌برانگیز را از سویی و سخنان انتقادی را از سوی دیگر به خود کشانده است. هم در نگاه‌های انتقادی بزرگ‌نمایی می‌شود و هم در برخی نگاه‌های تحسین‌برانگیز. در ضمن آسیب‌هایی که بر این رویداد وارد شده و می‌شود، نادیده گرفته می‌شود. البته بیشتر آسیب‌های اربعین را موافقان و زائران مطرح و سپس افراد منتقد و مخالف این مراسم، برجسته و بزرگ‌نمایی می‌کنند. این بزرگ‌نمایی در میان بخشی از جامعه که به زیارت اربعین نرفته و از نزدیک این رویداد را ندیده و به‌ویژه در آن گروهی که منتقد گسترش فعالیت‌های مذهبی در جامعه‌اند، پذیرفته شده است. از همین روست که شناخت این آسیب‌ها با هدف کاهششان می‌تواند هم رضایت زائرانی را فراهم آورد که با مسائل و مشکلات حضور در اربعین روبه‌رو هستند. همچنین هم نهادهای دولتی و غیردولتی دخیل در برگزاری این رویداد را کمی از انتقادات دور می‌سازد، هم از نارضایتی شهروندانی می‌کاهد که در این رویداد شرکت نمی‌کنند. نادیده‌گرفتن این آسیب‌ها قطعاً بر میزان نارضایتی‌های طرفین، چه موافقان و چه مخالفان، می‌افزاید و هزینه‌هایی گزاف بر برگزارکنندگان این رویداد و حتی خود رویداد وارد می‌کند.

بنابراین، در این گزارش در پی آن بودیم تا آسیب‌های عمده و اصلی را که در این سال‌ها

متوجه رویداد بوده است، شناسایی کنیم. در این راه آسیب‌هایی را که پیش‌ازاین در آثار مکتوب، یعنی گزارش‌ها و کتاب‌های تحلیلی و سفرنامه‌ها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ثبت شده بود، از دل منابع بیرون کشیدیم. همچنین با کارشناسان و خبرگان آشنا به بحث و نیز موافقان و منتقدان این رویداد مصاحبه‌هایی انجام دادیم. در نهایت، آسیب‌ها در هفت گروه دولتی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، دینی، محیط‌زیستی، سیاسی بین‌المللی و گردشگری شناسایی شد. در هریک از این گروه‌ها چندین آسیب اصلی شناخته و بررسی شد. در پایان، راهکارهایی برای برطرف‌شدن بعضی از این آسیب‌ها یا کاهش میزان اثرگذاری‌شان مطرح شد.

برای برطرف‌شدن برخی آسیب‌ها و اجرایی‌شدن راهکارهای پیشنهادی، به فعالیت حکومت و نهادهای دولتی ایران نیاز بود. این حضور پررنگ و برجسته نهادهای دولتی در مدیریت این مراسم، هم انتقاد کارشناسان، هم بسیاری زائران، هم همه منتقدان و هم طرف عراقی را در پی دارد. برخی افراد ریشه شماری از دیگر مسائل رویداد، همچون مسائل سیاسی و بین‌المللی را نیز در همین دولتی‌شدنش می‌بینند. بنابراین این بخش از آسیب‌ها و راهکارها برای کاهش آن، مستقیماً متوجه جمهوری اسلامی و نهادهای دولتی است.

البته این سخن هرگز به‌معنای نادیده‌گرفتن نقش دولت در برگزاری این رویداد نیست. بلکه نهادهای دولتی لازم است برای برگزاری هرچه بهتر آن، بخش‌ها و حوزه‌هایی را پوشش دهند که از توان نهادهای غیردولتی بیرون است؛ حوزه‌هایی همچون تأمین امنیت که تاکنون به‌خوبی دولت‌های دو کشور از عهده آن برآمده‌اند، هماهنگی برای ثبت‌نام و اعزام زائران، مسائل و فعالیت‌های مرزی، تأمین زیرساخت‌هایی که کمبود آن‌ها احساس می‌شود، همچون سرویس بهداشتی در طول راه و همچنین در مقصد، حل معضلات بهداشتی و محیط‌زیستی و... اما برپایی موب‌های بزرگ و گاه لوکس در طول راه از سوی نهادهای بی‌ربط یا حتی مرتبط با اربعین، به‌کارگیری شعارها و نمادهای سیاسی در طول راهپیمایی و...، آسیب‌هایی جدی بر این رویداد وارد

می‌کند که در متن گزارش به آن‌ها اشاره شد. اما شمار زیادی از آسیب‌ها مستقیماً با دولت ارتباطی ندارد و بیشتر به پنداشت‌ها، پیش‌داوری‌ها، فرهنگ سفر و زیارت ایرانیان باز می‌گردد. راهکارهای این بخش، این ویژگی را دارد که هم می‌تواند از سوی نهادهای دولتی و هم از سوی نهادهای مدنی و غیردولتی فعال در زمینه رویداد محل توجه قرار گیرد و در راه کاهش یا برطرف کردنشان اقدام شود. در این زمینه، شاید ناآشنا بودن زائران ایرانی و میزبانان عراقی با فرهنگ یکدیگر و اختلافات یا ناراحتی‌هایی که گاه رخ می‌دهد و البته از سوی میزبانان عراقی کمتر بیان می‌شود، مهم‌ترین آسیب باشد و به‌جای آنکه از اربعین به‌مثابه فرصتی برای نزدیکی دو ملت ایران و عراق بهره‌برد، به افزایش تنش میان این دو ملت منجر شود.

نگارنده این گزارش در کنار گروه بررسی‌های راهبردی میراث، امیدوار است این اثر را نهادهای و افراد دولتی و مدنی درگیر با رویداد و همچنین کارشناسان این حوزه مطالعه کنند و بهره‌برند.

❖ کتابنامه ❖

ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، محقق و مصحح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویه.

آقاسی، محمد (۱۳۹۹)، دل به عشقت مبتلا شد، تهران: کتاب نیستان.

امین، محسن (۱۳۹۷)، «حاد واقعیت ژان بودریار؛ بررسی شایعات رسانه‌ای درباره آیین پیاده‌روی اربعین»، در پیاده‌روی اربعین؛ تأملات جامعه‌شناختی، به کوشش محسن حسام مظاهری، اصفهان: آرما، ص ۱۱۵ تا ۱۴۲. انگروزیانو، مایکل (۱۳۹۶)، درآمدی بر مردم‌نگاری، برگردان جبار رحمانی و محمد رسولی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

ایسپا: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۵)، گزارش نظرسنجی بررسی نگرش شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اربعین حسینی، منتشرنشده.

ایسپا: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۶)،

گزارش نظرسنجی بررسی نگرش شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اربعین حسینی، منتشرنشده.

ایسپا: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۷)، گزارش نظرسنجی بررسی نگرش زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین حسینی: موج چهارم، منتشرنشده.

ایسپا: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۸)، گزارش نظرسنجی بررسی نگرش زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین حسینی: موج پنجم، منتشرنشده.

ایسپا: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۴۰۱)، گزارش نظرسنجی بررسی نگرش زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین حسینی: موج ششم، منتشرنشده.

پویافر، محمدرضا (۱۳۹۷)، «حیران در مسیر، وامانده در خود»، در: روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۲۳۷ تا ۲۹۵.

تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۱)، «آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی: بررسی جامعه‌شناختی»، دوفصلنامه شیعیه‌پژوهی، دوره ۸، ش ۲۲، ص ۱۱۴ تا ۱۳۷.

تیموتی، دالن و دانیل السن (۱۳۹۲)، «گردشگری و سفرهای زیارتی»، در: گردشگری، دین و سفرهای معنوی، ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی‌فرد، تهران: جامعه‌شناسان، ص ۱۳ تا ۳۰.

جعفری، جواد (۱۳۹۷)، «تأملی در مقایسه زیارت کربلا با حج و عمره»، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۳۵، ص ۷ تا ۲۴.

جوادی یگانه، محمدرضا و محمد روزخوش (۱۳۹۷)، مقدمه ویراستاران علمی، روایت پیاده‌روی اربعین: روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۱ تا ۸.

حسینی هاشم‌زاده، داوود (۱۳۹۷)، «روایتی اجتماعی از پیاده‌روی اربعین»، در: روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۳۴۳ تا ۳۹۰.

رحمانی، جبار (۱۳۹۵)، تغییرات مناسک عزاداری محرم؛ انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم، تهران: تیسرا.

رحمانی، جبار (۱۳۹۷)، «مینیاتوری از تشیع»، در: روایت

پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۳۹۱ تا ۴۴۸. شرافت، نعیم (۱۳۹۷)، «روزگار مشائیان کربلا»، در: روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۱۱ تا ۷۰. شیروانی، علی‌اکبر (۱۳۹۷)، «سربرنیتسا تا کربلا»، در: روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۷۱ تا ۱۱۰.

عبدی خجسته، لیلا (۱۳۹۷)، «همراه زائرین پاکستان در مشی اربعین»، در: روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۱۱۱ تا ۲۳۱. غرسبان، مرتضی (۱۳۹۶)، «راه‌پیمایی اربعین؛ ظرفیت‌ها و آسیب‌ها»، ماهنامه مبلغان، ش ۲۲۰، مهر و آبان، ص ۴ تا ۱۲.

غلامی، علی (۱۳۹۴)، «مراسم آیینی اربعین حسینی ۱۴۳۶؛ تلاش برای بازخوانی»، در: مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین، به کوشش مسعود معینی‌پور، تهران: سوره مهر، ص ۹۷ تا ۱۳۶.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نی.

قمی، عباس (۱۳۸۶)، مفاتیح الجنان، تهران: مشعر. گونلو، ابرو (۱۳۹۱)، «حج؛ تجربه زائران زن ترک»، در: جعفری، جعفر و نوئل اسکات، گردشگری در جهان اسلام، برگردان مهدی رمضان‌زاده، محمود حسن‌پور و نازنین تبریزی، تهران: مهکامه، ص ۲۳۱ تا ۲۴۵. گی، چاک وای و ادواردو فایوسولا (۱۳۹۰)، گردشگری در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، چ ۷، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مظاهری، محسن‌حسام (۱۳۹۷)، «اربعین ایرانی: رشد تصاعدی آمار ایرانی‌ها در پیاده‌روی اربعین؛ دلایل و پیامدها»، پیاده‌روی اربعین؛ تأملات جامعه‌شناختی، به کوشش محسن‌حسام مظاهری، اصفهان: آرما، ص ۱۹۹ تا ۲۴۰.

مظفری، مهدیه (۱۳۹۷)، «اربعین کلمات»، روایت پیاده‌روی اربعین؛ روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از پیاده‌روی اربعین و آیین جاماندگان ۱۳۹۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ص ۹۱۱ تا ۹۷۱. میرزازاده، فرامرز (۱۳۹۷)، «پیامدهای سیاسی آیین پیاده‌روی اربعین»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۶، ش ۲، ص ۵۱ تا ۷۶.

نجاتی، محمدسعید (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی میدانی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی از زاویه فرهنگ زیارت در اسلام»، فصلنامه زیارت، ش ۳۱، ص ۱۶۷ تا ۱۸۵. نجفی، حافظ (۱۳۹۸)، پیاده‌روی اربعین؛ فرصت‌ها، آسیب‌ها و توصیه‌ها، تهران: مشعر.

نصراوی، محمد (۱۳۹۹)، امید در آستانگی و آکاوی انسان‌شناختی سه زیارت سانتیاگو د کامپوستلا، حج و اربعین، با مقدمه گرگری کلیز و بابک رحیمی، تهران: نگاه معاصر.

هاشمی‌مقدم، امیر (۱۳۸۹)، «راهنمای عملی بحث گروهی متمرکز»، در: سعیدی، احمد، امیر هاشمی‌مقدم و حسین میرزایی، درآمدی بر روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: جهاد دانشگاهی و جامعه‌شناسان.

هاشمی‌مقدم، امیر (آماده انتشار)، سفرنامه شیعه باستان دوست.^{۶۳}

Butler, R.W., 1980, "The Concept of a Tourist Area Cycle of Evolution: Implications for Management of Resources", *The Canadian Geographer / Le Geographe Canadian*, 24: 1, pp:5-12.

Frey, N. L., (1998), *Pilgrim Stories: On and Off the Road to Santiago*, University of California Press.

Greenwood, D.J., (1977), "Culture by the Pound: An Anthropological Perspective on Tourism as Cultural Commodification", from: Smith, V (ed) *Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism*, Pennsylvania,

۶۳. این سفرنامه در سال ۱۳۹۷ با همین نام و در هشت بخش در خبرگزاری مهر منتشر شد و در دسترس است. اما با افزودن اضافاتی به آن، در قالب کتاب آماده انتشار است.

- PA: University of Pennsylvania Press, pp: 129-138.
- Hashemi Moghaddam, A., (2019), "Anti-Tourism Against the Commodification of Culture: Varf Chal (pour snow in pit)/ Zan Shahi (Kingdom of Women) Ceremonies in the North of Iran", from: Hassan, A. and Sharma, A. *Tourism Events in Asia*, Routledge, pp: 148-162.
- Hashemi Moghaddam, A., (2021), "Tourism Problems between Iraq and Iran" , from: Aan Iranian Point of View, Al-Bayan Center for Planning & Studies, Baghdad.
- Nikjoo, A.; Sharifi-Tehrani, M.; Karoubi, M. & Siyam-iyani, A., (2020), from: "Attachment to a Sacred Figure to Loyalty to a Sacred Route: The Walking Pilgrimage of Arbaeen", *Religions*, 11:145 <https://dx.doi.org/10.3390/rel11030145>.
- Nikjoo, A.; Razavizadeh, N. & Di Giovine, M. A. (2021) "What draws Shia Muslims to an Insecure Pilgrimage? The Iranian Journey to Arbaeen, Iraq During the Presence of ISIS", *Journal of Tourism and Cultural Change*, 19:5, 606-627, <https://doi.org/10.1080/14766825.2020.1797062>.
- Turner, V. & Turner, E. (1978), *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, Columbia University Press.
- Van Gennep, A. (1960), *The rites of passage: a classic study of cultural celebrations*, translated by Monika Vizedom and Gabrielle Caffee, England: Routledge and Kegan Paul.

❖ پیوست‌ها ❖

درخواست کمک مالی به موبک حضرت معصومه

شماره: ۰۱۹۴۰۰۹۴۰۰۰۰۴
تاریخ: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵
پیوست:

الحمد لله



برادر بزرگوار جناب آقای حاج حسن احمد لو
رئیس محترم اتاق اصناف استان قم

سلام علیکم

با تقدیم احترام بدین وسیله به استحضار می‌رساند بعد از توفیق ساخت شرح مطهر امام حسین (علیه السلام) در شهر مقدس قم، اتفاق مبارکی در اربعین سالهای گذشته توسط مردم ولایت منار استان قم در کربلای معلی رخ داد که حاصل آن تشکیل موبک حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) اهالی قم المقدسه، مستقر در کربلای معلی می‌باشد. این موبک طی سه سال گذشته توانسته است با حمایت اصناف و اتحادیه های استان قم خدمات قابل توجهی به زائرین اربعین حسینی ارائه نماید.

لذا از محضرتان تقاضا دارد دستور لازم را جهت مشارکت اصناف و اتحادیه های استان در این امر شریف فرمایید. پیشاپیش از عنایت و توجه حضرتعالی و همکارانتان به این امر مقدس و آسمانی تشکر و سپاسگزاری می‌گردد. ضمناً به پیوست لیست اقلام ضروری مورد نیاز برای اربعین ۱۳۹۶ حضورتان تقدیم می‌گردد.

۰۱۹۴۰۰۹۴۰۰۰۰۴	حساب سپیدی بانک ملی به نام موبک حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)	۱
۶۰۳۷-۹۹۷۱-۷۸۸۹-۶۵۶۰	شماره کارت بانک ملی به نام موبک حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)	۲
IR۱۰۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۹۴۰۰۹۴۰۰۰۰۴	شعبه بانک ملی	۳

والسلام علیکم ورحمة الله

محمود باقر جهانباف

مدیر موبک

عقاری

بزرگواران
موبک حضرت فاطمه معصومه
کربلای معلی
۱۳۹۶/۰۹/۰۵

اقلام ضروری موبک حضرت معصومه

شماره:
تاریخ:
پوست:

الحمد لله

شماره ثبت:
شماره سند:

اقلام مورد نیاز آشپزخانه‌ای
موبک قاطبه معصومه: اهالی قم المقدسه جهت اربعین سال ۹۶

ردیف	نوع جنس	تعداد/مقدار
۲۸	قاشق غذاخوری یک بار مصرف	۱۰۰,۰۰۰ عدد
۲۹	کاسه حلیم و آش یک بار مصرف	۶۰,۰۰۰ عدد
۳۰	قاشق کوچک	۳۰,۰۰۰ عدد
۳۱	سفره عرض ۶۰ سانت	۳۵۰ کیلو
۳۲	لیوان کاغذی کوچک	۵۰ کارتن
۳۳	لیوان کاغذی متوسط	۴۰ کارتن
۳۴	پلاستیک زکاتر کفش	۵۰ کیلو
۳۵	بشقاب صیقله	۳۰۰۰۰ عدد
۳۶	بشقاب وینریش بزرگ	۲ دستگاه
۳۷	کلوچه	۳۵۰ کارتن
۳۸	شیر کاکائو	
۳۹	آب میوه	
۴۰	شکر	۳۰ کیلو
۴۱	پنای ۱۰۰ گرمی	۶ کارتن
۴۲	دوغ	۴۰,۰۰۰ بطری
۴۳	شیرخشک (۲۰ کیلوین)	۲۵ کیسه
۴۴	ماکارونی	۲۰ کارتن
۴۵	لوبیا چیتی	۴۰۰ کیلو
۴۶	عدس	۶۰۰ کیلو
۴۷	لپه باقلا	۴۵۰ کیلو
۴۸	گندم حلیم	۳۰۰ کیلو
۴۹	شویب خشک	۸۰ کیلو
۵۰	زرد چوبه	۸۰ کیلو
۵۱	جو	۱۵۰ کیلو
۵۲	کشمش بلوین	۲۰۰ کیلو
۵۳	لیمو عمانی	۶۰ کیلو
۵۴	قند	۵۰ کیلو
۵۵	زرشک	۵۰ کیلو

قم، خیابان ۵۵ متری عمار پاسرو، کوچه ۱۳، پلاک ۴۱۳
تلفن: ۳۷۷۶۰۹۰۱ - فکس: ۳۷۷۶۰۹۰۲



www.mssinst.com | Contact@mssint.com

